



سپید و آبی

شماره آبی سلطان، ۳۲ مطبق میرالمیرا ۱۳۱۳ مطبق
سوی ۱۱۱۱ شماره مسلسل ۵۵۱۱
۴۷

Ketabton.com

در کف دست تان چیست

عشق و نان

صفا صفا میایی

سپاروون

شماره "چهارم" ماه مردان ۱۳۷۰ سال چهارم شماره مسلسل ۴۳



چند سال پیش پدر رئیس خانواده بود و حق داشت فرزندانش را به راه مستقیم رهنمایی کند و پدر میتواند کار کند و لقمه نانی که تهیه می کند تن فرزندانش را سیر سازد و در چنین حال فرزندان از پدر اطاعت داشتند و جوانان پدر و مادر را نمیگرفتند. اما امروز بچه‌ها پدر نمیخوانند در سن سختی روزگاران شکم سورتیهه کند بسیاری شان یا در ستان خود عزیزتر - بین جوانان خانواده را دفن کرد و پسران و دختران دیگر در سراق فرزند پسر شدند و حسرت و پندار بر دل هنوز منتظر برگشت آنان اند.

امروز بسیاری از جوانان از پدرها - پشان اطاعت ندارند امروز بسیاری از - برایم های ما از همین امر ناشی میگردد که جوانان نسبت به بزرگان ادب و احترام قایل نیستند و امروز بسیاری از جوانان به معلمان و استادان - اهمیت قایل نمیشوند امروز بسیاری از خانواده ها شیرازه و وراپنه های سنتی دیروز را از دست داده اند و در نتیجه بد بختی های زیادی داشته اند که شان شده است و این همه هدیه جنگ و مهابت است که پیش از سیزده سال از همران می گذرد - میتوان تره ویران شده را آباد کرد و میتوان اقتصاد پرباد رفته را رونق داد اما مشکل اصلی انسان های پرباد شده راه ساده کسی از نو ساخت و درد بزرگ ما همین است و هر روز که جنگ عمر بیشتر کسب می کند این درد بزرگتر میشود.

اداره مجله دوربرایس مطالب دست باز دارد
عقاید و نظریات در مضامین
نویسنده گان معلق است

بیماری های ژنتیکی

صفحه ۶۶

برونی کشور پرتو مند

صفحه ۸۲

عشق و نان

داستان کوتاه

صفحه ۲۸

سرنوشت شما در کف دست

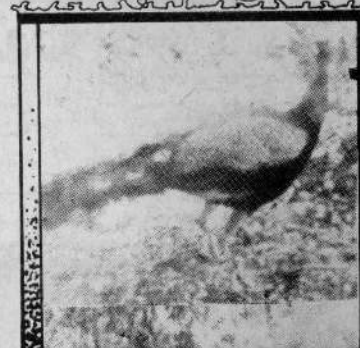
صفحه ۳۲

ملیونا

صفحه ۵۴



قلعه رودبا صفحه ۴۰

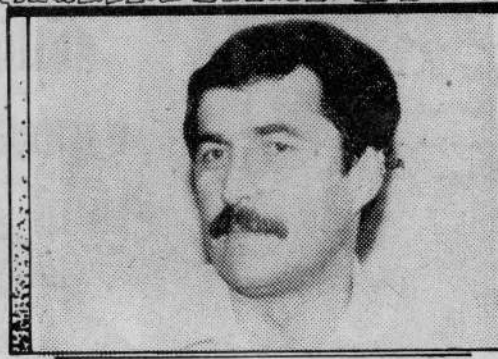


باغ وحش کابل صفحه ۱۱



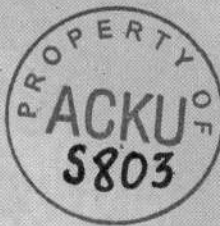
زمو نر ستره نری

صفحه ۱۴



تصویر ترملودی ها معنی رسد

SABAWOON
Monthly Magazine of
Journalists Union of
Afghanistan
Editor-in-Chief
Dr. Z. Tanin
Assistant
M.A. Mar



حساب بانکی (۲۳۳۰۰۰۸۰۰)
د افغانستان بانک

Add:
Block 106, 3rd Micro-man
Kabul - Afghanistan

مدیرمسوول: دوکوردظاهرطنین
تلفون: ۲۴۵۱۰
معاون: محمد آصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
مکرمترمسوول: ضیاء عبادی
نشریه اتحادیه ژورنالهاستان

خطاط: کبیرامیر و محمدنعمیم
نیکزاد
مگرافیک: نورمحمد وررضه
عکاس: شمعن گل
نایب: محمدجمعه، خواجه
مرزا - و زلمی "بول"
آمر چان: عبدالله
آدرس: مکسرودیان سوم،
بلاک (۱۰۶)
کابل - افغانستان

هند طلا تولید نمی کند اما به فروش می رساند.

کشور هند یکی از بزرگترین کشورهای خریدار طلا در جهان است. در سال ۱۹۸۱ هند ۱۶۶ تن طلا خریداری نمود. که این رقم به مراتب بیشتر از سالهای قبل است. ولسی این مقدار طلا نیز برای هند وستان کافی نبود. قاچاقچیان شتافتند و در سال ۱۹۰ مقدار هند وستان وارد نمودند.

اما تعجب آورینا است که با وجود نیازند به این کشور به طلا هند در لیلیم زوین ۲۰ تن طلا را به فروش رسانید. که از دیگر آن ۲۴۰ میلیون دالر بدست آورد.

فروص خارجی هند وستان به بیس از ۷۰ میلیارد دالر بالغ میشود. به اساس گزارش آژانس نووستی هند وستان برای رفع بحران پولی خود قرار است ۱۰ تن طلا دیگ وجود را بفروش برساند. اما معلوم نیست که هند وستان را رفع خواهد کرد یا خیر.

در خود کشور هند وستان سالانه پیدایی دو تن طلا تولید می شود.



بن چه میشود؟

در گزارش در مدت ۸ الی ۱۰ سال، پارلمان و حکومت آلمان بهرین انتقال باید در برلین انجام دهد که آلمان به دو بخش تقسیم کرد بد روز ران کشور قرار گرفته.

بزرگ آلمان شرق برلین و مرکز آلمان فدرال بن تعیین کرد بد اما این که بروسه وحدت آلمان تکمیل کرد بد به مساهله انتقال مجدد پایتخت آلمان واحد به برلین یعنی از سایل د روز ران کشور قرار گرفته.

اشعه آفتاب بهترین وسیله تدایوی

از اثر تجیع تشعشعات نور آفتاب تا تیر معالجوی اشعه نور آفتاب بالای ارتقا بین انسان بلند می رود. نور این آفتاب جسم مریض را در اخته میسورد و عمیق تر به جسم فرو می رود که سایر وسایل معالجه بسا چنین عمق به جسم انسان تاثیر افکنده نمی تواند.

به اساس گزارش آژانس نووستی به اثر استعمال این جسم مریض تحت اشعه قرار می گیرد و این شیوه تدایوی غرض معالجه امراض پراشمیت راد یو کولیت و امراض ساری استفاده می شود.

در نتیجه تحقیقات به اثبات رسیده که از اشعه آفتاب میتوان به حیت بهترین آله تدایوی که از نقطه نظر ایکلوزیکی صاف و قادر به تدایوی هرگونه امراض است، استفاده کرد. بعد از تحقیقات همه جانبه، تولید چنین آله تدایوی در قزاقستان شوروی آغاز گردیده است. این آله از است ایینه مقعر به قطر ۷۰ سانتی رابرجود می آورد ترتیب یافته است.

در اکثر کشورهای جهان حقوق بشر نقض شده

سازمان عمومی بین المللی که چگونه می تطبیق حقوق بشر در کشورهای جهان را مورد ارزیابی قرار میدهد در این اواخر گزارش آزادی را، بهرامون وضع حقوق بشر در کشورهای جهان به نشر سپرده است.

این گزارش آزاد وضع حقوق بشر را در سال ۱۹۹۰ در اکثر کشورهای سواره ما مورد بررسی قرار داده است.

مغربین المللی به مجازات های کلوی در عراق و کوهستان در هنگام اشغال کوهت توسط عراق نیز تاکید شده است.

در گزارش مذکور همچنان به حادثه قتل سی نفر از ارضی ها که در نتیجه مناقشه مسلمانان و آذیها جهان بوقوع

به اساس اطلاع آژانس اطلاعاتی نووستی که این گزارش سال زمان مغربین المللی را راهبر داده است در بعضی از دول جهان زندانها را بخاطر داشتن عقاید مذهبی محسوس کرد بد اند. در ۱۰ کشور جهان حکم اعدام وجود داشته که هشتاد و نهصد اعدام شدگان در اتحاد شوروی و چین انجامیها بود است.

وزارت صحت عامه کشور سوئد برای جلوگیری از تشعشعات در موسسات طبی، گروه های کنترولی را بوجود آورده است که بنام (گروه های پرواز کننده) پاد می گردد.

اعضای این گروه ها بطور ناگهانی از شناخه ها باز بد می کنند و از موجودیت و عدم موجودیت برسویل طبی کنترولی بحمل می آورند. آنها همچنان تعمیر و سروطه شناخه را نیز کنترول می نمایند که همسایر های طبی مطابقت دارند یا نه.

گروه های پرواز کننده

بنای یادگاری اسرای جاپانی

در دهکده لیستونیکا واقع در ساحل جنوبی پاپیال که در ۷۰ کیلومتری ایرنووست اتحاد شوروی قرار دارد بنای یادگاری اسرای جنگی جاپانی افتتاح گردیده است.

آژانس خبری نووستی گزارش داده که در نخته سنگ این بنا اسرای آن سده جاپانی های که در این منطقه بدون اند و قبل از ترک اسیر بوده اند، در آن است. این جاپان در جنگ در جهای اسیر شده بودند.

هنرمندان زودتر از سیاستمداران متحد می شوند

کریا و جمهوری کوریا در شهر ساخالین جنوبی دایوگردد، به مقصد، مستقرین این فستیوال رسد قات هنرمندان گام دیگری به سوی اتحاد کوریا خواهد بود. جمهوری کوریا این پیشنهاد را بدوخته اما جمهوری دموکراتیک کوریا تا هنوز بمان یا سخنی نداده است.

انجمن کوریایی های ساخالین که یک انجمن جانبی دار اتحاد مجدد کوریا است پیشنهاد نموده تا در ماه اگست (اگست - سنبله) سال جاری عیسوی فستیوال هنرهای ملی کوریا با شرکت هنرمندان جمهوری دموکراتیک مسردم

بیکاری در چین

برای بیکاری یکی از راههای اجتماعی چین است. آنچه که آژانس نووستی گزارش داده بیشتر از ۲ فیصد اهالی مستعد به کارشهرهای مختلف چین بیکارند.

چین برای رفع بیکاری در سال ۱۹۸۶ سیستم مطابقی ارزیابی های اولی این سیستم نتایج مثبت به بار آورد.

در حال حاضر این سیستم ۴ (۴) میلیون نفر را در موسسات و ادارات مختلف چین احتوا کرده است.

توفان بی سابقه در جزیره تاسین

در این اواخر در جزیره تاسین توفان بی سابقه بی توقع بود. سته است. توفان مذکور ملغم کشتی نظامی را با نیروی عظیم به ساحل پرتاب نموده که کشتی مذکور به یک منزل اصابت نمود. که منزل مذکور را تخریب کرده اما تلفات جانی به بار نیاورده است.



تعمیر از صفحہ داری

از زمین

از زمان

از آنسوی در آنسوی



از وواج شہرہ ستیلا

الہیازت تایلور ہنرہ شہسہ مشہور سینما ہالیوڈ اخیراً اعلام نموده است کہ برای بار ہشتم ازدواج میکند . داماد یک کارگر سی و نہ سالہ ساختمانی بنام فورتنسکی است کہ الہیازت تایلور اورادریک در مانگاہ معتادین مواد مخدرہ کہ ہر دو در آن جاتحت تداوی قرار داشتند ملاقات نمود .

این ہنرہ شہسہ پنجاہ و نہ سالہ گفتمہ است : " زندگی لذت بخش و شیرین است بسا سپری شدن ہر روز بوشتر از

روز دیگر عاشق ہم می شوم . مراسم عروسی ہر دو قسرا است در ماہ اکتوبر صورت گورد آنها در کلینیک بیٹی فورد کہ یک در مانگاہ معتادین مواد مخدرہ و الکول در شہر رانچو-مہراز در ایالت کلفورنیا موقعیت دارد باہم ملاقات کردہ اند . خانم تایلور در گذشتہ ہفت بار ازدواج کردہ کہ دو بار آن باہر چارڈ ہسرتسون ستارہ نامدار سینما ہالیوڈ بودہ است . فورتنسکی از خانمش طلاق گرفتہ است .

نور کوشی ایک نور ستارہ مشہور

خانم دول انور ستارہ مشہور سینما و تلو یز یون بنگلہ دیش با گرفتن مقدار زیاد تابلوہٹ ہای خواب آور خود کش نمود . پولیس بنگلہ دیش گفتمہ : خانم دول انور کہ چہل و سہ سال عمر داشت قبل از آنکہ دست بہ خود کشی بزند پیامی رانوشتمہ بود کہ در آن گفتمہ آمدہ است : " هیچ کسی سہو و لمرگ من نیست ہ ولی از شہر ہرش تقاضا کردہ کہ قبل از آن کہ اورا بہ خاک بسپارد از وی عکس برداری نماید .

زنانی زنا زکشتہ

یک زندانی پاکستانی زندانی دیگر را کہ ہندو بود در شہر کویتہ بہ روز دوشنبہ (۲۲) جوہ لای صرف بہ خاطر آن کشت کہ او در بسترش برای لحظہ لمبده بود . اللہ دیتا مرد سی و پنج سالہ و تیکہ دید گوہر لال در بسترش لمبده فوق العادہ خشکی شدہ و بہ گسوہر لال حمل کرد مازگلویش گرفتہ وسرترتا وقتی بہ زمین کوبید کہ جان از تنش برآمد . مقامات زندان بعد از آن اللہ دیتا را بمسلول یک نفری انتقال دادند . وی کہ بہ اتهام قاچاق زندانی شدہ

است اکنون انتظار محاکمہ مجدد خود را باخاطر آدم کشی می کشد .

زنانی زنا زکشتہ

یک مرد امریکایی کہ در رشتہ کمیو تر کار می نماید در ایالت کونکتیکت ایالات متحدہ امریکہ بہ این اتهام بازداشت شد کہ سی ہزار مکالمہ تیلیفونی را انجام داد و در جریان آن بہ زنان مخاطبش می گفتمہ کہ اگر در برابر منازل شان برہنہ ایستادہ نشوند یکی از اعضای خانوادہ او کشتہ خواہد شد . این شخص کہ انتونی گاراہستی نام دارد بہ زنانکہ بہن سنہن سی و چہار تاہفتاد و چہار سال دارند تیلیفون نمودہ می گفتمہ کہ وی اعضای خانوادہ شان را اسارت دارد و اگر طبق خواست او عمل نکنند او گروگانش را خواہد کشت . پولیس گفتمہ است کہ وی زنان را بطور تصادفی انتخاب می کرد و یک روز حتی بہ یکصدوسی زن تیلیفون کردہ است . شخص مذکور بعد از پرداخت ۴۵۰۰ دالر جریمہ رہا گردید .

زنانی بہ منزل اولی

در حدود صد زن طرفدار محسن محمد ارشاد رئیس جمہور مخلوع بنگلہ دیش باجاہ روپ ہا بر منزل یک قانون دان دولتی کہ دوسوہ ارشاد را در محکمہ پیش می برد حملہ نمودند . آنہا کہ مربوط بہ جناح زنان حزب جتایا ارشاد استند بہ محلہ دہانندی کہ اقامتگاہ امون الحق مدعی العموم بنگلہ دیش است را ہمہما می نمودند . و چاروہا را کہ با خود حمل می کردند بہ منزل مدعی العموم پرتاب کردند .

یک روز نامہ رسمی چاپ بکونگہ گزارش دادہ است کہ یک خدمتہ بہ طور تصادفی کودک یک سالہ را بعد از آنکہ تلاش کرد اورا در ماشین رختشویی غسل بدہد کشت .

این تراژدی ماہ گذشتہ در منطقہ خنچانگہ در خانہ شخصی بنام ہیرگوما و ہیرکولی ہمسرش کہ ہر دو معلمین مکتب اند اتفاق افتاد .

انہا بہ خدماہ گفتمہ بودند کہ بعد از ختم رختشویی طفل را نیز شستشو دہد این خدمتہ سادہ کہ فکر میکرد کودک نیز مانند لباس در ماشین شستہ می شود بعد از ختم شستشو لباس طفل را نیز در ماشین انداختہ و ساکت ماشین را روشن نمودہ کہ در نتیجہ کودکی در ماشین لباسشویی غرق گردید و جسدش کسہ آغشته از خراشیدہ گی ہا و کبودی ہا بود بدست آمد . روزنامہ می افزاید کہ ایمن زن و شوہر بعدا بہ خاطر استخدام یک خدمتہ سادہ و بی عقل اظہا تاہ سف نمودند .

زنانی بایستہ از مردہا

در فلپین کارمندانی روزنامہ " فلپین ستار " اخیراً نوشتہ است کہ کارمندان زن در دستگاہ دولتی خانم کوراژون اکینو رئیس جمہور فلپین نسبت بہ کارمندان مرد افزایش یافتہ اما مردان پست ہای حساسی پالوسی سا زرا احراز کردہ اند . این روزنامہ طبق ارقام دفتر احصائہ فلپین نوشتہ است کہ در فلپین ہشتصد ہزار زن

بحث کارگر در دستگاه حکومت کاری نمایند در حالیکه تعداد مردان کارگر به هفتصد هزار نفر می رسد. خانم کور - از زن آکنو اولین رئیس جمهور زن در فلپین است. اما او سوماتی را اتخاذ نکرده که به استخدام زنان ترجیح داده شود.

فهمیده نشد که آیا اعضای خانواده وی آگاهانه بود رکشده را خورده اند و یا خمر ؟ فلپینانو خسر کابینی گفته است که خانواده دامادش به پراپلم های زیاد پولی مواجهه بودند و همیشه دامادش را - نصیحت می کرد که باکم بخود گذران نموده و تشویش نکند.

مجازات بخاطری محکوم شدند که در اطراف های شان سگرت دود کرده بودند. اجساد این دو مسرود خنجر که چهار دهه و شانزده سال عمر داشتند به روز هفت اسد در یک کانتینر - متروک که از طرف این مرکز در هپرو شیا جاپان برای تدا - بهر انتظامی استفاده میشد در هانت شد.

در ششوی از دواج زوج

مردان مسلمان سنگاپوری - متاهل به سوی جزایر باتام و نیتان اندو نیز یا رجوع می نمایند تا در خفای خانم های شان بار دیگر با زنان اندو - نیز یابی ازدواج نمایند . روز نامه سندی تایمز نوشته است که بسیاری این زنان کما - نی اند که بهین - نهین بیست الی سی ساله گی قرار داد - شته و از شوهران شان طلاق گرفته اند .

این زنان ازدواج بایک مرد مسلمان سنگاپوری رایگانه نجات شان از فقر می دانند . بسیاری مردان سنگاپوری بعد از ازدواج با زنان حیوانتر اند و نیز یابی همسران و اطفال شان را در - سنگاپور رها کرده اند .

پولیس با وقت رسیدن

تهران : چندی قبل در قسمت جنوبی شهر تهران هنگام کندن کاری تعداد یک گنج بزرگی از سکه های طلایی مسروط عصر سمانی هاسال های ۸۴۹ - ۱۱۱ و عباسی ۸۷۴ - ۱۱۱ و عباسیان سال های ۷۵۰ - ۱۲۵۸ کشف گردید پولیس ناوقت رسید کارگران ساختمان تار سیدن انها ۳۶۰ سکه طلایی را بالای زوگران به فروش رسانیده بود که از آن خشت طلایی به وزن ۱۰۲ کیلوگرام بوجود آمد و به تعداد ۸۶۰ سکه را پولیس ضبط نمود .

این دو نفر برای چهل و چهار ساعت در داخل کانتینر قفل شدند و آنها اجاز داشتند صرف یک جرعه چای بنوشند باوصف آنکه درجه حرارت هوادر ساه به سی و پنج درجه سانتی گراد برسد . پولیس آمر این مرکز را که یک موزه شخصی است تحت تحقیق قرار داده است

صدراعظم ایران

هند اجازت میباید

میرا قتل میگرد

چند را شکر صدر اعظم سابق هند در یک نشیوال اجازت نیافت موام را قطع نماید - نهرا انفرادی امنیتی استفاده از چاقو را درین محل منع قرار داده بودند . شکر از نوامبر سال ۱۱۱۰ تا انتخابات یکماه گذشته صدر اعظم هند بود حتی اعضای حزب جناتادال شکر در نشیوال سالانه (منگو) که در شهر شاهجهان بود برگزار شده بود اجازت نیافتند نزدیک وی قرار گیرند به تعقیب این ادعا که ترتیبات امنیتی بیشتر می توانست از قتل راجهو گاندی صدر اعظم سابق هند جلوگیری کند خدا - ظت شخصیت های بسیار مهم در هند بطور اساسی تشدید یافته است .

دو نفر زوجه جوان

در یک کافیس

جان سپردند

پولیس بتاريخ ۱۸ اسد سال جاری در توکیوگت دو تن از زوجوانان جاپانی بعد از آنکه در یک مرکز تریه مجد دنوجوا - نان بخاطر مجازات ، در یک کانتینر قفل شدند ، جان سپردند . زوجوانان مذکور همین

مردی بخانواده خود از زهر

یک روز نامه فلپینی نوشته است که یک کارگر کابینی یک نجار فقیر فلپینی بخاطر آنکه نمی توانست برای نفقه خانواده اش پول کافی بدست بیاورد اعضای خانواده خود را زهر داد و خودش نیز خودکشی کرد . روز نامه مانها تایمز نوشته است کابینی که بیست و نه سال عمر داشت به تاریخ پنج جولای بعد از آنکه پودر کشنده را به خورد خانواده اش داد و خود نیز آنرا سر کشید با همسر و سه طفلش در شفاخانه جان سپردند .

قتل

بخاطر

جهنم عروسان

دو بارلمان هند به روز نهم ۲۷ سرطان گفته شد که پولیس هند هشتصد و هفتاد و هشت قفسه قتل یک هزار و چهار صد و هفتاد و نه حاد می خودکشی را در ال ۱۱۱۰ ثبت کرده که به جهنم زنان ارتباط داشته است .

علاوه به آن دو هزار و چهار صد و هفتاد و هشت قفسه مرگ در بخش قانون جزای هند ثبت شده است .

پرداخت جهنم از طرف فانیل مروس به خانواده داماد در سال ۱۹۶۱ در هند غیر قانونی اعلام شد اما این عمل با تقاضای صریح تر به شمول پرداخت جوهرات تلوهینون ، موتو موتو سیکل علاوه اداه یافته است .

روزنامه های برجسته شهری هند هر روز گزارشات را بهرامون خودکشی عروسان نشر می نمایند . این خودکشی ها زمانی بر وقوع می پیوند که خانم خانه احساس می نمایند که نمی تواند فشار خانواده خسر را بخاطر جهنم بیشتر تحمل کنند و نمی توانند از خانواده پدر تقاضای جهنم بیشتر را نمایند . ارقام نشان میدهد که مرگ های مربوط به جهنم در دهات هند رو به افزایش است .

گروپ های حقوق بشر می گویند که صرف یک بخش کوچک مرگ های مربوط به پرداخت جهنم در دفتر پولیس ثبت میشود

فرد روز بزرگ مسیریان

چرا این همه ازدحام و ترافیک وحشتناک شهری را می توانیم

ترافیک هر چه عاجزتر کنترل سرعت وسایط را در دست های محین این جاده اعمار نماید و برای کنترل از سرعت در جاده های دیگر شهر نیز از این نوع موانع عبور یا سرعت ایجاد شود البته این موانع نباید بلند از ده سانتی باشد زیرا بعضی از این موانع در ایام سرما موجب ایجاد مشکلات میگردد در بسیاری کشورهای جهان این موانع را از طریق نصب سنگ ها در فاصله های نزدیک ایجاد میکنند

تاجانیکه دیده میشود بعضی از راننده گان در آرای اجازه نامه در پوری نبودن با برخی شان دارای اجازه نامه هستند اما در پوری رادرت بلد نمی باشند این مسورد نیز مورد توجه باید قرار گیرد تا کتون که دیده شده شرایط مجازاتی برای راننده های که موجب ایجاد حوادث ترافیکی میشوند مخصوصا وسایط دولتی را متضرر می سازند خیلی جدی نبوده و متراست " قوانین موجود یا حداقل در تطبیق آن تجدید نظر شود و برخورد مجازاتی شدید تر وضع شود اداره مجله سبازون در نظر دارد تا در زمینه نظریات شهریان و مسوولین راه نشسر رسانند

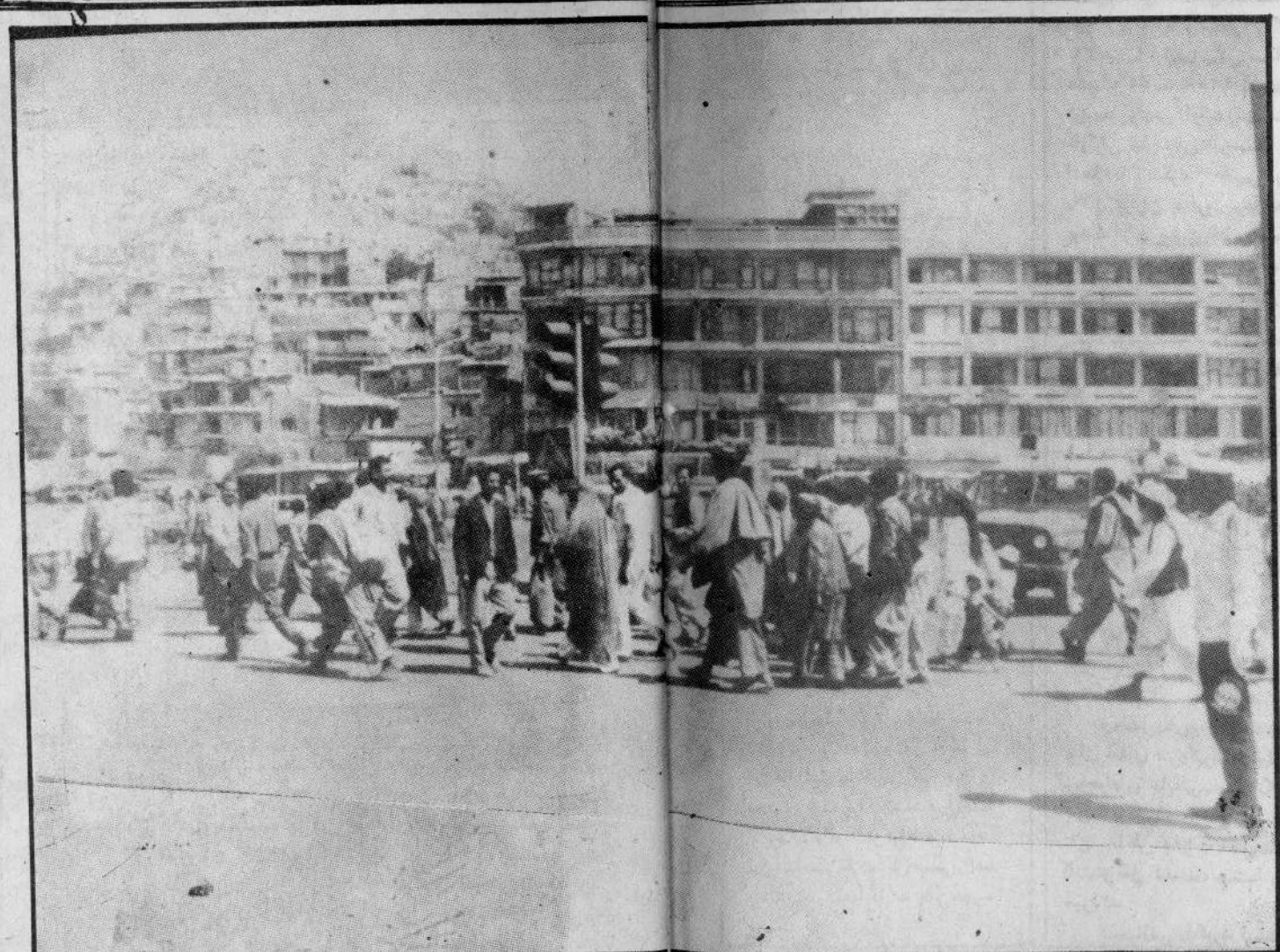
در ورترا مرکز شهر انتقال با بنسلا چنین ازدحام در جاده نالند که وات مقابل وزارت تعلم و ترهه نیز وجود دارد که گاهی موجب ایجاد درد سر زیاد برای راننده گان میگردد

چگونه ممکن خواهد بود که جلو سرعت موترها در شهر گرفته شود و وسایط نقلیه در شهر با معمارها و موازین بین المللی قانون ترافیک را رعایت کنند و جان همشهریان را از خطر محفوظ داریم

بختراست برخورد ترافیک نسبت به تخلفات همه وسایط نقلیه قاطع و جدی باشد در دینورد رعایت و جانبداری خلاف عدالت است

در مورد جاده های مزدحم تجدید نظر شده و برای وسایط نقلیه همشهریان که در شهر ضرورت دارند محلات پارکنگ جستجو شود بهتر خواهد بود در این پارکنگ ها وسایط از طرف یک نگهبان محافظت شود ضمنا از نظریق از وقوع حوادث انفجاری نیز جلوگیری بعمل آید

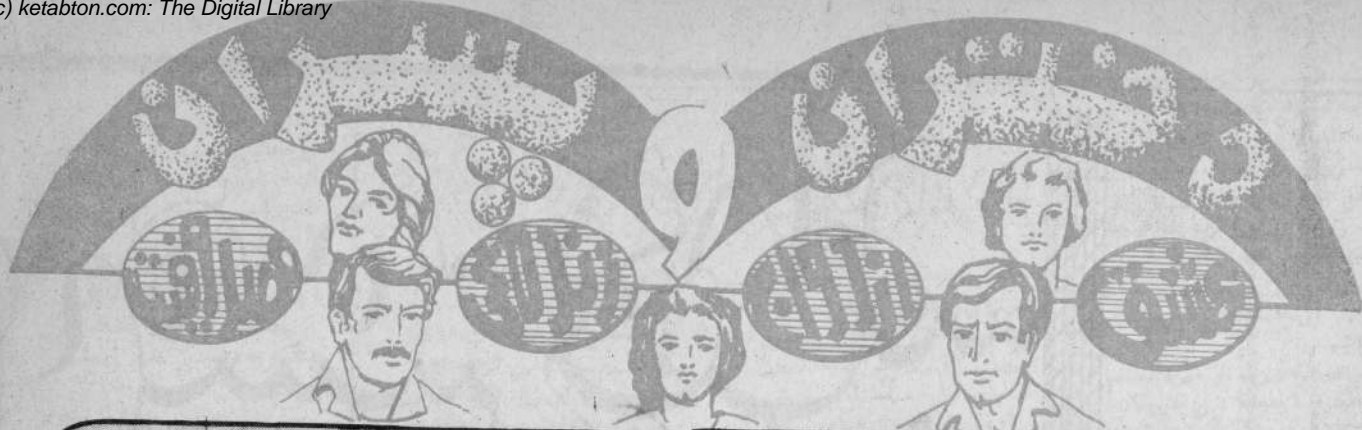
ترافیک بر علاوه جاده های که از آنجا تصادفات رسمی عبور و مرور دارند به نقاط دیگر شهر نیز توظیف شوند مثلا بارها شاهد حادثه های در مسرک جدید مکررون چه پارم بوده ام بختراست رعایت



خود " برخی وسایط تیز رفتار مربوط به فرماندهان های قطعات قوس یا سرمایدا را ن روز و روزها با چنان سرعت از جاده ها عبور می کنند که گویا طهاره می است که میخواهد در خط رنوی اوچ بگردد و جالب اینست که برخی از ترافیک ها بچسبی متوقف ساختن آنان برایشان سلام و لبخندی نیز اهدا می کنند این وضعیت ها موجب مسر افروختگی و صیانت شهریان میشود گاهی ترافیک کارنیزون ش بهر کابل در شهر حضور دارد که حداقل برخورد قاطع تر وجودی مخصوصا با وسایط نظامی دارند

پروپلم دیگر مربوط به تقسیم ایستگاه های ملی پس و جاده های یکطرفه و دوطرفه است مثلا جاده کنار راه مقابله فروشگاه بزرگه افغان بر تقسیم آنکه خیلی کوچک است اما چو حالی که در آنجا نیست از همه طرف موترها بدو چندان ایستگاه در آنجا متمرکز شده است گاهی ترافیک رفع مشکل را با ازین بردن کراچی ها و تینگه های دست فروش چاره می کند اما اینکه ممکن نیست به ایسن علت ازدحام در آنجا ادامه دارد آیا بهتر نخواهد بود که تعداد ایستگاه ها از آنجا کم شود و در نقاط

تقریبا در طول چند سال اخیر و مخصوصا در یکی دو سال اخیر وضع ترافیک شهری بهنا بر ازدحام بیش از حد وسایط نقلیه محدود بودن جاده های شهر افزایش نفوس و عوامل متعدد دیگر خلی وحشتناک شده رقم سالانه و روزانه تلفات ناشی از حوادث ترافیکی بمقایسه نفوس شهر بسیار بلند است قربانان حوادث ترافیکی بیشتر به علت پراکنده گی افکار راننده و تاپرین و عادت به علت سرعت بیشتر و سبقتجوی بوجود می آید ترافیک شهر برغم آنکه در طول روز در کرما و سرما به خدمت مردم قرار دارند و ابتکارات متعددی را بکار می برند تا جلوی حوادث گرفته شود اما به دلایل زیادی تا کتون موفق نیستند طوری که ملاحظه میشود وسایطی بعضی از خازند و بعضی ترافیک در شهر با قادن هستند که جلو سرعت برخی موترها را بگیرند یا اینکه توانایی آنرا ندارند مثلا بارها دیده شده که یک واسطه نقلیه نظامی با سرعت خیلی زیاد از چراغها عبور کرد و با موترهای با همین سرعت چاده را میسود اند که هر کس آنرا دیده دلش هول کرده و گفته: " خدایا



سید عبدالله ستومان منحل در رشته کیمیا و بولویژی در اتحاد شوروی

تالحال هیچ ارزویم برآورده نشده و فکر میکنم هیچگاهی هم بخت و طالع با من یاری نخواهد کرد زیرا ارزویم اتمت دا کتر شوم به پولیتخنیک کامیاب شدم خواستم بورس بگیرم برای بورس در رشته تخنیک موتر دادند وقتش برای تحصیل رفتم اینجا در رشته کیمیا و بولویژی معرفی ام کردند نمیدانم این رشته را چطور ر بخدمتیم به هر صورت امید دارم که بتوانم با هر گونه تلاش و وساطت رشته خود را تغییر داده و به ارزوی اولم برسم.

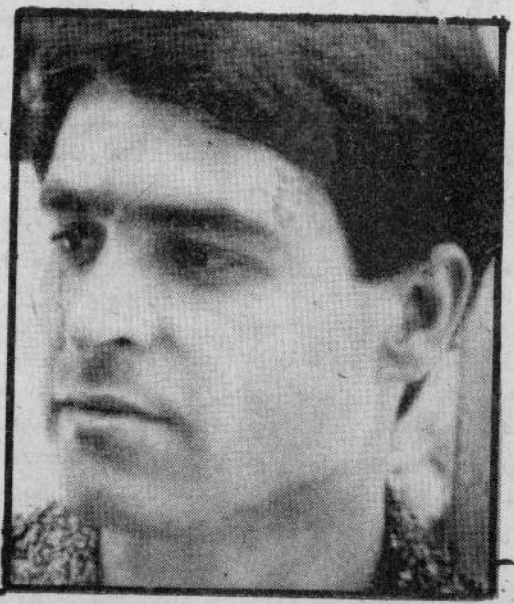
راحله رحمانی کارمند ریاست تفتیش وزارت تعلیم و تربیه :

آرزو دارم با پسری پیوند زنده گی بزنم که تحصیل عالی و اخلاق نیکو و خانواده نجیب داشته باشد تا بتوانم در کسار هم و به پای هم زنده گی خانوادگی را با فرزندان خود پراز خوشی و سرور و محبت سپری نمایم . تا مریضان خوبی در امور زنده گی باشم .



عبد الطیف سید منحل سال اول لسان خارجی در شهر پتسی کورس شوروی

یگانه خواستم این که روزی از ملک دور بم کشور خود بیایم و مادرم با خوشرویی دسترخوان را برایم هموار کند بگوید :- پسرم قیمت کپدا لو و گوشت پانچین آمده و ما میتوانیم بادل جمعی و آرامی بیشتر میزبان گوشت باشم مخصوصاً گوشت کو سفند .



محموده کارمند ریاست تعلیمات عمومی وزارت تعلیم و تربیه در زنده گی یک دختر جوان چن چیزی میتواند وجود داشته باشد به جز این که گاهی پدر میکند دخترم را به فلان کسی میدهم و گاهی هم مادرو گاهی هم غنی میشوند و قیم ارزو دارم عروس خانه شان شود در هر صورت من هم درین کشمش های خانوادگی و خوبی قرار دارم که نمیدانم تقدیر بخت با من چن خواهد کرد ؟



ذکیره آرایشگری، آرایشگاه کهرابنده |
۹ سال است به کار آرایشگری خانم
ها مشغول هستم . البته هفتاد
دوست داشتم و مورد علاقه ام است
خیلی دلم میخواهد زنان و دخترانی
که برای آرایش صورت خویش میایند
بدانند که زیبایی شان در آرایش
ساده است . اما اغلب آنها تقاضا
میکنند که آرایش صورت شان بسیار
ظریف باشد . من شخصا طرفدار
آن نیستم .

تراز پیش شده بودند اما انگار در جستجوی
 ناپافته می بود که لحظه بی آرامش
 نهنگ داشت . زیرا او در باطنش چنان
 گرمای مهال نهازی را احساس نمینمود که
 نمیتوانست آنرا به کیک مویک و رنگها
 روی کاغذ بیاورد . به همین جهت بود
 که گاهگاهی تنگ آمده گی های سینه اش
 را بانواها و زمزمه های بی سرانجامی
 فریاد میکرد .

وی با هوای نقاشی در سر و ذوق مسو-
 سیقی در دل، آهسته آهسته در جستجوی
 ایماها و اشارتهای پنهانی درون پرده هلی
 ساز به سوی ا قلم های جاودانگی هنسر
 پانهاد .

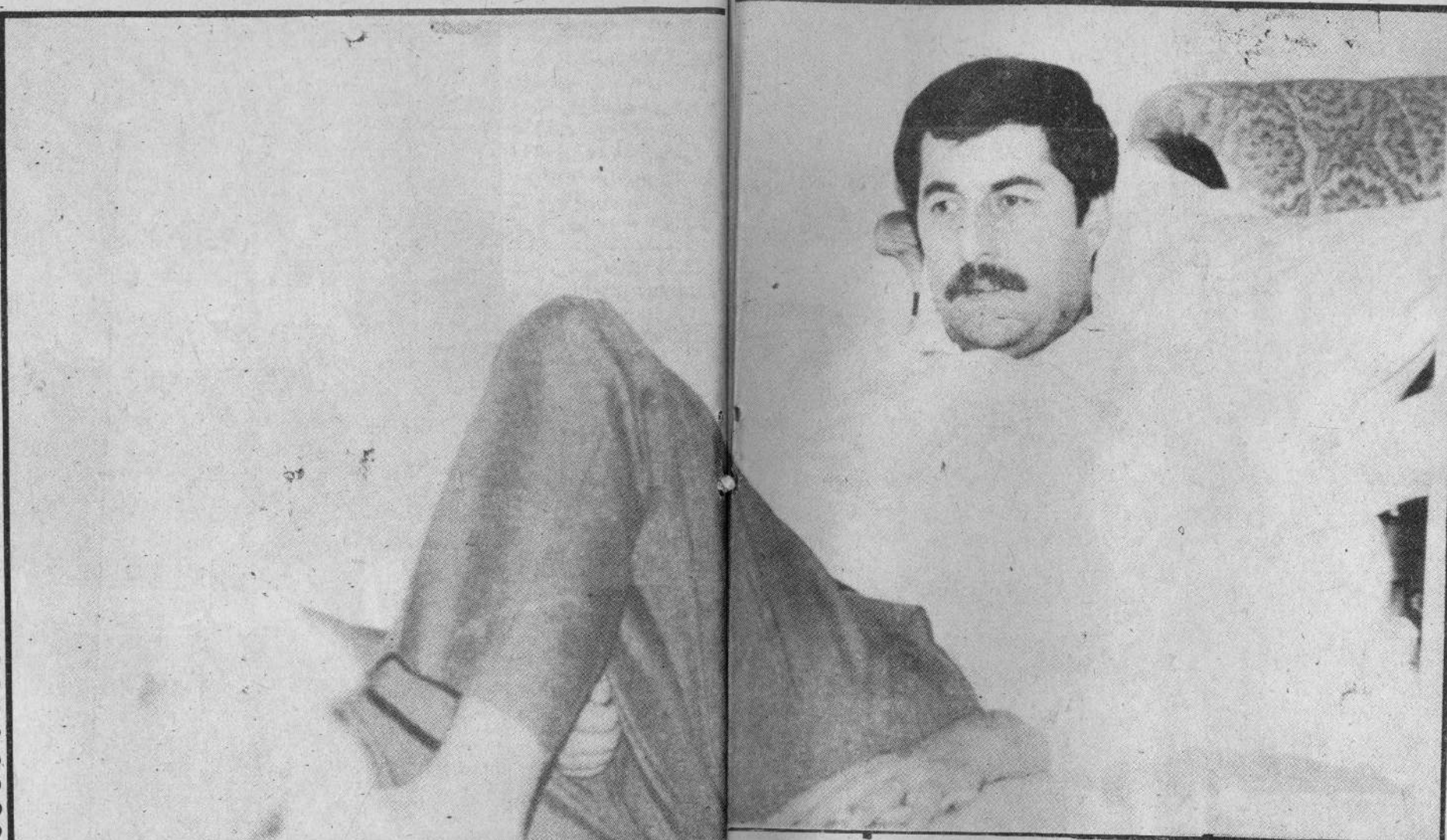
شاید پرهه همین امید های تمامی ناپذیر
 بود که او را تا سواخیل نامکشوف زند و کسی
 نمیرد .

♦ ♦

سفر جسی این هنرمند جوان نیز مانند
 دنیا له واد امخط نقط چین مویک کساره
 تا بلوهایش یک بعد بالنده را تشکیل میکرد .
 ذوق - رشار و جوهر های نهفته در روان
 هنر آفرین وی او را سرانجام پ-
 دیار تمنت هنر های زیبای پوهند-
 زبان و ادبیات رسانید . این سه سال
 تحصیل، الهای دریافت تازه ترولو شنایی
 بیشتر به ناشناخته گی های ا قلم هنسر
 برای او بود .

انگار این همان نگارگری مویک
 رسام و غوغای پر شور دنیای رنگها بود
 که با سحر و اعجاز پرداخت های آواها و
 آهنگها به هم آمیخت و چونان منادی نا
 پیدا او را از سویی بسویی میرد و راه ها
 و راهکوره های دشوار گذاری را برایش
 شکن شکن چراغنداری میکرد دوستانش
 در یافتند که نجیب رستگار در همان
 تاریخ بود چله های هنری در هر رشته
 بی تاب خورد و زمزمه هرمتی را تشکیل
 داده است . اما خود شرافاده دیگری
 دارد او زما نی گفته بود : در زنده کسی
 من هنر رسامی از ریشه با هنر موسیقی دست-
 به هم داده و در من ذوق شعر آفرینی
 را ایجاد کرده است .

اگر هنر وجود هنرمند چیزهایی
 را ایجاد کرده است و هنر آفرین نمیز
 در هنر و قانینند یهای آن ایما دتازه
 تری می آفریند . به عقیده وی همانگونه
 که کمپوز در موسیقی مرکز توجه است
 کمپوز در تابلو ها و رسم هانوز چنان است
 یکی از نقطه نظرهای بسیار جالب
 و ابتکاری نجیب در این اصل نهفته است،
 که روان هر تابلو باید آهنگ داشته باشد
 بغیه در صفحه (۲۰)



نجیب رستگار بعد از یک بیماری شدید در حال صحت یابی است

شعبه ویرگری ملودی ها

هر با باد و قش پايك كوچك بهمهرايه
 از باد رش مهورسد : امروز پدرم گپ زده -
 خواهد توانست ؟

مادریا امید واری نهرومند تراز در پروز با صبح
 کوتاهی را تکرار میکند : انشاء الله ...
 درست سه ماه از لب به همستن و چیز نگفتن
 و چیز نسرودن هنرمندی میگردد ولسی
 هنوز هم همزمان با طلوع خورشید سکوت
 برد رود بیار این خانه میناید .
 ... و چه درد انگیز است سطره - سکوت
 و غموف نار بر سر زمین ساز و آوازه تا غما
 نخستین !

♦ ♦ ♦

این غم و خاموشی و غموفی همه خروش
 را می و سه سال آنسو تراز امروز پدر
 و مادرش - نجیب - نام گذاشتند . در کوب
 دکوپلا صهای آرام و حصاصی داشت .
 اما میشد به سهولت در روزی مصممست
 آرامش ظاهری وی به مقراری و پهنده کسی
 روح پر رنگا بیی را خواند که پیوسته
 او را به تلاش خسته گی نشاناس و میداشت .
 سالها بیشتر از آنکه راهی مکتب بود ،
 و معلم خانه راه دست راستش میدهند
 با کلکهای کوچک و بارکش بیشت عهده های
 نمازده کلکین های خانه چه کسک
 سیاهه های زغالی روی دیوارها ،
 روی خاک و چوب اینجا و آنجا را خط
 خط میکشید و چیز چیزهایی رسم میکرد .
 تا اینکه نوبت به ورقها ره هارسید .
 روزها تا شام کاغذ سیاه میکرد و هر چه راکه
 به دلش می آمد روی کاغذ میکشید ... و بدو
 ن اینکه خسته شود فردا باز هم همین
 کار را تکرار میکرد .
 سرانجام روزی نجیب شامل مکتب
 شد .

بهترین سرگرمی همسنان و دوستان
 کوچ کس دیدن کتابچه های نجیب بود .
 به خاطر اینکه او در تمام کتابچه هایش
 رسام میکرد و آرزوهای کوچک (و شاید
 بزرگ) خود و همسالانش را با زبان رنگها
 روی - پدیدهای کاغذ بیان مینمود .
 و به اینگونه خود نیز در میان پخته گس
 رنگهای آمیخته با آواها و ضیاء هابه سوی
 پخته شدن میرفت .

♦

نجیب رستگار شانزده سال داشت
 که شامل کورسهای صنایع مد نظره که
 در آن هنگام متوسط وزارت اطلاعات و کلتور بود
 گردید او برای نخستین بار جهت آمو زش
 فیه ها و روزنامه های نزد استاد خورشید
 باری میانی این هنر را فرا گرفت . دیگری
 تا بلوهای پکار کرد های او رنگین تر و ستودنی

زموڼيز په لويه نړۍ کې داسې ستوري شته چې که يوشمېر مکعب د هغه نه د معکسې برخې ولويږي همکله له منځه لېږي. زموڼيز لمر او سړد په حال کې دې چې البته د هغه دوران ۲۰۰ کاله سو د نړۍ په سرعت شپږ مياشتې سفرو کې، په بېرته راتگ کې به زموڼيز د معکسې له عمر څخه تېر شوي وي.

پسر هسکه ته وکتل او په حيرانتيا سره هغو روڼانو ټکو ته چې شپې پرې خپل ناست وو محير شوه. ۲۰۰ څخه شپې دې اولې؟ ۲۰۰ دغه روڼانه ټکي څه شپې دې اولې وجود لري؟ ولې د شپې ناري - سپوږمۍ (کله لکه زېږن ټکي) محلي ي اولکه هم لکليښدي هلالې شي.

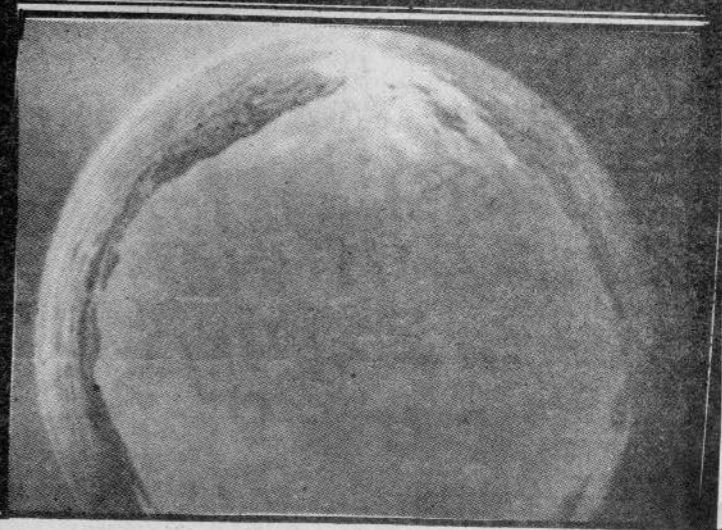
د بشر په وړاندې دغې پوښتنې د ستوري پيژندنې لار پرانستله، هغه لومړنۍ پلټنې ټکي چې پمې يا په صحراکس د گوزي چټ لاندي ناست وو اوله پمې شپې ي بيا ترسهاره د ستورو حرکت ته سترگې محير کړې وي ناخپله ي پوراز پوه شو.

هغه سرگردانه ستوري چې په مېنيو وختونو او وختونو کې راښکاره کېدل دغه راز ي دوه ته ونيو. دوه د پورته - وليدل چه کوم ستوري د پسر لې په راتلو او باران په وريدو د پسر په گړي او نه لوله فصل سره سمون لري نوله جان سره ي د وېل دا هغه ستوري دي چې د دوي کره پيد نه د انسان سرښوښت ټاکي.

دوي فکر کاوه چې ستوري خدايان دي يا د خدايانو په لاس مري چې د هغوي وځاي کې بدلون راځي هغو کاسو چې ستوري ي خدايان بللې زهره يا ناهيد ي د مېنيو خداي او مريخ ي د جگړې خداي، لښو لمر خداي گانه او مېنيو هم د مېنيو پوښتنې کاوه.

پايليان چې د سومر د قو موڼو د روڼانه تمدن واران و لومړني کسان وو چې د ستوري و دراز په پلټلو کې شول، او بابلي منجمينو د ستوري د خوښو ليدو لوري وټاکل، شپه روڼ، مياشت او کال ي محاسبه کړل. خو ستوري پيژندنه

زموڼيز ستوره نړۍ



د جاد او سحر ترڅنگ گام پورته کاوه.

مصريان هم په دې لارې له بابليانو سره مخ ته لاړل. ايا کله چې مصريانو لوي هرم جيزه او د معکس اولمې واټن يې سم ټاکلې وو چې د هرم لور والي يې د دغه واټن پور مليارد مې برخه ونيوله، يا شپاړه نوري لمبې چې د هرمونو د اجزاوو ترمنځ په جغرافيايي نڅومې واټنونو او انډروټاکل شوي، له کومه لاس ته راغلي؟

د ستور راز نڅوم خپلې لارې ته دوام ورکاوه، د فيثاغورث پلويانو پوهانو د زره کړه چې مخکې گرده د بل پوښانې منجم وېل چې همکله خوځېدنه ده اولمېر په چاپېر څرخي بل منجم هپارک د پورتنې نظريې پر ضد ټينگار کاوه، همکله يې د عالم مرکز او ثابته وگڼله، خو دغه سړي د ستورو په پور نورو رازونو پوه شو، بظلمېس په هغه پسي لار او بظلمېس م نڅوم د کورنيز ترعصره په نړۍ حاکم وو.

کورنيزک په ۱۶۲۲ کال د تورن په ښار کې زېږيدلې اوله زده کړې وروسته يې په کليسا کې د روحاني دنده غوره کړه، دغه مفکر روحاني د کليسا د اعتقاد لټو پرځه لارې چې د بظلمېس د هپارک (نجم علم) پر شپاړي همکله گرده کتله، راز لار شو، او د لرغوني هيات اصول يې سره وپاتل او ثابته يې کړه چې همکله خوځېدنه ده اولمېر ثابت دي او د پوښانې منجم عقیده يې چې له پاره وټلې وه، رازوندي کړه يې لکه دي چې پوهېږي کلونه مخکې هم چا د هغه عقيدې ته ورته عقیده درلوده کورنيزک کتاب هغه وخت خپور شو چې دې مړ شوي وو، اولمېر ونيوای کړې د هغه پر ضد کم اقدام وکړي. اما د دې پلوي د کليسا د قهر په اور کې راگېر شو، او ايتاليايي پوه يې د فکر په جړه پورې وسوځاوه واکېلر ته ورسېد، هغه د ښار ستر منجم شاکر وو.

ده د کورنيزک له عقيدې سره د خپل استاد د مخالفت سره سره د (کنيش) روحاني لاره ونيوله، کپلر ته د اسان

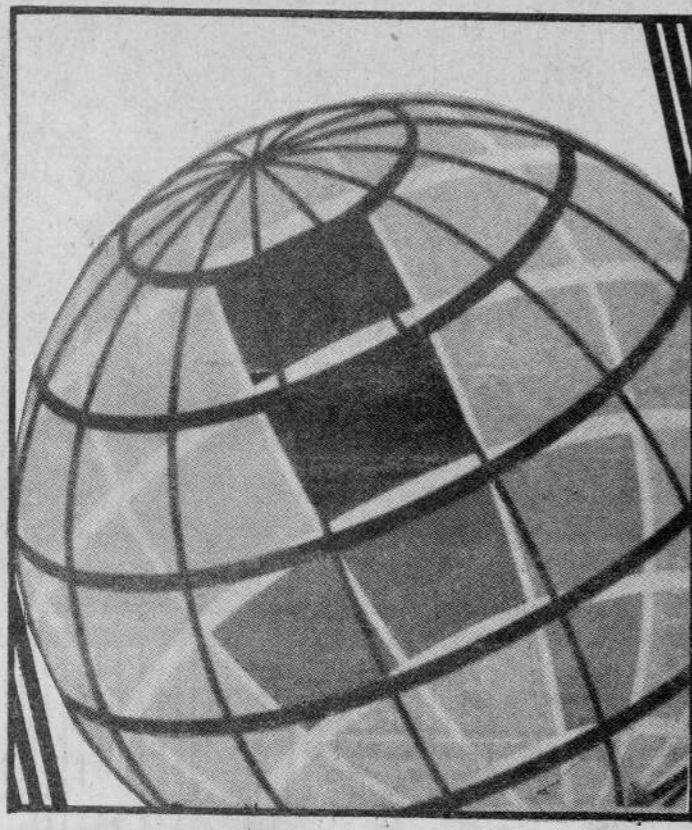
قانون ايښودل کې وایې، دې وروچې کشف يې کړه د ستور وروندار بېضوي بڼه لري، په دغه کشف او (نوي نجوم) د کتاب په چاپ کې د بظلمېس نڅوم مړ شو او د مثبت تفکر او تجسس لاره خلاصه شوه.

د الخ بېنک محاسبي په همدغه وخت کې د اسيا په زره کې د امير تيمور کورگان لمسي الخ بېنک وکولاي شول د خپلو منجمينو او د هپارک کتابونو لکه عمر خيام او خواجبه نصرالدین طوسي په مرسته لمبې کشفيات وکړې چې اروپايي پوهان د تلسکوپ له اختراع څخه بېخوس کاله وروسته په هغه پوه شول.

هېرادي شاه د متعصبو او وچو پوهانو د زور زياتي او توطيېو په اثر استعفا ته مجبور شو او وروسته وژل شو، او که د ستر منجم علي توشيجي مېرانه نه وايي د الخ بېنک اثار - له منځه تللي وايي په اولمه بېرې نې کله چې د الخ بېنک کتاب په اروپايي خپرونو پوهان حيرانتيا کې وپ شول او وروسته تلسکوپ ونيو له چتر د الخ بېنک او دې څاروي د نورو پوهانو محاسبي ترکومه سمي وي. تلسکوپ په ايتاليا کې اختراع شو، ايتاليا د (پاد وي) د پوهنتون رياضي پوه گاليله، د نيمک جبرونکي (زاجاري پانر) د کشف څخه په استفاده نجومون د وروښان اختراع کړ او د لومړي محل لپاره يې وکولاي شول د سپوږمې سطح د خپل د وروښان په واسطه وروښان او متوجه شو چې د سپوږمې سطح د پوهانو وويلو برخلاف هوار يا صافه نه ده.

گاليله د پوښتو چې لږ وروښان پرته نه ليدل کېدل کشف کړل. ده دغه شان هغه څلور قمرينه چې د مشتري څلور قمرينه هم کشف کړې د کليسا قيام او د گاليله توبه خوټولو او د لې خو علم او پوهه برخې تلونکې وه او متعصبينو مړ نه درلود چې د پرمختگ مخه ونيسي.

د جاد يې قانون او د نوري



لکه چيري د موجود موادو د استوگنې منځ کې واقع له منځه ولاړ شي، همکله يې راز لارې مله کړې

د گاليله له مرضي نه يو کال وروسته نيوتن ونيو په هغه ماشوم چې د خپل وخت ترټولو ستر مفکر منځو ژورميد، داسې شوک چې د سيملي د ستور رياضي پوه ارشميدس تر مړې وروسته لکه ده غوندي تر هغه وخت نه وپيدايږي.

د جاد يې قانون او د نوري تپيري چې د دغه پوه د سلگونو سترو کشفونو څخه وي، د نجوم په علم کې يې زياته اغېزه درلوده او د نفا د پلټونکو پوهانو په مخ يې نوي لار پرانستله.

په پاريس کې د نفا د خاښي جبرول او په هغه کې د ايتاليايي ستر پوه کاسيني کارل د نفا د اسرار وکشف په لار کې سترگام وو. کاسيني د زحل قمرين کشف کړل او وروسته يې د همکې اولمېر واټن ۱۳۲ مليون کيلومتره وټاکه، وواقمې واټن ۱۴۹ مليون او شپږ سره کيلومتره دي.

په دغه لويه اړيکې پايه نړۍ کې داسې کسري وجود لري چې که يوشمېر مکعب يې د محسې پر مخ ولويږي، د دې امکان شته چې همکله کورنيزان توبه شوي کړي. همکله د دغو کورنيزو اتمونو او پروتونو ترمنځ واټن وجود نلري، د توضيح له پاره بايد وويل شي که د همکسې د توليد وجود مواد و د اتم په منځ کې واټن له منځه لاړ شي د همکې کره به خپل همسې عظمت سره د نارنج اندازې ته رسېږي، دغه اصل په لسوې نړۍ کې هم سمون لري. همکله کد کسرو او اتمونو واټنونه له منځه لاړ شي زموڼيز نړۍ بيا يې د نوري مليونونو کلونو په واټن د فوتيال د پوه توب په اندازه وړې شي.

اوس نرسېږي چې په پيل کې د نوري توب موجودي نړۍ يې واټنه وي، د فوتيال د پوه توب په اندازه او وروسته دغه د فوتيال توب منفجر شو او چاودېد، د چاودېدو په اثر د اتم اوساسي کړاو ترمنځ واټن رامنځ ته شوي او دغه يې پايه نړۍ يې منځ ته راوړې او د کشفاتو د ستور تپيته لاهم د هماغه لومړي چاودېدنې په اثر ده.

اوس وځو د نفا اوزمان - هکله په څه پوهېږو؟ نن تابت شوي چې حرکت او خويښت نه د وخت اوزمان د سکون اغيزې والي سبب گوملېږي.

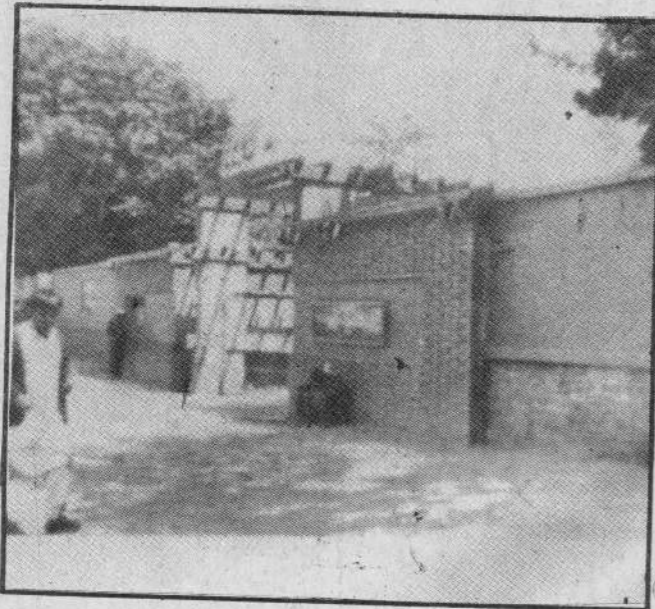
مانا چې که يوه د سفينه د سر په سرعت (دري سوه زره کيلو متره په يوه ثانيه کې) وځو - لمبې يې او دغه سفينه د همکس د کسري نه د حرکت له وخته شپږ مياشتې سفرو کې او وروسته له شپږ مياشتو پورته راولمړي د همکې له عمر څخه زره کاله تېر شوي دي، په هغه پاره که ۲۰۰۰ ميلادي کال کې نرسي سفينه د نوري سرعت له همکې نه وځو لمبې يې او په ۲۰۰۰ کال پورته همکې ته راکسي د مېنيو د سپرې همروازې لس کاله يات شوي دي.

د دې محاسبي مطالبو د هغو فضانو په اوسن چې فضا يې سفر يې په تگ او راتگ کې لمر وروښان دوام وکړي، يوازې يوه ثانيه زيات شوي دي، په داسې حال کې چې د هغولو پاتې په (۸۷) منځ کې



چون ماهه روزه ما پدات را به پانک تحویل مینمایم از این سبب از صورت چگونه کسی ما بد و صرف چیزی نمیدانیم و پس فدای حیوانات را کدایم مرجع تهیه مینماید؟
راست کلتوری شاروالی فدای حیوانات را به طوری قرار دادی تهیه و به دستر می مقرر مینماید.

قسمیکه ما اطلاع یافته ایم میگویند، گوشت حیوانات از این رفته بلغ برای حیوانات گوشتخوار باغ داده میشود آیا واقعا همین طور است؟
من به کلی این گپ را رد مینمایم، هیچگاه چنین اتفاق نیفتاده، هیچگاه فدای فیوضی را برای تغذیه حیوانات نمی گذاریم.
چه گونه که دریافتیم در این بجا کلینک حیوانی وجود ندارد حیوانات مریض را به کجا تداری میکنند؟
اگر قابل یادآوری بدانیم بیهوشی برای باغ وحش نفعی از نیازهاست که به آن توجه صورت نگرفته است. باشندین سخنان امراغ ما به طرف قسهای مختلف لطفاه صفحه برگردانید



راهنما: ف اتفی

تاریک شدن کابل

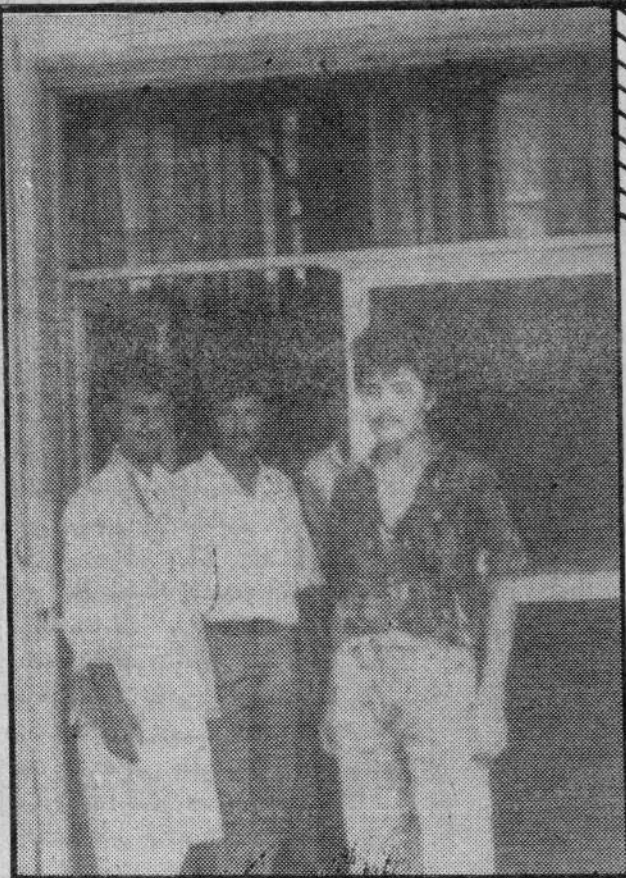
کد داشته و زوی در مورد پاسخ های دریافت کنیم.
بسیاری از قسها از حیوانات خالی اند سبب چیست؟
اکنون که شما بسیاری قسها را خالی مینماید حیوانات آن ها از این رفته اند و ما بنابه مشکلات که دانستیم ما بود نتوانسته ایم جای آنها را پر سازیم. وقت ما از کلتوری تقاضای فرستادن حیوانی را که در کشور ما نیست به عمل میآید در برابر آن ها نیز از حیواناتی که در کشور ما پیدا می شوند تموم میخوانند و چون امکانات به دست آوردن و فرستادن آن حیوان برای ما ممکن نیست، پس طبیعتا که طرف مقابل نیز حاضر نمیکرد تا بدون تموی حیوانی را به ما نفرستد.
آیا ما پدات بعد است آمده معارف تان را کاپت میکند؟

برای ماهیان به شکل زیبایی تزئین گردیده بود اکنون به رستوران تبدیل شده است ای گاش در صورت تبدیل ساختن محل ماهیان به رستوران است آبی را از ماهیان دریخ نمیداشند در نظافت و پاکیزگی صحن باغ تاحدی توجه داشته اند اما چوکیهایی که قبلا در گوشه و کنار وجود داشت، یا جای شان خالی شده است و یا هم اگر در جایی به چشم میخیزند شکسته و ناسالم هستند.
کلینیک حیوانی به منظور تداری حیوانات وجود ندارد انتقال دادن حیوانات از باغ وحش به کلینیک های حیوانی شهری از مشکلات و کمبودهای عمده به شمار میرود.
بعضی خواهند بود تا سوالات ما را با عبد الطیف شاه نوری امراغ در میان



مختلف جهان آورده شده اند ایجاب مینماید تا در مورد نگهداری و پرورش آن ها توجه و وقت زیاد صورت گیرد، چه در غیر آن تغییر آب و هوا خوراک و حتی محل نگهداری، سبب تلف شدن آن ها میگردد.
شداری از خواننده گان عزیز مجله در نامه های شان از چگونگی وضع باغ وحش کابل شکایت های رایج داشت کرده اند که ما را داشت تا خود به آن جا سری زده و بطلمی در مورد تهیه نمایندگی کابینک چشم دید را به خواننده گان عزیز نقل میکنم: من کبسی از سالها باری از سو به تماشای آن ام در گونیهایی زیاد را میبینم. تعدادی از قسها خالی اند و بدست که اهل خود را از دست داده اند.
جاییکه در گذشته ها

باغ وحش کابل رانیده آید؟
حتما عده بی زیادی از شهریان ما آن را بپنداندند و اگر کسی آن را در گذشته هادیده باشند و اکنون باردیگر به آن جا سری بزنند شاید تعجبی نمایند که چس تغییراتی در آن جا رونق گرفته است.
ما هم کجنگا و شدیم تا به آن جا سری بزنیم و نگاه کنیم که چی خبر است.
در بعضی کشورها حیوانات باغی وحش ساحنه های وسیعی را در بردارند که حیوانات بزرگه گان زیاد در آنجا زنده می مینمایند.
باغ وحش کابل که در ساحنه نه چند آن وسیع در کنار دریای کابل قرار دارد روزانه ده ها تن به منظور سیرون تماشای آن جا سری بزنند.
چون شماری از حیوانات و مردمان این باغ از ضابطی



دیگراره ماهیان رنگین باغ وحش

ماهی‌های نماینده است
آهوها اختصاص داده شد
غلی زیباست در آن جاسا
تیه گونه بی برای نشان ساخته
شده ، بادیدن بای آهوها
تکریمانی که زیباترین منطقه
باغ وحش همینجا است .
پس از تماشای آن ماهیها
داخل رستوران رفتیم آن جا
با بوی های سیاه رنگ و سبزه های
بارش برای تفریح ترین
یافته است و رقصی از آن جا
ماری را که ناری میبازند .
ماره خواب عمیقی فریخته
بود هر قدر کوشش نمودیم
تابه مابگرد هیچ توجهی
نمود .
اما با تا سف باگته مانند
خواننده عزیز هنگامیکه
نزدیک قفس میمون ها شدیم
همه استراحت بودند و از آن
جمله یکی هم به طرف ما
ندیدند آمد .



به طرف قفس شیر رسیدیم -
شیرها هم آمده بودند
اما پناه خواهر تماشاچیان
آنها را از داخل اتاق نشان
بمردن نمودند یکی پایال های
بلند و آن دیگر کم لایق تر
نظر میآمدند هر دو غمزه در
چمنزاری که برای نشان اختصا
م داده شده است چند قدم
گذاشتیم بعد در گوشه ای رسیدیم
ند . آن ها هم موجودیت
احساسات و لبخند های آسان
هارا نایده می گرفتند .
خانگی در مقابل قفس خود
میگفت (سبیل شوه چطور شد
بوی اس) شاید شوهرش
خود را نمیدانست و توان بود
کرد و گفت : (خاصیتش هم بطور
اس)
آهنگها مشغول خوردن
غلف بودند جایی که برای



رفتیم .
نخست از همه توجه ما را
اد و طاووس که در همین روزها
یک محفل آن هارا از آنجا در
شوروی آورده و برای باغ وحش
هدیه نموده است جلب نمود
طاووس ها آرام به نظر میخور
ندند شاید هم با محیط آن جا
هنوز آشنایی کامل نیافته
بودند ، باترس و هراس نزدین
یکدیگر می ایستادند .
بادیدن آن هاراه مان
را دادند و دادیم . چند
قفس خالی به نظر میخورند
اما نظیف و بان . پس از طرس
مسافه کوتاه رسیدیم مقابل
جاگاه فیل قسمیکه از رنگه
ورخسار میاید خیلی خسته
بود انگار زنده گی پارکری بر
شانه هایش بین نیست و فیل
سی و دو سال دارد یعنی فیل
پیراست ، پوره ها هم با طاق های
شان فلتید بودند . خیلی
سرحال معلوم نمیشدند
قدم زدیم و باهمتسه
آهسته رسیدیم نزد یک قفس
توکها آن هاجنان تحریف
و لاف به نظر میآمدند که گویس
از کم خوراگهست ؟ اما نه ، آن
ما هم سخی شده اند .

و همه فراز و فرود های يك پارچه اهنك در تابلوها نهماندر ریمت های موسیقایش و برجسته باشند و با گوش چشم شفته شوند و احساس پرانگیز باشند .

در حقیقت میتوان به هم آمیزی و ترکیب موسیقی و نقاشی را یکی از خدمات غیر قابل فروگذاشت این هنرمندان نام آور دانست . بدون شبهه به چنین پنداری دست یافتن ، زاد و تصادف محض نیست . زیرا پیوست دادن دوروند آفرینشی با همدیگر در يك متن نمیتواند معلول و محصول اتفاق بدون ریاضت و ممارست باشد به ویژه وقتی که شوره چنین آموزه ای ایجاد عرصه سوم آفرینشی (هنر شاعری) میکرد .



نجیب رستگار با وجود آنکه از سه جلوه متفاوت (ولی به گفته خود ش غیر متفاوت) هنری بهره زیاد دارد اما به طر و رخا ص نقاشی را بر سایر عرصه های پرداخت خوشتر ترجیح میدهد . شاید به خاطر اینکه این هنر تنها بی های آدمست و نهازی به ارکستر و همکاران وجود ندارد . او منتها در د و قهاش نقاشی را صرف برای خود برگزیده است بلکه در صد تصویرگری مولودها برآمد ما ست و او میگوید : وقتی طرح اولیه يك تصویر چارچوب بندی میشود ، درست همان وقت بایستی هنر مند در نظر داشته باشد که غیر از سیماها و شمایل و زمانها و مکانها صورتها و آواها را فراموش نکند . به عبارته دیگر وقتی تصویر مناسب خزان در تابلو خود صدای آمیزش برگها را دارد ، صدای خشک شدن و از هم پاشیده شدن هر برگ آوای باد تا را جگر نیز باید ترسیم شده بتواند این داشته و قیست که خزان با کلبتش تصویر شده باشد ، مثلاً ، وقتی تصویر میگیرم تصویر يك ضفل را در حال گریستن طرح ریزی نمایم ، اگر در کارچنین تصویر گری موفق باشم ، آنگاه بیننده با دیدن رسم طفل در حال گریه صدای گریه او را میشنود . این پس منظرهای حقیقی هر بخش هنرمیتواند باشد . پس تصویر صدا تعلق دارد به تصویر حالت .



اموشتر از یکصد تابلورا که بیشترین بازنتاب دهند ، زنده گی اصول و واقعیتهای عینی جامعه افغانی میباشد ، نقاشی کرده و چندین بار آنها را در داخل و خارج از کشور به نمایش گذاشته است : کما جمله تابلوهای زیرین توانست شهرت زیادی را کمای

ملودی ما



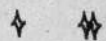
نماید :

به سوی کشتزار ، چوپان ، کوجه دریا - لای کوه ، برف در کوجه ، دختردهاتی - چوری فروشان ، دختری در لباس محلی .

* * *

نجیب رستگار افزون بر نواختن نغمات دلنواز فلوت و شهنایی که اوج قدرت و توانمندی استعداد او را ثابت میسازد اهنك های زیادی نیز به آواز گرم و گیرایش - روده است که با استقبال شایان و گرمی از جانب شنونده گان مواجه گردیده است . اشعار و تصنیف های آزوی هم به شکل پراکنده در جزایر و نشریه های مختلف و هم از طریق گزینه های شعری به نشر رسیده و نیز برخی از آنها توسط آوازخوانان معروف کشور اجرا شده است .

نجیب رستگار جهت آشنایی و دیدار به هم رسانی با محافل و حلقهات هنری خارج از کشور به کشورهای شوروی ، کوبا ، آلمان ، چکوسلواکیا ، هند و ترکیه سفرهای داشته که به یقین گامی بوده در جهت شناساندن فرهنگ کشور و هنر این هنرمند عزیز .



باد ریخ فراوان آگاه شدیم که وی از مدتی به اینسو و بنا بر هجمه ناگهانی خوشریزی دماغ ، تبادل صحن خود را موقتاً از دست داده است و اینک در خموشی به سر میبرد . خوشبختانه حالت صحن این هنرمند گران اوج بهسوی بهبود رفت و قرار نظریه دو کشوران معالج احتمالاً به زودی ها صحت کامل خود را باز خواهد یافت .

وی که هم اکنون نیز تحت کورس منظم تداوی و مراقبت طبی قرار دارد و با زبان اشاره از هوا خواهان و دستداران با کمال صمیمیت و خلوص ، احساس عمیق مهمان نوازی و تعارف دسته گل های سکوت پذیرا - بی نموده و بروی ناملايمات پیروز مندانه لبخند میزند .



سپاوون با ابراز همدردی قلبی برای نجیب رستگار ، این هنرمند گرانمستگ قبل از شمه صحت کامل ارزو نموده و از درگاه خداوند تمنا دارد تا دوباره یگر با خانواده خوشبخت و کوچکش بخندد ، با زهم بنوازد بخواند و بسراید و باز نیز رستگار را در زیابند .

" سپاوون "

مرب المملها ورا بیده ما در هستی

۱۹) با یک دست نمی‌شود دو تا هندوانه برداشت
عربی: لا یجمع سیفان فی غمد دو شمشیر در یک غلاف جای نمی‌گیرند
انگلیسی: *if you choose two horse both will escape you* اگر دو اسب را انتخاب کنی هر دو از دستت می‌گریزند
ایضاً: *Two watermelons can't be hold in one hand* مشابه مثل فارسی

۲۰) با یک گل بهار نمی‌شود
عربی: سنونو واحده لا یبشر بقدمول الصیفد یک چلچله تنها مزده آمدن تابستان نیست
انگلیسی: *One swallow does not make a summer* مشابه مثل عربی
ایضاً: *One flower makes no garland* با یک گل تاج گل درست

بخندد تا دنیا برویت بخندد
عربی: اضحک یضحک العالم معک. بخند دنیا با تو خواهد خندید
انگلیسی: *Laugh and the world laughs with you, weep, alone* مشابه مثل عربی
۲۲) بد چو آید، هر چه آید بد شود
عربی: المصائب لاتانی فرادی بدیختیها تک، تک بسراغ آدم نمی‌آیند
انگلیسی: *Misfortunes seldom come alone* بدیختیها بندرت تک‌تک می‌آیند

۲۳) بر اثر صبر نوبت ظفر آید همچنین صبر تلخ است و لیکن بر شیرین دارد
ایضاً: گر صبر کنی زغوره حلوا سازی
عربی: بشر بنفسک بالظفر بعد الصبر: پس از صبر مزده پیروزی را بخود بده

ایضاً: الصبر مفتاح الفرج (در فارسی نیز رایج است)
انگلیسی: *Evryting comes to him who waits* کسی که صبر کند همه چیز برایش مهیا می‌شود
۲۴) بر نیاید ز مردگان آواز
عربی: لیس للمنیة لسان فینطق مرده زبان ندارد تا صحبت کند
انگلیسی: *Dead men tell no tales* مردگان افسانه نمی‌سرایند

۲۵) بشنو و باور نکن
عربی: اسمع ولا تصدق دقیقاً مشابه مثل عربی
انگلیسی: *Belive not all that you see, nor half you hear* همه آنچه را می‌بینی و نصف آنچه را می‌شنوی باور نکن
۳۶) به عذر و توبه توان رستن از عذاب الیم
عربی: الاعتراف (الاعتراف) نصفالمعذره اعتراف به گناه نیمی از معذرت است
انگلیسی: *Confession of a fault makes half amend* مشابه مثل عربی

۲۷) (ز باران مگو همچو باران بیار):
(دو صد گفته چون نیم کردار نیست)
به عمل کار بر آید به سخنرانی نیست
عربی: الافعال ابلغ من الاقوال اعمال انسان‌ها گویاتر از سخنانشان است
انگلیسی: *Actions speak louder than words*

عمل رساتر از گتمها است
۲۸) به کلاغ گفتند بچه کی از همه خوشگلتر است گفت «بچه من»
(هر چند که بچه رشک باشد در چشم پدر بهشت باشد) (ایرج میرزا)
عربی: القرد فی عین امه عزال: بچه میمون در چشم مادرش آهوست
انگلیسی: *The monkey thinks his offspring is fearest*
میمون تصور می‌کند بچه خودش زیباترین است

۲۹) پایت را به اندازه گلیمت دراز کن
عربی: علی قدر بساطک مدر جلیک مشابه مثل فارسی
انگلیسی: *As long as the blanket, so far you may stretch* مشابه مثل فارسی و عربی

۳۰) تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد
عربی: للمرء مخبوة تحت لسانه = مرد در زیر زبانش پنهان است
انگلیسی: *What the heart thinks, the tonge clings*
آنچه قلب می‌اندیشد زبان بیان می‌کند
۳۲) ترس برادر مرگ است
عربی: ان الجبان حثفه من فوقه، آدم ترسو مرگش بالا سرش است
انگلیسی: *Cowards die often* ترسوها اغلب می‌میرند

۳۳) تونیکی می‌کن و در دجله انداز، که ایزد در بیابانت دهد باز
عربی: اصرف ما فی الجیب پاتیک ما فی الفیب
انگلیسی: *Forgive and forget* بخشش و فراموش کن
ایضاً: *Do good, and cast it into the sea*

۳۴) چاهی نکن بهر کسی اول خودت دوم کسی
عربی: من حفر حفرة وقع فیها کسی که چاهی بکند در آن می‌افتد
انگلیسی: *The arrow often hits the shooter* تیر معمولاً به تیرانداز می‌خورد

۳۵) چو فردا شود فکر فردا کنیم (از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن)
فردا که نیامدست فریاد مکن- خیام)
عربی: لاتتهوللغند: غصه فردا را نخورید
انگلیسی: *Take no thought for tomorrow* مشابه مثل فارسی

۳۶) چون طبل غازی، بلند آواز و میان تهی
عربی: الصوت العالی، من الجوف الخالی: صدای بلند از محفظه تو خالی
انگلیسی: *Empty vessels make the most sound*
ظروف خالی بیشترین صدا را دارند

۳۷) حساب، حساب، حساب، کاکا، برادر
عربی: تحابوا کالاء خوان و تعاملوا کالاء جانب: مثل برادر همدیگر را دوست بدارید و مثل بیگانگان معامله کنید
انگلیسی: *Be like brothers, and devide justly*
مثل برادر باشید و عادلانه تقسیم کنید



امريکا ۽ ڀٽان ڊڪلارڪ هوائس اهي ٻيهر ڀينڊو لوهه حال کي .

گوموده سڻي ٻه ناخايسی
توگه ڊفلين ٻه شمال کسي
ڊ زمبال ٻه سيمه کي چي نوي
کيلومتره له مانيلاخخه واپس
لوي ڊمڪي له زره خخه دو
ونه اولهه ڀي راپورته سنوي
دغه ڊوڊ اولهه ڀي ڊجنسي
چين ترخوڀوري ورسيد ي
اوسا وروسته ترهغه ڊ (لاوا)
ڊريپ چاري سو .

دغه اورغورمحول شهر ورسي
وروسته ڊ جاپان ڊ موٽ اوترن
ڊ اورغورمحولوخخه پيل شول
ڊ اورغورمحول دغه سيمه ،
ٻه اسيا کي ڊمتحدہ ايمالاتو ،
يوئي سترې نظامس ابي ته
نڙ ڊي پورته ده ٻه ڊي توگه
امريکائي مامورانوٽول نظامس
پرسونيل ڊڪلارڪ هوائس ابي
پراڻوٽيل ابي ڊي اول ڊي اصلان
وگر چي ڊرستروڊي ٽي ڊرستروڊي

سونل سره ٽول شي اود ڊي ڊ
انتقال زمينه ڊي برابرہ سسي .
پايد وٺل شي چي يوازي ڊ -
ڪلارڪه هوائس ابي کي شيا -
ٻه س زره تنه دخد ماتئ پرسونل
ٻه گڊ ون کارڪوي . ددغسي
اڀي ويند وي ٻه يوه تلوڙيوني
وينا کي وٺل چي ڊ سيمس
د خوشي کولو لپاره لازمت ا -
پوٽول شوي اود ڪلارڪ له
هوائس ابي خخه ٽولي الوتڪي
السوزل شوي . ڊي به مانيللا
تي ڊ ولڪا ٽولوي اوسيمولوي مرتر
ويند وي وٺل چي ڪڍ اي شين
ڊ موٽ بئتاڻيو اورغورمحول ڊ ٻه
اوسٽروي .

ٻه دغه سيمه کي دلومر ي
محل لپاره ڊ ايريل به مياشت
کي ڊ اورغورمحولو ٽي نشانسي
وليدل شوي اوساخو مود مورو -
سته له هغه خخه لڙ خه لوهه ڀي
اواڀي باند ي راڻوڀرچيد ي
ڊ زامبل ايمالت گورنر وٺل چي
ڊ هخه وگر ترخه ڊ ولڪان خواته
وڙڙ ڊي شي ٻه خور ٻه اولهه
ڪله ي ڊ کارونشواڀي ڪر اي
پايد وٺل شي چي ڊ موٽ
بئتاڻيو وروستي چا وڊ نه به
۱۳۸۰ کال کي وه . همدغه

رازه فلين کي پوڻيشت
ڙوندي ولڪانزه همد ا و س
فعاليت کوي اود دوه سوه به
شارخو اڪي مره ولڪانزه شته
پغليبين کي ڊروستي
محل لپاره به کال ۱۹۶۵ کسي
ڊ ولڪان يوه ستره چاود ڊ نه
منع ته راغله . ددي خبري
معني ڊاڊه چي ڊ (سال)
ولڪان چي له مانيللا خخه



ٻه عڪس کي مومونر ليدل ڪمزي چي تراپرو لاندي پت شوي ڊي

ڊ موٽ پمنا تواتش نشان به داس حال کي
ليدل ڪمزي چي لوگي اوريري تڙي پورته شوي ڊي .

په فلپين کي د اورغورمحولو فعاليت

په فلپين کي پيو پيشت ڙوندي ولڪانزه همد اوس فعاليت
کوي اود دوه سوه ٻه شاو خواکي مره ولڪانزه شته

اورغورمحولو سيارتي
اورغورمحولو لڙوڀي
اورغورمحولو سيارتي
اورغورمحولو سيارتي
اورغورمحولو سيارتي
اورغورمحولو سيارتي
اورغورمحولو سيارتي
اورغورمحولو سيارتي
اورغورمحولو سيارتي
اورغورمحولو سيارتي

خورا پيوڀي وي ٻه دغه راز
امريکائي مقاماتو د هسته پسي
وسلو غونڊ ڊل به ڪلارڪ کس
رد ڪرل ٻه لوهه پولي اخبا ڊ
والاو ڊ اخبره ڪر ي وه چسي
گهچيوڀي لڙوڀي وڊ رجوتوڊ وڃسي
سه مواد له هسته ي مواد و
سره پوخاي شي نوڊ تشمع
امكانات شته ڪه خه هم دغروڻو
اورغورمحولو سترې فاجعسي
منع ته راپري اود تاريج
به تيوڊ وڊ وڻي ي خورا ستر
مد نيٽونه له منعه ڊي خو
داسي ويل ڪنڙي چي به
فلپين کي ڊوجات ٽولڪي لاس
ٻه کارشول اود خلڪو
ڙونه ي وڙوره .

اتيا كيلومتره واپس لڙي ٻه
فعاليت پيل وگر اود دوه سوه
تنه ي وٺل . ٻه هر حال
گله چي موٽ بئتاڻيو به
اورغورمحولو پيل وگر ٻه له
ايرو خخه ڊ ڊوڊ چي سلفر
هم ورسره گه ووهواته پورته
شو . ساينسي پوهان به ڊي
عقيده ڊي چي دغه ولڪان ورو
سته له شينز وسوه کالو بيا به
فعاليت پيل وگر اود ڊي ڪار
امكانات له پخواخه موجو ڊ
وو . ڪله چي ولڪان به فعاليت
پيل وگر ڊ ڪلارڪ اڀي پيلوڻو
ظرو وکي پته ڪر .
هغه مواد وچي ڊ ولڪان
له خولي خخه حريان رومونده
ڊ سانتي گراد ۱۸۰ درجي
تود وڃه ڊ رلوده اوهر خخه
بي چي مخي ته راتل هغه
ويلي کول . دغره له خخه خه
ناخه شلڙوره تشوڙونه ڪاوچسي
ٽول له سگسي خخه وٺي ڊول
شول . دفلپين خلڪو امريڪا
ٽيان ملامت ڪرل چي ڊ وي خلڪ

درد هلیزهای مجاکم چی خیر است

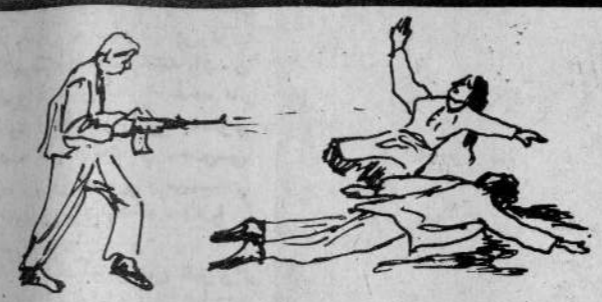
تپه کنده: لطیفه سیدی
بجای عروسی در توقیف



مسائل طلاق و تفریق و کهر
از خانه شوهر و فسخ نامزدی همه و همه ارتباط میگردند به تصمیم عجلانه فامیلهای در مورد فرزندان شان که هنوز سن قانونی ازدواج و پانامیزدی را تکمیل ننموده اند که ااقبت این تصمیم درد سرها حتی بی حرشهایی را ازجا نپ فرزندان شان نسبت به حیثیت و موقف اجتماعی فامیلها به بار میآورد.

انوس گل دختر پانزده ساله یافتند متاخمه هفتم شهرها پسر بی نام خان محمد سر باز دار یکی از قطعات قوای مسلح با رضایت فامیل و مخالفت خودش نامزد می شود چون دختر نامزد خود را نامزد خودش روی خوش نشان نمیدهد با پسر همسایه خود ارتباط دوستی قائم میکند چون پسر همسایه شان در یک حویلی با انوس گل زندگانی

آفتاب تسلیم تیره کی شب گردیده بود و اعضای فامیل با صحبت خانواده کی معروف صحبت و قصه های شیرین شب هنگام بودند و غافل از آنکه آخرین شبی است که با هم این طور صمیمانه صحبت می کنند.



شامزده مری بدزن برادر و سه مری برای برادرش

ولحظه بی بعد صحنه بی را پذیرا می شوند که به کام نیستی ایشانرا فرو میرود.
عبدا لعزیز افسر یکی از قطعات و خانمش عین العزرا سیده دم با چشمان اشک آلود به چمدنهای بهجان و درخون غلطیده پدر و مادر مینگرند. آیا تصور میتوانند آنان چی شبی را صبح کرده باشند؟

همه به سوپ منزل عبدالعزیز سرازیر می شوند و در همین لحظه برادر عبدالعزیز ناشپ راندر حالت فرار از دیوار منزل میرویند. نظر به تحقیق محار نوال موه غف و قصه طوری بود که نامهربان قاتل عبدالعزیز و خانمش صرافه میان شان به اصطلاح "شکر زنجی" موجود آمده بود و همسایه های پیش نوسنند که قاتل شخص آنهاست و لگروید معاشر است و موه همین دلیل ابتداء با سلاح دست داشته اثر سه مری می به جا نپ برادر و شامزده مری مرمی را به سره گردن و سینه و بطن خانم برادرش فرو میریزد و وحشت ناکتر اینکه اغفال برادرش السی سیده دم با چشمان اشک آلود به چمدنهای بهجان و درخون غلطیده پدر و مادر مینگرند. آیا تصور میتوانند آنان چی شبی را صبح کرده باشند؟

بنا تقابل از قلم ادم کشته

تاشای سخته های پربا چرخه فلم های تلویزیونی محضاً بالآخر از قوه برداشت ذهنی اطفال است و اغفال صرافه متکی به قتل کشتار و زود و خیزد های وحشتناکند استند و اطفال را به آن واداشته است تا در کویسه و بازار از اکت های هیرو هیا ویدئو مغفلان قلمها استفاده برنده تا سفته پیامدهای نسل هنجار و ما بوس کنند. پسر را در قبال داد و به پاید یکس از این گونه حوادث را به حیث یک واقعه حقیقی بدیم که در سینت خانه واقع در ناحیه نیم شهر رخ داده است. محمد هاین پسر پانزده ساله در یکی از ریزهای مانگ شده با پسر همسایه خود که در کویسه

شور سرش اکل کرد



بعضاً مرد هابه حدی در مورد خاتم هایشان خوشتر صلاحیت میدهند که حتی باید فرو بردن و بهرون آوردن نفس زن باید به حکم و اراده آنها باشد و کوچکترین اشتباه زن برای چنین مردان گناه عظیم پنداشته می شود.

با ناشایسته ترین عملی از طرف یکی از مردان باشند. ناحیه دهم شهر کابل که از ذکر نامش خود داری میگویم خانیش را به اسم صفر با دستان خود موخایش را قطع پابتر بگردد که منتهای است که به چنین عملی متوسل گردیده است.

اینجا خانه فساد است

سردار محمد شخصی که همه روزه منزل محل تجمع مردان عیاشی و لگرو معتاد است. این مرد فساد پشه کسوت که خانم و خواهر برایش مطرح بحث نیست صرف چشمانش به طرف دستانی خیره میشود که به سوش پول پرتاب می کنند. حوالی ظهر یکی از ریزهای ماه گذشته که ازدحام مردان عیاشی و فساد پشه فضای اتاق های کیف منزلش را به کلبه نفرت انگیزی مبدل ساخته بود در بازه منزلش درق الباب می شود و چون سردار محمد مصر و فک گفت و گو و قیمت گذا ری با لای متاع های متحرک خود بود سر میریزد.

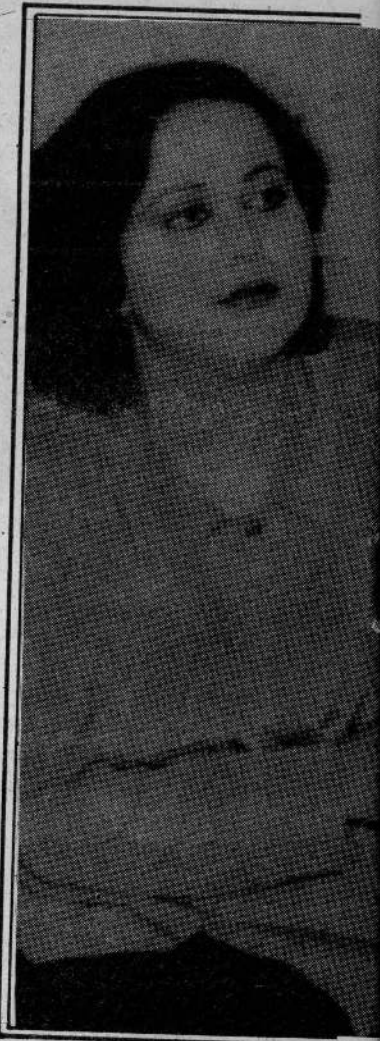
نشانی گفته و

شهره های مختلفی پسری فزین اشخاص از جانب در دان و راهگزاران به کار بسته می شود و خانواده ها به این شهره توجه کنند و زن و دختر جوانی در یکی از خانه ها در کارته نو میروند به بانایشان خواستگاری دختر جوان خانه است و از صاحب خانه آپ اهامیدنی طلب میکنند در این لحظه نوت هزار افغانیکسی نشانی شده را زیر تلویزیون شان میگذارند بعد از وده و ویدهای بعدی راه خانه شان را در پیش میگردند لحظه پسری بعد موتر تکسی بی در کنار در بازه این منزل میایستد و راننده به مادر خانواده میگوید که او را شوهرش فرستاده و گفته است که تلویزیون و قالین ویدوی و بعضی چیزها را به

خاطر همزورد و متش بعد سترس بگذارد آنها از سپردن اشیا خود داری میکنند اما راننده می گوید که شوهرش نشانی گفته و در زیر تلویزیون نوت هزار افغانیکسی را جاها ساخته است و دختر میروند که واقعا در زیر تلویزیون شان نوت هزار افغانیکسی نشانی شده وجود دارد. اعتماد مینمایند و اموال را به تکسی ران میدهند و شوهرش شب به خانه میاید قصه راسی برسد اما از همه چیز اظهار بی اطلاعی مینماید و شوهرش صبح با ناراحتی سوار بر تکسی میشود و به طرف دفتر میروند از قصه اتفاق افتاده در دفتر لشی به راننده میگوید و میگوید پولس راندر جریان (بفیه در صفحه ۸۷)



نویسنده: خلیل نیکمن



عملیات سلطان جگر رادر دیده انعام داده است

سرطان انشایی در ریه سلیمان سلطان جگر انعام داده است. این بیماری که تا پیش از این با نام خلیل نیکمن شناخته می‌شد، اکنون با نام سلیمان سلطان جگر شناخته می‌شود. این بیماری در ریه‌ها ایجاد می‌کند و اگر درمان نشود، می‌تواند منجر به مرگ شود. سلیمان سلطان جگر در این زمینه تحقیقات زیادی انجام داده است و نتایج آن را در کتاب «عملیات سلطان جگر» منتشر کرده است. این کتاب به زبان ساده و قابل فهم برای عموم مردم نوشته شده است و می‌تواند به بیماران مبتلا به این بیماری کمک کند. کتاب در ۱۰۰ صفحه و به قیمت ۱۰۰۰ تومان در دسترس است.

بشمه در صفحه (۸۵)

تو ملی میگویم

تو به کار: زکیا مانجه

ملالی طریف در مورد شهلا حیات

شهلا خواستش مهر برنامه راپایشانی باز می‌پذیرد

ادبی و ...
شهلا حیات به ایمن عقیده است که باید به بننده تلو یز یون و شنونده راد یو احترام گذاشت و مسایل را طوری عنوان کرد که مفهوم اش را این نباشد که تنها او - مه‌اند و پس به بل که نتیجه اش را این باشد که شنونده و بننده احساس نماید که گوینده به خاطر آنها این مسایل را به خوا - نشوگر فته و به اطلاع آنها می‌رساند.

شهلا حیات می‌گوید: اینست مهر بان و صمیمی یکی از خصوصیات برجسته و قابل احترام او این است که هیچ‌گاه نمی‌خواسته تا حرفی که باعث رنجش خاطر طرف می‌شود در میان بیاورد. - خوانش هر برنامه که برایش سپرده می‌شود با پیشانی باز و بدون هر نوع خسته‌گی می‌پذیرد.
موفقیت و پیروزی بیشتر کار گوینده می‌شود که در - خوانش مطالب سیاسی و اخباری است تا مخاطب



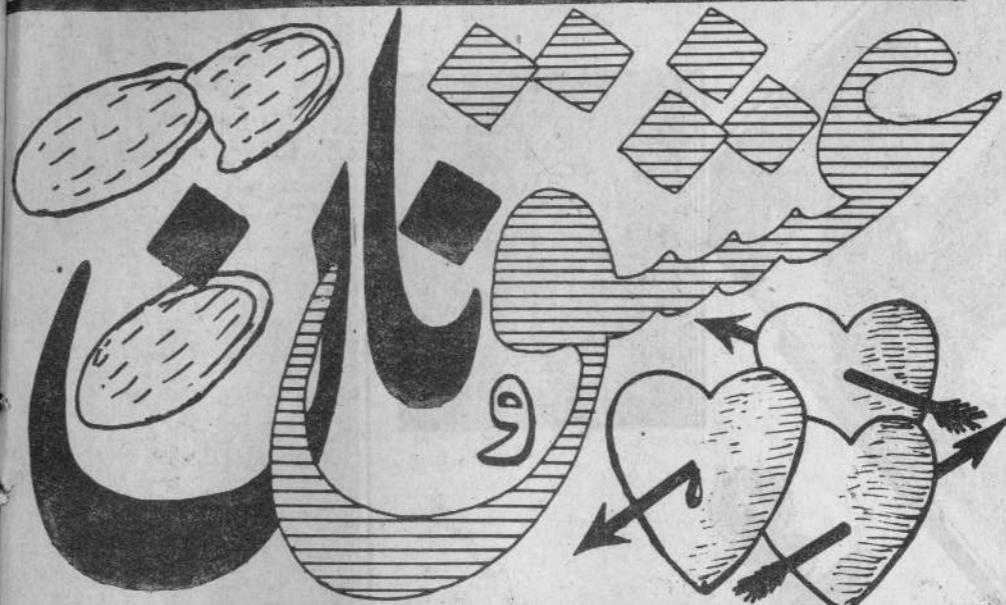
ملالی پیرکنده‌گی و سنگینی در کار رایشی‌سپرد

شهلا حیات در مورد ملالی طریف

حکارت و علاقه‌مندی مضمینی زود پله‌های پیشرفت را بهمه‌اید.
ملالی پیرکنده‌گی و سنگینی در کار را نمی‌پسندد و دختر است انتقاد پذیر و به این عقیده که انتقاد بایست به شوهه ایسراز بخورد که قصد توهین طرف زید - خل نباشد او مطالعه را یکی از اساسی‌ترین بخش برنامه زنده می‌داند و روزمره انسانها میداند.

ملالی در روابط اجتماعی خود دختر است مودب و بسا نزاکت و نهایت خوش‌برخورد ضنه با بدله‌گویی که دارد می‌شود ساعت‌ها را بدون کوه - چ‌گترین احساس خسته‌گینی با او سپری کرده ملالی در کار گوینده‌گی تازه‌گام است و هنوز مدت زیادی از همکاری اش در رادیو و تلو یز یون - نهمگذرد اما او توانسته بسا

داستان کوتاه



وقتی گوستاف فالک جوان و بیامان مشاور
 ادا ره هر سابه خواستگاری لوئیزا رفت
 اولین سوال پیر مرد محترم از او این بود که:
 "درآمد چقدر است؟" گوستاف گفت:
 "بسیار کم، تقریباً صد کرون، اما لوئیزا ۱۰۰۰"
 پدر زن آینده گوستاف حرفش را قطع کرد
 و گفت: ((باقی اش مهم نیست، در-
 آمدت کم است))
 ((آه ما لوئیزا و من همدیگر را دو-
 ست داریم، ما هر دو واقعا تصممان را
 گرفته ایم))
 پللی احتمالاً اما اجازه بد هوس
 بهر سبب ما کل درآمدتان سالانه هزار و
 دویست کرون میشود؟
 گوستاف گفت: ((ما اولش درآمد-
 یگر با هم آشنا شدیم))
 پدر لوئیزا مصرا نه ناله حرفش
 را گرفت و پرسید: ((آیا علاوه بر حقوقی
 که از دولت می گیرید درآمد دیگری هم
 دارید؟))
 خوب پللی فکر کم بتوانم درآمد
 کافی داشته باشم و تازه من دانم
 علاوه متقابل ماهه هم ۱۰۰۰))
 پللی کاملاً درست است ما
 اجازه بدهد پللی از قلم صحبت کنم
 خواستگار هر جور گفت: ((آه ما ما من
 می توانم بلا اضافه کاری به از این درآمد کافی
 پول بدست آورم))
 ((چه کاری و چقدر؟))
 گوستاف گفت: خوب می توانم زبان فرانسوی
 نسه بی درس بد هم و کتاب ترجمه کنم، من
 توانم نمونه های چاپی را تصحیح کنم
 بهر مرد در حالی که قلم در دستش بود
 پرسید: "چقدر ترجمه می کنی؟"
 ((منی توانم ده تا بیست و یکم چقدر را اما
 فصلها یک کتاب فرانسه بی ترجمه می کنم که
 از هر ورقش، این حق الزحمه می گیرم
 "نام آن چند ورق است؟"
 "به نظرم تقریباً ۲۴ ورق"
 ((بسیار خوب، این هم دویست و پنجاه
 کرون حق الزحمه دیگر چه؟))
 ((آه من دانم، مطمئن نیستم))
 ((چقدر مطمئن نیستی؟ آن وقت
 میخواهی از دواج بکنی؟ جوان هکذا
 تصورات عجیبی از ازدواج داری میدانی
 که بعد از ازدواج چه دارم و میروی و بماند
 خوراک و پوشاک شان را تا من و آنها را
 بزرگ کنی))
 گوستاف اعتراضی نکند گفت: ((اما
 شاید زود بچه دار بشوم، در زمانی مانقدر
 تا طبق همدیگر همتیم))
 ((باید احتیاطاً پیش منی کرد که
 به دنیا آمدن بچه ها هیچ خطری

مردان اوگاست استریندبری نویسنده داستانهای کوتاه رمان و نمایشنامه در سال
 ۱۸۶۹ در استکهلم سوئد به دنیا آمد و به سال ۱۹۱۶ از نیارفت دوران کودکی اش
 در دفتر گذشت پس از تحصیل در دانشگاه مشاغل زیادی را از جمله معلمی، بازیگری
 روزنامه نگاری و سرانجام کتابداری تجربه کرد
 استریندبری یکی از نویسندگان برجسته دانست و چنان که در حقش گفته اند: "او
 شکیبایی بی پایان است"
 تعلیمات فنی ای که او از زندگی معاصر آموخته است بر اساس تفکرهای روانی و
 شخصی و فلسفه خاص است

ندارد ((و بعد پدر لوئیزا که راضی
 شده بود هفت:
)) به نظرم هر دوی شما مصمم
 هستید از دواج کنید و تردیدی ندارم
 که شما واقعا عاشق همدیگر هستید، پس
 بر این من باید بالاخره رضایت بدهم؛
 اما فقط به این شرط تا مرد لوئیزا میروی که
 سعی کنی درآمدت را زیاد کنی، گوستاف
 از خوشحالی بی سخن شد و احساس را با
 بوسیدن دست پدر مرد نشان داد، او
 چند روز خوشحال بود و لوئیزای او هم چقدر
 هنگامی که برای اولین بار برای قدم زدن
 بهرون می رفتند احساس غریب کردند
 گوستاف عصرها همراه نمونه های
 چاپی که تصحیفشان را مقابله کرده
 بود به دیدن لوئیزا می رفت و این تاثیر
 خاصی روی آقا جان می گذاشت، اما یک
 روز عصر آنها برای تنوع به تئاتر رفتند و با
 گادی به خانه برگشتند و خرج تقریباً آن
 روز هفتصد کرون شد، بعد گوستاف
 بعضی وقت ها عصرها به جای تئاتر به
 خانه زن جوان می رفت تا با هم به سرور
 بروند و کسی قدم بزنند

توان کوچک را بهتر از پارتیمان بزرگ میشود
 با اسباب و اثاثیه زینت داد، این بود که
 اپارتمانی را در طبقه اول با دواتق و آشپز
 خانه به ششصد کرون اجاره کردند، البته
 در ابتدا لوئیزا گفت که بیشتر دوست دارد
 اپارتمان سه اتاقه آن هم در طبقه
 بالا داشته باشند، اما این در برابر عشق
 واقعی آنها به یکدیگر چه اهمیتی داشت؟
 بالاخره وسایل و اثاثیه در اتاقها جا گرفت
 در اتاق خواب تخت خوابی با دکور شل
 گاد میبهاها با لحافهای آبی رنگ و ملحفه
 های مثل برف سفید که جلوه بی شاد
 داشت تزین شد
 و در اتاق دیگری هم اتاق نشیمن
 بود و هم غذاخوری و هم مطالعه، بهمانسوی
 در زار و دویست کرون لوئیزا قرار داشت
 به علاوه میز تحریر از چوب چنار و میز
 و چوکی غذاخوری آینه بی با چار چوب
 طلا بی چوکی و قفسه کتاب نیز گریسی
 و آرامش فزاینده این اتاق را در چوچندان
 کرده بود
 مراسم عروسی شنبه شب برگزار شد و
 صبح یکشنبه زنج جوان تا دیر وقت خواب
 بودند، و بعد اول گوستاف از خواب
 بیدار شد
 زن جوان و زیبا با چهره بی راضی
 مست خواب بود، شب خوب خوابیده
 بود و چون آن روز یکشنبه بود، با صدای
 تلقی تلقی صبح زود گاههای بازار بیدار
 نشده بود، در همان موقع ناقوس شاد
 کلوپا به صدا درآمد و کوی از آفرینش زن و مرد
 تجلیل میکرد
 گوستاف رفت تا لباسهایش را بپوشد
 سپس به آشپزخانه رفت تا سفارش ناهار را
 بدهد، چقدر ظروف جدید روی آشپزخانه
 برق می زد و درخشید (و همه آنها مال او
 بود، مال او همسرش و گوستاف به آشپز
 گفت که به رستوران برود و غذا را سفارش
 بدهند تا برای شان بیاورند، آشپز همه
 چیز را می دانست چون گوستاف روز قبل
 دستورهای لازم را به او داده بود، فقط
 باید بماند و آوری می کرد که وقتش رسیده
 است
 گوستاف میز را خودش چید تا وقتی
 غذا از رستوران برسد، بشقابها و کار و پنجه
 و گلاسه روی میز میز سفید و نوچید شده
 دسته گل عروس جاییش کنار لوئیزا است و دختر
 لوئیزا با لباس قشنگش وارد اتاق میشود
 پرتو آفتاب به او سلام می دهد
 اما او هنوز کمی احساس خستگی می کند

به عمیق دلایل هم گوستاف او را روی چوکی
 می نشاند و چوکی را به پشت میز می کشید
 شوهر جوان بلرزانم وجود در خدمت همسرش
 است، گوستاف وقتی از شقایق صد ف
 می خورد و نوشابه اش را می نوشد
 فکرش کند چه لذتی، البته اوقلاً بعدنی
 موقع تجرد هم زیاد غذا خورده است، اما
 چه لذت و حظی برده است؟ هیچ (این
 مجرد ها چقدر رابله اند که ازدواج نمی
 کنند، و صدف رخود خواهد اند، باید همان
 طور که به سگها مالیات بسته اند، از آنها
 هم مالیات بگیرند، اما لوئیزا به اندازه او
 سختگیر نیست و با مهربانی و ملاحظت تمام
 می گوید که شاید به چاره های که تجرد
 اختیار کرده اند قابل ترحم باشند، به
 نظرها و بدون شکاگرانها، استطاعت
 داشتند از دواج می کردند، گوستاف
 احساس می کند قلبش کمی سرد آمد، است
 معلماً خوشبختی را نباید با پول سنجید
 نه نه اما اما... خوب مهم نیست
 بزودی یک عالم کار خواهد کرد و می رسد



همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت،
 حالا فقط مهم کیک بریان خ و شمره با چاشنی
 مخصوص است، این تجملات برای لحظه
 بی رنگه خطر را برای همسر جوان به صدا
 در می آورد و انگار از گوستاف می پرسد
 آیا می توانند با این ولخرجیها زنده می کنند؟
 اما گوستاف به اوقوت قلب می دهد و از نگرانی
 های بی موردش می گاهد و می گوید: (یک-
 روز که هزار روز نمیشود، آدم باید تا می تواند
 از زندگی لذت ببرد، آه چه زیبایی است
 زندگی!)
 ساعت شش هفتاد و دو، دو سبه زیبایی
 در جلوی خانه آنها می ایستد و عروس و داماد
 ماد بگردش می روند، لوئیزا همان طور
 که به راحتی به عقب تکیه داده است
 وقتی از میان پارک می گذرند و به اسبابها
 ی پیاده بر می خورند که شکارا متحیرند
 و با نجات معظم می کنند، مسحوری شود
 حتماً آنها فکر می کنند که گوستاف خوب از
 دواج کرده و دخترش پولداری گرفته است
 حال آنکه آن چاره ها مجبورند پیاده روی
 کنند، اما سواره رفتن بدین زحمت آن هم
 در حالی که پشتی نرم گادی تکیه داده
 باشی چه صفایی دارد و این مظهر
 ازدواج دلنشینی است
 ما اول بهر شار از خوش بیست
 آنها با انواع و اقسام مهمانهای دعوت
 می شدند و داماد به تئاتر می رفتند
 با این حال بهترین اوقات آنها اوقات بی
 بود که در خانه بودند، چه قدر وقتی
 گوستاف شبها لوئیزا را از خانه والدینش
 به خانه خود می آورد و در زیر سقف خانه
 شان طوری که دلشان میخواست زنده می
 می کردند، لذتبخش بود، وقتی به ابار-
 تانشان می رسیدند شام مختصری می
 خوردند و بعد روی میبل لیس می نشستند
 و تا دیر وقت با هم گپ می زدند، گوستاف
 طرفدار صرفه جویی بود، البته در حرف
 یکروز عروس جوان و خانه دار ماهی
 دودی و کچالو درست کرد و چقدر
 هم خوشمزه و اما گوستاف از آن
 ایراد گرفت، وقتی باز هفته دیگر نشست
 غذای ماهی دودی شد و گوستاف از بازار
 یک جفت کبک خرید، چون کبکها را یک
 کرون خرید بود، از این معامله عالی
 به خود می بالود؛ اما لوئیزا از این کارش
 راضی نبود خود او یک بار همین تعداد
 کبک را زودتر خریده بود، و انگهی خورد
 دین گوستاف و ولخرجی بود با این حال
 خوب نبود سر این مسائل جزئی با شوهرش
 مخالفت کند
 بعد از دو ماه حال لوئیزا فالک

نامه بی اخراج ما رسید گمبا
 حظی برخی کلمات آن لازم -
 دانستم آنرا نشر نسایم تا
 ازین سرگذشت جوانان درس
 بگیرند ؛
 به ادا ره محترم مجله
 وزین و دوست داشتی سها -
 وون !
 بعد از عرض سلام بتمسلم
 دست اندر کاران عزیز مجله
 سبب وون غم قلبم را به این شرح
 مینگارم امیدوارم که در صفحه
 سلام پسران به دختران آنرا
 نشر نمایند .
 این غم تازه مهبان قلب نا -
 توانم شده و سنگینی این غم

انقدر زیاد است که تمام لحظه
 های زنده کی ام را تلخ نموده
 است .
 فقط چند روز پیش همسری
 که او را ز یاد تر از جانم
 دوست داشتم همسری که
 تمام غمهای های زنده گسرام
 بود بوسن خیانت نمود و من
 در دهلز محکمه ناحیه ۷ -
 سند رسوایی و طلاق او را -
 ایشاء نموده و بدستش دادم
 و بدست آوردن سند طلاق را
 برایش تهنیک گفتم .
 درین جا میخواهم که تمام
 خیانت ها و جفا های که او -

کرده بنویسم فقط میخواهم بنویسم
 بسم که او زن بسیار بی وفا
 و پر جفا بود او با وجود تمام
 فداکاری هایم او با وجود تمام
 انسانیت و شرافتم چرازنده کی
 ام را خراب نمود و میخواهم
 برایش بنویسم که تو راستی دختر
 بد بودی ترا اخلاق فلسفی
 بود پسکود آشتی تو راستی که نمی
 توانستی یک همسر خوب برای
 من شوی و در سینه ای تو قلب
 زخمی یک زن نه . بلکه قلب
 شریف یک بدکار بود زتیش است
 و میخواهم برای مادرش
 که ذلیل تر از خودش بود بگویم


که تو انسان نی بلکه یک وحشی
 بودی و از خداوند عالم آرزو -
 دادی که برای هیچ زنی چنین
 مادر و برای هیچ شوهری -
 چنین غمخویش را نصیب نگردا -
 ند . همه سخنان تو بادم
 است که می گفتی برای ما مردم
 هیچ عیبی ندارد که زن
 به شوهر خیانت کند ه این
 گفتار از مقوله های خوشبسم
 بود که برخم کشید و من
 دانستم که این ها شرافت
 ندادند ، این ها همه چیز
 را در پله های پول وزن مس
 بقیه در صفحه (۸۴)

قصه خانه خود ما

لری اونسی کولای دختری
 مستقل چه هکله تمسلم
 زنسی . که غم هم تراوسه
 ز روز به روز کوفت کوفت خیره نه ده
 یاده شوی مغزوه داس فکر
 کم چی زینا ورسته به ده خیره
 با پیزی اوزه به دختری -
 راتلونکی ژوند به هکله یوک -
 با تصمیم نسیم . مگر مکتسی
 تردی بزه پلستکی ماته
 رانغ ته کیزی چه زه بی -
 خورا جدی کم او هف -
 زیاد درو با شمانو ژوند او راتلو -
 نکی ده . به دی چه پوهیز
 چی که زه له بل چاسره واد مکتیم
 زیاد لوسری مسره کوره نسیم
 به هغه کی مد اخله کوسی
 او بیره سخته ورنه اندی تبا -
 پیزی . به دی مسوره
 کی به هغوی غیلی اپتسی
 له ماسره وشلوی اونه تنجه
 کی داساله زیاد پرد و کوجنهانو
 باندی سخته اضری کوسی
 وان چی د هغوی راتلونکی

ژوند به هم مستوزو دک و ی
 له پلس خواز یاد پلار کوره نسیم
 ته هم زیاد ووهم کل لپاره
 پا ده کول ه هغه هم له
 کم پردی سره مغزوا سفت
 هم دی . که چیری زنده اخیره
 رابرسره کم زما د پلار کوره نسیم
 اوزما د هغور کوره نی د پاره زما
 به خلاف لاسونه سره ورتوسی
 اوزما به تصمیم کی خند هکله
 چی حتی له مستوزو سره
 به می سخاخ کزی . اوس تو
 بیره له به بیره دوه لاره کی واقع
 هم . بوی خواته می دوه کوب
 چنهان او کوره نی و لاره ده
 ایللی خواته می دیوانه تو ب
 ژوند چی به سخل وار سره
 له مستوزو یوک دی . که
 بوهیم چی به کم بوه نسیم
 پس کیز دم او تری تیره
 هم .
 به دی پول می کسه
 تا سخته و کوره تر کوسه تا سخته
 هم تر لاسه کم او ورسته یوک کل

بیا به دغی موضوع بانسی
 بیه فکر کوره او تصمیم نسیم .
 گرانی خوری :
 ستاسو کسه بولوستله . به
 ریشتا سره هم ستاسو
 مستوزده د توجه ورده . زسوز
 به تولنه کی ستاسی به
 شان پیری بخی دغه
 کپا وینه زنی اود پول بی ول
 مجبوریتونه امله هفوته ظاره
 زدی . به هر حال مژ تبه
 هم سخته ده چه تاته زنده نظر
 در کوره مگر پردی خیری کول
 لای دی او هغه داچی
 (کونده د خیل خان و له
 لری)
 ته هم به موضوع بانسی
 بیه فکر کوره او شلوی خاوی سی
 مستوزده تر کوفت ای به کسری
 به داسی مستوزده کی را کوره
 نسیم چی به ماسره لاس تکوی
 مگر هخ نسیم به به لاس نسیم
 و کس . ستاد ریختا به
 او کما می به هیله .

باتی له ۳۴ خ کس

 جسم سل میلارد واره تیر
 لغره روینانه دی او همدارنگه
 دووم فضای جسم دی چی
 دیمکن له کزی شخه ن پروان
 لری .
 ستورویژندونگو دغه جقم
 د ایزاک نبوت تلکوب به
 برسته د کازی له جزیره شخه
 و لید . باید وویل نی چی
 دغه اجسام را دیوس نیس خیر
 وی او پوهان وای چی ددغو
 نول ستوروی به منغ کی کدی
 لیدل کیزی . دلوسری سخل
 لیاره د شیتو کلو نوبه سرکی
 دغه نول ستوروی کشف شول
 ی یوزد اوخلور -
 ستوری بیژندل
 وی دی .

کف شناسی علم وسع بوده و نظریه اهمیتیه که دارد توجه انسانها را در طول تاریخ به خود جلب نموده است.

یک تن از علمای قدیم توفیق انسانرا بر سایر حیوانات مریهون دست خوانده است و هم چنان دست به نام خد متکا ر بدن یاد گردیده است در عصر حاضر تعداد زیادی از علمای برجسته و نامدار در علم کف شناسی تبارز نموده اند و آثار زیادی در زمینه نوشته شده است.

محمد اکبر هوتکی آفغانا سن کشور که از سالها پیش اینسو دور از نام و شهرت در این مورد به مطالعات و تحقیقات پرداخته هاینک سی سال میشود که با کف شناسی سروکار دارد و او سالها ها و مقاله های مختلف خود پیش را در ژوندون هشتون ریخ و روز نامه کاروان به چاپ رسانده است و اکنون کارمند رسمی آفغان فلم و رادیو تلویزیون میباشد ، سر صحبت را با او چنین آغاز میکنم .

لطفاً در باره خود رفته تان بگوید .

پاسخ : تحصیلات خصوصی به طور مکتب و مجموعی در علوم اجتماعی علم کف شناسی هقیافه شناسی تعبیر خواب ه پیشگویی کردن شناختن و فهمیدن طالع و همچنان تعویذات دارم و تلاش وسیع من برای کسب دانش بیشتر ادا به دارم و از مدت سی سال بدینسو من درین مورد به مطالعه و تحقیق پرداخته ام .

— محترم محمد اکبر هوتکی آیا کف شناسی علم است ؟

— کف شناسی سابقه طولانی دارد که از تجربه های سر نوشت و زنده گی مردم الهام گرفته شده است .

در تمدن قدیم چین باستان ه هند کهن ه یونان و مصر مطالعات خطوط دست انسان رواج داشته است و بابه وجود آوردن کف شناسان ماهستر اصطلاح خرافات و جادو از روی این علم برداشته شد

در مورد کف شناسی میتوان گفت که این علم میتواند رهنمای خوس برای انسان هاباشد . محترم محمد اکبر هوتکی بهشتر مراجعین شما را چی کسانسی تشکیل میدهند ؟

— مراجعین مختلف از اشخاص زیادی به سن و سال متفاوت مراجعه می کنند اکثر آن ها دچار بحران شدید روحی میباشند و متبایق در مورد دانستن آینده ه رهنمایی از طریقی کف شناسی ه تعمیم سن ه چانس و خوشبختی در زنده گی آینده بستگی روزگار و حالات روانی ناگوار میباشد که میتوان گفت نود فیصد مرا

جمعین را انانی تشکیل می دهند که از لحاظ روانی تحت فشار شدید قرار دارند .

— لطف نموده در مورد عرصه های کار خویش روشنی بیا نند .

زید .

— الف : در مورد کف شناسی باید گفت که خطوط دست انسانها متفاوت میباشد که توسط آنها سرنوشت انسانرا میتوان از زمان تولد تا هنگام مرگ مشخص نمود .

هر خط دست از خود مشخصا به خصوصی دارم از روی آن میتوان حتی در مورد تشبیه هویت اشخاص استفاده کرد .

در کف شناسی تعیین عمر و



سال خوشبختی و اقبال — منطق ه تبلی ه فسق و فجور ه عصیانیت ه جنجال و خشونت ه نرسند ه کسی و سیاست ه علاقمندی به موسیقی آموختن موسیقی ه سرد مزاجی ه زیانجویی ه پرد باری سفرهای کوتاه و دراز بستگی و بندش روزگار ارامی و رنجش دوران زنده گی با جمعی بودن منزوی بودن ه ازدواج معتدد فردی ه تعداد اولاد و تعیین جنسیت آن دختر و یا پسر عیاشی ه تعیین مرضی ه تکالیف نسایی ه جراحات و عملیات خیالپا نی غالب بودن زن و مسا شوهر بالای یکدیگر زندگی و خود خواهی کاملاً امکان دارد . و همچنان باید افزود که ناخن های دست و پا ه کف پا و انگشتان از خود تا نهرات نیز دارم مثلاً : تیز قهسی و کم قهسی ه نمک بختی ه تعداد اولاد ه فسق و فجور ه عصیانیت شدید و اصلیت عقل و دولت ه وفات شوهر پیش از زن و یا برعکس آن سر دی مزاج و غیره نیز ارتباط مستقیم با این اعضا دارم .

ب : قیافه شناسی : میتوان از روی قیافه و مشخصات دانست که شخص دا رای چگونه شخصیتی است اشخاص کنجگار و زحمت کش با استعداد ه بی استعداد امروز ه ج بون ه فراموشکار لجاجت ه فریبکار ه باحیا هسی حیا ه سبک سر و غیره را

میتوان از روی علم قیافه شنا سی تعیین نمود و شناخت ناگفته نباید گذاشت که در علم قیافه شناسی موجودیت ابرو و پیش نیز تا نهر به خصوص دارد ه در موضوعات قیافه شنا سی موضوع دهان ه گردن چهره و رنگ ه پوست نیز در نظر گرفته میشود و علاوه آن قد انسان ه آواز خندیدن آن نیز تا نهرات به خصوص دارند . که به طور مثال میتوان قد را به چهار ردیف تقسیم بندی نمود :

قد بلند ه قد کوتاه ه قد درتا و قد میانه که بهترین قد انسان به حساب انگشتان " ۱۲۰ " میباشد .

در ضمن در قیافه شناسی آواز نیز مطرح بحث است آواز جر ه بلند و باریک آواز سست و ناخوش ه دلیل تکبر و حماقت و بد اصلی میباشد .

بده قهقهه سبب هسای و تبسم دلیل حیای شخص میباشد و ضمناً و قار و تکمین شخص را نشان میدهد .

ج : شناخت و فهمیدن طالع هر انسان از خود نسام مشخص دارم و این نام بانام مادرش یکجا به حساب ابجد جمع و طرح ریزی میشود . حساب ابجد امر ضروری محسوب میگردد طالع و سرنوشت انسان به حساب بعضی ستاره ها و صرح ریزی آن می توان دانست که به کدام عناصر

چهارگانه یعنی خاکی — بادی آتشی و آبی وابسته است . هر یک از این عناصر از خود خاصیت های جداگانه دارد — مثلاً بعضی عناصر با هم ضدیت دارند مانند باد با آتش در تضاد همیشه واقع است . در مورد شناختن و فهمیدن طالع مرد وزن همچنان از حساب ابجد کار گرفته میشود و ازجا نی به عناصر چهارگانه نیز تعلق دارد .

همچنان برنج به حساب عناصر پر دشته های ذیل تقسیم می گردد .

حمل — اسد — قوس هر سه برنج آتشی اند .

ثور — سنبله — جدی هر سه برنج خاکی اند .

جوزا — میزان — دلو هر سه برنج بادی اند .

سرطان — عقرب — حوت هر سه برنج آبی اند .

همچنان باید علاوه نمود که بعضی برنج با بعضی دوستی و با بعضی دشمنی دارند و بعضی برنج با هم قیامی اند یعنی نه دوست و نه دشمنی که بدین ترتیب میباشد :

(۱) برنج حمل و اسد با هم دوست بدرجه میالغه .

(۲) ثور و عقرب دوست بدرجه میالغه .

(۳) جوزا و قوس و دلو با هم دوست بسیار .



(۴) سنبله و حوت دوست اوسط .

(۵) میزان و حمل دوست بدرجه اوسط .

(۶) جوزا و سنبله دوست بدرجه میالغه .

(۷) جوزا و میزان دوست بسیار بدرجه اوسط .

(۸) سرطان و عقرب دوست بدرجه اوسط .

(۹) اسد و قوس دوست بدرجه میالغه .

(۱۰) سنبله و جدی دوست بدرجه اوسط .

(۱۱) اسد و حوت دوست بدرجه میالغه .

(۱۲) حمل و سنبله دوست بدرجه اوسط .

دوستی و دشمنی کواکب ستاره ها :

(۱) آفتاب و مریخ با هم دوست بدرجه خوب .

(۲) زهره و زحل با هم دوست بدرجه خوب .

(۳) عطارد و افتاب دوست بدرجه اوسط .

(۴) عطارد و مریخ دوست بدرجه اوسط .

(۵) قمر و مریخ دوست بدرجه اوسط .

(۶) شمس و زحل دشمن بدرجه اوسط .

(۷) مشتری و قمر دشمن .

(۸) عطارد و زهره با هم دشمن بدرجه اوسط .

که به این اساس دوستی دشمنی توافق روحی هسای و غیره خواص مرد وزن فهمیده شده میتواند .

د : پیشگویی ها : هر سال و هر ماه از خود روزهای سه خصوص بخش وسط اصغر ی و اکبری دارد حساب هفته ها مشخصات به خصوصی دارند که تا نهرات مثبت و یا منفی را در سال میداشته باشد . حتی اگر نوروز به یکی از روزهای هفته تصادف می کند در آن سال تا نهرات به خصوصی خود را میداشته باشد . لازم به یاد آورست که حتی تا نهرات روزها در پوشیدن لباس ه عروس ها و گفت و بگو ه در صفحه (۸۶)

دکتر کف شناسی

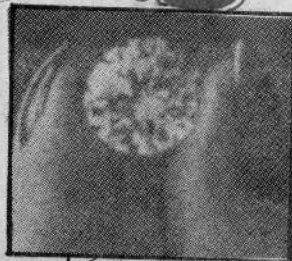
او این روز را میداند

صاحبه انکی دکنا

آيا الكاسين نشانه پيوند جاودانه کی است؟

ورنگه آن . این سنگ سخت در سال ۱۴۷۵ به مغزیک گوهرشناس بلژیکی به نام (لود ویکنبرگن) خطور کرد و او با تلاش نمودن این سنگ قیمتی آن را بصورت گوهر درخشان درآورد . این که چرا الماس سنگ عشق و زناشویی شد و از چه موقع و به چه علت اینجستری و حلقه ازدواج اکثر زنان عالم را بگین های کوچک و بزرگ از الماس زینت میدهد به این سوال و سوال های دیگر (فرانسویان گول) فرانسوی که اکثر سال های عمر خود را در تجارت این سنگ روزنی دادند هر چه بیشتر صنعت الماس گذراننده پاسخ داده است که میخوانید :

- وی میگوید : در اروپا الماس را چنین توصیف میکنند (الماس ابدی است) و از آن جا که هر زن و مردی آرزو دارند عشق وازن و جشان ابدی باشد



زمین است درخشش و کمیابی این سنگ باعث شده که لوکس ترین و گرانها ترین قیمتی جهان باشد . ارزش الماس بستگی به چهار اصل زیر دارد :
- باریکی ، وزن ، تراخی

جواهره زینت دلخواه و ابدی زن است و با ارزش ترین و نفیس ترین جواهرات دنیا را با سنگ الماس جلوه میدهد . این سنگ بدون شک درخشان ترین ، سخت ترین و شفاف ترین سنگ معدنی در روی کره

لد الماس را بر اینجستری و حلقه ازدواج خود میشناسند البته در موفقیت های دیگر همه زن ها از ریافت این سنگ و مرد ها از هدیه کردن آن لذت میبرند . حتماً تعجب میکنید که چرا مرد ها از هدیه کردن الماس لذت میبرند ؟ پاسخ ساده است . هر مردی علاقه مند است به زن مورد علاقه اش الماس هدیه کند ؟ زیرا این سنگ نشانه یسی خواهد بود بر موفقیت او هم در زمینه عشق و هم در زمینه کار و ثروت و میداند نم که مردی آرزو دارد در عشق و در کار بجز موفق باشد پس از آن دست آوردن این در موفقیت است که احساس غرور و رضایت خاطر میکند .

- برای یان نگهداشتن الماس - معمولاً کسی صابون در آب گرم حل میکند و به کمک برس یا مسواک نرم سنگ را در آن میشوید

الکاسین سنگ سختی که قلبهای لطیف بخاطرش می تپد

دغدغه زود سپری چی دورخی پنجه و لیست سنگی خوری

داس نظر ورکری چی ددغه دایتا کلن سیری بدن له دغو خورو سوه عادت موندلسی او کولس یوازی به سلوکسی انتر کولمترول جذب سویی دغه د اکثر زياته کره چی په خپل دیارلس کاله طبابت کی یس ددغه سیری په شان دصغرا قوی کخوره نه ده - لیدلسی .

یو امریکایی چی اته ایضا کلن ددی دورخی دچرکسی پنجه هشت هگی خوری ؛ خو بیا هم تراوسه پوری سوسی دوهنی کولمترول ندی له سر شوی . دنهوانکلند دطبی ژورنال په حواله ، اروپوهانو دبنغه وخت دانی هکمو خورل سو اجباری امر بللی دی . ددغه سیری کوره نی طبیب



خلید و نکی سوریه ورتنه لمر کشف شو

انگلستان درو مال گر - منوچ زهد خانی او کمبرهج یوهان په دې بهالی شول چی هولیدونکی شس په نضا کی کشف کری . دالمان خبری منابعو رپوت ورکری چی ستوری پوزندونکی وایی چی ددغه ستوری زناد - لمر نیا په پرتله زياته ده . ددغو پوهانو له لاسه یوه ووهل چی داستوری ته ورته پاتی په (۸۱) مخ کی

د پاکستان کی آسمانی سنگه راولپنډی

دلندن دطبیعی تاریخ موزیم په دغووختو کی اعلان وکری چی داوه سووینعموس گراسو په وزن یوه تیکه دیوانیا کلن انگلیسی سیری په باغچه کی له آسمانه راوولیده . پاتی په (۸۷) مخ کی

تنظیم از فرهنگ سرلوی

سلامت ملت یک مرد عجیب



برابر چشمش باید دیدند
او از زمانه نوزدها تا احسان
در زمان مشرقه واقع و اسلامی
ایام صاحب مسکن دارد حتی
پروای آن که آبیاری خیزد و تا حال
از زمانه پیش از چهل و پنج
سالار ملگ را با یک دلق در حال
دقیقه سیری کرده است
اوهاد تا به باد ویا به
به شکل آنچه نمانده است
خواهید آفرانید به استمال
که در درون و یاد سال ارجمندی
زند و خورد و یاد سال ارجمندی
در وطن میگرد و یاد سال ارجمندی
و در زمانه تا هفتاد و نه است
و در وقت و یاد سال ارجمندی
در زمانه تا هفتاد و نه است
در وقت و یاد سال ارجمندی
در زمانه تا هفتاد و نه است

زمانه که خیلی کوچک بود
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند

در محلات روستاها معمولاً
آدمهایی است که از نظر
بوجود و کمر خرد شخصانی
دارند که مورد توجه قرار میگیرد
مغز کسی را شناسایی
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند
در وقت زاده اند

کافدی را نصب میکند که در آن
نوشته اند «از روی سحر قدرت
سپهرام» یاد مهای در قدرت
استند که کسی خارق العاده
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد

در مورد ش میگردید که او را
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد
بجهد کارهای خارق العاده
میباشد

سالار ملگ بعد از اینکه
تاریخی به کلمه موزی پیدا
شد و به اصطلاح شناخت
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب

سالار ملگ بعد از اینکه
تاریخی به کلمه موزی پیدا
شد و به اصطلاح شناخت
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب

سالار ملگ بعد از اینکه
تاریخی به کلمه موزی پیدا
شد و به اصطلاح شناخت
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب

سالار ملگ بعد از اینکه
تاریخی به کلمه موزی پیدا
شد و به اصطلاح شناخت
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب

سالار ملگ بعد از اینکه
تاریخی به کلمه موزی پیدا
شد و به اصطلاح شناخت
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب

سالار ملگ بعد از اینکه
تاریخی به کلمه موزی پیدا
شد و به اصطلاح شناخت
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب
کلمه میگردید او را شب

او عادت با دو پای درین
می بیند و کسی خوابش را
اندیده

پونتها بدرسورد "استعداد" برای پنا و از خوان فلس و نظری بودن یا اکتسابی بودن آن چی نظر دارید؟

لنا: کیفیت صدای اسر فطری و طبیعی است هکسه دارای حد اعلا ای هوسست میباشد اما همانگونه که بیشتر گفتم مهارت های مانسند ناپس آوا هطرزادای وازه ها، شایسته گی گزینش کلمات و ترکیبها و تکلیف های نفس کشیدن که شخصی یادداشتن قریحه نسبتا خوب میتواند به سعرت آنها را فرا گیرد اکتسابی است مثلا توانمندی - تلطیف ماطفیس - بخشیدن به آواز هنگام سرایش یک پارچه آهنگ چیز نیست که صرف تنی چند از آوا زخوانان انگشت شمار به اجرای آن قادراند.

ماتعداد زیادی آواز خوانان راداریم که با وجود داشتن پس منظر خوب و عالی داشتن آموزش از لحاظ فنی یگانه کاستی کارشان ناتوانی در همین تلطیف ماطفیس بخشیدن است.

البته هدف و منظر دور من هرگز به این معنی نیست که آوازخوان باید هنگام اجرا کردن یک آهنگ نم انگیز حق نقی نماید و اشک بریزد و یا به آواز بلند آنها ی که به کند - آخر اینها به هنر صاحب مهارتند - آواز باید با تمام ظرافت انتقال داده شود همسایه مراعات کلیه رموز و دقیق آن مثلا وارد آوردن فشار و تکیه خفیف یا قوی روی سیلابهای مشخص پایان هر مصرع و مد نظر داشتن دقیق و معیاری سرو صوره ...

این ها همه بخش از آن چیزی است که من آنرا "تاب" یا "ترو" میخوانم برای سرگرفتن آن باید صرف استعداد داشت هنرا از طریق آموزش درین ساحه چیزی به دست نی آید - پونتها: پاکداشتن شما به روی هرصه و درد ده چهل تام

فست اول این صحابه در شماره پیشتر به چاپ رسیده است



تکنیک کوتاه اما یک خط لایتناهی

فناوتها و تحلیل هادر باره "آواز قابل پذیرش" را از رهنه تفهیر داده به خاطر اینکه آواز شما درست در نقطه مقابل آواز هنرمندان شناخته شده و پیروز بندی چون نور جهان هز سره بهایی و شفاقت بیگم فرار گرفت آنها همه آواز های سنگین و به اصطلاح پنجا بی بافت داشتند در حالیکه حنجره شما از یک نوع ملایمت و لطافت و افزون بر آن از داشتن یک موج بلند بر خوردار است ه آوا این را - چیزی جدا از یک تصادف در فن تاریخ میدانند هیا چگونه؟

لنا: پاسخ گفتن به چنین پرسشی بسیار دشوار است. فکر میکردم مردم پیوسته خواستار یک دگرگونی و یک دگر گونی پذیر اند - آواز من بسا آن هنرمندان نام آور زمان شان یک تفاوت عجیب و غریب داشت - آنها اکثرا به گفته شما آواز سنگین مواج داشتند جالب اینکه آواز شما هیکم در همین تیج و تلاطم یک لبه نازک و نیز نم پرده بی نوسر داشت - آهنگسازان نیز یک نیاز دگر گونی پذیر داشتند و به اینگونه مراد نظر گرفتند گویی وقت

حظه بی یافت ه باد نظر در اشت چنین حالتی هدر باره - معیار جدید " شما چی حرف های برای گفتن دارید؟ لنا: درست میگویی آواز گیتادت یک خاصیت استثنایی بنگالی داشت که بن آنرا خصیصه موزون سرایی بنگالین مینامیم آواز او تحت اثر و نفوذ آسوز - شهابی از جانب آهنگسازانی چون او بی نوسر و سچن دیو بر من کاملا تغییر یافت - ستر انجام اچه شوره ویژه سرا - پیش دست یافت که میتوان گفت به هیچ کس دیگر شهاقت نسیر - ساند - من نیز یگانه دلیل پیروز روی او را به دست آوردن همین سبک میدانم - میدانید که دارای یک سبک ویژه و ه منحصربه فرد بودن چقدر با اهمیت است -

کنید اگر آهنگسازان ازین بخواهند مثل " لنا " بخوانم ه درین صورت به من چی رهنمود های میدهند؟ لنا: قبل از هر چیزی به خاطر اینکه شما گفتید ه فرض کنیم "مانند لنا" آواز خوانی باید یکم که این به مفهوم "مجبوریت" همانست - وقتی من تازه واردی بودم نبودم ه پیش از حد به مطالعته در احوال و کارهای نوریجهان و کتدل لعل سهیگل میرداختم و چیزی را که تلاش داشتم از آنها بهاموزم رموز اختلافات بهسار چیزی آواز خوانی هچگونه کسی ظرافت برش نبروند آوا و موسیقی و تمهیر و تمهیر موسیقی آنها بودند - من جزئیات و فرمات کسی را مطلقا لمه کردم ه از جمله مثلا

اندک به راحتی آواز تمام خوا ننده های مشهور بنام رسیده و با مهارت تقلید کرده میتوانسد - اگر به آنها بگویی مانند لنا - منگوشکر بخوان - با هنرنا یی های شان یک قیامت بر ساسا میکنند و این کاراچنان موفقانه انجام میدهند که به شکل میتوان آن را از لثای اصلی تفکیک کرد اما قضیه صرف زبانی چنین است که آنها آهنگه مراهخوانند - و اگر آهنگساز پارچه دیگری راه آنها بدهد در آن صورت همه چیز از هم فروریها شد - حتما متوجه شده اید کسی که به کای خوانی مصاب شده باشد ه این علیه بسا یک تقلید منحس اعجاز و با یک تقلید خام همان پارچه پایا ن

درست است؟ لنا: بلی درست است. من به خاطر احترام زیادی که به نوحاد صاحب داشتم و دارم آن وقت چیزی به روی گفتی نتوانستم - اما در هتم در برابر این خواست اوبک جواب بلند و صریح داشتم و آن عبارت بود از یک بانه - پونتها: در باره تمهیر کما رید اشال شان چی میگویی؟ این ها باید چگونه کنند؟ او واقعا در معارضه مشخص با صد رفیع به جهان هنرا آورده شد - به نظر شما تمهیر کما ر چگونه باید راه اصلی خود را پیدا کند؟ لنا: فکر میکنم برای تمهیر کما ر در یک سهاره پر شده است - او در همان یک سهاره دو خط موازی محوس شده است -

لنا: کیفیت آواز یک نعمت خداداد است اما سبک روش یک پدید شخصی است



تاریخ هنر گواهی میدهد همینکه یک نفر آواز خوان ایجاد گر راه و رسم غیر تقلیدی و صد فیصد متعلق به خود شود ه دیگر پیروز بهای همچون و چرا از آن اوست - اگر سخنانم را فشرده تر بسازم باید همان نکته بدیسی را بگویم: کیفیت آواز یک نصبت خداوندی و بی سبک و رو بی یک پدیده شخصی است - پونتها: لطفاً دقیق بگویید هدف از "ستایل" برای سبک آواز خوان چیست؟ و یا خواهش میکنم به این پرسش توجه داشته باشید مثلا اگر من یک گروه جوانان آواز خوان تازه کار باشم و تصور

این را که لفظ "پس" را چگونه ادامیکنند؟ به فتح "ه" یا به کسر "ه" - به هیونگونه تلفظ واژه "سخت" به فتحه بسا کسره حرف "با" و چکونه کسی بشدد "ب" - درین حال بسا رعناط - نه به آموختن تنها چیزها بی میرداختم که به صدای خودم به نحوی مناسبت داشتند باشند و به این ترتیب وقتی آواز خوانم من لثا منگوشکر بودم ه نه نوریجهان و نه کتدل لعل سهیگل - تقلید هیچ انسانی را به سرمنزل نسیرساند ه مسرو ز درهندستان یک گروه جوانان آواز خوان تازه کاری پیدا شد و

مهد برد و همسار کوتاه دا نیدانم شما آگاهی دارید یا کمین هم زمانی میتوانستیم بدون استثناء از تمام آواز خوانان هندوستان تقلید موفقانه نمایم من قادر بودم به سهولت از خود یک کانتینر یا لای نوریجهان بسازم اما همینکه کمین خوران پارچه های تهیه شده شایراییه خودم دادند ه تصمیم گرفتیم از هیچ انسانی پیروی نکنیم، با وجود آنکه اینجا و آنجا توسط برخی ها ازین خواسته شد تا مانند نوریجهان بخوانم - پونتها: اگر غلط نشنیده باشم ه نوحاد صاحب از شما خواسته بود ه مانند نوریجهان بخوانید ه آیا این

بیمار در میان گندم ها

گزارشگر: دکتر وکتور ظاهری

قبلاً در مجله «سازون گزارش» به نسر رسیده بود و در باره «پروژه تحقیقات انسی» باری گندم مطالبی در آن درج شده بود. ما اصلاح کرتیم که پیش از آن پروژه کارهای دیگری نیز در این زمینه صورت گرفته که توجه شما را به گزارش در این باره جلب میسازیم.



گندم های میوات قناعت بخش است. ما تصمیم داریم این عمل را چندین بار تکرار کنیم. در صورتی که نتیجه ثابت باشد آنوقت نمونه های بعد دست آمده را تکثیر می نماییم تا به حیط تخم های اصلاح شده اران در زراعت سراسر کشور عملاً استفاده به عمل آید.

وقابل استفاده به ملاحظه رسید. ملاحظه شود که نمونه اصلی ۱۵۰ سانتی متر بود در حالی که از میوات ۱۲۲ سانتی متر رسید. بعد دست آمده را تکثیر می نماییم تا به حیط تخم های اصلاح شده اران در زراعت سراسر کشور عملاً استفاده به عمل آید.

و در ۱۰۰۰۰ راد ایسنت تغییرات به وجود آمده بود. از نظر قد: اصلی: ۱۲۱ سانتی متر میوات: ۱۱۵ سانتی متر مدت خوشه کشیدن: اصلی: ۱۷۷ روز میوات: ۱۷۲ روز در شش ماه ۱۵۰۰۰ راد از نظر قد کوتاهی قابل ملاحظه

از جنجال نبود؟ و زیاد تراژیک و دشنام این دو هنر آفرین همسایگان به ستره می آید. روزی بالزاک اثر (راهله) را به خانه اش آورد و مطالبی ازین اثر را خواند. لئوسانده که کاسه صبرش لبریز شده بود فریاد زد: ((زود از اینجا بیرون برو مرد بی حیا!)) ولسی بالزاک بالمقابل او را به قهر مخاطب ساخته گفت: ((همسایار خوب... من میوم... اما اینرا فراموش نکنید که شما زن نادان و خرد فروش میسازید که تظاهر به عفت میکنید.)) اما چنین پرخاش هاما نعی شد که این دو هنرمند بر آوازه برای همیشه از یک پیکر به دور شده اند بلکه هفته نه گذشته دوباره بالزاک باخنده های فحشه ظرافت های لئوسانده را استقبال میکند. لئوسانده جوانی را با همیشگی رانده در حلقی ناپلین پنا ناپلین سم نیز او را ستایش میکند. ولی لئوسانده او را ابلهسی و افرا گریز میسازد.

سالون خانه اش همیشه از نویسنده گان، شاعران، سیاه ستمداران و وزیران و سفیران پر میبود. ولی او همه را به ریشخند میگردت به کسی که خیلی علاقمند بود بالزاک بود. او را جامع بقیه در صفحه (۶۹)

رسیده بود. او خانه لئوسانده را چنین معرفی میکند: ((هم بهشت است هم جهنم. درین خانه فرشته ها و ابلهسی ها به هم پیوسته نشینند و بلند بگرانی میکنند. صرف چیزیکه همیشه بچامیانده خود لئوسانده است که همه را به سخره میگرد این اصعبه زمان درد دوران زندگی خود که ۷۲ سال راد برگر فت، شصت رومان، بیستونج نمایشنامه، دوازده مجموعه مقالات و بیست و پنج مجلد نامه ها به میراث گذاشت. در شفر پراشویبار صراحتن خام زیبا با اولین آمدن خود در زمین شوهرش را طلاق داده گفت: (نمی توان قلم و شوهر را هر دو در اختیار داشت.))

بعد از آنکه شهرت از خانه او برآمد، در اولین روزها نویسنده نا- تدار آرزوی فرانسه (الفر د روسه) و آهنگ ساز بر آوازه (شور- پن) به خانه اش راه یافت و این دو کس بود که از لئوسانده گل شرمسید پارس ساخته اند. باجمن نویسنده گان راه یافت و به شیوه و مانتیکی به نگارش پرداخت. ولی فراموش نمیکرد که سالون خانه اش را نباید از خوشبویی عطر نسترن، شامپاین و دود سگرت به دور نگه دارد.

او با بالزاک آشنایی درین داشت ولی این دوستی خالصی

۱۰۰۰ آرزویه اکادمی علوم کشور سزدم. در آنجا دریافت که با وجود محدودیت های مالی و لا بر اتواری، فعالیت های بزرگ و چشمگیر علمی به همت دانشمندان عالیقدر کشور در جریان است و لسم خواست تا از هنر بخش اکادمی علم کشور گزارش های مفصل و جداگانه تهیه بدان و صحبت های هم یاد اشمندان عرصه های مختلف انجام بدهم. و حاله نخستین مطلب را برای خواننده گان گرامی پیشکش مینمایم. اندیشه آن تصمیم هنوز هم با قوت خود در ذهن باقیست.

به هرحال، در نخستین دیدارم از این موسسه علمی وطن، به ریاست عمومی مرکز تحقیقات زراعت، بیولوژی و کیمیا مراجعه کردم در آنجا صحبتی داشتیم با رئیس عمومی این مرکز محترم دکتر سکندر حسینی که جریان گفت و شنود زیاده تقدیم میگردد:

بنامقلی حسینی صاحب تاجاییکه در جریان صحبت با کارمند این موسسه آگاهی حاصل کردم در بخش های مختلف این مرکز، پروژه های علمی زیاد روی دست میباشند برای آینده گذاشته است. تقاضا می کنم که لطفانه در زمینه تحقیقات اتومی که بالای گندم های محلی کشور در این مرکز صورت گرفته معلومات ارایه فرمایید.

قبل از همه از تشریف

همچنان گندم های میوات در مقابل مرض (سرخس) که یک نوع مرض گندم است نسبت به گندم های اولسن فوق العاده مقاومت نشان دادند.

قابل یاد آوری است که نظر به تطبیق اندازه شعاع نیز تغییرات وارده فرقی داشت. طوری که نمونه های بیمار شده ۵۰۰۰ راد به تغییرات ذیل مواجه شده بودند:

از نظر قد: اصلی: ۱۴۸ سانتی متر میوات: ۱۱۵ سانتی متر مدت خوشه کشیدن: اصلی: ۱۷۸ روز میوات: ۱۷۱ روز

مورد مطالعه به خاطر کوتاهی شدن قد ۴۰ راد یاد حاصل و ایجاد مقاومت در مقابل امراض نباتی بود. بعداً نمونه های اصلی و نمونه های معروض باشماع (میوات) در مساحه ۴۰۰ متر مربع زرع گردید که بعد از خسته شدن نتایج ذیل از آن به دست آمد:

نونه های که باشماع بیمار شدند میوند از نظر قد درت نمونه به نونه های اولی قویتر بودند.

به همینگونه قد گندم های اصلی ۱۲۴ سانتی متر بود در حالیکه از میوات به ۱۲۶ سانتی متر میسند.

میراث ادبی لئوسانده

مهد ابراهیم عطاش

آوازه این خانی که عصرش به جمال و کمال اوفتخار میگرد و تخیلات هنر آفرینان را به جنب و جوش می کشاید، بنام لئوسانده شهرت داشت.

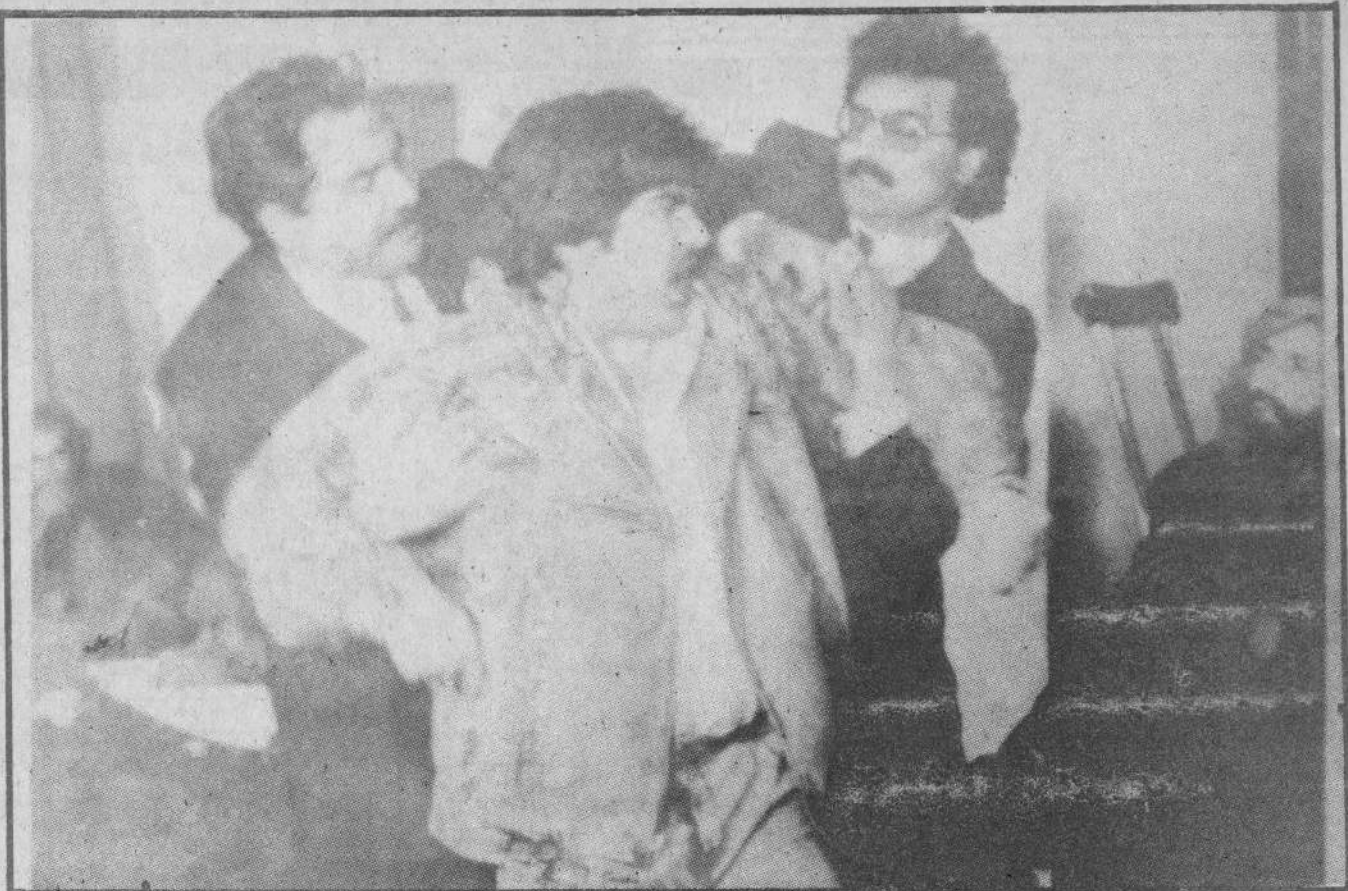
او که در نیمه اول قرن نژده در آستان ادبیات کلاسیک درخشید در نیمه دوم قرن مذکور با آفرینش های خود ماجراهای بزرگی ایجاد نمود.

او که در یکی از شهرستانهای فرانسه چشم برزیده گسی کشود بهود در جوانی خود روزهای سقوط امپراطوری ناپلین اول و بعداً بحران های بی دری در زمان شارل رادیده و آنگاه کلو- بی فلیپ تاج فرانسه بر سر گذاشت. خانه لئوسانده به حرکت آمد و لاهه زمان به پاریسیان موده داد که دختری را به آنها ارمان کرده است که تصویرشان را هنرمندانه ترسیم خواهد کرد.

او به اولین آثار خود پولو فراوان بدست آورد و خانه در پاریس گرفت که نخبه های آنروز در آن به عیش و نوش و حشرت های پر جنجال سیاسی وادبی میپرداخت.

در جمله کلاسیک به این خانه رفت و آمد داشت یکی هم د ونوره دیالزاک نویسنده بر آوازه نویسنده اثر کمدی انسانی بود که شهرتش به همه کشورهای اروپا و به آسیای اوقیانوس (امریکا)

رد پای کجا می رود؟



هنر نه پایست و صرف به
 ترمیم و نشان دادن خوا-
 دت بهبود از به بل هنر اصل
 و تمهید پایست در پی انگیزه
 و عوامل حوادث و تحویل
 منطقی آن ها بر خاصه
 دلایل رخداد آن ها را روشن
 بسازد. زیرا تقلید محض
 و نمایش محض و وظیفه هنر-
 نیست.
 در هنر سمنما و بنا بر
 غصت کارگروهی و غرض
 حادثه پردازی و بسته کسی
 حوادث با هم ضرورت تما-
 ساست.

تمام نداد ها و صحنه ها روی
 پرده و در تپانی با هم قرار
 گیرند.
 به روشنی پیداست و که
 در روی پرده نه تنها کرکتر
 ها حرف میزنند بل رنگها
 اشیا شامل صحنه و حتی
 گاهی کترین حرکت نیز در
 ترمیم صحنه ها و زبان سمبول
 لیک خود را داشته هر یک
 در جای مفهوم بزرگ یا کوچک
 را آرایه مدها رد. با وضاحت
 این که کرد و کش کرکتر ها ه گام
 به گام و تک تک قابل تامل

و وقت میباشند. از همینجا
 است که در بررسی و نقد یک
 فلم پایست گره بندی و نمایش
 همه مرا حل و جزئیات را مورد
 بحث و نظر قرار داد.
 به تاریخ ۱۳ سرطان هتازه
 ترین محصول افغان فلم به نام
 "رد پای" در حضور عده سی
 از مقامات رسمی و علاقه مندان
 سمنما نمایش داده شد.
 رد پای از بلهارد بازی و
 صحت دو همشیک بشمول و -
 شروتنند و در اتاقی آغاز می
 باید. سپس کش میشود به

روی جرم و جنایت و تجاوز و
 قتل و قتل دیگر باز هم اراده
 قتل سوم و اما پیروزی قانو-
 نند بر جنایتکار و در پایان
 سقوط بید رنگ فلم به دامن
 قانون.
 رد پای یک فلم جنایی "قا-
 نونی" است و آزان جفا
 که فلنامه نویس خواسته است
 تا پیروزی قانون را برجایست
 و جنایتکار باز تاب ندهد
 پیداست که بیشتر به سطح
 حوادث افتاده است و تامل
 به عمق آن ها و از همین سطح

سنا هست - عظیم جسر
 کارگردان - فقیر نیس
 معاون کارگردان - قادر رفخ
 لیسردار - سید مجید حسینی
 منتاژور - قدیر رشیدی
 صدابردار - قاسم کریمی
 ساز - ۳۵ ملیخ ترسیاه و سفید
 هنرپیشه ها: قادر رفخ
 عبدالله آرام، جوانمیر
 خدیژی، نهد نیس، فرید
 میرا و دیگران

در رون جنگل انتظار آمدن -
 چشمه را میبرد. چشمه
 باز مرسد و پس از یک سخن
 "آوردی؟ آوردم" با کار
 بر او حمله میکند و بعد از زد
 و خوردی در پیور را از یاد می
 اندازد. این جا نیز پرسشی
 ایجاد میشود. که در پیور
 از چشمه چی میخواسته؟
 چرا فرار نکرد؟
 حالا نیت سلما است.
 چشمه به خانه سلما میرود
 و از وی میخواهد که باید مظل-
 بق دستور چشمه عمل کند.
 سلما نمیدد و چشمه با
 آن که مورد شک و تعقیب
 پولیس قرار دارد، اسرار هر
 دو قتل را که مرتکب گردیده
 است یک یک به سلما تعریف
 میکند. اما آنها این قاعده
 نزد جانی ها وجود دارد؟
 فلم میبایست با صحنه گر-
 نتار شدن چشمه و فرو -
 افتادن الیک به دستهای
 او پایان بیافت اما دیده -
 میشود که فلم چند شات دیگر
 لطفاً صفحه برگردانید

مشروع یا نامشروعی دارد؟
 نذیر خان که مرد شروتنند و
 متولست و چرا حاضر است
 با دختری که هیچگونه وجه
 مشترکی با هم ندا رند از دواج
 نمایند؟
 اشرف و پسر نذیر که در کد -
 شته با سلما رابطه نامشروع
 داشته و حتی غت وی را به
 باد داده است و کرکتر منفی
 و هرزه چندانی ندا رد که
 دال بر مجرمیت قبلی او شده
 بتواند.
 نذیر خان به قتل میرسد
 پولیس به دنبال قاتل میگردد.
 در ابتدا اشرف متهم قتل پدر
 خود قرار گرفته و زیر نظارت
 و شکجه قرار میگردد. اما به
 زودی بیگناهی او ثابت شده
 آزاد میشود. پولیس در اشرف
 تحقیقات و به دست آوردن برگه
 به در پیور نذیر خان مشکوک
 میگردد. در پیور با آگاهی
 از موضوع "بادستان خالی"
 از جنگ پولیس فرار میکنند
 سپس در ویرانه بی واقع در
 چشمه با سلما چی پهنند

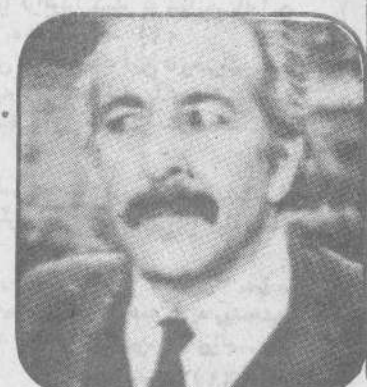
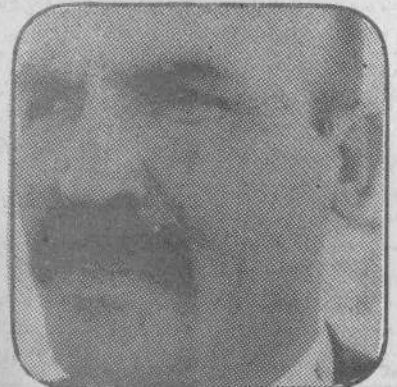
یست که رد پای از قاعده
 کلی و جامع برداشت و تحلیل
 هنری به دور میماند.
 چشمه که شریک تجارتخانه
 نذیر خان است و زمینه از -
 دواج دختر جوانی به نام
 سلما را با او میباید مسازد.
 و بهنند زرف کا و از همینجا
 در می باید که حتماً "زیرکا -
 سه نهگاه است". زبیرا
 در غیر آن بایست چشمه شرو-
 یک و دوست خود را از میادرت
 و پیوستن به چنان عملی مانع
 میگردد و یادست کم برایش
 میفهماند که از دواج او در
 این بر ساله کی ه پایک دختر
 جوان، هرگز مناسب شخصیت
 او نبوده بل عملیست نادرست
 و قبیح.
 تا این جا هیچگونه اهمیت
 روشنی از کرکتر و شخصیت -
 چشمه به دست داده نشده
 است و نزد بیننده فلم همین
 پرسش ها ایجاد میگردد که:
 چشمه کی بوده؟
 چشمه با سلما چی پهنند

جوانمیر خدیژی: با نقایس و
 کبودیهای فنی و تکنیکی که
 دانشمندان و هنرمندان
 های ماست "رد پای" یک فلم
 موفق است.

قادر رفخ: معاون کارگردان:
 با تجربه ناچیز ما در ساختن
 فلم های جنایی فکر میکردیم
 فلم مو فنی باشد.

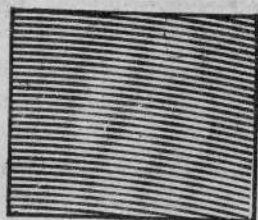
فقیر نیس: کارگردان:
 البته فلم کبودیهای هم دارد.

عظیم جسر: سنا هست:
 در سنا روی فلم رد پای پهنند و
 تصرف صورت گرفته است.





دوپا یک فیلم جنایی 'قانونی' است



نیز به دنبال دارد که ایمن
کار تکرار است بر تکرار و ناپه
جا .

در فیلم رد پا هرگز مرکز
وجود ندارد ، یعنی این که
فیلم در تمامیت خود عاری از -
قهرمان است . و باید پرسش
این، که پرورش چند کرکتر قهر-
مان نیز در داستان ها و سنا،
بها ها ممکن است ، این رقم
را نیز در رد پا در نمی یابیم
زیادکلیت سنا رپوی فیلم در برآگند -
گی قرار دارد .

فلمبرداری نسبتاً خوب و -
بازی موفق چند تن از هنر-
مندان شناخته شده چون
قادر فرخ ، اسدالله آرام و
جوانشیر حدیری تاحدی فیلم
را از خشکی محض بیرون آورده

است .
باید گفت که آن گونه که
سینمای متعهد ، هنرمندانه
در پی تحلیل و حلاجی حوا -
ثت و قضا یا از سطح به عمق
گرایش داده و رد پا حرکتیست
از سطح در سطح و در آنها -
یت صرف نظر از نواقص و کما -
ستهای فنی و تخنکی چون
سستی سوند " آواز " اجرای
دیا لوکها و غیره برداشتهای
یاد کرده تا این جا ، رد پا
تلاشست قابل توجه و درنگ
به این امیدواری که دست
اندر کاران سینمای ماه در
اینده با تجربه های بیشتر
دست آوردهای بهتر و جالبی
در زمینه فیلم های جنایی
داشته باشند .



پایه از (۲۷) را که من میخواهم بنویسم این است که با همت مغلوب نتواند و دیگر از دست نبرد .
 پوزنتا : یمانی که من خودم بودم . صفحه ۳ مجله را بر روی خانه شما (در پاریس) دیدم . بودم . خدا را انتظار میروم . کارسره ایستاده بودید و هرگز .
 وان هینکه چشم شانیه شما می افتاد و بعد رنگه چه شتاب می آمدند همه پایهای تان خم میشدند و راه خود را در پیش می گرفتند . پیمان آنها حتی شتابان نه گان نیز میبودند که به من یک کلمه سخن گفتن به شما تعظیم معنوی میکردند و میفرستند . در این باب چیزی بگویند ؟

لنا : هرگز نمیتوانم بگویم که چنین کاری مرا خوشحال میسازد . من کجالیهاقت و ما هسته کسی این همه حرمت فراوان از جانب مردم را دارم ؟ حتی باور نکنند من این راه نمیدانم که مردم چرا چنین میکنند .

خوب در نظر داشته باشید . آگهین مثلاً غلام علی خان را ملاقات کنم بدون شک به پایا . بخش عمده مشغول سازم خم خواهد شد . اما این پلصیدیده پذیرفته شده مربوط دنیای موسیقی و بنا . سبب در پیش در میان این عرصه است . اما کاری که مردم در برابر من انجام میدهند ، از کارهای بسیار فرق دارد . ما برای فلها میخوانیم . ولذا اگر مردم چنین احساس بر خودی در برابر شخص خود چنان هم انجام میدهند من مغرب ناراحت نمیشم .

پوزنتا : آیا این شایعه حقیقت ندارد که شما هنگام اجرای آهنگ " آچار هردیها " برای فلم " مدهوتی " آواز تانرا باخته بودید ؟

لنا : دقیقه ۳۰ چنین نیست البته من آن زمان (یعنی ۱۹۶۰ هجری) که با شما آهنگ " کبیر " میخواندم . برای فلم " مدهوتی " سال بعد میخواندم . یک پرالم آواز داشتیم در حقیقت از سالهای آغازین دهه پنجاه به بعد من به تکلیف میخواندم

هاد چارشد م . فکر میکنم یک کتله گلی مانع آواز من میشد . نمیدانم اصطلاح طبع آن چه قسم است . انحراف پرده یعنی یا همجوچی .

بعد ها حمله این تکلیف من باعث حرارت و گلوردم میشد . بیشتر یافت من با همه تهرین های مشکل نتوانستم آهنگ " کبیر " میخوانم . دل ترا درست ثبت نام ، به خاطر اینکه در آن وقت حتی درست گپ زده نمیتوانستم چه رسد به آواز خوانی هیچ داکتری مرا کمک کرده نتوانست گفتند که باید عملیات صورت گیرد این راهم خوب شدیم که عملیات آواز را اصعب میسازد ، باید اعتراف کنم که زیاد ترجمید بودم . هر بار که به نظرم می آمد باید برای همه آواز خوانی را ترک کنم . عارضه میسازد سرانجام تصمیم نهایی خود را گرفتم ، باید نزدیک متخصص به خارج کشور بروم .

و سرانجام روزی از سفر برگشتم و آهنگ " کبیر " میخوانم . کبیر دل " را ثبت کردم . یکبار خوجه عدم که شایعات عجیب و غریب در میان من پخش شده است که کبیر لنا آواز اصلی خود را باختد است و آهسته آهسته همین آواز کنونی خود را نیز از دست خواهد داد .

تا اینجا که حتی از هر خم خوردن روابط من با شما داستانهای دنباله دار ساختند ، که گویا شما به من از فرط حسادت برگ زهر در میان را خوراندند . است . جالب اینکه اینها همه در روزنامه های مهم نشر شده و هرگز من و شما هیچتان دوست جدایی ناپذیر بودیم .

پوزنتا : شما اکثراً از اثرات مرگ نابه هنگام پدرتان بالای زنده گی و سرنوشت خود یاد کرده اید . هائیکه در سیزده ساله گی مجبور بودید اید تا ناقص نان آور خانوادگی را به دو شی داشته باشید . آیا مجبور بودید همین حوادث شما را با

جهان فلم کفاند ؟ و هر شی دیگر این است که اگر فرزند چنین نبود . از زندگی شما چه مسیری را میپوشید ؟ لنا : هر چند پدرم به من موسیقی کلاسیک تدریس نمیکرد و هر دو مرا به یادداشتن به جهان هنر آواز خوانی تشویق میکردند . ما هر دو به هم یادداشتن به اصول اساسی جامعه بودیم . از جهان فلم و فلم بازی نفرت داشتیم و از آراهای مردم و فحش بسیار بدش می آمد .



لنا منگیشکر در یک کلمه معنی موسیقی

آن وقت ها برای فاضل شدنم به جهان سینما احتیال میکردم . میلیون نیز میبودند . پوزنتا : شما میخواهید بگویید که اگر ایشان زنده میبودند ما امروز اعجازی به نام لنا منگیشکر پیدا داشتیم .

لنا : با بودن پدرم در کنارم و نهایی ترین کاری را که من میتوانستم اجرا کنم همراهی نبودن او در عرصه موسیقی کلاسیک میبود . آن هم برای یک مدت معین ، زیرا او وقتاً مرا به شوهر میداد .

پوزنتا : میگویند شما را در نوجوانی چندانی به تماشای فلم ها هم نمیروید . هواز در کبیر شدن با معاملات تجارتی

فلس هندی نیز خوش تان نمی آید . از جانب دیگر وقت زهداتان را به سفرهای خارجی سپری میکنید . شما پیروز زندگی آهنگسازان را از روی چی چیزی در میباید ؟

لنا : در هفتاد و چندین مورد وی آنقدر مشکل هم نیست ، وقتی یک پارچه موفق و مشهور شود من از طریق وسایل اطلاعاتی گوناگونی با خبر ساخته میشوم . مانند تماس های تلفنی ، پیام ها ، کارت ها ، شاد باش ها ، مراسم تهرینی از جانب کمیته های ثبت و ضبط ، مواجه شدن رویا زو حضوری با مردم در برخی از محافل و مجالس و تقاضای اجرای کنسرتها به همین ترتیب جوایز و مدالیهای طلا و نقره . . . مثلاً وقتی آهنگرام تهری گنگا - ملی پیروزها میزایدی را نصب شد همه من از چندین جشن اطلاع داده شد .

تعداد نام ها که در آن شوق آید و اجرای آهنگ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته بود غیر قابل باور است .

پوزنتا : آیا شما به زندگی پس از مرگ و معاد دلبخوا و تولد دوباره عقیده دارید ؟ آیا استعداد و قریحه کنونی تانرا شوره تلاشهای بیاض های زنده گی قبلی خود نمیدانید ؟

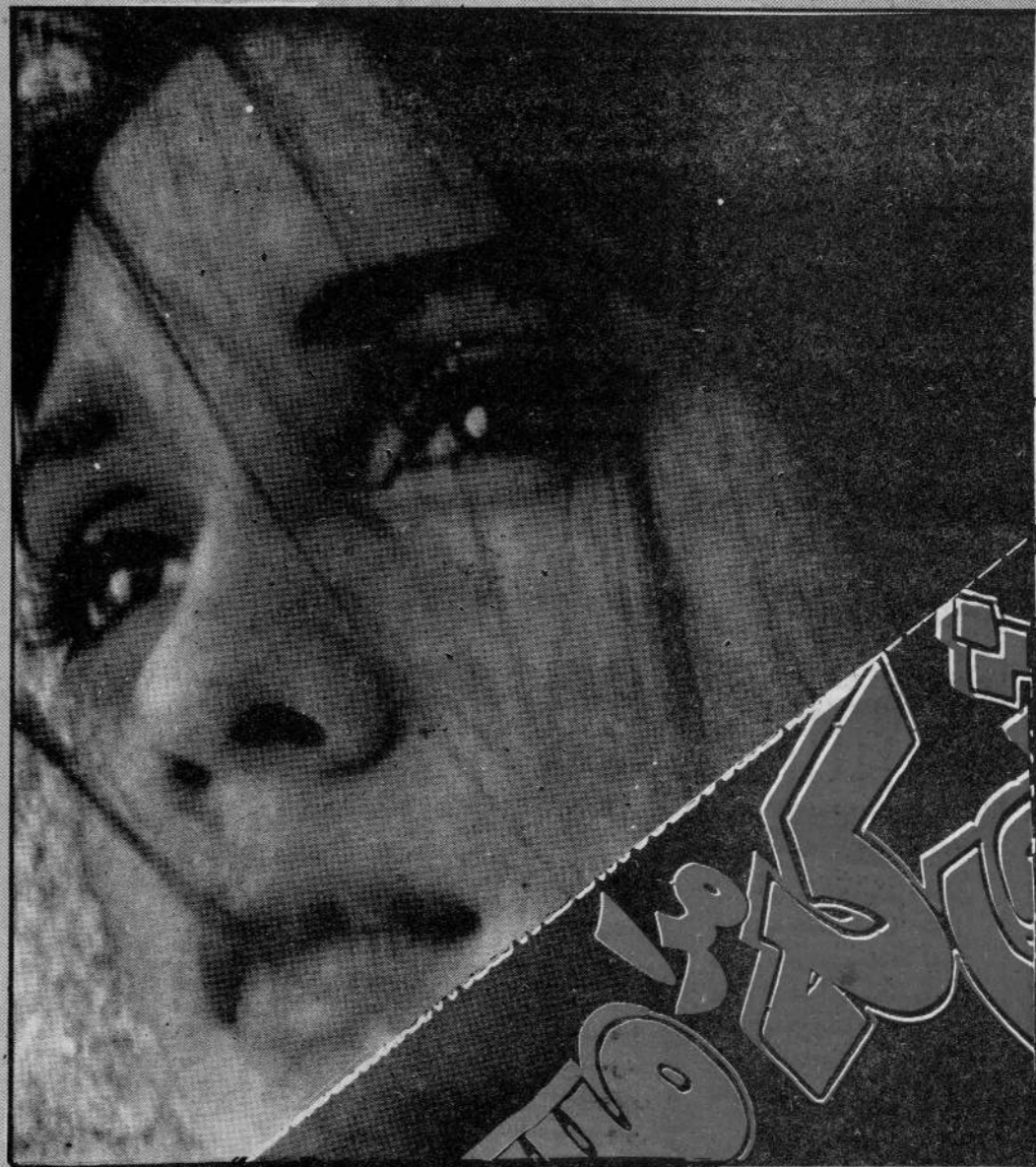
لنا : من به تمام معنی یک انسان مذموم هستم . از تنه دل به خداوند ایمان دارم و فکر میکنم شاید همینگونه که شما میگویند چنین چیزی حقیقت داشته باشد . زیرا هرگز نمیتواند چیزی از هیچ بوجود آید .

پوزنتا : در پایان لطیف کرده بگویید خود را در یک کلمه چگونه معرفی میکنید ؟

لنا : یک کلمه ؟ . . . مگر من کلمه باز نمیشم . (و من از خنده ها) خوب بنویسید : لتا در یک کلمه یعنی موسیقی .

از سلسله آشنای سونته

ان وقت ها عشق و کشفی که از نگاه های مان منشاء سر گرفت ، بر ما سلطنت داشت نگاه های او طوری بود که احساس میکردم در تمام زندگی یگانگی با او داشته کی عشقش من استم . همان بود که پس از روزگاری روزی برایم گفت : "دوست دارم" دران -



و سالی که من قرار داشتم منی هنگامیکه قلب یک دختر را با نگاه یک مرد مهربان من جوابی جز این نداشتم که چشم راهبه زهن بدوزم و خاموش بمانم . روزهای اول عشق همزودی آرام مقام عشق و صمیمت ما را - پیوندی احاطه کرد و ما نامزد شدیم اما هرگز هر فردایی کسی نمآید صمیمت وصفای دسروز

رادر رابطه ماندا شتد زنده کی پدیده هایی استند که با - سرگرفتن کمال و زیبایی میباشند

آشنای سونته

اما عشق هر نگاهیکه به نقطه وصل میرسد رنگبازد و زجردهنده میشود . مخصوصاً هنگامیکه عناصر خواستن و نیازهای زنده گی با هم جمع میشوند . آرام ه آرام ، ماد یگر تنهاها - شقی نبودیم که از نگاه های هم سیراب شویم و یا با کلمات عا - شقانه خود را سیر سازیم او خوا - ست های داشت و من در مو - قعی بودم که باید به خواست هایش پاسخ میدادم و نیازها - یش را جوابگو میبودم . شاید هر زنی برای مرد همین مقدار ارزش داشته باشد و خواست های عادی مانتکرار میشد و ادامه مییافت و سر انجام آنقدر رجدی شد که پیش از مراسم عروسی من مادردم ، وقتی با او مطرح ساختم که فرزند او را مهرورانی یکبار هم چیز تخمیر کرده صمیمتی نزد او باقی ماند و نه عشقی . میان ما ، خدا یا او چه میگفت ؟ برای من قابل تحمل نبود ، چگونه میتوانستم این حقیقت را تحمل کنم ؟ چگونه میتوانستم آرام باشم و نگرم ؟ چگونه میتوانستم درین رسوایی سهام پوش نباشم ؟ او میگفت : طفلی که در بدن داری ازمن نیست .

من گریه کردم به پاهایش افتادم و از او خواستم باور کند که پای خیانتی در میان نیست از او خواستم که بپذیرد این طفل خون اوست و اشتباه من ... گذشت روز ها روانم را شکنجه میکرد ، به خودم نفرین می فر - ستادم هجی کرده بودم چه گناه عظیمی را در پای اعتقاد این پیوند خویشت انجام دادم ، صمیمتی که داشتم نمآند ، بود و من مثل یک زبون به پاهای او زانو زدم و و این بار هم - ندی را که ما با عشق من ساختم من بخاطر رهایی از رسوایی با گدایی آرزو کردم بگفتم : فقط مرا عقد کن و بعد رهام کن تا از رسوایی در امان شوم .

او بلاخره حاضر شد مسرا

عروس خود بستازده اما من میدانستم چی سرنوشت شوم در انتظار منست ها و بامن عروسی کرد ، نمی گویم ما با هم عروسی کردیم زیرا من این پیوند را از او گدایی کردم . اتفاقی کسه پیش آمد چنین شد تا مادتم دراز تری با هم بمانیم . درین مدت من صاحب چهار طفل شدم ، فکر میکردم کم کم بهانه ها می شود ، از فضای خانوادگی ما دور میشود ، آرام ه آرام من به زنده گی دلچسته شدم و او هم بیشتر کردید . محسوس میکردم برای او خود را وقت کنم . اما باز هم پای یک عشق د بگرد زنده گی شوهر پوارد کردید اول فکر میکردم شاید دومین عشق او باشد ، اما بعد ها آگاه شدم که او با چندین دختر ، رابطه های داشت و برای آن ها وعده های برای زندگی مشترک داده است برخی ازین دختران همبکه آگاه شده اند که با مرد زندار و طفل دار طرف استند ، شاید دلشان به خیال یک موجود مثل خودشان سوخته و نه خواسته اند سرنوشت یک مادر و چند کودک را با یک آرزوی زود گذر و یک هوس زهرنا عشق به سیه بختی بکنند .

این بار فضای خانوادگی ما باز هم تیره شد ، او مرا با لست و کوب و شکنجه روانی از خانه بیرون کرد من به خانه پدر و مادرم پناه بردم به راستی اگر آن هارا نمیداشتم ، شاید امروز در شمار زنان روسی شهر ، یک شماره تازه میبودم ، چرا که در - کشور ما وقتی برای یک زن چنین بدبختی رخ میدهد هیچ جایی نیست که در آن جا به او پناه بدهند کاش پناهگاهی وجود - داشته باشد کوقتی یک زن بد بدبخت مثل من از خانه شوهر راند میشود بتواند عزت و عفت خود را رانجانکند دارد .

برای زنی که شوهر دارد طفل دارد ، یک لحظه هم بدون طفل و شوهرش خوش نمگذرد ه آسای باو رکرد میتوانند که من در آغوش مادر و در پناه پدرم تنها

را برایم مانند دوزخی احساس می کردم و یاد فرزندانی چه شکنجه بزرگ بود که مرا کوچک ساخت . شبها تانیمه ها خواب - بسم نمی آمد ه اشک همیشه به چشمانم خانه داشت ، برای قلب عاشق پشه او باز نمیدانستم چه اتفاقی افتاده که به خانه پدرم آمد و بهانه آورد که یکی از طفل هایم مریض شده و باید به به خانه بروم ، این بار او با تضرع و نیاز به سوی من آمده بود . چقدر دلم خوش باور شد ، فکر کردم او بلاخره به صداقت و پاکی من باور کرده و حسی اگر گاهی هم داشتم ، او به نام کودکمان مانرا بخشیده است ه دل یک زن اگر همسار هم سخت باشد باز هم همانقدر نرم است که کوچکترین عاطفه او را میتواند شکل دهد . من بسته لبا سپا - یم را گرفته آمدم تا در دیدار از کودکمان دل خوشی کنم و گریه سرد هم .

بعد ازین حادثه ما صاحب فرزند دیگر نیز شدیم و مدتی را باز هم زیر یک سقف به سر کردیم . اما او عادتاً به هر دختری ابراز علاقه میکرد ، دخترانی که به خانه ما میسه مهمانی میآمدند عاشقش میشد و در باره او فکر میکرد و طبعاً که درین مدت من از جانب او اهانت میشدم و مورد لسه و کوب قرار میگرفتم ه در خانه بی که پدر ه مادر را مورد لست و کوب قرار میداد فرزندانشان بیمار و وحشتزده بار میآیند . آن ها از پدر میترسند و فردا بار - گرانی بردوش جامعه خواهند بود ه دلم به حال فرزندانی خیلی میسوزد که قربانی هو - سهای یک پدر میشوند ، من برای آن که هر نوع سوء ظن و شوب - یش شوهرم را برطرف کرده باشم از مدت ها است که در خانه استم و جایی نمبروم ه کارم را تشرک گفته ام و فقط خود را وقت کود - کان و خانواده ام ساخته ام ه تنها مصروفیتم کار برای آنهاست و عبادت برای خداست .

اما نمیدانم چرا همیشه دم دارد ه خداوند

با این حال که نه تفریح دارم و نه خوشی ، باز مراد چا رخادته ساخته است . شوهرم بار دیگر عاشق لبت د بگرشده مان دختر که زبانی چندانی هم ندارد میخواهد به سینه یک زن و قلب پنج کودک لگد کند و شهر آزه یک خانواده بدبخت را که بدون آن هم خوشی ندارند ، به سیر و زور رشته بدنام طلاق میسوزند . دهد . من باور میکنم مردی - مانند شوهر من که برای پنج فرزندش نتواند عاطفه بدهد و نتواند مهربان باشد ، برای هیچ دختر و هیچ زنی مهر - بان نخواهد ماند ، آدمهای مثل او بدبختی جاو دانسه دارند و بنا بر همین عقده می خواهند از تمام دختران و زنان خوشبخت خوشبختی گدایی کنند ، ولی هر کسیکه با چنین مرد هوس باز همراه شود خودش بدبخت خواهد شد . شاید من ظلم بزرگ را تحمل کرده باشم و شاید هم قربانی سرنوشتی شوم که شوهرم برایم رقم میزند شاید فرزندانی نیز قربانی این عشق شوند ، اما دل من به حال زن دیگری میسوزد که در جای پای من در بستر دوزخی همسرم و در خانه کلان دیوارهای آزار و شکنجه میبزند پامیکند . من مانند دخترانیکه خوانندگان درین سلسله در سباورن خوا - نده اند کشتزار سوخته دیگری استم که سوختنم را میبینم و پیش از آن که تمام هستی ام بسوزد آتش را احساس میکنم و من - میسوزم و بامن پنج کودکم نیز میسوزند و یکجا بامن شوهرم نیز میسوزد ، آن دختر بدبخت کسه میخواهد همسرایند شوهرم شود ، او نیز میسوزد این آتش این تنها یک کشتزار نه بلکه یک خون راس میسوزاند

ابراهیم و علامت رستخیز *
 مردم بابل در آغوشت خوشی بسر -
 میبردند. و از شاخسار درخت نعمت سایه
 بان میساختند و ولی در شب در پیچور -
 گمراهی دست و پا میزدند و بتها را بدست
 خود می تراشیدند و آنها را پروردگار خود
 میخواندند و بعنوان خدایان برپا میدادند -
 داشتند و بجای پروردگار جهانیان پرستش
 و نهایت میکردند.

نمرود بن کئمان بن کوش در شهر
 بابل زمام مملکت را بدست داشت و خسرو
 سرانه بر مردم حکومت میکرد: نمرود چون
 دستگاه عریض و نعمت بسیار و قدرت و -
 سطوت سرشار خود را دید و از میزان
 جهل و بخرید مردم آگاه شد و خویش را
 خدا نامید و قوم را میپرستید خدا خواند
 در زمین و معنای و محو فاسد ی
 در مملکت بابل (۱) ابراهیم متولد شد و
 خدا تعالی او را براه راست و حق هدا -
 یت فرموده تا با پاری صاحب فکر ناقص
 و شور و وحی الهی در یافت که خدا یکی
 است و آن خدای یگانه بر سر اسرجهان
 سیطره و احاطه دارد و آن بتها و تماثلهای
 که مردم آنها را میپرستند و میپرستند و
 در برابر اراده الهی عاجز و زبونند ازین
 رو تصمیم گرفت که مردم را بتوحید بخواند
 و قوم خود را از پرتگاه شرک و زندقه برهاند
 شد.

ابراهیم دلی لبریز از ایمان و سلوا از -
 اطمینان و یقین بقدرت آفریدگار داشت
 ابراهیم در دعوت آزر ادب و ولایت بکار
 میبرد *
 ابراهیم بصورت پروردگار دعوت میدادند
 و دعوت خود را بانگوشتر معبودات آن قوم
 آغاز مینماید.

آزر و جد مادری ابراهیم و ازیت پر -
 ستان و از تراشیدن گان و فرود آمدن گان بتها
 است و بنابر این او حکم آنکه بعد از وفات
 پدر زود یکسری مردم با ابراهیم و سزاوارترین
 ایشان بنصیحت و اخلاص است و بسایند
 زودتر از همه براه راست هدایت و به تو -
 جهد دعوت شود. خاصه آنکه او خود از -
 صورتگران بت و دعوت کننده گان بهت -
 پرستی و کانون شرک و ضلالت و از این
 روهدایت او در حکم ریشه کن ساختن فساد
 و شرکگمراهی است.

ابراهیم دعوت و تبلیغ آزر را با تسفیه
 و نندوشتر معبودات و شفقش خدایان او آغاز
 نکرد و تا از دعوت ترسیده و آزر در ده
 واز شنیدن حجرتش کوشش بر نداشتند بلکه بسا
 نهدترین سبک و اسلوب با او بگفتگو -
 داخت و با لحن ملایم مودبانان با او
 شروع بمحاوره میکرد و نخست از نبوت خود با او
 سخن گفت و تا از این راه خاصر او را بخود

توجه سازد و آنگاه علت بت پرستی او را -
 پرسید و گفت: یا اینکه بتها دعا و شفا ی
 ترا نمیشوند و خضوع و خضوعت رانی -
 میکنند و هر دفعه بلا و بغض و دشمنی
 قادر نیستند و با وجود این چگونه در پیش
 آنها بزانو در میآیی و در پرستش آنها اصرار
 مینمایی؟

ابراهیم آزر را از سو عاقبت کفریم داد
 و از زبان و تبلیغ بت پرستی بر حذر ساخت
 و با آئین ادب برای جلب عواطفش او را پدر
 خطاب کرد و گفت: ای پدر من آزر آن -

قصص القرآن

زبان بیابان میوز

سنگها را که آسرا

مبترسم که بعد از الهی دچار شوی و در
 زمره یاران و اتباع شیطان در آئی.
 آزر بر عناد و کفر خود بیفزود و از -
 متابعت راهی ابراهیم با کرد. با تر شروئی
 و دشمنی با او مواجه شد و او بد و شفقش
 را نادیده انگاشت و از سر تحقیر و عناد
 بالحنی خاکی از تعجب و تهدید بد گفت: آیا
 تواز خدایان من روگردانی و هر آینه اگر
 از این رویه برنگردی ترا بتمم خواهم ساخت
 و سنگها را خواهم کرد پس از شدت خشم من
 بهرهیز و آتش کینه و انتقام را بر منگیز و روز
 گاری در آرزو من درو شود.

ابراهیم بتها را در هم می شکند *
 ابراهیم چون انکار و عناد آزر را دید
 از صدایتش نومید شد و سخت بر او گران
 آمد که خیرخواهیش را با خشونت رد کند
 و از دعوت حقش بیخاری جوید. ولی ایسن
 پشامد تا گوار و بخورد ناهنجاره او را از
 ادامه دعوت بحق باز نداشت و از بهارزه

اشرك و قوم مشرك خود سمت ساخت
 بلکه اراده نهر و مندش مانند آهن آیدار
 در زبرضرت پتکهای گران محکتر شد و
 تصمیم گرفت که با کمال سرسختی در برابر
 عقائد فاسد قوم به پیکار پردازد و هر چند
 در این راه پارتجبهای گران و آزارهای
 فراوان مواجه شود.

یکی از امتیازات ابراهیم برهان
 قوی و حجت نیرومندی بود که در برابر خصم
 بکار میبرد و برهان و قیاس را چنان با مهارت
 محصرا هم میساخته و دامنه استدلال -
 را چنان بتدریج تنگ و محدود میکرد
 که ناگهان بطور غافلگیر خصم را در دام
 اقسام میکشید و و راه فرار را زهر سو بر او
 مینمست.

ابراهیم از قوم پرسید: معبود چیست
 و شما چه چیز را پرستش میکنید؟

گفتند: ما از آنجبت بتها را میپرستیم که
 پدرانمان را در پرستش آنها یافته ایم.
 ایشان اقرار کردند که بتها نمیشوند
 و مالک نفع و ضرری نیستند و ولی اقتدا میکنند -
 شتگان و تقلید از پیشینیان را مستمسک خود
 قرار دادند و قدمت و کهنگی عقائد خود را
 دلیل حقانیت آن شمردند و باین ترتیب
 خویش را از روشنائی نظر صحیح و فکر سلیم
 محروم و محجوب ساختند.

ابراهیم گفت: محقق مسلم است که -
 شما و پدرانتان در گمراهی آشکانه بودماید.
 قوم چون در زبربار حجتها نیرومندی
 ابراهیم بزبان در آمدند و آغاز ماجراجویی
 کردند و فریاد برآوردند که ای ابراهیم
 آیا کار تو بجای رسیده که از شان و مقام
 خدایان مایکاهی؟ آیا راستی بتها ی
 ما را نگوهر میتی و یا آرزای باز چیه و شوخی
 در آمد مای؟

ابراهیم گفت: من از روی جد سخن
 میگویم و زیرا بر او شهادتی محکم و استوار

شکست

اهل بیت

آورده ام و شمارا براه راست میخوانم.
 همانا که پروردگار سزاوار پرستش شما
 آفریننده آسمانها و زمین و مدبر شئون
 و قائم بر امور آنها است:

اما این بتها مالک نفع و ضرر خودشان
 هم نیستند و اینها یکمشت سنگهای سخت
 و چوبهای تراشیده و میخکوبند پس باید
 از پرستش آنها اجتناب کنید و خود را از خضوع
 در برابرشان برتر دارید و از قنقه شیطان
 و اغواء او بپندارید و بدیده عقل و -
 بصیرت خود را بکشایید تا مگر هدایت
 یابید.

گذشته از این حجتهای قوی و باید
 فکر کنید که من پیش از شما ازین بتها دوری
 گزیده و از پرستش آنها اجتناب کرده ام -
 و اگر ایشان قدرت بر سر برداشتن مرا در
 چار ضرر ساختن من دارند
 پس چون حجتهای نیرومند ابراهیم در
 قلوبهم اثر نیفتاد و از دعوتش رخ برتافتند

و ابراهیم دید که گوشههای ایشان کردلها
 شان محجوبست و همچنان بدامن او هام
 خود در آویخته اند و میپرستش بتها اصرار
 میورزند و در کهن بتها شد و قسم یاد کرد
 که که خود را متوجه آنها سازد و تا بحسن
 و عیان در بیاندک آنها قادر بر نفع و ضرر
 و دفع آزار از خود نیستند و قوم را از -
 عبادت نفعی و از ترس عبادتشان ضرری
 متوجه نخواهد شد.

قوم ابراهیم را عادت چنان بود که
 هر سال عید و جشنی بر پا میکردند و ایام
 عید را در خارج شهر بسر میبردند و طعام
 فراوانی در معبد فراهم میساختند و تا
 چون بشهر باز آیند با کواچی صرف کنند و
 عقیده ایشان بر این بود که خدایانشان
 در طول غیبت ایشان آن غذا ها را برکت
 میدهند و هنگامیکه میخواهند از شهر
 بیرون روند از ابراهیم خواهش کردند که
 همرا هشان برود و ولی ابراهیم دعوت -
 ایشان را نپذیرفت و تصمیم گرفت که تخت
 بتهاشان را و از گون سازد و برای بهانه
 تمارش کرد و اگر چه بظاهر بیماری -
 نداشت ولی رو حتراسرده و ملول و دلش
 گرفته و محزون و از گمراهی قوم بسیار متاثر
 و غمگین بود.

قوم از ترس آنکه مبادا بیماری ابراهیم
 بد یگران سرایت کند او را در شهر تنها -
 گذاشتند و با عسرت و شادمانی بخارج -
 شهر شتافتند.

اینک شهر خلوت و آرام و معبد خاموش
 بخالی از ضجه و غوغاست و حتی خدمه و -
 سده هم معبد نیز از شهر بیرون رفته اند.

ابراهیم که شهر را خلوت و دشمنان
 را غافل یافت و ازین فرصت استفاده کرد و
 آهسته آهسته بسوی بتها روان شد و میمید
 در آمد و دورنمای آن صحنه و منظره بتها
 را تماشا کرد و طعامها را بدید که پیش
 روی آنها گسترده اند پس از روی -
 ریشخند و تحقیر ببتها خو شبانش زد و گفت:
 غذا نمیخورید؟

پس چون سکوت مستمرا ایشان را دید و
 بار دیگر لب با ستیزه گشود و گفت: چرا
 سخن نمیگوئید؟
 بدیهی است که سنگها و چوبهای
 بوجان یا رای فهم و ادراک و قدرت -
 سخن گفتن ندارند.

در این هنگام قسمتی از بتها را یادست
 و قسمتی را با پای زمین زد و سرانجام چون
 شعله خشم و انتقام از دلش زبانه کشید و
 تیری را برداشت و سرخ بتها رفت و سر
 دست بت بود که زیر ضربه های تیر پیش پای
 ابراهیم خاک مافتاد و قطعات سنگ
 و چوب بود که تلی را در معبد تشکیل میدادند

بتها همه از ضرت تیر و قوت بازوی -
 قهرمان تو عهد بهره و نصیبی کامل گرفتند
 و تنها بت بزرگ بود که ازین ماجرا ایمن
 مانده بود زیرا ابراهیم او را باقی گذاشته
 بود تا پایه احتجاج پر شور و هیجان خود
 را بر دوش او استوار سازد و چون قوم از
 انجام مراسم عید بشهر باز آیند و از او سپر -
 سند که کدام احترام معبدشان را هتک
 کرده و بتهاشان را در هم شکسته او را -
 نشان دهد و سرانجام ایشان را با اعتراف
 و اقرار آورد که بتها سخن نمیگویند و عقل
 و اراده ندارند و قادر بر نفع و ضرر نیستند
 تا مگر پس از این اعتراف صریح بخود آیند و از
 گمراهی بازگردند.

قوم بشهر باز آمدند و حال تباه
 خدایان خود را مشاهده کردند و هول
 آن منظره چنان عظیم بود که مدتی ایشان
 را میبهوت ساخت و پس از آنکه از حال
 بهت بخود آمدند و عیان اعصاب را بدست
 گرفتند در جستجوی مرتکبان عمل
 خطیر برآمدند و با هم میگفتند: چه
 کسی اینکار را بر سر خدایان ما آورد؟ هیل
 تا که او از ستکارانست؟

در این میان یکتا گفت: ما جوانی
 را میشناسیم که بتها را نام میبرد و نام
 آن جوان ابراهیم است او ما را از سر -
 ستیز این بتها سرزشتش میکرد و ایشان را
 تحقیر مینمود پس چنین مینماید که او بر
 این کار جرات ورزیده و آنها را در هم
 شکسته است.

ازین راه شکند بتها را شناختند و
 و تصمیم گرفتند که او را بکفتری متناسب با
 گناهش برسانند.
 آتش خشم و انتقام در دلهای قوم زبانه
 کشید و فریاد زنان احضار او را خواستار
 شدند تا محاکمه و کیفرش را تماشا کنند.
 مسلم است که اجتماع قوم در یک سر
 زمین یکی از آرزوهای ابراهیم بود که
 مدتتها در انتظار آن بسر میبرد تا بر ملا
 ود حضور همه افراد قوم حجت خود را
 بر سلطان عقیده ایشان بیان کند.

داستان ابراهیم بصورت برق در همه
 محافل و مجالس و سر سر هر کوی و برزن منتشر
 شد و مردم دسته دسته برای تماشا ی
 ابراهیم و محاکمه و کیفر او فراهم شدند و
 تا از دیدن شکجه و عذاب سوزخشم را
 در دلها فرو نشاندند.

سخت قضا و ابراهیم را در حضور
 جمعیت خشمناک حاضر کردند و محاکمه
 علنی او شروع شد.

کدام آفتاب ه از چه عرضی برآمد ؟
 که شب در سرای خراسان سرآید
 کدام آستان دست شیطان گرفته ؟
 که از خاک ما سوی خون سرآید
 چه ابری فراز آمد از قمر دوزخ ؟
 که پیکر سرو پارس اغکسرآید
 زمین ه از س آماج نهی آوران شد
 زهر خورشید خونا به نهفتن سرآید
 نه دهقان رامانده پلوان به خاطر
 نه از بهل ها ه یاد آهنگر آید
 چه ترکیده در ترکه تا کزاران ؟
 که از گرد شان دوده احسرآید
 کدام آتش آویزه لانه هاسد ؟
 که با باد پامینه دود سرآید
 کج افتد قد ساهه شمشاد هارا
 ز بس باد چو چو چا و لگ سرآید
 ز بس سینه ها زخم ناخن بخوردند
 نفس چون گزاهگر خنجر آید
 ز بس هفتد نیکشان هنی کشیدند
 نوبای نم از درزه هر در آید

چه سستی د دیده به رگهای پیمان ؟
 چه پستی ه که بر قامت باورآید
 چه دایه سهاست ؟ که هر کاتبش را
 هوس بر کله داری کفر آید
 چو با فر بهو بند شهر بشرا را
 به بام پیری دیمو انسو نگر آید
 نکون آمد این روز گاران که بینی
 زفن را هول بازی سنج سرآید
 نه سلطان سلامت رود نس سهد
 چو سیلاب خون از چرفکسر آید
 شهبخونی شمشکن خیز و مگذار
 که گفتار تاخانه کتسر آید
 چگر کج لولوبه اید صدف را
 شنیدی مگره کز خرف گو هر آید ؟
 زمانه بس هرزه بارز بها لود
 دگر از کدامین زمج زبور آید ؟
 در این دور بی خورد خروار خروار
 چه از مننی های منگه آور آید ؟
 جهان راز یک چشم دیدن نه اید
 که کج خطی از بینش اهور آید

بغندد به رهش خود آن بی تمیزی
 که لا نکرد پده بر منبر آید
 هدف هتا به " جمل مرتب " نهی
 چه خیز دزد پوان ه چه از دقترا یه
 عروس سخن را ه چو سوزند مصحف
 دگر با چه آینه را بشکسر آید ؟
 برین به شعوری برین پر شمعاری
 درخ از ور هر درخ آور آید
 نهیند به جز پیش پا هیچ چشمی
 درخت برین و ادی محسر آید
 به خشم خدا چشم گرداب خندد
 چو بر ناخدا کوری لنگر آید
 دگر از چه راهی ه رمان جو بی ؟
 چو رهزن به در بانسی داور آید
 بها ا سوره سبزآ بی بهار هم
 که آتش بر اندام آتشگر آید
 بهضم یارب چه روزی ه که روزی
 تنه از بس دشت خاکتسر آید

کابل سرطان ۱۳۶۷

آسرهین

دشمن خاست

ورمی او غوتی

دلته د ژوند بسرلش ورمی
 چی د سبایه و زرد الوتلی
 د پوی تاندی ز غوتی خانی
 شکی غوتی تخنوی
 که د ابیلوتی و مسخری
 د لوانی به هوس
 او
 د گلخانگود شوی یا نیرتشنا
 د غور بدلی غوتی
 به بنایسته انگو
 د ی رابرتوتی خلائی و رانگی
 اوسری د عطر و لولیزه دالی
 نه راه شوی
 د ژوند ون بسرلش ورمی

د باقی بریال

دوه شعرونه

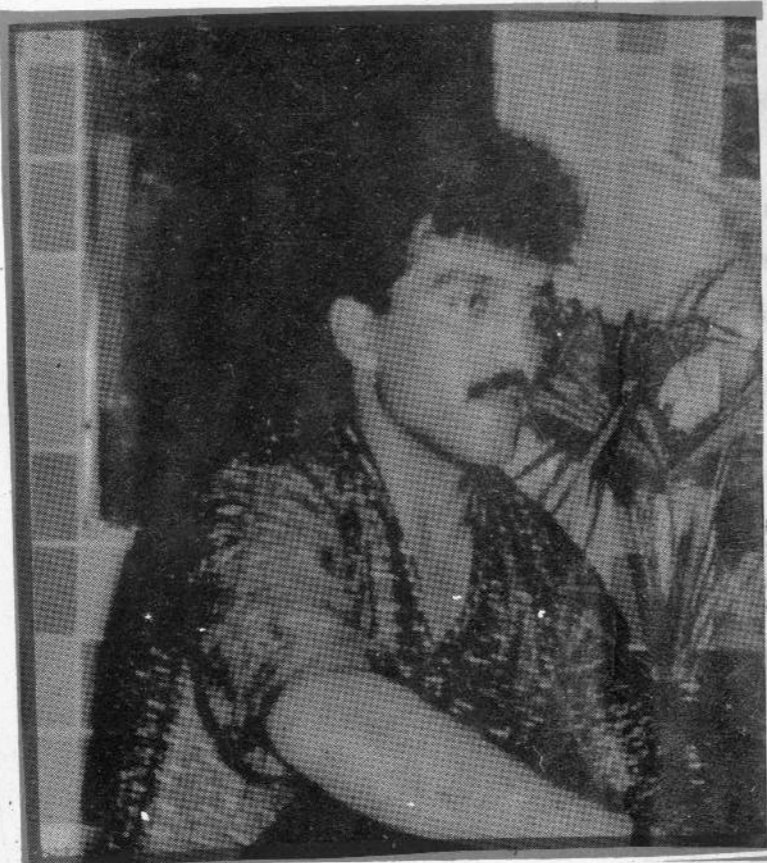
سکلا او گرمی

به زره ورتکترانیکسی ارازونه
 بالسه تا اوم دمنی غزلونه
 له سکلا سره گرمی شمته ورکبا
 د خو زی ئی نخری اوسکیزونه
 اوچی ستاره به دیرنگن چمن کی
 لاس تر لاسه چیری اخلم قد بونه
 له هرچه نه بهگانه مشونه شاکوم
 دلته ههله راته خاندی سر بکونه
 راته ناخی تر نظره کلنونه
 اوردهن اینه می وی رویتسانه
 ژوندون تبول د خوشالوانگاره می
 لهیدلی متخندلی می خمالونه
 جوړزنگ د شاعران هن په باغچکی
 ستاد غوندو د گلپانیا تخورونه
 ستاد غر په شایسته سکلونغموکسی
 د شپلی په شان دمنی پتا رازونه
 چی زما دارمانویشی هراره
 رنگنه وی هاشمی هغه وختونه
 د سکلا پردی ناپایه تنداروکسی
 پوختهله برنژدی می سترکی ژورونه
 اوزاد شمرناری هوه پسرللی
 چی داستا په یاد پیکر سینگارونه

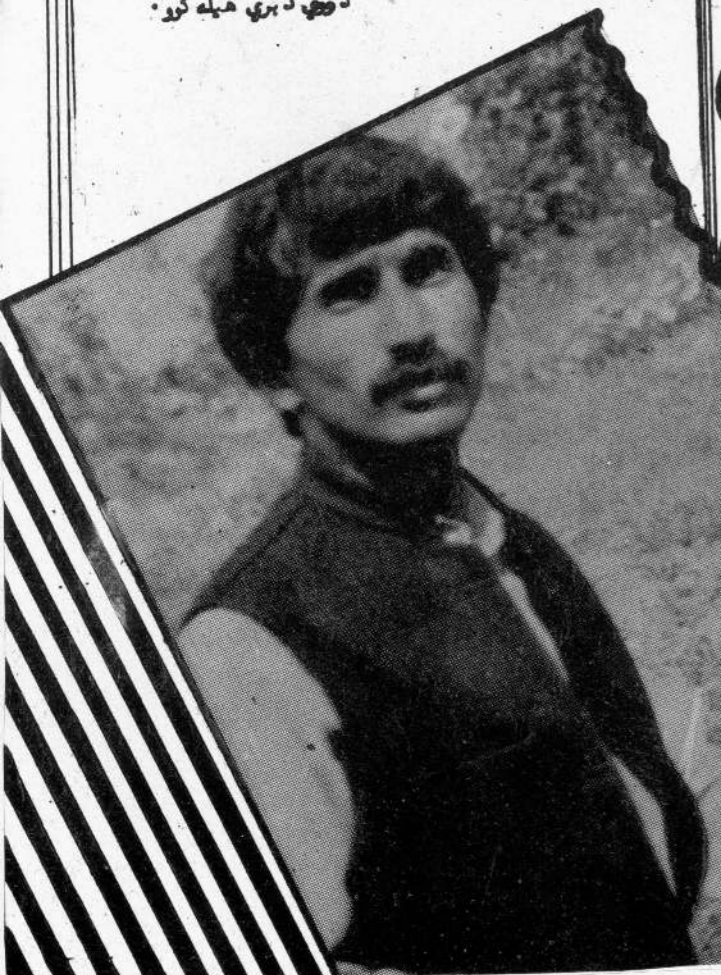
گل او غزل

پروگرام جو جو شو به دغه پروگرام کی د پښتو موسیقی سند رفاړ و ښایسته سند ری وپلی او په پروگرام کی د دغی فرهنگی ټولنیزو هنریو له په رسمی توگه د هنر څو ښوونکو ته وپوښته له دغی هنری ډلی په ترکیب کی د پښتو څو ښوونکی سند رفاړي هم په ایشان مومند او شامند د سند رفاړ و په توگه او کمین گل ، تورپالی ، فاروق او معروف د سازنیزو ښوونکو په توگه په هنری فعالیت بوخت دي د ډلی مشر شامند محمد دي او د ډلی راتلونکی نغزات امید لري . د ډلی د بری هیله کوو .

د خوشحال فرهنگی ټولنې د پښتو موسی داد پیاوړتیا او فرهنگ د روی او پرمختیا د هدف د ترسره کولو په خاطر د خپلو لویو همونندو په څنگه کی د موسیقی او په خاصه توگه د پښتو موسیقی د پښتو لایڼه والی او د هی له پاره هلی علی کوی ، چی لومړنی ښه بی استاد اولمړ د کلین یی نمایندل رو او د ادی د جزا د میاشتی په اته رښته نښته د دغی فرهنگی ټولنی لاسه خوا د افغان ښتان د لاسی ضایعوپه تندرتون کیسی د گل او غزل ټولنیزو لومړنی



ما اصفا می



ناروا آغاز کرده است . او میگوید :
 «اولین آهنگی را که ثبت نمودم غزلی بود از حافظ شیوازی به این مطلع :
 «بامدعی مگویند ، اسرار عشق رستی ، کما هنگه آن را نیز ، خردم ساختم بودم .
 نگر میکم مکرر است ، اترد رمورد د او بهای کیسون آرزو شیبای موسیقی را د ټولنیزو څو ښوونکی آرزو ، بتویم . زیرا ، سخن کگوشی برای شنیدن نش نیست چه سود از گفتنش ، صمم در این بود گفت :
 (آهنگهای زیادی در راه د ټولنیزو څو ښوونکی سرخی لسی چرا شده اما از طرف کمیسیون بجهه در صفحه (۸۷)

پهرسم که ؟
 - پس چگونه موسیقی جاز را انتخاب نمودید ؟
 گفت :
 «په خاطر کی که فراگرفتن اساسات موسیقی شرق ، خیلی ها مشکل است و آدم نمیتواند به آسانی حتی یک جزان را بیاموزد .
 - پس به نظر شما ، موسیقی جاز را در کلیت موسیقی غرب به ساده کی قابل درک و فرا گیریست ؟
 لسی ، این طور هم نیست مگر نسبت به موسیقی شرقی تا حد و دی آسانتر است .
 فرید صمم ، از سال ۱۳۶۵ به این سو در راه د ټولنیزو څو ښوونکی

فرید صمم یکی از جوانان نواک در هنر موسیقی است که شاید او را در آهنگ (صفا می) دیدید .
 صمم در مورد آغاز کارش میگوید :
 «دروسی استاد مشخص ندانم و نیز تحصیلات آکادمیک ننموده ام . من مانند دیگران ، از کودکی با موسیقی علاقه داشتم . آهنگ های روانشاد استاد سر آهنگ غلام علی واحد و لوی را خیلی دوست دارم و زیاد مینویسم و اکثر چیزی آموخته باشم . آن هم مرهون هموست .
 شنیدن سخنان صمم برای من ، چیزی شگفتی آور بود . و بسبب گفت ، تا از او

گروه های متعدد موسیقی که نام خدا شده است : خوب است که جوانان هنرمند با گروه های متعدد را بوجود آورند اما بهتراست در هلووی آن به آموزش مسلکی نیز پرداخته و موسیقی را تا آنجا بیک لازم است طور فنی و علمی بیاموزند زیرا زمانیکه آنها این هنر را طور اساسی نه نعمت مشکل خواهد بود که فعالیت هد نمند داشته باشند . شاید چنین فعالیت ها بر جوانان موسیقان کشور و لطمه وارد نماید از ما سلیمان برسیدم چهار روزی در دل دارند .
 خندیده گفت : میخواهم با خالد آرمان گیتاریست جوان کشورم که فعلا در خارج است ملاقات نمایم .

در ارکستر ستاره های آریانا شامل است ولی اغلبا در کار روح الله روین دیده میشود .
 یا به این سوال ماکه گیتار چند نوع است و او که ام سک را بکار میگیرد گفت :
 گیتار انواع مختلف دارد اما اساسی همه را گیتار کلاسیک تشکیل میدهد . بعدا به اسامی پیشرفت علم و تکنیک (الکت گیتار) و (جاز گیتار) به وجود آمد . من تا حد و دی به همه آنها بلدیت پیدا کرده ام اما بیشتر (لیت گیتار) مورد علاقه من میباشد .
 یا سلیمان در مورد فعالیت

یا سلیمان هنرمند جوان نیست که با سرانگشتان گیتار را به صد او رسیده و نیمه دل انگیزی می شنواید .
 امروز جوانان زیادی در کشور اند که با هنر و باخشن گیتار آشنا نیستند و اکثر آنها کارشان را مد بین استاد توانا محمد حسین آرمان میدانند .
 یا سلیمان گیتار نوازی را در کورسی که چند سال پیش در ایر شده بود فرا گرفته و اکیسو ن



اویتار و سینوازد

مصاحبه از ملالسر



سنجی دست در برابر برادرش
گفت :
اگر دزد میبودم سلطان بودم
نی را با مملوونها شورتش نمیدزد
پدیده اگر از جمله لوازم خانگی
میبودم ، دوست داشتم بسک
چاروب یا شمشیر اکتره در
دست دخترها میباشند .
... اما روزی هم با ما اینی برام
پس گفته بود که تو و برخی از
دوستان " همروزانه هسا
استیهد .

تلاش
مان
میگوید
او چگونه است



ملکه آواز

سوریه

یک زمانی بر سر بناهای دوست داران ورزش بوکس بود. در سال ۱۹۷۷ بعد از شکست تلخ محمد علی کلی با بوکسرخد حافظی کرد. چهار سال قبل تصمیم گرفت که در سار به این ورزش روی آورد. دلیل اساسی روی آوردن او به این رشته عضویت اقتصادي تشکیک شد. او بدین ترتیب با شکست خود روی توانست ۲۰ میلیون دلار بدست آورد و یکمان اغلب با این پول میتواند مدتی را مثل گذشته ها) زندگی کند.

اما بازگشت ورزشکارانی چون نورمن، بوکس، مارن سپینساده بی از دانشمندان را بخود مصروف ساخته آنها از خود می پرسند که آیا برای این عده همه امکانات فراهم است یا خیر؟ چندین واقعه وجود دارد که ورزشکاران سابقه حتی در سنین ۵۰ سالگی بعد از آنکه بابت زیاد به تمرینات ورزشی شروع کردند در نتیجه آن به نتایجی دست یافتند که حتی جوانان سنین ۲۵ نتوانسته اند.

علما و دانشمندان امریکایی اظهار می کنند که هنگامی فیزیکی بدن بصورت ۱۰۰ درصد آن تا سنین پنجاه سالگی حفظ می گردد و بقیه آن را میسر می بدن بعد از سن ۴۰ سالگی تکلیف می گردد که کاهش یا بقیه در صفحه (۸۷)

های وی در یکی دو سال اخیر در این زمینه مورد ستایش ملامتند ان اقرار گرفته است. در این اواخر تلاش بخش داد تا جهر موتیبه بر این موزون را بهاد هنر وستان زنده بسازد درین راه مدونا پیروز تر از گذشته ها پیدا آمد.

بعضا مدونا را تشویق می کنند که گویا او خصوصیت کلشنه زنانه را می شکند و مدونا او به دلیل اینکه گویا تمام هوش استعداد خود را صرف ثروتمند شدن می کند مورد سرزنش قرار می دهد. هندیکسن از رویفیسوران بوهنتون امریکا مدونا را به اندازه مورد ستایش قرار داد که حتی موضوع دکتر و رویفیسوری خود را هنرمند و نا انتخاب نمود.

گروهی از دانشمندان اخلاق اجتماع می مدونا و فعالیت هنری وی را مورد سرزنش قرار می دهند اما شامل بودن در خبرها می دست اول همیشه برای همه پردرد سراسر است.

چندی قبل چون نورمن قهرمان ششمین وزن بوکس جهان، پختا طرف بدست آوردن مقام قهرمانی در سن ۴۲ سالگی بیکبار بوکس وارد میدان بوکس گردید اما متاسفانه که جوان ۲۸ ساله هموطن او این آرزوی نورمن را برآورد نمود. بعد از این شکست وی دوباره به وظیفه اصلی خود یعنی مدبوکس ورزشی در تکزاس آمد. نام نورمن



کردند. مدونا بخاطر این موضوع سرودهای زیاد بلند کرد و سانسور (هنر) را مورد انتقاد قرار داد. این منج قرار دادن آهنگ جدید وی و فروش کت جدید وی را به صورت سرسام آورده است. وی خوب درک نموده که در قرن ویدئو نمایش بدن ورزش خاصی دارد. مدونا توجه خاصی به لباس دارد. هیچگاه با یک نوع لباس دوباره روضه حاضر نمی گردد. نوآوری

جارتی، مدونا با مهارت زیاد توجه تماشاچیان را بخود جلب می کند. اگر در کمرتن متوجه گردد که کتوجه اجتماع بطور لایس آن به وی نیست این مطلب تا اثبات منفی براه می گذارد. وی پیوسته در مرکز سرودها های جهان هنر قرار داشته است. زمانس وی بدون (شهر و حیا) سقط چنین خود در مطبوعات امریکا یاد آوری کرد. بیکار سرودها ی زیاد در باره ارتباط مدونا با هنر پیوسته دوست داشتیمی جوانان امریکا (اوپن بیت) ایجاد گردید و بالاخره پختا طراز و اجش با هنر پیوسته د پگر (شونایینا) بار دیگر نامش سرزبانها افتاد. بعد ها خواست تا با ازدواج دیگر به گمان خود ش خوشبختی را بیابد از ازدواج با مانکن زبانی امریکایی بنام تونی پختا طر (مرد کامل) نبودن وی صرف نظر کرد که این حادثه نیز نام مدونا را بیکبار دیگر (درد زبان پیوسته جوان در امریکا ساخته)

آهنگهای ویدئو مدونا اکثرآ سلکی ثبت گردیده است که تماشاچی را زیاد تحریک می کند. در یکی از آهنگهای اخیر خود بنام (عشق مرا برآورد بد) استعداد خود را بدست آوردن سرمایه ثابته ساخت نشرین آهنگ را از طریق تلویزیون امریکا بدلیل بی نهایت سکس بودن آن منع

مدونا را همه به متابسه ستاره مشهور موزیک (پا پ) و سمبول سکس می شناسند. درباره اینکه وی یک تاجر پیوسته است خیلی کم اشخاص معلومات دارد. بعد از آنکه در سال ۱۹۸۲ اولین (ریکاره) وی به بازار عرضه گردید در مدت کم در حدود هشتاد میلیون ریکاره وی بفروش رسید که مدونا ازین بابت بیشتر از ۱۳۰ میلیون دلار بدست آورد.

عکس مدونا اغلب اوقات در پشتی مجلات نرخی دیده میشود. بیکبار هم یک فوتوی وی در یکی از مجلات مشهور در بین تاجران امریکایی با این شرح بچاپ رسید: (پا) استوارترین زن کاری امریکا در آند مدونا در سال ۱۹۹۰ به ۳۶ میلیون دلار رسید.

بسی از صاحبه های اخیر خود مدونا بچواب سوال گفت: برای وی لازم می افتد تا یک تعداد مسائل زیاد در تجارتی رانیز مستقلا حل و فصل نماید. این مطلب برای وی غیر منتظر نبود وی در مورد میگوید: من ملاقات با مردمان (کاری) را خیلی دوست دارم. من وقتیکه با آنها روبرو میشوم میخواهم به اشکال مختلف آنها را سرگرم نمایم زیرا امید آنم که آنها هفتقه سختی را پشت سر گذر نمانند. آند آنها امید آنند که من آنها را سرگرم میسازم و به این دلیل مرادوست دارند. علاوه بر استعداد خارق العاده



من در ماه شوال سال ۲۸ هجری با هفتاد غزار سرباز شهر "تاشکند" را که دارای حصار بود محاصره کردم و بسکه شهر اخطار نمود که علیه "الجا" تهبو محمد قولوق "شورش کنند و او را به قتل برسانند؛ ولی از طرف سکه شمس اقدام برای شورش علیه حاکم تاشکند - نشد. من بعد از اینکه مطمئن شدم شهر "تاشکند" بوسیله دهلغیز زیر زمینی راه بخارج ندارد بسر بازان خود دستور دادم که دو نغب حاضر کنند که یکی از طبرف شمال و دیگری از طرف جنوب منتهی به حصار شهر بود. من میدانستم هنگامی که ما مشغول حفر نغب هستیم و مخصوص در موقع شب مردان "الجاتهو" محمد قولوق "صدای کلنگه و بول نغیب زن هارا میشنوند و می فهمند که مشغول حفر نغیب می باشیم و هر کس که گوش خود را در موقع شب بزمین بچسباند می تواند صدای کلنگه زدن حفاران را بشنود "الجا" تهبو محمد قولوق "عده ای را مامور کرده بود که تا نغیب زن های ما سر از شهر بدر آورند آنها را به قتل برسانند و نغیب را ویران و کور کنند.

من فقط بطرف جلو توجه داشتم و از عقب آسوده خاطر بودم زیرا میدانستم که عقب من ه خصم وجود ندارد. در طرف فون من هم سربازانم می جنگند اما سر بازی که در طرف چپ من قرار گرفته بود کشته شد و پیش از این که سر بازه دیگری جای او را بگیرد یک صرت شدید تهر زن روی پای چپ من فرود آمد. ضربت طوری سخت بود که تصور کردم پای چپ من از بدن جدا گردیده و در همین موقع یکی از سربازان ما جای خالی را پر کرد و دیگر من از طرف چپ مورد تهدید قرار نگرفتم وقتی آن ضربت تهر زن روی پای - چپ من وارد آمد من فریاد زدم و ننا - لهدم ولذا هیچ يك از سربازان من نفهمیدند که من مجروح شده ام.

بعد از غلبه بر "تاشکند" چون سکه شهر از دستور من پیروی نکردند و علیه محاکم خود نشوریدند فرمان قتل عام وجبا اول را صادر کردم و گفتم تمام مردان شهر را به قتل برسانند و تمام پسران و دختران و زن های جوان را با سارت ببرند تا اینکه بعد طبق قانون جنگلین افسران و سربا - زان تقسیم شوند و سر بازی که دارای پله پسر یا يك دختر جوان گردیده مختار است او را غلام یا کنیز خود کند یا به قتل برساند یا در بازار بفروشد. جنگ "تا - شکند" هنگام عصر روز نوزدهم ماه شوال خاتمه یافت و از آن پس قتل عام و چساول

شروع شد و انوقت من در صد دبرامدم که بدانم که زخم پای چپ من چگونه است اما نتوانستم از اسب فرود بجایم و سربازانم در خارج شهر مرا از اسب فرود آوردند و به خیمه بردند و در آنجا نوکرانم چهار آئینه و مغفرا از من دور کردند و جراح آمد و زخم مرا معاینه کرد و گفت استخوان زانو بشدت مجروح شده و نباید راه بروی و نباید پیوسته دراز بکشی تا

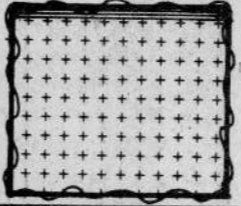
اشکر کرد و درین رفیعی زیاد نسبت بسز ن ها بوجود آمد تا آن موقع من بیش از دو وزن نداشتم و در آن هفت سال دوزن دیگر گفتم ولی فهمیدم که باز خواسان زنهای باشم من که مسلمان هستم نمیتوانم پوش از - چهار زن بگیرم ولی شرع اسلام بمردها اجازه داده که علاوه بر چهار زن عقد هر قدر که میل داشته باشند جاریه انتخاب نمایند و من هم چاره های معیت



تاریخ
مهرماه

مینه

سوره



این که استخوان زانو بهبود یابد.

ای که سر گذشت مرا میخوانی مگو که مردی چون من که فقیه هستم چگونه فرمان قتل عام سکه "تاشکند" را صادر کردم حکومت دارای قوانینی است که از اناژدنها وجود داشته و تا پایان دنیا وجود خواهد داشت و عوض نخواهد شد و یکی از آن - قوانین این است که مردم باید از حاکم بترسند و اگر از وی وحشت نداشته باشند او امرش را بموقع اجرائی گذارند و اگر - ارو او باش بر - سکه شهر مسلط میشوند و بجان و مال و ناموس آنها تعرض نمینمایند. من از این جهت فرمان قتل عام سکه "تا - شکند" را صادر کردم تا اینکه برای سکه بلاد دیگر مایه عبرت شود.

بهبود وضع زخمی هموس و شورتس - شدن و پایان و رفاهت مردم درین نیز -

را انتخاب کردم.

فرزندان و نوه های من آگاه باشید که آفت سلاطین عیش و نوش و زندهای زیبا است و هرگز خود را بدست عیش و نوش و زندهای زیبا نسپارید و برای يك مرد هفت - ای بیکاره زن کافی است و بیش از آن با - عه میشود که مرد تن پرور گردد و نتواند قدرت خویش را حفظ نماید.

فصل هفتم:
بسی مسلط الراض فردوسی و جنگ نشا - بلر:

چنین گفت کای جوشن کار زار
بر آسودی از جنگه يك روزگار
کنون کار پیش آمدت - سخت باش
بهر کار پیر امن بخت باش

اشعار فرودس در گوشم طنین مها - نداخت و نمی توانستم آرام بگیرم. هفت سال خورده و خوابیده بودم و شمشیر و جوشن را کنار گذاشتم ولی موقع آن رسیدم که جوشن بپوشم و مغفر بر سر بگذارم و شمشیر بدست بگیرم و بسوی سرزمینی بروم که آنجا فردوسی سبزد و پنجاه سال قبل از من این اشعار را سروده بود. موم قع آن فرار رسیده بود که برای رسیدن به آرزوهای خود گام بردارم و جهان را مسخر نمایم و تسخیر جهان را از خراسان شروع کنم.

من با این که شتاب کردم که بزودی خود را به نیشابور برسانم و نگذارم که دروازه نا را ببندند بر اثر رفت آمد کاروانهان ستانها ن جاده بقدری شلوغ بود که

بجنگد چون مرد تاد ر جنگه از موده نشود دارای لیاقت نمیکرد.

من بزرگترین هنر مرد را جنگیدن میدا - نس و گریه برای علم و صنعت و ادب قایل بارزش هستم ولی عقیده دارم که خداوند مرد را برای جنگیدن آفریده و مردی که نتواند بجنگد و از مرگ بيم داشته باشد از بنده گان خداست.

حاکم نیشابور که دست بسته گرفتار شده بود گفت ای امیر جهانگشا سکه این شهر گناه ندازند و اگر من با نهاد ستور نمیدا - دم که دروازه هارا ببندند مقابل تو مقاو - مت نمی نمودند و تو می توانستی بسدوزن معطلی و زحمت وارد شهر شوی لذا من گناهکارم و مرابه قتل برسان ولی برجسان سکه این شهر ببخش و زن هارا اطفال - شان را با سارت مهربان و پرسودم چند

بیتها انگشتر

سال از عمرت میگذرد. جواب داد شصت - سال سوال کردم آیا پسرداری جو ابداد دو پسر جوان من یکی موسوم به شمس بهرام و دیگری باسم شورشاد بدست سر - بازان تو کشته شدند.

امیر حسین گفت ای امیر جهانگشا من! برای خود از تو ترحم نمیخواهم ولی پسر جان مردم این شهر ببخش و هر چه از - آنها تا کتب کشته عده کافی است و بگذار که دیگران زندمینانند. گفتم امیر حسین اگر بجای این که من فاتح شوم تو فاتح می شدی آیا بر حال سربازان من می - بخشیدی؟ امیر حسین گفت پدران ما گفته اند که در جنگه باید خشونت و بی - رحمی داشت و بعد از پیروزی باید قوت بخروج داد و چون تو فاتح شستی قوت بخیر بده.

گفتم من نمی توانم از اصول جنگ منحرف شوم و طبق اصول جنگ سکه شهری که مقاومت می کنند باید قتل عام شوند. اگر من این روش را تغییر بدهم دیگر نمی توانم مبادرت بجنگه نمایم. چها - نسان باید بدانند که هر کس مقابل من پایدار بماند کشته خواهد شد و بعد

سال از عمرت میگذرد. جواب داد شصت - سال سوال کردم آیا پسرداری جو ابداد دو پسر جوان من یکی موسوم به شمس بهرام و دیگری باسم شورشاد بدست سر - بازان تو کشته شدند.

امیر حسین گفت ای امیر جهانگشا من! برای خود از تو ترحم نمیخواهم ولی پسر جان مردم این شهر ببخش و هر چه از - آنها تا کتب کشته عده کافی است و بگذار که دیگران زندمینانند. گفتم امیر حسین اگر بجای این که من فاتح شوم تو فاتح می شدی آیا بر حال سربازان من می - بخشیدی؟ امیر حسین گفت پدران ما گفته اند که در جنگه باید خشونت و بی - رحمی داشت و بعد از پیروزی باید قوت بخروج داد و چون تو فاتح شستی قوت بخیر بده.

گفتم من نمی توانم از اصول جنگ منحرف شوم و طبق اصول جنگ سکه شهری که مقاومت می کنند باید قتل عام شوند. اگر من این روش را تغییر بدهم دیگر نمی توانم مبادرت بجنگه نمایم. چها - نسان باید بدانند که هر کس مقابل من پایدار بماند کشته خواهد شد و بعد

از قتل عام نیشابور شهرهای دیگر خرا - سان تکلیف خود را خواهند دانست و وقتی قشون من به پشت حصار آن شهر هار رسید دروازه ها را نخواهند بست. بعد از این گفته جذا را احتضار کردم و هوا و گفتم سراز. بیکر امیر حسین جدا گفتم و حاکم نیشابور به قتل رسید. قتل عام سکه شهر تا ظهر ادامه داشت و بعد از آن ه سر بازان من بر حسب اجازه های که من خود با آنها داشتم شروع به چساول کردند.

مدت يك ماه در نیشابور بودم و دنباله کار ویران کردن حصار شهر را به پسر م جهانگیر واگذاشتم و خود عازر طوس - شدم در طوس کسی مقابل من پایدار نی نکرد و من قدم بشهر نهادم و آزار من به هیچکس نرسید.

در بین دانشمندانی که نزد من آمدند مردی بود مقلب بامام اعظم و من با او مباحثه کردم و از او پرسیدم لاید تو نماز میخوانی؟ امام اعظم گفت این از بد - بیبهاست است. گفتم در سوره "الحمد" یکی از صفاتی که برای خداوند ذکر شده " مالک يوم الدين" است آیا تو میدانی که معنای " مالک يوم الدين" چه میبا - شد.

او گفت یعنی " مالک روز دین" گفتم من را مردی عوام تصور کن و برام شرح بده که مالک روز دین چه معنا میدهد. امام اعظم گفت معنای این آیه از سوره " الحمد" روشن است و احتیاج بشرح و تفصیل ندارد. گفتم ولی من معنای آن را نمی فهمم و باید آن را برای من تفسیر کنی. امام اعظم از گفتار باز ماند آن وقت من با او گفتم در این آیه " دین بمعنای جزا می باشد یعنی خداوند صا - حب روز جزاست. روز جزا یعنی روزی که هر کس بفراتر از اعمال خود پاداش یا کیفر می بخند و آن روز که روز جزا میباشد نا - محدود است و شاید هرگز پایان نمی - رسد چون در این آیه کلمه " يوم" یعنی " روز" معنای زمان را میدهد نه معنای يك روز از طلوع تا غروب آفتاب را و چون روز جزا زمانی است نامحدود لاجرم آفتاب در آن زمان طلوع و غروب نمی کند و شاید آفتاب نباشد. هیچکس نمی تواند پیش بینی کند که " روز دین" یا " روز جزا" چه موقع فرا خواهد رسید و هر چه در این خصوص گفته شود جز آنچه در قران هست افسانه میباشد.

امام اعظم با حیرت سخنان مرا شنید و گفت ای امیر تهور تو این همه دانشی را

مردی بود مقلب بامام اعظم و من با او مباحثه کردم و از او پرسیدم لاید تو نماز میخوانی؟ امام اعظم گفت این از بد - بیبهاست است. گفتم در سوره "الحمد" یکی از صفاتی که برای خداوند ذکر شده " مالک يوم الدين" است آیا تو میدانی که معنای " مالک يوم الدين" چه میبا - شد.

او گفت یعنی " مالک روز دین" گفتم من را مردی عوام تصور کن و برام شرح بده که مالک روز دین چه معنا میدهد. امام اعظم گفت معنای این آیه از سوره " الحمد" روشن است و احتیاج بشرح و تفصیل ندارد. گفتم ولی من معنای آن را نمی فهمم و باید آن را برای من تفسیر کنی. امام اعظم از گفتار باز ماند آن وقت من با او گفتم در این آیه " دین بمعنای جزا می باشد یعنی خداوند صا - حب روز جزاست. روز جزا یعنی روزی که هر کس بفراتر از اعمال خود پاداش یا کیفر می بخند و آن روز که روز جزا میباشد نا - محدود است و شاید هرگز پایان نمی - رسد چون در این آیه کلمه " يوم" یعنی " روز" معنای زمان را میدهد نه معنای يك روز از طلوع تا غروب آفتاب را و چون روز جزا زمانی است نامحدود لاجرم آفتاب در آن زمان طلوع و غروب نمی کند و شاید آفتاب نباشد. هیچکس نمی تواند پیش بینی کند که " روز دین" یا " روز جزا" چه موقع فرا خواهد رسید و هر چه در این خصوص گفته شود جز آنچه در قران هست افسانه میباشد.

امام اعظم با حیرت سخنان مرا شنید و گفت ای امیر تهور تو این همه دانشی را

کلیج و دراندنیهاست

مصاحبه کننده (سیدی)



— برای موفقیت در مسابقه به چن نکاتی ارجح بهتر قایل هستید؟

— نخست بر همه باید با اعصاب قوی و متحرک وارد صحنه مسابقه شویم و متکی به خوب شدن باشم و از هدایت های ورزشکاران به شکام استفاده نشا — بسته نمایم فاکت مهم این که یک رژیم خاص غذایی را برای بدست آوردن انرژی بیشتر مراعات نمایم.

صحبتی با عبدالفتاح «وفا» کپتان تیم اتلتیک خفیفه کلیج هدایت

— در رشته اتلتیک خفیفه چند نوع تکنیک وجود دارد؟
— اتلتیک خفیفه تکنیک های خاصی مربوط به خود را دارد — طو مثال در مسابقه های کوتاه (صد متر — دو صد متر) ورزشکار باید سرعت فوق العاده زیاد داشته باشد که میتوان از دوش سحرخی گامدار و سحرخی وقوی نوعی دوشی است که بنام «کلیج» که از شکل «چارنمسل» اسپ ماخوذ گردیده است. دوش سحرخی جا به جا و — امثال آن در صورت جهاد نموده دن این تکنیک ها میتوان به موفقیت دست یافت و نیز هفت الی هشت نوع دیگر تکنیک در این ورزش وجود دارد که ذکر همه بی آن نظر به گنجایشی بفرجه مشکل میباشد.

اعظمی نماید تا بتواند به مدالی عالی در رشته خودش برسد.
— چه گونه اشخاص به رشته اتلتیک خفیفه پذیرفته می شوند؟
— به صورت عموم تمام ورزشکاران این رشته از نقطه نظر قوه فیزیکی و تناسب اندام و — جسامت قوی و بلند بر خوردار میباشند به ویژه در رشته — اتلتیک خفیفه قد بلند و چسب و عضلات قوی ضروری میباشد و نیز داشتن اعصاب و قلب قوی از شرایط لازم این رشته میباشد زیرا دوش هادر اتلتیک خفیفه از نگاه طبی فشار مستقیم بالای قلب و اعصاب و عضلات دارد به خاطر یکه این ورزش تاج ورزشها نامیده می شود و ورزشکاران باید متصف به همین صفات باشند.

عبدالفتاح «وفا» کپتان تیم ملی اتلتیک خفیفه کلیج هدایت و عضو تیم اتلتیک خفیفه که در زمره ورزشکاران نخبه و مستعد حضور خیرهنا تشبیهت نموده است در مورد ورزشی که خودش مصروف آن است در پاسخ به این پرسش که آیا در رشته انتخابی خودش مواجه به پراپلی شده اند میگوید: — طبیعی است که هر ورزشکار در اوایل وقتی رشته مورد علاقه خود را انتخاب میکند تازه — نیکه با تمام احساسات و تخنیک ها و تکنیک های لازم آن رشته آشنایی کسب نمینماید به سلسله پراپلی های زودگذر مواجه می شود که راز موفقیت یک ورزشکار آن است تا همه مشکلات را با حوصله مندی و متانت متقبل شود و از هدایت و رهنمایی های تهرنر مر بسوط در جریان ورزش استفاده —

سرم گرفته و در رد و صد و هشتاد ساله به مقام درجه اول پیروز شده است.
شهره پیروزهای چشمگیر او، کلسیزی ازمدال هفت نشاها و اسنادی است که اینک نظم و ترتیب و نگهداری او را سحراب کوچک به دوش گرفته است.

پانزده مدال طلا و صدال نقره و سه نشان ستاره سرخ درجه یک نشان بهترین تهرنر و صدال سکاد به یک دیپلوم معمه نشان ماستر سهرتسی و در حدود بیست و چهار دیپلوم امتیازی و افتخاری.
سلم شاه بهتران بهست مراتبه جهت نمایشات و مسابقات ورزشی اش به کشورهای مختلف جهان منگولیا هندوستان اتحاد شوروی ایران بلغاریا کوریا هنگری چکوسلواکیا و آلمان سفرها داشته است.

برای اسپورت جززندگی شده بود و بدین استثناء روز یازده ساعت تهرنر های مختلفی را انجام میداد همه روز صبح وقت از خیرهنا تا میدان هواپی را به دوش می پیوسته و قهه اوقات را به ریسان کشی و کوهنوردی و آبپازی و رشته اصلی اش که پهلوانی بود سپری میکرد.

شش سال مکمل با رهنمایی ها و تشننگ عالی شاگردان زاده ی رابه شمرسانید و در حلقه های ورزشی کشورها ر خوب درخشید.
او اوسط زمستان سال ۱۳۶۶ که سرما بهداد میکرد سلم شاه برای بهستو یکمین بار آماده شده بود تا جهت اشتراک در مسابقه دیگری با دوستان و همکارانش خارج از کشور برود.
همه روزه با شور و حرارت خارق العاده بی تهرنر میکرد و در روزها با هم پیروز می تازه می را میدید.
آنانی که او را از نزدیک میشناختند به پیش از تکمه در باره خود می بیند و میفهمند به فکر یک مدال دیگری بودند و بفرجه در صفحه (۹۳)

اسان قصه مانی و سرافجام

سحراب کوچک با اشتیاق تمام الیم خانزاده می اسراورق میزد هر بار با اشاره به عکس فرهاد میزد و میگفت: اینه بدرم. تا تصویهای پدر سحراب حقیقتاً زیاد جالسده ب بودند جای داور سابقه دستش را به رسم برنده شدن بلند نموده بود. جای در حال بدست آوردن کپ قهرمانی وزیانی هم هنگام درسیات مدال بود.

بیشتر تصویهای او را در صحنه های مهیج سپورت ها به ویژه در میدان پهلوانی نشان میداد. در آخرین روز این الیم بزرگ به جای عکس های بزرگ سپورتسی در پلیم و سندی که در کسج آن فوتوی کوچک پدر سحراب دیده میشود گذاشته شده است. در آنجا میخوانیم: سلم شاه اقبال ماستر سپورت ترین تیم پهلوانی کلوب سپورتی اردو.

زنده می عجیب و شنیدنی دارد. چهارده سال قبل شامل بوهنسی زراعت بوهنتون کابل شد اما بنا بر معاند پری فاکولته رانا تمام گذاشته به خدمت مقدس سربازی رفت پس از آن بوهنسی اکادمی تخنیک را خواند.
از دوران کودکیها پیش علاقه سپورت بود و لوسی از ۱۳۵ به بعد برای تهرنر های ورزشی اش برنامه معینی طرح کرد و به زودی به عضویت تیم ملی پهلوانی کشور پذیرفته شد. گوی در آن دوران همفنانس های خوب به رویش لپخند میزدند. پیغم شامل مسابقات میگردید و فلها برنده خود شد در بیشتر از سه مسابقه سابقه داخلی و خارجی مسابقه



خلوريزه

چې کښور او گيلن برسره نه وي
مامورنه دي که هرغولري کښون
په دي دوه خيز مامورين ل کښي
که دانه وي که خوشي انوندي بطلون

د فلک ناد دي

✱ ✱ ✱

د لرگوار بکړو حاجت به خه وي
مامورين واره لرگي شول و اولک
هاپستي کولې بي وچي شوي په سپوره
د کښي کورکي نه لگي درک
کولې خه چې وينه وچه شوه رگورکي
له روزگار نه ورته چو شولو خسک
چې ميوه او شونه خوب کي ليداي نه شي
د دي ژوند دي په اړوسو شوي تلک
د الهي اژد هانبار په خوله کي ونسو
د سل گون متاع په اخلي اوس په لک
اي (اشپزه) د ايه ياد برسره ساته
خه ناد دي وي چې ونه کري فلک

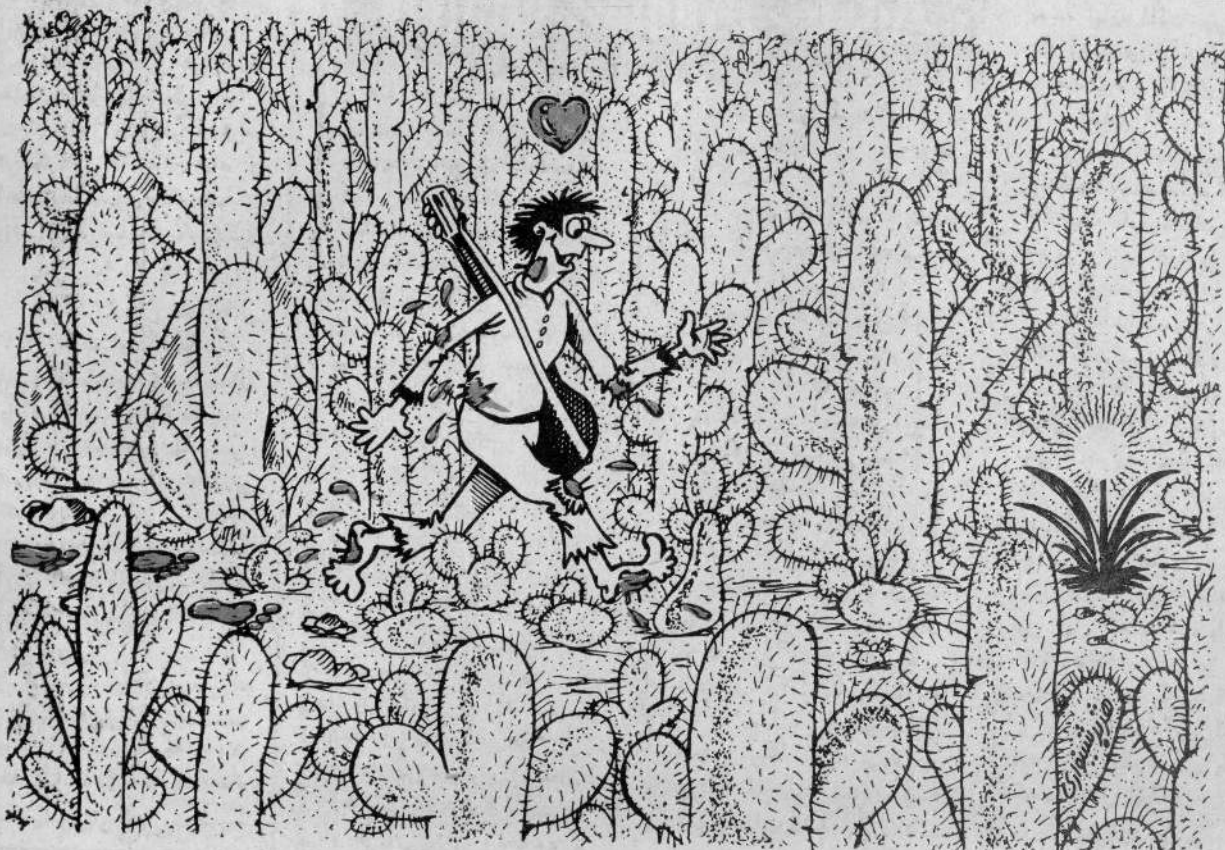
د ليدنجاړي هڅه

هڅه ليدل: تاخون

ماش (معاش)

نرخه دروني اود حيوياتو په
په کورنۍ کي ترډيرو کوچني
ده . د پورته تعريف له مخي
ويلاي شوچي ماش (معاش)
د عوايد و له يوه يوه کوچني
اندازه ده چې د بازار د پيسو
په وړاندي دي د پي د اوس
(مه) ارزنت هم له لري .

که چيرته د معاش په نوم کسي
د (ع) توري ليري شي ، نو
يوازي ماش په ياتي شي . ماش
پخپله دري نوم دي چې په
پښتو کي (مه) ورته واي . د
ميوه ا نه د زخرد و له داني غځه



نوی مقدری

د کابل ښار د آزاد و نړخونو د کمپون یوسو پوځیو خبرلما ی د بنجاره هتی ته خپور کس چی کله د کابل په ښار کون یوس کچالوله دوه زرو واوینشل لوگند نه د پکړی په پست کس مفره شوه .

دموښکانه د مطایبی مریزونه

هر انبه د پنازیزې چی پب غرپ کس د هرش له پاره حمایتی سازمانونه مرکونه شته . اودا کار د پوکراسی لسی مظهر پولسی خو موز هم په دې برخه کس وړمنی کم نه یو . نمکه همد ا اوس د لوړو مرکز وخوا سازمانو نو ترخنگ د موز کاند حمایتی مرکونه هم علش اونکار فعالیت کوی . دغه مرکونه د مرگ مو د د اړو پلورنلی د ی چی د مو ز کاند تکثیر اوجانفید و لپاره د (مرگ موش) په معای (زند م گ موش) په خلکو لپری .

د خوله کولو اود اوزی او بجه د پوستکی اچولو طبابت اوس هم په پهنو سیموکسی بشپړ واک لری . که خه هم نن سباد پوستکی طبابت د پسونود قیمت کیدوله له کبله د متاخه تلویه حال کی د ی خو بخوله کولو طریقته بجه په مزه اود ودی بجه حال کی ده . زمونږ د کلی چنار کاکاسوم وخت رانگی وهلی و اوله خولی کید لو او خوجوشانده ولسه

(نسخی) په اسام ناروغ سعد ستی د کت له پامه خملاره اودری پر ستی بی بری واچولی د کت لاندی بی هم ورته سیکاره تازه کر ل اوده درې تنه د ناروغ پسر ، پینوار کیده باندی خملاستل . خود خولو په وخت کی پر ستی له محاسه لپری ته کړی ، او هوا بیس ونه وهی . ناروغ چی هر غومره چیخی ووهلی او بیسی لاسونه بی واچول ترې ستسی لاندی بی چی چاچیفته غوز

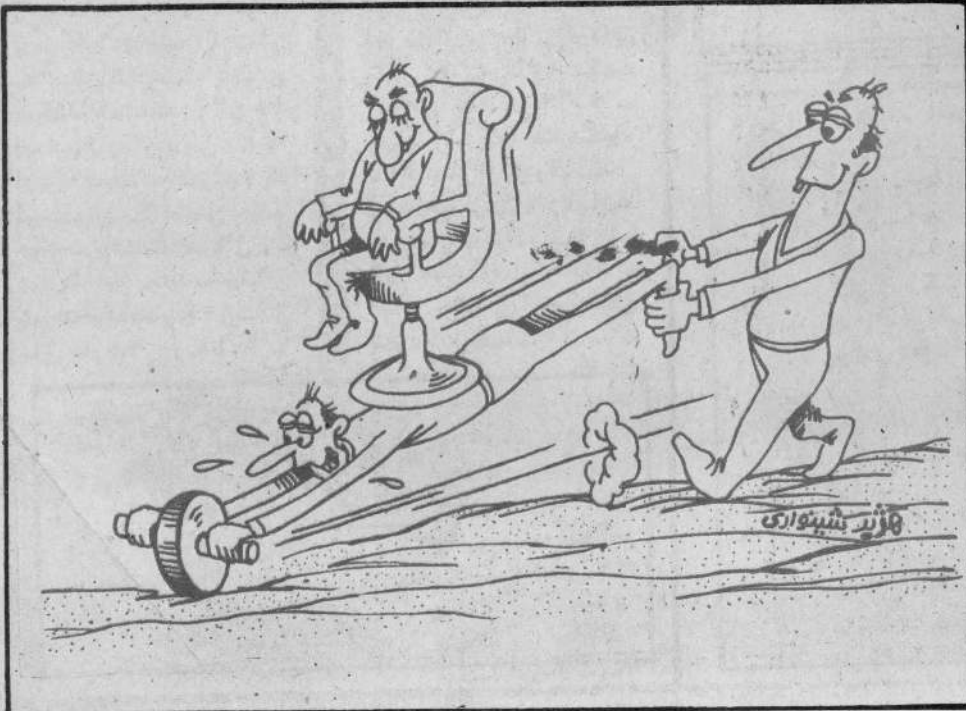
پورته کړی بود خواره کوتی ناروغ د شاپوستکی په لمنی پسر دی نیشی و اوله بیگانی خولسی سره یوهای ساه وړمنی وتلی وه . خو چنار کاکا توله پر د مرحوم په کورنی ورواچوله اود محناز ی بر سر بی وکل : د ی خدای بخنبله . ته ضرور د خولی په وخت کس د هر ستونخندی پورته شوی . د ی اوسه هوا ورتوشلی ده د خولی په وخت کی سره هوا سړی شخون کوی اوزنی بیس

بی علمه شیخی

خپلو وروسته جوم شوی و . له هماغه وروسته به چی په نسلی کورکی خوک ناروغه شو ، کس چنار کاکا به ورته د خوله کید لو سپارښتنه کوله . حتی کزدی چی د چا په لاس اوبینه هم ونی شول ، نود چنار کاکا به لار ښوونه بی دوه اودری پر ستی ورباندی اچولی کم وخت بی ترخنگ کانه ی باندی توده تبه رانگی وه اوجنار کاکا د خیل کانونو پتوب د حق ادا کولو په خاطر کورته د پوښتنی له پاره ووفلس و . د کور ورو چنار کاکا د

ونه نیو . له لیس پناغلس د قهقرو وروسته ناروغ آرام شواو د پسر ستول له پامه درې تنه وړمنی لپری شول . ناروغ توله شپه آرام و . اوده له آرامی سره لوری کورنه هم سباتر لمر خاته پوری آرام او پهنه خوب وکړ . کله بی چی سماز ناروغ ته د راپورته کید و غز وکړ ، ناروغ معان ونه ښوروه ، بیای تفری پوری همداسی پریشود خو په خپله راو پین شئ ، خو می کلمی لوړ ما سپین پر ستی وړمنی

خوچی کله چنار کاکا مر نسو نوزه هغه وخت ماشوم چی لوړو کلیو الو پسر وکل : (اخوازه کوتی په خوله کس وړان شو . که نود بیسی له خوز و خوک نه د ی مر شوی .)



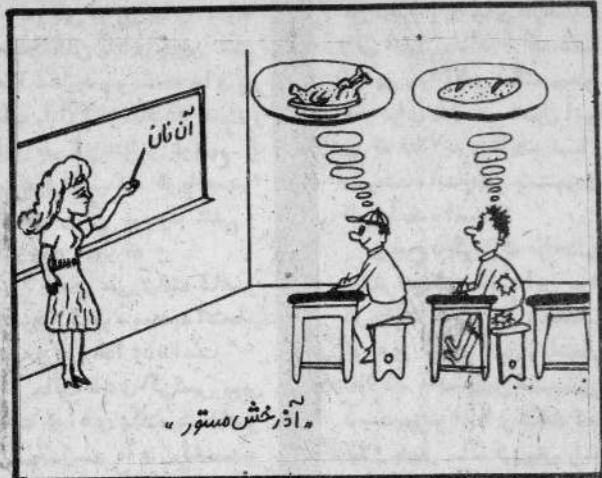
رهنمای معاملات شیرآقا

شیر آقا مرد هزاره‌هاست با روزی برای زنده گی هزاریل وچال را یاد دارد. در این روز - های آخر، در پهلوی کارهای تجارتی اش مغازه رهنمای معاملات نیز ساخته است. - شیرآقا با ساختن رهنمای معاملات گوشه از مغازه اش را با گذاشتن یک سمت کسوج تزیین نموده و روز تمام روزجای سبزه و شهرنوی جوهر دارش پاراست. همان که میگویند "پتو برای غذا شال است". رهنمای معاملات بهترین منبع درآمد و ثروتمند شدن شده است. بخاطر آنکه فیصدی کمیشن معاملات او بالا برود عادتاً کرایه خانه و فروش اپارتمانها را خیلی بلند میبرد. هر روز که یک تا دو هزار سه کرایه خانه افزوده می شود. و پنج تا ده به قیمت اپارتمان. مثلاً سال گذشته یک اپارتمان در اطاقه راهشده در واژه هزار افغانی کرایه گرفت ولی حالا از برکت معاملات شیرآقا یک اپارتمان دو اطاقه سی و پنج هزار هم یافت نمیشود چال دیگر شیرآقا این بود که صاحبان پنج اطاقه هارا در وقت وزمان شان نام خدا در مقامات آب



فرار لویپوش

شخصی ارسطورا کبر آورده بود. آنقدر باوی حرف زد که عالم توانا را ناتوان ساخت. در آخر گفت: ای دانشمند! مگر از صحبت من اینقدر رحمت زده و به فکر فرورفته ای که؟ ارسطو گفت: نمبه خود حیران هستم که فکری کم در حالس که دو پا برای فرار داریم و چرا از تو فرار نمی کنم!



چرا هیبت شیر آقا

شیرآقا به این چالها اکتفا نکرده در فروش تلفون، موتر، فرش و ظرف بعضی خانه ها - نیز تشبثات معقول و غیره - منقول مینماید. حالا از برکت او یک اپارتمان پنج اطاقه - مکرر بهان گش به دوسه و پنجاه لک تا بیشتر از آن رسیده است خودش میگوید: تا زمانیکه خریداران ساده فروشنده - کان هوشماری در اطراف و اکناف میخانه می او وجود دارد شیرآقا در نماند.



میتاورهای طیبی

- بخنده های زهر لب و باور عشوه های پنهانی است.
- در صحنه خونی از نگاهها برنده هوس پال میزند.
- در خلوت خویش هر کس سلطان کشور خیال است.
- بعضی از مرگها یک عسر طول می کشند.
- بعضیها از آن چه دوست دارند فرار می کنند.
- مسوولیت اکثر انسان است.
- انقلابیون هر برادر صلحت ها گستاخ اند.
- گاهی خود خواهی چاه صاف کن خود کشی می شود.
- بعضی از انسانها در زمستان زنده گی رویده اند.
- بعضیها ساختن خود را پیشه دیگران هدیه کرده اند.
- هیچ عاشقی در یاد معشوقه غریب نخواهد ماند.
- سرمایه هردلی، تکتهنهای اوست.
- زمان شریقی است که هر قطره آن طعمی دارد.
- عشقهای واقعی در ره حال شکوفا می شوند.
- هیسران همسر در همدیگر زنده گی می کنند.
- بعضی از خلوتها جمعیت آفرین می شوند.
- اختیار برای کسی که توان انتخاب ندارد، گذشته است.
- سکوت هزار بنده ابهام است.
- عاشق و معشوق هر چه از هم بنوشند تشنه ترند.
- عاقل و غافل نمی شود.

نقاشی

شخصی به دیدن دوست نقاشی خود رفت و نقاشی در حال صحبت گفت: دلم میخواهد اول این اتاق را خوب سفید کنم و روی همه دیوارها نقاشی کنم. دوستش که خیلی شخص حماس بود گفت: بهتر است که اول نقاشی کنی و بعدا دیوارها را سفید کنی. هم به آن اضافه کنی.

یک پیر و یک کلاه

خاتمی برای خریدن کلاه مغازه کلاه فروشی رفت و کلاهی را انتخاب کرده و بمغازه دار گفت: کلاه من این کلاه را می پسندم اما پری را که بدان نصب کرده اید دوست ندارم. مغازه دار بعد از ادا لیختندی گفت: خانم وقتیکه این کلاه را با همین پر به سر میگذارید حد اقل ده سال جوانتر معلوم میشوید. خانم جواب داد: در وقتیکه چنین است لحناف یک پیر دیگر هم به آن اضافه کنی.

در یکی از روزهای شنبه صبحگاهان بالای چوکی لم داده بودم و صفحه های روزنامه را از نظر میگذراندیم در این جریان عنوانی توجهم را به خود جلب کرد که واقعا از دیدن آن مبهور شدم و آن چنین بود که :

معروف اردو دست به اعتصاب نه خوردن غذا زده است . در حالت عادی اگر کسی مسی گفت که آقای شگفته یک شاعر معروف است ما دم را خنده میگرفت . یک آدمی را تصور کنید که - هم او در ادب - بیشتر از پنج یا شش شمر بی محتوا نباشد و او را شاعر مشهور بگویند . مجموع آنها - کسی که از شاعری چنین افترا ده کیف میگرفتند از ده تا دوازده تجاوز نمیکرد . اینکه چی وقت و چگونه او از شهرت برخوردار شده بود ؟ برای من معمای اسرار آمیزی بود . به هر حال موضوعی که در لحظه کنونی مرا به شگفتی می آورد این بود که چی چیز آقای شگفته را - وادار ساخته تا به اعتصاب غذا دست بزند . شرح خبر مذکور چنین بود :

" آقای محمد علی شگفته شاعر معروف زبان اردو در مقابل خانه صدراعظم - اعتصاب نه خوردن غذا دست زده است . او در مصاحبه می یازد خبرنگار را توضیح کرد که زمانی غذا نخواهد خورد که به همه جوانان هندوستان کار فراهم نگردد . او علاوه کرد که اگر اعتصاب به قیمت زنده گی او هم تمام شود ، به آن ادامه خواهد داد ."

متن کامل موضوع هنوز هم به تخیل آدمی می افزود . نخستین چیزی که باید به زودی معلوم میشد این بود که چگونگی شگفته نتیجه گیری کرد و دریافت که هر جوان هندوستانی می کار میکرد . سوال در اینجا - است که اگر همه کار دریافت میکردند باز سبزی فروش را

کی میکرد و یا سایر کارهای را کی انجام میداد . گذشته از این چرا آقای شگفته میخواستند برای همه به شمول آنها - بی که قبلا به وظایف شان مقرر شده اند در جستجوی کار برآمده است ؟

موضوع دیگری که مرا حسی بیشتر کنجگاو ساخت این بود که چگونه آدمی مثل شگفته که هیچ گاهی کاری را انجام نداد ، به چنین عملی دست میزند . آقای شگفته که قبلا چهار ساله گییش را - تکمیل کرده بود ، هیچ گاهی در زنده گی این کاری را انجام نداده بود . مردم میگفتند که او در سن هجده ساله گییش خانه اش را ترک گفت و در - چه متجوی کار برآمد . آنچه را در این زمان انجام داده بود کسی از آن خبر نداشت مگر یک چیز آشکار بود که او هیچ گاهی بعد از آنکه او را در کافی دیدم ، پشت کدوم کاری نگشته بود و در عوض راه خوب زنده گی کردن را یافته بود . او کسانی را همراهی می کرد که تمایل به شعر و شاعری نوع او را داشتند که به این طریق ماهوار بیست - رویه را از همه بی هواداران - نش جمع آوری میکرد . البته با گذشت زمان جمع او - همین مبلغ به وظیفه کامل او مبدل شد . او از ضربان قلبش می دانست که اگر به کاری هم گماشته شود ، نمیتواند بیشتر از دو صد رویه را به دست آورد .

باری من برایش وظیفه می دادم و دریافت کردم ، مگر بعد از یک ماه کار به تقاعد سوقش دادند . دلش این بود که آنچه را میتواند از رفقایش جمع آوری کند چو تلافی اضافی برای به دست آوردن آن میکرد . به این ترتیب آرام آرام شیوه زنده گی او شکل دایمی را به خود گرفت . در هر ماه دو صد رویه را از دوستانش جمع آوری میکرد و علاوه بر آن اگر

کسی از او خوشش می آمد او را به سینما و یا نان شب نمیزد دعوت میکرد . گاهی هم بعضیها برایش یک جوره بوت و یا پتلون میخریدند . به این ترتیب آقای شگفته زنده گی آرام خود را ادا می میداد یگانه جهت نامناسب زنده گی او این بود که بعضا رفقای او را به سینما دعوت میکردند ؟ در - حالیکه او کسی میخواست و یا بعضا هم او را به نان شب دعوت میکردند . در حالیکه او به پتلون ضرورت داشت . شگفته هیچ گاهی در این مورد کدوم احساس بدی ندا -

دست نخواهد زد . به هر حال علت موضوع باید دریابفت میگردید که چرا او به چنین کاری دست زده بود . در همین فکر بودم که ناخود آگاه با صدای بلند گفتم : " این خبر به کلی دروغ - است ."

خانم که برانروخته کسی یکبارگی ام را دیده بود و آن آنکه بداند در مورد کدوم خبر حرف میزنم ، خاسر نشان - ساخت : " در حالیکه قیمت خیر راست و دروغ یکسان است ، پس چرا روزنامه ها خبرهای دروغ را به چاپ میر -

شت و آن را از پیشرفتها پیش به حساب میگرفت . بعضا او حالت فلهوفانه بی اختیار میگفت و یا خود میگفت : " آنچه را آدم آرزو دارد ، در زنده گی به دست آورده - نمیتواند . حتی اگر منبع عاید به دست خود آدم هم باشد زنده گی من بهتر از دیگران است . زیرا حد اقل در - خبرها ، روزنامه ها پول اضافی دریافت میدارند و بنا - امکانات آن وجود دارد که قصه مذکور دروغ محض باشد . به هر حال ، برای آنکه خانم خود را فهمانده باشم متن کامل خبر را برایش از سر

ساختند ؟ من در مقابل او چیزی - گفتمی ندا شتم ، مگر ایمن مساله هم حقیقت داشت که روزنامه ها خبرهای مجلسی را به چاپ می رسانند . کسی در همین جا به پایان نمیرسد بعضا چنان حرفهایی بگوش می رسد که از چاپ این نوع خبرها ، روزنامه ها پول اضافی دریافت میدارند و بنا - امکانات آن وجود دارد که قصه مذکور دروغ محض باشد . به هر حال ، برای آنکه خانم خود را فهمانده باشم متن کامل خبر را برایش از سر



من در مقابل او چیزی - گفتمی ندا شتم ، مگر ایمن مساله هم حقیقت داشت که روزنامه ها خبرهای مجلسی را به چاپ می رسانند . کسی در همین جا به پایان نمیرسد بعضا چنان حرفهایی بگوش می رسد که از چاپ این نوع خبرها ، روزنامه ها پول اضافی دریافت میدارند و بنا - امکانات آن وجود دارد که قصه مذکور دروغ محض باشد . به هر حال ، برای آنکه خانم خود را فهمانده باشم متن کامل خبر را برایش از سر

خواندم او به خاطر آورد که این همان شگفته است که چندین بار به مناسبتهای مختلف در خانه ما نان مفت خورده است . من هم برایش گفتم که این همان شگفته است که جاکت پشمی مرا برای یک روز طلبی گرفته بود ، ولی آن را پس نداد و علقش را آمدن زمستان طاقت فرما وانمود کرد .

مگر حیف که آنچه به خانم گفتم تا نوری بالایش نکشد ؛ زیرا از گذشتن از صمیم قلب شگفته را به مثابه رهبر حقیقی خود پذیرفته بود . به نظر من

شگفته خوب نظر بینداز و واقعا آماده است که زنده گی اش را در راه دریافت کار برای هر جوان هندوستانی قربان کند . و باز هم خانم با گرمی شعار را سر داد که : " محمد علی شگفته ! و پیش از آنکه آن را تکمیل کند من فریاد کشیدم : " زنده باد !"

در حالیکه حورت زده بودم دفعتا به خاطر آوردم که بهیچوجه به یک آدم بیگانه زنده باد گفتم ام . به راستی که عقل احق بعد از وقوع حا -

" سکسنا " نیز مانند من از رفقای شگفته بود که برای پیشی بهست رویه می پرداخت . آقای " سکسنا " در چای خانه جوار سونک چای می نوشید از او پرسیدم : " چی میکنی ؟ " " من که با خانم بشاچره کر - ده می و در اینجا چای نوش جان میکنی ؟ " " من اینطور نیست . خا - نم در خانه نیست او رفقه تا مراتب احترام خود را به شگفته جان تقدیم دارد ."

دفعتا متوجه شدم که خبر آقای شگفته چقدر زود به اینجا رسیده است " سکسنا " نیز

زیر خیمه پایش را بالای پای دیگر انداخته و در آن شیشه نرورفته بود . در اطرافش پلاکاردهایی نصب بود که بالای هر کدام شعاری نوشته شده بود .

" قافله ای که خواستهایم برآورده نشود از اعتصاب دست نمی کشیم . " یا " زمین کار را فراهم کنید یا استعفی بدیدید ! " یا " ما حق خود را خواهیم گرفت " و غیره و غیره .

در حدود بیست تا بیست و پنج زن در قطاری توپست گرفته بودند تا چشمهای شان از دیدن این مرد بزرگ روشن شود . در لحظه ای که شگفته جان ما را دید از زنان خوا - هش به عمل آورد تا او را بگذا - رند که برای بدنی استراحت کند .

تا که مابه نزدیکی او رسیدیم زنها محل را ترک گفتند و ما به ملات کردنش آغاز کردیم . " باز به چی نورنگی دست زده ای ؟ تو در تمام زنده گی خود اقله یک کار را انجام نداده ای . مگر اکثرا برای دیگران کار میخواهی ! چنی فکر میکنی که صدراعظم کارها را در جیب خود نگاه داشته است . وقتیکه تو کار میخواهی او برایت میدهد ؟ کدوم حزب برایت پول داده که به این کار دست میزنی ؟

برای شگفته مشکل بود ما را خاموش سازد و گفت : " رفقا برای من یک چانس بدیدید لطفا گوش کنید که من چنی میگویم ."

من برایش گفتم که بگو چنی میکنی ؟ تا به حال نتوانسته ای که اقله یک پول را بدست آری ؟ " یکی برایت نان میدهد یکی برایت لباس میخرد یکی هم تو را به سینما میبرد و دیگری مشروبات الکولی برایت تحا - رف میکند . صدقانه بگو که چرا از روی جعل دست به اعتصاب غذای زده ای ؟ " بقیه در صفحه ۸۴

بیکاری در هند

نوشته : ولیپ سنگه مترجم : ذبیح الله اسماعیل

مانند من کاملا گول خورده بود . او در حالیکه با من اندیشه اش را شریک می ساخت گفت : " یا اینکه این شگفته که به اعتصاب غذای دست زده است شگفته مانیت و یا اینکه خبر دروغ است ."

دش به سرش می آید . خانم نصحتش را ادامه داد که گفت : " امروزیک انسان دیگری راه مهماتاگاندی را تعقیب میکند . و زنده گی اش را به خاطر کشور قربان می سازد ! مگر تا جاییکه من میدانم کدوم تشابهی بین مهماتاگاندی و آقای شگفته وجود ندا - شت اکنون که دانستم آقای شگفته در گذشته رفت و آمد های به خانه ما داشته تصمیم گرفتم تا خود را نزدش برسانم به این ترتیب راه ما به خانه آقای " سکسنا " رفت . آقای

هر زن آرزو دارد تا دست پیرری بگیرد و مریدش شود مردم خو ناحق نمیگویند که اگر پسر ، مریدان زن داشته باشد هیچ گاهی از غذای - خوب بی بهره نخواهد بود . خانم برایم گفت : " در - دنیا بعضی کسانی هستند که برای خود زنده گی میکنند ولی هستند کسانی که برای خوسی دیگران زنده گی خود را فد ا میکنند . از طرف دیگر کسانی هم مانند تو وجود دارد . پسر در خانه بیکارنشسته مگر توبه خاطر دریافت کاربرا - یش یک قدم هم از خانه بیرون نمیگذا ری به افرادی مانند

دستان مقناطیسی

دخترکی را نشان میدادند که قدرت آنرا داشت تا با حرکات دست خود (بدون تماس بر آنها) اجسام فلزی را به حرکت آورد و تصمم گرفت تا این تجربه را با لای اعضای فاسیل خود انجام دهد. با تعجب زیاد متوجه شد که اجسام فلزی در قدرت همبندی مختلف اعضای بدن مارتای پنج ساله جذب می گردید. این تاثير نسبتاً ضعیف در وجود پسر چهار ساله آنها نیز دیده شد.

در یکی دو دخترک متعلق صنف چهارم مکتب (تینا چانتوریا) از جمعی از پسران گرجستان، بعد از تماشای همچون پروگرام تلویزیونی خواست تا مطلب را با لای خود تجربه نماید. با کمال تعجب وی متوجه شد که قاشق، کاره و غیره اجسام فلزی بدستش جذب می گردید. بعداً جهت اثبات آن، آنرا نیز با قدرت خارق العاده جذب کرد. مادر دخترک میگوید که او پدرش هیچگاه متوجه کدام استعداد فوق العاده دخترشان نشده بودند.



نویسنده کتاب (عجایب حیرت انگیز) چنین اظهار می کند: عجایب مورد قبول همگان وجود دارد اما توضیح قابل فهم همگان وجود ندارد. این اظهار نظر کاملاً به زندگی فعلی ما مطابقت دارد در حال حاضر در اکثران روان شناس در جهان مابانداری های مختلف تلویزیونی را در پی می و غیره همه را به تعجب می اندازد دخترک پنج ساله (مارتا مارتا) اسکوتلند در هک و شورس و کرائین اتحاد شوروی توانایی این را دارد که با تماس دست خود درد سرد خود را رفع کند. ممکن است درباره ایوان کرده که هر طفل می تواند که با مالش (مان) درد سر کسی را آرام سازد فاسیل این طفل مطلب فوق را تا دیروزت. بلکه مطلب تصادفی فکری گردید بعداً متوجه شدیم که با تماس دست دخترک در زندان نیز آرزو می برد. و بعد از تماشای و صحبت با وی به جانب مقابل احساس خوشی و مسرت دست میداد. یک روز تصادفاً پدر این فاسیل که متوجه نشد تماشای پروگرام تلویزیون بود در پروگرام

رژیم غذایی را دور سازید

از ازدواج فاسیلی نمی باشد. از این جوانها میتوان بستند و داین و سندیوم ترنر اشاره کرد.

برداشتن از مطالبی که در پاسخ به سوال قبل فرمودید، این است که از مایشات گروهی و برای تشخیص بیماری های گروهی است و در ازدواجهای فاسیلی هم نگران ابتلای فرزند به بیماری های ژنتی است و از بیماری های گروهی را در این مورد به شما هشدار نمی کند. اما در پسر نامه های تلویزیونی توصیه شده است که مردم قبل از ازدواج خود به باورند و بررسی گروهی شوند و کسی بنام که اغلب مراکز مشاوره ژنتیک نیز برای مشوره های قبل از ازدواج فاسیلی آریا-پسر گروهی توصیه می کنند. آیا به نظر شما این کار صحیح است؟

خبر اصلاح صحیح نیست. همانطور که قبلاً گفتیم و شما نیز آن را به درستی با این سوال مطرح کردید، ازدواج فاسیلی هم تا این ابتلای فرزندان حاصل را به بیماری های تک ژنی مغلوب افزای می دهد و ژنهای معيوب نه تنها در افراد سالم ناقل آنهاست. مثلاً زوجینی که برای مشوره قبل از ازدواج یا قبل از حاملگی به مشاور ژنتیک مراجعه می کنند، بلکه حتی در افراد مبتلا به بیماری های ژنی نیز با بررسی گروهی تشخیص نمی شود. لذا بررسی گروهی نه تنها در این موارد قدرت تشخیص نداد. رده بلکه با دادن اطمینان کاذب به بچه در صحنه (۲۸)

اسباب بیماری های ژنتیکی



اقتباس از مجله زن روز چاپ جمهوری اسلامی ایران

آیا این نظر درست است که ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج دختر عموی با پسر عموی به بیماری های ژنتیکی، بیشتر از خطر در ازدواج های فاسیلی دیگر است؟

مربوط به ژنتیک پذیر نقد و خواهش می کنم به عنوان اولین سوال توضیح مختصری در مورد انواع بیماری های ژنتیکی و نقش ازدواجهای فاسیلی در آنها بفرمایید.

بیماری های ژنتیکی شامل بیماری های فاسیلی است که به طور کامل یا به درجاتی تحت تاثیر عوامل ژنتیکی به وجود می آیند. بیماری های ژنتیکی را می توان به سه دسته بزرگ تقسیم نمود:

۱- بیماری های تک ژنی: این بیماری ها هزاران نوع دارند و هر کدام تحت کنترل یک

ژن به وجود می آیند و به چهار گروه تقسیم می گردند:

الف - بیماری های اتوزومال غالب.
ب - بیماری های اتوزومال مغلوب.
ج - بیماری های متصل به X غالب.
د - بیماری های متصل به X مغلوب.

از میان این گروهها مجموع بیماری های اتوزومال مغلوب کاملاً متاهل از ازدواجهای فاسیلی است و والدین مبتلای معمولاً سالم و ولی حامل ژن بیمار برای نطفه و مغلوب می باشند. به همین دلیل مهم ترین نگرانی مشاور ژنتیک در ازدواج های فاسیلی فاسیلی فرزندان حاصل از اینگونه ازدواجها به بیماری های اتوزومال مغلوب است. مانند برخی از مغلوب لیتهای ذهنی و جسمی و نامتوازی.

۲- بیماری های چند ژنی: این بیماری ها تحت کنترل چندین ژن قرار دارند و ابتلای افراد به آنها نه تنها از وضعیت ژنتیکی آنهاست مبل به مقدار قابل ملاحظه ای متاهل نیز از عوامل محیطی نیز می باشد و به همین دلیل بهتر از دیگر انواع بیماری های ژنتیکی قابل پیشگیری می باشد. مانند برخی از معلولتهای ذهنی ضعیف.

۳- بیماری ها و ناهنجاری های گروهی: این بیماری ها بر اثر تغییر در تعداد و یا ساختمان کروموزومها به وجود می آیند و نسبت به موارد فوق به غیر نسبتاً کمی از بیماری های ژنتیکی را در بیمارانشان تشکیل می دهند و پدیده آنها متاهل

بهترین راه برای پیشگیری از تولد کودکان با نقایب ژنتیکی و آگاهی والدین و نسل جوان از چگونگی بروز این نقصها و انجام مشوره ها و اذعان اما اعلام قبل از تشکیل جنین و حتی قبل از ازدواج می باشد.

خوشبختانه اخیراً اطلاعات مردم در این زمینه تا حدی افزایش یافته است و ملی متاسفانه اعلام یک سری اطلاعات نادرست در بعضی از رسانه های گروهی از سوی افراد غیر متخصص و موجب ایجاد وحشت کاذب در میان مردم شده است و همین امر منجر به هجوم بی سبب خانوادها به مراکز محدود ژنتیک کشوریان شده است. لذا بر آن هستیم تا تعدادی از سوالاتی را که اغلب از سوی مردم مطرح می شود و متاسفانه پاسخهای نادرست و نقیض به این پرسشها داده شده است و با یکی از متخصصان ژنتیک کشوریان مطرح سازیم تا این شبهات و ناهنجاری های بی مورد از ذهنان عمومی پاک گردد و جوانان بتوانند در مورد تشکیل خانواده به راحتی تصمیم گیری کنند.

مجله زن روز چاپ جمهوری اسلامی ایران این شماره را با یک دوگانه تخصصی مطرح نموده که در زمینه توجه شما را به پاسخ های دوگانه نورس میدهد. سوزند جلب می نماید. ضمن تشکر از اینکه قدرت ما را برای پاسخگویی به سوالات مردم در زمینه مسائل

زنده گی در مکروریا

وحده از مکروریا سوم :

زنده گی در اپارتان های مکروریا ها تقریباً زنده گی مدرن است و از چندین سال بدینسو مردم ما عادت کردندند چس گو نه درین اپارتان ها زیست نمایند اما گاهی عده از ساکنین آن بی مسولانه و بی توجه به این که در منزل پایین همسایه دیگری سکونت دارد کتا فت منازل شان را به پایین مهر یزند و آنها آنان گاهی به این اندیشیده اند که زنده گی در اپارتان مکروریا چنن نیست یا این که تا هنوز ندانسته اند چس گو نه خود را به چنن زندگی عیار سازند . در هر صورت از مسولین مجله سبارون میخواهم گزارش جالبی از پرابلم های ساکنین این محل تهیه نمایند .

اپارتان ها و دکان های زنده گی زینت یافته و تقریباً محل اساسی ترین فروش اجناس و سر لوجه داکتران و پرو نیرسان و سایر فروشنده گان همه سر لوجه های درشت لاپراتوارهای شخصی نیز به چشم میخورد . لاپراتوارها یکی که هیچگاه سی نمیتوانند نتیجه دست داشته خود را به طور دقیق برای مرضی بی بضاعت دهند و آنها وزارت صحت عامه ازین دست مسوولین لاپراتوارها آگاهی دارند که با اخذ بلندترین اجرت از مرضی و آن هم نتیجه بالمعکس را کف دست مرضی میگردانند خواهش میکنم مسولین این سطور را بخوانند و یک بار اگر هم شود سری به این لاپراتوارها بزنند و ببینند که این ها سند چنن کار را در دست دارند ؟

تالوه معلم لیسه امته فدوی وزارت تعلیم و تربیه در کنگره اول مصلحان که سال پارس تدویر یافت تصاصی منی بسر محلی برای بود و باش زنده گی مصلحان اتخاذ کردند وحسی نام این محل را دهکده محلیان نامیدند و ولی دو سال از آن کنگره و سرو صدا میگرد تا امروز از هیچ دهکده خبری نیست و نمیدانم آیا این هم مانند نوشتن روی پنجه و گذاشتن روی آفتاب سوزان بودها خبر ؟

لاپراتوار شخصی یعنی چه ؟

جواد از کارته ۴ کابل | در شهر - ۱۰۰۰ جاده میوند



از دهکده خبری

میزان افزایش احتمال ابتلای کودکان حاصل از یک ازدواج فامیلی به یک بیماری ژنتیکی اتوزومال مغلوب نسبت به یک بیماری غیر فامیلی به عوامل متفاوتی مانند نسبت میزان خویشاوندی زوجین و سابقه آن بیماری در اقوام زوجین و شیوع آن بیماری در جامعه بستگی دارد و فامیلی توان گفت که ازدواج فامیلی نسبت به ازدواج غیر فامیلی احتمال و در صد ابتلای فرزندان حاصلی را به بیماریهای ژنی اتوزومال مغلوب چند برابر افزایش میدهد . بنابراین بطور کلی احتمال ابتلای فرزند یک زوج خویشاوند نزدیک به بیماریهای ژنتیکی در حدود درصد است .

در یکی دیگر از برنامه های تلویزیونی یکی از متخصصین گفته است که خطر و شدت ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج دختر کاکا - پسر کاکا به بیماریهای ژنتیکی بیشتر از خطر ازدواج پسر کاکا - دختر کاکا است .

در این مورد نیز نظرتان را بفرمایید .

اصلاً چه نین نیست و بطور کلی تا به امروز ازدواجهای فامیلی، دختر کاکا - پسر کاکا دختر خاله - پسر خاله دختر عمه - پسر عمه دختر داماد - پسر داماد اتوزومال مغلوب بر اوست شیوع بیماریهای اتوزومال مغلوب بر اوست و این اعتقاد که تا به امروز ازدواج دختر کاکا - پسر کاکا بیشتر از تا به امروز دختر خاله - پسر خاله است و ممکن است تا

یکی از دکتوران گفته اند که ۹۰ درصد فرزندان حاصل از ازدواجهای خویشاوندی نزدیک دچار نقص ژنتیکی می شوند و در برنامه های دیگر یک دکتر دیگر گفته است که ۱۰۰ درصد فرزندان ناشی از ازدواجهای خویشاوندی دیر یا زود به نوعی نقص ژنتیکی مبتلا خواهند شد . نظر شما در مورد این در صدها و ایمنی ارقام چیست ؟

این ارقام اصلاً درست نیست و آشنایی با مبانی و اصول ژنتیک طبی کافی است که نادرمستی این ارقام بی برد . البته شاید نیازی هم به آشنایی با مبانی و اصول ژنتیک نباشد ، بلکه تنها توجه به فرزندان اقوام و آشنایان که ازدواج خویشاوندی نزدیک کرده اند کافی است که بی هیچم اغلب افراد حاصل از ازدواجهای خویشاوندی سالم می باشند . البته برود داد - نستن ارقام فوق و ذکر این واقعیت که اغلب افراد حاصل از ازدواجهای خویشاوندی مبتلا به بیماریهای ژنتیکی نیستند نباید ما را از این واقعیتها قائل کند که اولاً ازدواج خویشاوندی شانس ابتلای فرزندان حاصل را به بیماریهای اتوزومال مغلوب چندین برابر می کند . و ثانیاً اغلب مبتلایان به بیماریهای ژنتیکی اتوزومال مغلوب حاصل از ازدواجهای خویشاوندی می باشند .

اسباب بیماریهای ۱۰۰ (۱۷)

دختر و پسر خویشاوندی که شاید در خواب این اطمنان کاذب با یکدیگر ازدواج نمیکردند ، موجب تصمیم آنها به ازدواج با یکدیگر می شود . چون در موارد محتملی از اینگونه ازدواجها ممکن است فرزندان محلول به وجود آید ، لذا بررسی کروموسومی را نباید در مواردی که افراد نگران بیماریهای غیر کروموسومی ، مثلاً بیماریهای تک ژنی هستند به کار گرفت .

در موارد زیادی جوانان در واکنش به مطالبی که رادیو و یا تلویزیون در مورد مشوره ژنتیک و آزمایش کروموسوم قبل از ازدواج فامیلی توصیه کرده است به مراکز ژنتیک مراجعه می کنند و فقط به دلیل فوق تقاضای آزمایش کروموسوم می کنند . در این موارد مشاورین ژنتیک می بایست طبق علم خود عمل کنند و به خاطر بی اطلاعی یا دلخوشی مردم اندام به بررسی کروموسومی آنها نکنند . زیرا این اقدام علاوه بر تحمیل هزینه های کلان بی مورد به خانواده ها موجب اطمنان کاذب آنها به سلاتی فرزندانشان خواهد شد و نهایتاً در مراکز ژنتیک را طولانی تر می کند .

در یکی دیگر از برنامه های تلویزیونی

مباحث شهر

را توجیه دهید

سیا وون گون

خود را از دست بید هدایم -
و ارم مسولین با تشکر قیمت
بجای خواننده خود را واقعی
سازند.

قیام های سفید

را معرفی کنید

خفته هاشمی و کیهانطایی از
وزارت معارف و اوقاف
از مدت نسبت که مجله کمتر
مطالبی زیر عنوان "فرهنگ گناه"
های طبعی که خوب خواننده
در کشورها بیشتر یافت می شود
به نشر می رساند و با فایده هم
هیچ نشر نمی کند بلکه "ز"
قران بهایز راه صواب بسیار
آموزنده و طرف توجه است
آرزو دارم ادا به بیاید.

خبر محمد از نظارت و کنترل
پستی وزارت معارف و اوقاف
من علاقه زیاد به اشعار
دارم و نظیر این است که
اشعار کلاسیک صفحه جداگانه
و اشعار نهای با نوبه صفحه
جداگانه اقبال چاپ باید تا
در بخش صفحه مشخص خود را
داشته باشد در هر صورت
فعلات تنها قیمت مجله قابل
بحث است که خواننده گان مجله
به طور عام و مخصوصاً
معلمان و کارمندان دولت
استند. بلند رفتن قیمت مجله
مانند نرخ مواد اولیه دلچسپی

صفحه زیر عنوان "بهرگرافی"
دانشندان و شخصیت های
برجسته کشور و حادثات زندگی
کسی شان ایجاد شود و ماه
نامه سیا وون در آینده به یک
سالنامه تبدیل شود و تا آنجا
نواده ها بتوانند از یک بار
خوانشگر را خواننده دایمی
آن شوند.

قیمت مجله قابل بحث است

عبد الحمید نبی زاده مسول
شعبه جوانان کتابخانه عامه
تاسیب صحت مجله به
صورت دقیق و منظم در نظر
گرفته شود.
به سلسله نشر گفت و شنود
های هنر تئاتر، موسیقی و
شطرنج گفت و شنودی نهی
در مورد نقاشی و خطاطی و
مناسبتی با پیش گامان این
رشته ها تهیه گردد.
از آن جای که آگاهی دارم
تعداد زیاد خواننده گان
شماره اول سال اول سیا وون
را ندارند امید شماره اول
تجدید چاپ شود.

بقیه از صفحه (۳۹)

بها لزا که می گفت (بالزاک ترکیب فرشته و شیطان است صفات
مردانگی دارد. ولی اخلاقش به حدی است که نمی توان
لحظه بمقابل آن تحمل کرد او ایجاد گر بزرگ و هنرمند بی مثال
است. ولی بی مبالاتی اش به هنرش لطمه میزند من هم عاشق
او می شامم و هم دشمن او. لحظه می باشد که میخواهم او را در قلب
خود جای دهم و موقعی برسد که اگر تصاب او را بندازند جدا
کند من از تسلیخ اولادت خواهم برد (۱۰)
خانم روز سانه که مانند مهتاب شب چارده برد امن پاریس می بردن
خوشه با پیوسته شدن او مانند فانوسیک در اخوی شب رویه خاموشی
می رود آهسته آهسته آرام می صدا می خورد بد (۱۰)
دهه ششم قرن نوزدهم مصادف با روزهای پیری این خانم
که روزی غمزه را پیش در پاریس ولوله می انداخت مصادف بود
از آنسوی کرانه های اوقیانوس آوازه های دموکراسی امریکا
می رسید از ابراهام لیکن قصه می شناسید و از ساز
و نوازش می شناسید و کتاب (کلیه صورت) که رئیس
جمهور موقع مراسم سوگند ریاست جمهوری در جلوی انجمن
گذاشته گفته بود که به ستم های که درین کتاب درج است خانه
خواهد داد. روز سانه را تحریک می کرد تا باقی زندگی خود را
در آن دنیا بگذراند (امریکا) به سرساند. ولی در پاریس
او را جان زخمی نکرده بود تا این آرزوی سرور
او روزهای پاریس را در سر سفیدی با چشمان پسر
اشک تماشا کرد. او پیری های پاریس را آهسته از خون جوانان
به چشم سرد به و این آتشگر بیت شکن روزی که سگرت برگ پسر
لب می گذاشت چشم از جهان پویند و آن سگرت به منم فرانسه
انتقال یافت.
سال مرگ این هنر آفرین ۱۸۷۶ بود و نویسنده پسر
الیزابت بارت پرونگ در وصفش گفته
(نخستین زن ناپخته همه ساله و همه قرون و اعمار)

بها لزا که می گفت

از این تصور اشتباه باشد که مردان زنیهای
اتو زویال بیشتر یا موثرتری از زنان دارند
با توجه به مطالب فوق همین سوال پیش
می آید که چرا از یک رمانت به هم میوسی
یعنی تلویز یون چنین اطلاعات نادرستی
به مردم داده می شود؟ و ثمر این پند
آموزهها چیست؟
- قسمت اول این سوال را مسولین تلویز
یون و دیگران می توانند پاسخ دهند اما
در مورد قسمت دوم این سوال یعنی نشر
این پند آموزهها همین نقطه به چند مورد که
مشخصاً زیاد با آنها برخورد کرده ام
اشاره می کنم.
۱- نگرانی اضطراب و وحشت زبانی در
زوجین خوب خواننده حتی در آنهایی که
با رای چندین نوزند سالم و با هوای
هستند و دیگر قصد تولد مثل ندارند
پیش می آید.
۲- بعضی افراد اقدام به جدا شدن از
همسر خود نموده زیرا تصور می کنند مسا
بهانه می آورند که نوزندان آنها در این
ازدواج به احتمال ۶۰ درصد با حسی
۱۰۰ درصد ناقص خواهد شد.
۳- بعضی خانمها اقدام به سقط جنین
های خود می نمایند زیرا تصور می کنند
چون با شوهر شان خوب خواننده نزدیک
هستند همچون آنها حتماً ناقص و معلول
است.

ماترنا

درباره سر نوشت و سرگ

میگویند همانطوریکه ماما شوخک در نوشتن مطالب طنز و تکانی مدین و عصری استعداد خاصی دارد به همان اندازه دیو سه شناسی هم دارای معلومات گاه فی میفاید . بنابراین درین شماره در مورد بوسه که بازاریابی گرم است سوالات خود را ترتیب نموده و از ماما شوخک خواهش کردیم تا سوالات ما را جواب بگویند .

این سوال این ماما شوخک شوخی این تان .

س : بوسه چیست ؟ چه وقت و در کجا اختراع شد ؟

اولین بوسه در کجا و توسط کدام شخص صورت گرفت و - پیامت اولیه بوسه چی بود ؟

ج : گرچه دانشندان و پژوهشگران بوسه شناسی در مورد بوسه تعریف های مختلفی نموده اند که در تعریف نظر به وضع جغرافیایی و شرایط فرهنگ و کلتور هر جامعه فرق میکند اما جامع ترین تعریف بوسه که دیوان شعرا آن را هم تایید میکنند چنین است :



اولین رویه سوسه سینه
زبان راجع سینه

اما " اوید " نویسنده مصر - وف روم باستان درباره اختراع بوسه داستان جالبی دارد که خلاصه آن ذیلا تقدیم میشود .

" در شهر روم باستان سرد پهنه دوزی بود که زن زیبا سوسه داشت مگر زن او اخلاق خوش نداشت و همیشه شوهرش را با زخم زبان هر حرفی و انتقادات نابجا بی جهت سرزنش میکرد . یک شب که پهنه دوز از زخم زبان زنش به ستوه آمد باختم فراوان از جایش برخاست دستهایش را محکم گرفت و لبهایش روی لبانش گذاشت تا دهانش را ببندد . اما نسل گهان زنیش عیوض شد و با کمال حیرت دید که خشمش بکلی از بین رفت .

رتبیکه مرد لبهاش را از زبان زنش برداشت حیرتش چندین برابر شد اخلاق زنش بکلی عوض شد ، زن لجاج و پرخاش گسر نبود بلکه به یک زن محسوب و کم حرف و مهربان تغییر کرد . زن با ملائمت و مهربانی از شوهرش التماس میکرد که تماس لبهایش را تکرار کند .

بدینوسیله اولین بار بوسه به وجود آمد .

از آن پس مرد پهنه دوز و زنی خود را از خوشبخت ترین زن و مرد دنیا احساس میکردند .

اما این خوشبختی طولی نکشید . پهنه دوز بجز این اختراع به دادگاه کشیده شد و سر انجام بحکم قاضی دادگاه به سیه حال انداخته شد . او هم مانند دیگر مخترعین و مبتکرین به ذلت و فقر و بدبختی جان سپرد .

س : بوسه در کشور ما چه وقت بوجود آمد و اولتر کدام طبقه از آن پیروی کردند ؟

ج : بوسه در کشور ما سابقه طولانی دارد اما نه به این مورد امروزی .

مثلا - دست بوسی پدر و مادر و دیگر بزرگان و استادان نمونه باوری از احترام به بزرگان محسوب شده و بوسیدن روی کودکان در ردیف شفقت به کودکان به شمار می آید که از جایب اخلاق حسنه اسلامی مردم ما یاد میشود اما رهیوسی مروج فعلی با آن متفاوت است .

پیدا کرد .

اولتر روی بوسی یکدیگر بین زنان رایج شد ، و بعد بین جوانان و نوجوانان - سناریوی شیوع بوسه مت مگر با ایجاد تلویزیون و نمایش فیلمهای غریبی این مرض در بین کهن سالان شهری هم سرایت کرد اما اطرافیان بوسه سیدن روی یکدیگر را عمل مخصوص زنانه بی می پندارند .

گذشت بوسه پاسخ میدهد



ج : هدف آنها از بوسه جلب توجه جوانان است که طرز بوسه مخصوصا " بوسه های غریبی را درک نکرده اند به عقیده بعضی دوکتوران طب در هر بوسه لب از " ۳۰۰۰ - تا ۵۰۰۰ میکروب از یک وجود بوجود دیگر انتقال پذیر است . هرگاه آنها ضرر بوسه را نفهمیدند تا نام بوسه را در علم نخوانند گداخت .

بوسی آمدن این سه نوع بوسه از وظیفه چاپلوانان محسوب میگردد .

س : بوسه از نظر شما یعنی چه ؟

ج : در برابر کودکان ابراز شفقت و در برابر جوانان ابراز محبت ، در برابر پسران ابراز احترام میباشد .

س : برای آن عده از علم ساوان که صحنه های فلم را مطالعه میکنند بوسه میسازند توصیه شما چیست ؟

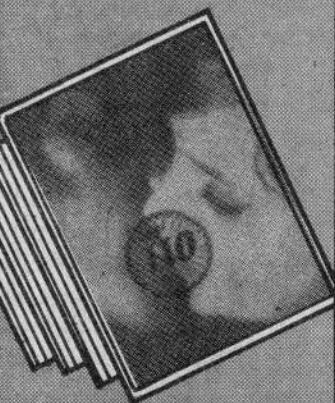
س : اگر بوسه نیل بود دخترترها و زن ها چی میکردند ؟

ج : در انصورت بمنظور تبارز - صحبت یک دیگر را به چند کلمه بی دستان گزیدن نوازش میکردند .

س : چه کم که کس ما را نبوسد اما مجاز میدانند که در صورت خود پیوسیم لطفا ما را نبوسید ؟

ج : ترک عادت موجب مضر است کسی که به بوسیدن تان عادت کرده باشد محالست که آنرا ترک کند حتی به نوشتن لوحه هم .

س : آسانترین وسیله دفع بوسه اینست که یک دستمال را نزد خود داشته باشید هنگام مقابل شدن با شخصی که شما را بوسد آنرا بروی خود بکشید او گمان میکند که شما بوزش کرده - اید از ترس بوزش میکروبی از سرخ انتقال است شما را کسی بوسد .



بوسه ای که در دستمال
بوسه ای که در دستمال
بوسه ای که در دستمال

هدد و میسوزد و علت انتقال میکروب آن بوسه های چسباننده لب به لب آنهاست برای مدت طولانی میباشد که در غرب مروج است .

در کشور ما بوسه هم تنها بقی بوده فقط گونه ها چند بارها هم تماس میکنند که بعضی مردم بنام بوسه های زنانه ای یاد میشود به آنهاهم توصیه اینست که توصیه ماما می بوسد شان را در حافظه شما سنجاق نمایند .

۱- اطفال را نبوسید که بر - علاوه انتقال مرض با اصطلاح " گنده بغل " او به بوسه دادن عادت میکند .

۲- جوانان را نبوسید که طراوت و رخسارشان از بین میرود روی شان لکه پیدا میکند .

۳- اگر محل داشته باشید تا بتوانند کهن سالان را بوسد . اگر مرض ایدس هم داشته باشید در صورت - فر با آنها کمک میکند .

س : بعضی ها تصور میکنند که بوسیدن روی رئیس مو " مسه چاپلوسی محسوب میگردد نظر شما چیست ؟

ج : به عقیده من بوسیدن روی رئیس به هیچ صورت چاپلوسی نیست زیرا در کتاب چهارب - ا لغرایب ما ماموشک دست بوسی - پای بوسی - چای -

س : در بین روز ها چرا با زار بوسه گرم است با هر کس صافحه کنی رویشان را برای بوسیدن پیش میکند ، ولو عرق آلود هم باشد ؟

ج : چون تابستان است از برکت هوای گرم نه تنها بازار بوسه بلکه بازار احتکار ، تقلب اختلاس و تزویر و تظاهر سر رشتت و کسمه بری همه چیز گرم است .

چون بوسه اقسام مختلف دارد از قبیل بوسه بی صدا - بوسه صد ادا - بوسه تعفند ان بوسه - تبسم داره - بوسه ناز داره - بوسه ست - بوسه تامل داره - بوسه سب - بوسه سبب - بوسه دزدی .

بنابراین بوسه ای که از روی - عرق آلود گرفته میشود بوسه تعفند دار میکنند .

س : میکنند یکی از عوامل صرا - بت مرض ایدس از طریق بوسه - سیدن میسر است شما به خوا - هر زاده های خود چه گفتی دارسد ؟

ج : اگرچه خودم با مرض ایدس کدام پیوند و قرابت و خویشا - وندی ندارم ولی بعضی دوکتو - ران طب که با آن آشنایی دارند چنین میکنند . ولی تا جاییکه من معلومات دارم مرض ایدس مرض سرمایه دار نیست که بیشتر در - کشورهای سرمایه داری پشما -



طرز تهیه :

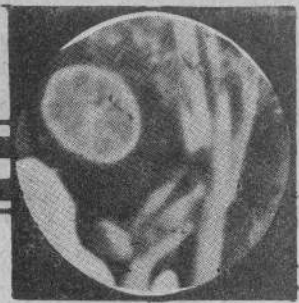
لوبیا را جوش داده و از مابین تهرک بید هپاز را بپزه کرده و سبغ نماید یک قاشق آرد بالای هپاز انداخته شور دهد تا خوب بظبط شود و مدت پنج دقیقه گذاشته تا پنخته شود بالای این مواد لوبیا ها هتخم ه در قاشق آرد هتک و مچ سیاه هم به آن اضافه کنه و آن را خوب مخلوط کنه .

از مواد آماده شده به انداز کله های خورد گرفته در یمن نان قاق میده شده الوده کنه بعد در روغن آن را سبغ نموده و بعد از آن که آماده شد با سالاد نوش جان نماید .

پکوره لوبیا



مواد لازم : روغن ه شهر هپاز ه تخم ه آرد ترمیده ه نمک ه مچ سیاه ه نان قاق میده شده ه لوبیا .



غذای تخم کوزه و مفید داشته باشید برای خود

دلمه بادنجان سیاه

طرز تهیه :

گوشت هپاز ه دو دان ه مچ تازه ه نیم پاو بادنجان روس را از ماشین بکشید ه مغز بادنجان هارا خالی نموده پاک بشویید و علیحده بگذا رید . کوفته و مواد مخلوط شده آن را روی آتش زینا منقل بگذا رید تا آب خود را خشک کنه و بپزید ه چند ساعت قبل تر کرد ه با گوشت مخلوط نموده بگذا رید تا با گوشت بجوشد تا این که به سر روغن آید بعد با قاشق خورد در یمن بادنجان ها

۱- دو پاو گوشت سرخی .
۲- ده دانه بادنجان سیاه .
۳- سه پاو بادنجان روس .
۴- نیم خورد بپزید با پیک .
۵- یک قاشق نانخوری مچ سیاه .
۶- پنج دان ه مچ تازه .
۷- شش دانه سر .
۸- نیم پاو روغن .
۹- نمک چیده کی یک گلاس .
۱۰- نمک به قدر ضرورت .
۱۱- دو دان ه پياز کلان .



ملت

شما میتوانید خودتان در منزلتان ماست سالم وصحی و ارزان تهیه کنید . یک لیتر شیر را روی حرارت ملایم قرار بدهید تا جوش بیاید ولی نگذارید کف کند . ظرف را از روی حرارت بردارید و بگذارید تا درجه حرارت به ۱۰۵ تا ۱۱۰ درجه فارنهایت برسد . درین درجه یک قطره شهر را روی قسمت مچ دست بچکانید تا از مناسب بودن آن برای مایه کردن مطمئن شوید و یا اینکه انگشت کوچکتانرا داخل ظرف شیر فرو برید و تله ده بشمارید در صورتیکه سوزان نباشد آماده است . سپس دو قاشق غذا خوری ماست تازه به شیر اضافه کنید . آنگاه ظرف را بگذارید و حداقل برای پنج تا ده دقیقه آنرا از جایزتان ندهید . بعد از آنرا با پارچه بی بسوزانید تا ماست کاملاً ببندد بعد از حد اقل ۱۲ ساعت ظرف ماست را در محل سرد بگذارید تا آماده خوردن شود .

گشنیز صرف کنید اما

انواع بیابانی و خود رو و نوع پرورش یافته دارد . گشنیز نوع برگه دارد یکی در طول ساقه که منقسم به رشته های یک است و دیگری در قاعده که منقسم به قطعاتی یا بریدگی های کم عمق میباشد ه گل های آن کوچک و چتری مانند به رنگ های سفید یا صورتی است چتر های فیض آن را زاید در پایه خود میباشد ه ولی چتر اصلی چنین زاید ندارد . شهره آن که به غلط آن را تخم گشنیز میگویند کرد بوده و دارای دو خانه و دارای دو حبه به هم متصل میباشد . گشنیز دارای ۲/۵ در صد آب ۱۲ درصد پروتئین ۸۴

اگر از بوی بد دهان رنج میبرید از گشنیز استفاده کنید . یکی از سبزی های مفید که در تابستان و هم در زمستان بسیار یافت میشود که مصرف غذایی و هم مصرف دوائی دارد گشنیز است ه که مورد توجه دانشمندان قدیم بوده و برای امراض قلبی توصیه میشده تا با غذای خود کمی گشنیز صرف نمایند . گشنیز از بالا رفتن بخار معده به طرف سر جلوگیری کرده و غذا را مدتی در معده متوقف میسازد و باید از این خاصیت برای معالجه اسهال و سرم شدن امعاء استفاده کرد گشنیز گیاهی است علفی که

سفیده بی ۱۴ تا ۲۰ گرم صد مواد چربی و یک درصد جوهر میباشد ه جوهری ضد عفونی کننده قوی را در معضاء به مبتلایان ابله دستور میدهد ه خوردن گشنیز از رشد میکروب های مسموم کننده روده جلوگیری میکند ه گشنیز و تخم سیاه را نیز گرفته بعد از شستن توسط شگافتن یک قسمت آن بخیالی سازید و درون آنرا با گوشت کوفته شده پر سازید . کدو و مچ و بادنجان سیاه کوچک که برای ترمی استفاده میشود نیز به همین ترتیب خالی شده و با گوشت پر ساخته شود . طرز پختن : میده های کچالو و روس و کدو را در روی دیگ

چوبک نمکی

لازم :

دو گلاس آرد ترمیده ه یک دان ه تخم ه چار قاشق نا نخوری روغن یک قاشق چا بخوری پولی هتک و مچ سیاه به قدر ضرورت .

طرز تهیه :

ابتدا آرد ه روغن و پولی و نمک را خوب مخلوط نماید بعد از آن تخم را بالای آن بپاندازد و همراي آب شهر گرم خمیر کنه . خمیر نه بسیار نرم و نه بسیار سخت باشد ه بعد از خمیر تهیه شده یک ضغاله گرفته آن را از درجه های یک و دو ه ماشین بکشید و به اندازه یک پلست قطع نماید بعد از آن از خانه ماشین بکوشی کشیده و به د طرف آن را مچ بدهید و حتی که تمام خمیرها تهیه شد در یک ظرف روغن به قدر ضرورت انداخته خمیرهای مذکور را سبغ نماید اگر میخواهید زیاد نمک باشد و حتی که از گرم خمیر کنه .

خمیر نه بسیار نرم و نه بسیار سخت باشد ه بعد از خمیر تهیه

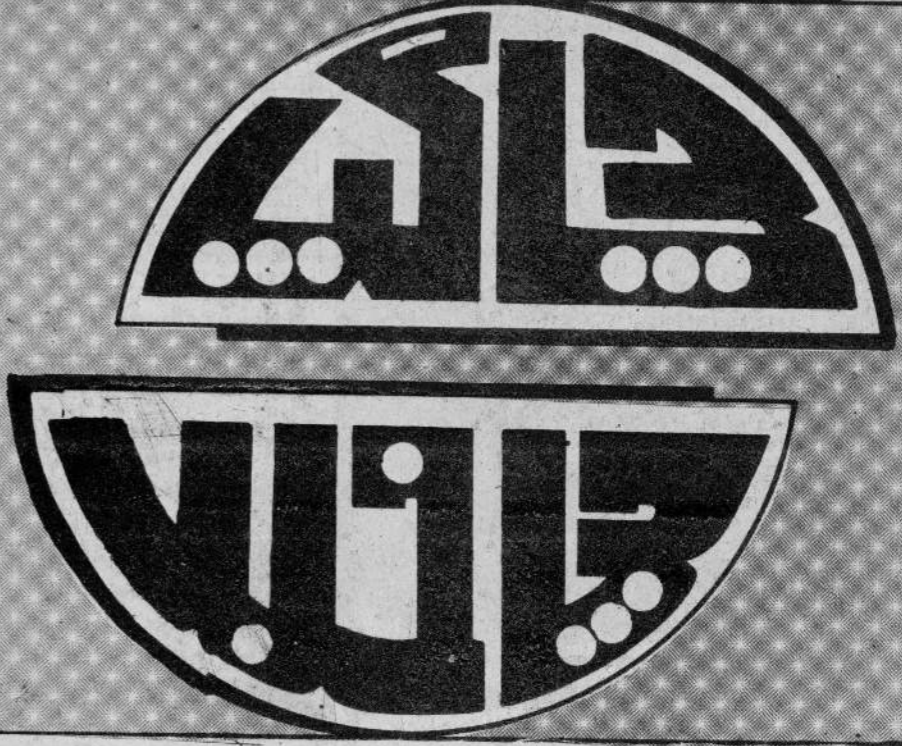
دلمه پیزید

ساخته در باره پختن دلمه معلومات دارید . ما برایتان در باره یک نوع دیگر دلمه که با سبزیجات فصلی آماده میشود معلومات میدهم . البته تناسب مقدار گوشت هتکراری ه سبزیجات روغن ه آب و نمک را شما میتوانید بر اساس تجارب آشپزی در نظر بگیرید . کچالو را پوست کرده و مغز آنرا توسط یک کارد نوکساز بکاوید و بعد از درون آنرا با گوشت کوفته شده که دارای مچ و مساله میباشد پر سازید . بادنجان روس نسبتاً سخت را نیز گرفته بعد از شستن توسط شگافتن یک قسمت آن بخیالی سازید و درون آنرا با گوشت کوفته شده پر سازید . کدو و مچ و بادنجان سیاه کوچک که برای ترمی استفاده میشود نیز به همین ترتیب خالی شده و با گوشت پر ساخته شود . طرز پختن : میده های کچالو و روس و کدو را در روی دیگ

سری دیوی مراد به سینما کسانند

سینما را محبت ملت بسرا می
خردم انتخاب نام
- تا حال در کدام فلما ظاهر
نده اید ؟
- در فلما سایه نقش کوچکی
داشتم در سریال دکوئیدی زوی
هم نقش دارم ولی اولین
فلم من الماس سیاه است که
تا هنوز زوی بردن نیامده است
- کدام فلم انسانی مورد توجه
نما قرار گرفته شما را به کسار
در سینما تشویق کرد ؟
- فلم 'مرار' سزوه برداخت
آن سخت مورد دلچسپی ام قرار
گرفت از نقشی که عادل انیس

داشت خوش آمد و رفت کردم
که میترام من هم در فلما های
انسانی کار کنم
- تا حال هر فلما می خرد
را چگونه ارزیابی می کنید ؟
- هنوز میترام چیزی
بگویم ولی به آینده امید
دارم تا به شاید بتوانم روزی
به برقیقت های بزرگی برسم
در فلما الماس سیاه نقش داده
دارم و توانستم خوب بازی کنم
و همین اولین آزمون مرا امید
دار به آینده میازد
نقشه در صفحه (۸۴)



باد پتان چهره بشناسد لیا ن
پر خنده نسیمه سیاهی یک
مخاره سینمای راد برابرس
خودم، با بیم آورد ختر سینما
و خوش برخورد است یکسال
میشود که به سینما آورده تا
صفت هم مکتب درس خوانده
در رشته سینما تخصصیات سلنر
ندارد خواستم از زبان خود ش
بدانید که چگونه به سینما
رو آورده است ؟
- شوق و علاقه مراوان به فلم
های هنری داشتم مخصوصاً
فلم های سری دیوی را پس
کیور را زیاد دیدم و خواستم



فواد رامز

با آهنگهای

جدیدش به

تاجکستان میرود

فواد رامز هنرمند جوان
و خوش صدای کشور که چندی
پیش به کشور چکو تلوواکها



سفری داشت ضمن بازگشت
به کشور مدت یکماه به دعوت
اتحادیه هنرمندان تاجکستان
شوروی کسرتی را در آن جا
اجرا نمود
قسمتیکه خبر شدیم درین روز
ها نیز فواد رامز از طرف
اتحادیه هنرمندان تاجکستان
اتحاد شوروی به منظور اجرای
کسرت دعوت گردید

ما برایش موفقیت پس پایان آرزو
نمود ما امیدواریم اجرا کسرتها
بشماره آورد های خوب بکنند و
برگرد
فراموش نباید نمود که فواد رامز
درین روزها کسرت جدید
تلویزیونی را روی دست
دارد که حاوی پنج پارچه
آهنگ جدید خواهد بود



فواد رامز
هنرمند جوان
و خوش صدای کشور
که چندی پیش
به کشور چکو
تلواکها

تازه گامی دانش

خوردن صبحانه

نتایج یک پژوهش دانسته دار طبع نشان می دهد که صبحانه خوردن باعث افزای پش میزان چسبندگی خون و کندی جریان آن و در نتیجه سبکته های قلبی ناگهانی می شود.

مجله اخبار علمی در آخرین شماره خود نوشت تحقیقات دانه دا رخايم داکتر " ناتا کيفکيا " متخصص کار دیواروی در مرکز طبی پوهنتون نوسو فنلند و داکتر " مود مسمد جعفری " متخصص کار دیواروی مرکز قلب شفاخانه " هنری فورده " در شهر " دیترویت " نشان داده است میزان پش شتون پتاسیوم جی " که در طول

ساعات شب در خون موجود در رگها کاهش می باید بلا فاصله بعد از بیدار شدن انسان تا ۳۰ درصد افزایش یافته و باعث چسبندگی و غلظت خون بشود.

به نوشته این نشریه درصو رتیکه شخص به صرف صبحانه بهادرت ورزش میزان پروشمن پتاسیوم جی " در خون کاهش می باید ولذا خون با سهولت بیشتری در رگها و در قلب جریان می باید.

تحقیقات انجام شده نشان داده است علت اینکه اکثر سبکته های قلبی در ساعات صبح بوقوع می پونند به بالا بودن میزان پروشمن پتاسیوم جی " در خون است.

اعضای ارگسترهای موسیقی و پیانو نوازینو

نشریه ای طبی چرا پشمر از هر دو عضو ارگسترهای موسیقی یک نفر دچار اختلالات شده است . در این مقاله ارگستر سفینی سلطنتی دنمارک در اثر آزمایشات که در مورد اختلالات شنوایی تا حدود ۳۰ درصد از این گروه محدود ۱۳۰۰ اشغال در شنوایی هنگام گفتگو عادی بسیار ناراحتی گنگر اند . پس از هر برنامه اعضا ارگستر سفینی دچار سردرد و سرگیجه و پشردن صدادر گوشان می شوند .



یک گروه محقق در بخش تولیدات حیوانی در استرالیا موفق شد پرورش جدیدی کشف کند که به کمک آن پشم گوسفندان را به جای چیدن با تزریق امول از بدن آنها جدا سازد.

این ماده تزریقی که به کمک متخصص ژنتیک و به صورت منتز تهیه میشود عامل رشد " ایپدوم " نام دارد که می توان آن را در غدد بزاقی موش ماده یاقت ظرف ۲۴ ساعت از تکثیر سلول های که رشته های پشم را تشکیل می دهند

چهار سازی با قطره های پشم

جلوگیری می کند و ضعیف الهاف جدید تولید شده را به بهره من می راند . گرچه هنوز حیطه اثر بخش این دارو کاملاً مشخص نشده است لیکن در گوسفندان باردار باعث سقط جنین می شود.

این خبر حاکیست که تا ۶ هفته پس از تزریق ماده پشم ها از پوست گوسفند جدا و بدن او کاملاً برهنه می شود. استرالیا نزدیک به یکصد میلیون رأس گوسفند مرغوس دارد و

چیدن هر رأس آنها ۱/۲ دلار مصرف در بر دارد از نظر زمانی نیز با روش جاری چیدن پشم حداکثر ۱۲۰ رأس گوسفند در روز امکان پذیر است در حالیکه با روش جدید به لوزیک می توان آنرا به ۳۰۰ رأس افزایش داد.

حمام سونا و کاهشی فن

فعالیت در آب انتخاب فشار

پوست جریان می یابد که بنوی به خود کار اضافی قلب را می طلبد خصوصاً تمرین یا ماساژ در این محیط خطرناک است چرا که وظیفه قلب در جریان گردش خون برای رساندن خون به عضلات و پوست دو برابر می شود ماساژ در سونا در یک ناحیه محدود بوده و به عرق اجازه تبخیر نمی دهد و بخاطر فشار گرما به میزان زیادی درجه حرارت بدن را بالا می برد و این به مصلحت افراد چه از نظر قلبی سالم و چه بیماران نیست که تحت چنین فشاری قرار بگیرند. بسیاری از افراد بلا فاصله پس از انجام تمرینات شدید وارد سونا یا حمام بخار می شوند این به صلاح آنها نیست چون به دنبال تمرین گرما زیادی درون بدن جمع می شود و برای اتلاف این گرما و سرد شدن بدن به یک محیط سرد نیاز است.

شود. اگر از دست دادن آب به مدت چند روز متوالی ادامه یابد ذخایر بدن کاهش یافته تعادل کیمیاوی خون و اعصاب هم می خورد نتیجتاً مشکلاتی در قلب و سایر اعضا پیش می آید بنابراین اگر در آب مصرفی برای کم کردن وزن محدودیت ایجاد نشاید در معرض صدمات فوق خواهد بود. برای حفظ سلامتی خود قبل از ورود به سونا یا حمام بخار خود را وزن کنید و بعد به اندازه وزنی که از دست می دهید آب بنوشید. خطر سوناهای خشک بیشتر از حمامهای بخار یا مرطوب است. چرا که تبخیر و سر بهتر بوده و بنابراین بدن در همان مدت آب بیشتری از حمامهای بخار به میزان بیشتری وزن کاهش می دهند چرا که با افزایش تبخیر کالوری سوزانده می شود. این یک واقعیت است ولی تخمین ذخیره انرژی مشکل است و احتمالاً دقیق نیست. حتی اگر تبخیر رسونیا حمام بخار کالوری زیادی را بسوزاند کاهش وزن با این روش بخاطر از دست دادن زیاد آب عملی به نظر نمی رسد. حمام بخار و سونا به خصوص برای بیماران قلبی بخاطر فشاری که روی قلبشان تحویل می شود خطرناک است. در اکثر موارد خون به میزان قابل ملاحظه ای به طرف

ایست تبخیر تا حد افراط مفید است یا مضر؟ مفهوم تبخیر مفروض سلامتی می آورد. بعقیده ما تا شورات این تبخیر غیرفعال خالی از هرگونه جنبه های مفید است. بدن انسان را مثل یک مخزن آب تبخیر کنید. عرق از این آب که در نتیجه فعالیت جسمانی یا درجه حرارت بالا تبخیر شده و به حرکت در می آید و تولید می شود. از دست دادن آب از این طریق ممکن است بهش از حد باشد. فوتبالیست ها و سایر ورزشکارانی که ورزشهای سنگین انجام میدهند آب را که در یک روز کم از دست میدهند ۱۰ لیتر مقدار از دست دادن آب معادل ۶ پوند (۳ کیلوگرم) از وزن بدن است. چنانچه بسیاری از مردم هنوز فکر می کنند که در این موقعیت معادل ۳ کیلوگرم چربی از دست داده اند در حقیقت این کاهش وزن را می توانند با نوشیدن مایعات جایگزین کنند. ولی این جای جایی یا جلوگیری از تنظیم حرارت درونی بدن برای فرد وضعیت وخشی را بوجود می آورد. به این ترتیب خستگی زیاد و نهایتاً ممکن است مرگ عارض

فشار ملایمی که آب به بدن وارد می کند هم در تسخیر گردش خون و هم ماساژ آرام بدن مؤثر بود و دردهای جسمی را رفع می کند. شکی نیست که ورزشهای طولانی برای سلامتی بدن مفید بود. شراست. اما این ادعا در مورد بعضی هاستدقی نمی کند. مثلاً خانمهای حامله افراد مسن و اشخاصی که از آرتروز و یا آسمهای بدنی رنج می برند از این اثرات مفید بهره مند نیستند. پس چاره این گروه که تعدادشان کم هم نیست چیزی می تواند باشد؟ پاسخ این سؤال یک کلمه و آن "استخر" است. آب ۰۱ فیصد وزن بدن را نگاه میدارد و فشار زیادی به فرد (از نظر وزن) وارد نمیشود. در حالیکه فواید بسیار در ورزشهای طولانی نیز عاید می گردد. آب که در بدن را فرامی گیرد فشار ملایم و ثابتی را به آن وارد میکند. این فشار هم گردش خون را تحریک می کند و هم اینکه مویجهایی که نقش یک ماساژ ملایم را ایفا میکنند آرام و دردهای جسمی را از آن مهزدایند. لوبو - لی - که در سونا و در یک دقیقه در صفحه (۸۰)

در سونا و حمام بخار گرمای درونی بدن این افراد تا سطح خطرناکی بالا می رود. غوطه خوردن در آب سرد یا یخ در طی سونا در رشوهای اسکاندیناوی یک تمرین معروف است. فوراً عمیقاً خونی پوست منقبض شده و تبخیر متوقف می شود که بسیار دلپذیر به نظر می رسد. این عمل نه تنها سودی ندارد بلکه احتمال بروز شوک را برای کسی که این کار را انجام می دهد - بقیه در صفحه (۸۰)

روز سه شنبه ۲۱ شهریور به ایستگاه فضایی "مر" پیوست. دو سرزمین مقیم ایستگاه "مر" از سه فضا نورد استقبال کردند.

"سایوتی ام" سفر خود را آغاز کرد. مراسم پرتاب سفینه توسط تلویزیون شوروی مستقیماً از پایتخت پخش شد. "والنتینا تروشکووا" اولین زن فضا نورد جهان در مراسم پرتاب سفینه در پایگاه "بایکونور" حضور داشت.

یک زن فزیک دان انگلیسی با دو فضانورد شوروی به مدت هشت روز راهی مأموریتی در فضا شدند. "هلن شرمین فزیک دان ۲۲ ساله نخستین انگلیسی است که به فضا سفر کرده است. این فضا نوردان بایک سفینه

سفر فزیک دان
از کالوسری به فضا
انگلیسی

به مناسبت روز ملی فرانسه



فرانسه

فرهنگ و زندگی

حتی يك كتاب هم نخوانده اند
 بهر كس فروش كتابها يرهناوم
 سود مند برای زندگي روزمره
 و فروش مجلات افزایش یافته
 است. همچنان داستانها ي
 كارتونی به سرعت از مغازه ها
 ناپدید میشوند. (۸۳) فیصد
 جوانان به خوانش داستانهای
 كارتونی مینپردازند.
 گوش دادن به موسیقی پدید
 همست در حال رشد (۵۰) -
 همچنان فرانسویان حداقل يك
 روز در میان موسیقی میشوند -
 در حالی كه جوانان همه روز به
 شنیدن جازه روك و آهنگهای
 ذوق مینپردازند.

تلویزیون در همه جا حضور
 دارد. از دو فرانسوی يك نفر
 هر روز تلویزیون میندند. دیدن
 تلویزیون به هیچوجه جای دیگر
 فعالیتهای فرهنگی را نكرفته -
 است. مثلاً، بهنده گان وفادار
 تلویزیون (آنانی كه بیشتر از ۳۰-
 ساعت در هفته در برابر پرده -
 كوچك به تماشا میشوند) حتماً
 قل سال ده كتاب میخوانند و -
 به دیدن جاهای تاریخی مینروند.

موزهها و " سنگهای كهن" بیشتر
 از يك چهارم فرانسویان را به
 خود جلب میکنند. يكی دیگر از
 نشانه های كسترش فعالیتهای
 فرهنگی افزایش هنرمندان آماتور
 است. (۱۴) فیصد فرانسویان
 نقاشی میکنند و (۱۸) فیصد -
 آبان نواختن يكی از آلات موسیقی
 را یاد دارند. راه اندازی مرا -
 سم بزرگ فرهنگی در سالهای اخیر
 چون " جشنواره موسیقی" -
 جشنواره كتاب و " درهای باز"

آبدات تاریخی و باستقبال
 مردم رو بهر شده اند. علی -
 الرغم تشویش چنانداران فرهنگ
 فاصله و هجراتیان گذشته های
 افتخار آمیز و وضع فرهنگی فرانسه
 چندان وخیم هم نیست. ازها د
 نسیمیم كه سه چهارم فرانسویان
 زندگي را بدون هنر تصور كرده
 نمیتوانند.

از (۲۵) فیصد به (۱۵) فیصد
 کاهش یافته است. (۵۵) فیصد
 فرانسویان اعتراف میکنند كه هیچ
 گاهي به تئاتر و نمایشگاه نرفته
 اند. شمار تماشای جهان سنان نیز
 پایین آمده است و سه چهارم -
 مردم هیچگاه به كسرت موسیقی
 كلاسیك و رقص نرفتند. -
 عرصه كتابخوانی روز: روز تنگ
 شده مینرود. مثلاً در سال -
 ۱۹۸۸ يك چهارم فرانسویان

(۱۹۸۸) استوار است.
 تخمین نتیجه جالب تغییر -
 رفتار در خورد مصرف كننده گان
 فرهنگ در حال پدید هاست
 فرهنگست. از پدید گاه آما -
 توران كلاسیك هنره فرهنگ و
 زنده گي هنری فرانسویان سهر
 نزولی دارد. دیگر از علاقه -
 مندانی دایمی و با برجای تئاتر
 اثری نیست. در طی پانزده -
 سال گذشته شمار تئاتر ریان

آخرین آمار درباره ذوق
 های فرهنگی و فعالیتهای و -
 دلپسته گيهای فرهنگی فرانسوی
 بان همراه با تحلیل همه جا -
 تها گرايشها و سایل جدید -
 زنده گي فرهنگی جامعه مرا -
 نماز سوی وزارت فرهنگ آن
 کشور و سال پار به نشر و
 تحلیل مینهاد اطلاعات سه پروژه
 تحقیقی جامعه شناختی در -
 سالهای (۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱) و -

بعضی از بنامه بلند

این ناتوانی

بد تراژدی است

هرگز بر نیاورد

بدتر از خطر چشمان است

و حق در احوال میگذری

بگانه و گریزان

(سرت در جایی دیگر غلبت در رفتن دیگر)

□

رازه ما چقدر مستحق اند

عشق من]

(دست نیافتنی

تراژدی است)

عشق من]

تویی که ساعت دیوار را در شیشه میخیزد به صدا، در پس آوری
و از کامش نفسش کشی

گلوم میبرد و میشود

راز بزرگ را برایت میگویم:

سخن بروی لبهایم

تقریباً

در بیابان

و بنمای برای دستانت

سخن بروی لبهایم

چونست که زور چتر تکاشتهای

خاکه - بشود

بدین گونه است که پیوسته فقط میگویم:

چند وقت دارد

زیرا بلور شفاف جمله می و با در اختیارند ام

تا آن را

برگرداند تا چیزی

راز بزرگ را برایت میگویم:

زبان . تویی

زبان . زن است

- نیازی نیست ستایند و پایبوس -

زبان . پیراهن نیست نه باید نام و بیشتر با زگرند

زبان . گوی نیست لبی هدف خانه میخورد

زبان آنچه نیست که انصافا خیال میگرد

باز

سترد و میشود

زبان تویی

وقتی در سینه میخوانی

(هنگامی که من پیدا میروم)

زبان تویی

چون تازی که گفتم را بعد رد

چس تا توام . آه]

در شب میبوی شکسته لبانی که این چنین است

چس تا توام . آه]

در شب میبوی شکسته لبانی که چون خون درون دهانم در سینه است

از گفتار عالمها ام

(که چون آب ساد میی روی آتش صدای ناگوار دارد)

□

از بزرگ را برایت میگویم:

از زبان که هسان تو است

نیتوانم سخن بگویم

از تو

نیتوانم سخن بگویم

از تو میترسم

میترسم از آنچه ماله ترا میدهد نام تا پنجره ها همراه میزند

از حرکات میترسم

و از واژه های من که میشود بر زبان آورد

میترسم

از زبان تند

از زبان صریح

راز بزرگ را برایت میگویم

ساده تر است

مردن

ایمانی بودن

پسندیده است

عشق من]

که باز میبینی را به پیوسته ام .



الزرا

لوی آراگون از شهر
ترین شاعران و نویسندگان
معاصر فرانسه است .
پس از ویکتور هوگو نخستین
شاعریست که در زمان حیات
به کتابهای درسی مکاتب راه
یافت و اشعارش وسیله آموزش
توجووانان فرانسوی قرار گرفتند
وی افزون بر شعر رمانهای
جالبی نگاشته است . مجموعه
اثار او و آثار مشترکش با خانمش
" الزاتری اولی " به پیش
از ۴۵ جلد میرسد . آراگون
نوآوری و مبارزه را در درخشان
ترین جلوه های آن با هم
گروه زد .
" الزا " ، " چشمان الزا " ،
" دیوانه الزا " ، " دلبردیگی " ،
" ناقوسهای شهر بال " از شمار
اثار آراگون اند .

امریکا در آستانه قرن ۲۱

شور خلی ماشینی بوده از امراض زراعتی جدا کنترل به عمل می آید .
با آنکه ایالات متحده هم از نظر تولید و هم از نظر صادرات یک کشور بزرگ است و مگر واردات نیز دارد . آمریکا نفت و مشتقات آن ، مواد کیمیاوی ، فلزات و ماشین آلات را به کشور وارد میکند .

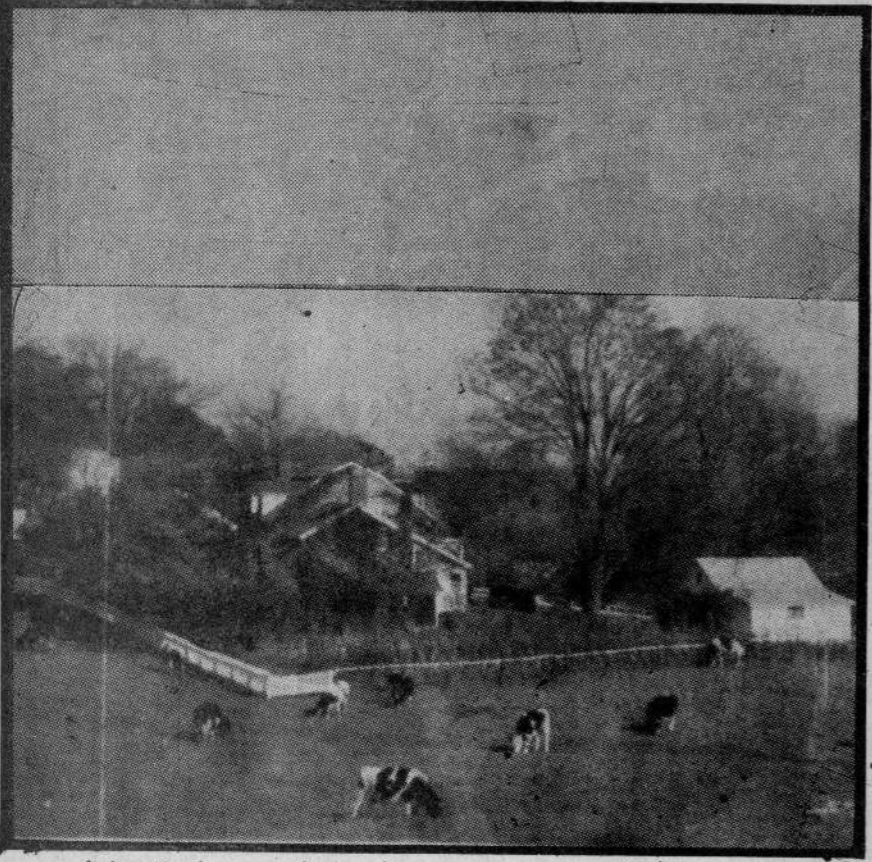
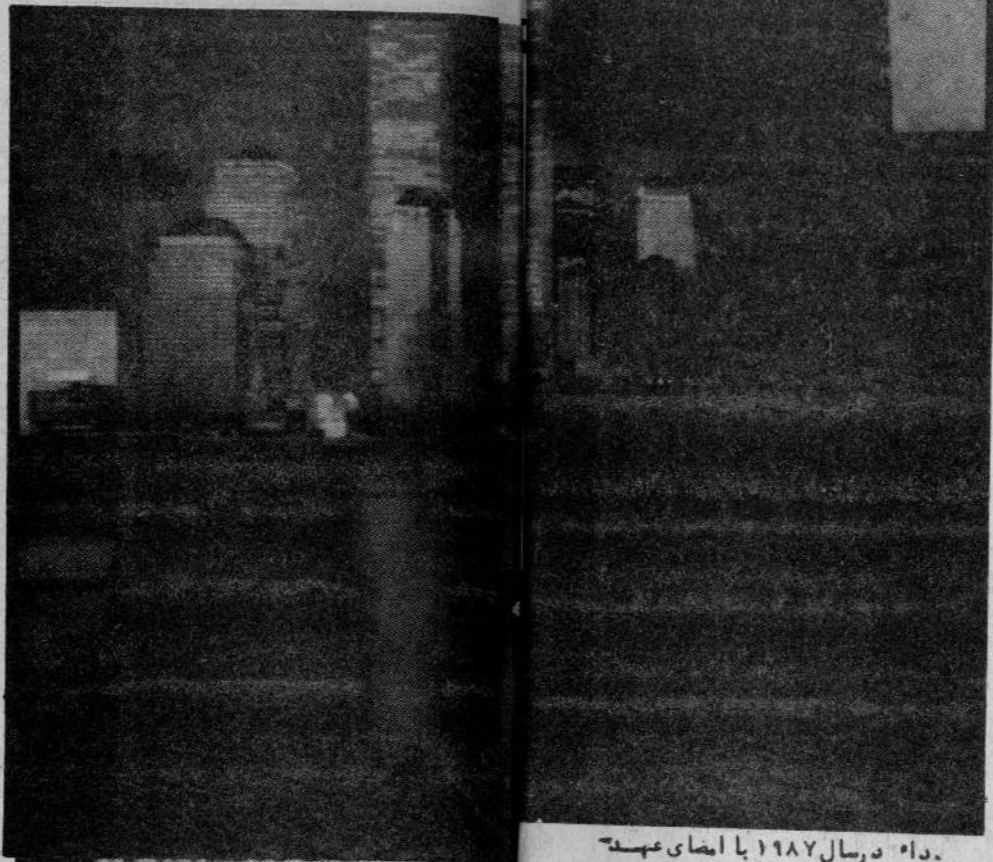
امریکا که در سال ۱۴۹۲ توسط کولومبوس کشف گردید و از سال ۱۵۶۵ به این طرف عمدتاً توسط فرانسویها ، اسپانیولیها و انگلیسیها کزینتر مسکن در آن اختیار گردید . به هر حال در قرن هجدهم بین اسامیله های محلی بر سر پرداخت مالیات برخورد ها به وجود آمد . در سال ۱۸۶۱ کشور با جنگ داخلی مواجه شد . در مقابله با جنگ این بود که بعد از آن برده داری رافسخ ساخت و کشور به ترقیهای اقتصادی و صنعتی گام گذاشت . به همین ترتیب ایالات متحده آمریکا در هر دو جنگ جهانی سهم داشت و در سال ۱۹۴۵ رول خود را در به وجود آوردن سازمان ملل متحد به سر رسانید .

ایالات متحده بعد از سال ۱۹۱۳ با اتحاد شوروی روابط را با محدود کردن اسلحه ستراتیژیک تقویت کرد و هم با کشور چین روابط دیپلماتیک برقرار ساخت . روابط ایالات متحده با اتحاد شوروی

ایالات متحده آمریکا کشور است در شمال قاره آمریکا که از نظر جمعیت مسکونی و هم از نظر وسعت درجه چهارم را در دنیا به خود اختصاص داده است . مساحت این کشور ۹۳۶۳۱۲۳ کیلو متر مربع بوده و ۲۳۴۱۹۳۰۰۰ تن در آن زنده گی دارد .

ایالات متحده یک جمهوری فدرال است که مشتمل از پنجاه و دو ایالت می باشد . مردم این کشور از گروههای گوناگون قومی تشکیل گردیده که اکثریت آن را اروپائیان تشکیل میدهند . متباقی آن سیاه پوستان ، چینیها ، جاپانیها و امریکاییان هندی اند .

از نظر اقتصادی ایالات متحده آمریکا از جمله بزرگترین کشورهای تولید کننده صنعتی جهان است . منابع سرشار منرال ها و مواد سوخت ، این کشور را از جمله بزرگترین تولید کننده گاز طبیعی ، سرب ، مس ، آلومینیم و سلفور و انرژی برقی و هسته ای ساخته است . به همین گونه تولیدات عمده این کشور را صنایع فولاد ، موتور ، مواد کیمیاوی ، سامان آلات الکترونیکی و سایر مواد مصرفی تشکیل میدهد . با نوبت علاوه کرده که چهار فیصد نیروی کار در این کشور مصرف زراعت بوده ، پانزده فیصد صادرات را تولیدات زراعتی تشکیل میدهد . زراعت در این



بمناسبت روز ملی ایتالیا

های باستانی هنر در این کشور اداسی دارد و مگر به تدریج تحت تأثیر مسیحیت قرار گرفت . سبک رمانسک در قرن ۱۱ و ۱۲ راهش را به طرف سبک گوتیک باز کرد و مگر هنر حقیقی ایتالی در قرن ۱۳ و ۱۴ - هنگامی رشد کرد که اساس رنسانس گذاشته شد و شیوه های آزاد سخنرانی در فلورانس و ونیس و روم به وجود آمد . علمبرداران رنسانس عبارت بودند از : لئوناردو ، میکلاچو و دیگران . بعد از قرن هفدهم هنر ایتالیا حرکت خود را به امتدادی ونیس ، از دست داد و مگر در آغاز قرن بیستم تحت تأثیر " فوسو چریم " دوباره احیا گردید . نقاشان برجسته و مدرن ایتالیا عبارت از سوتی جلیانی و چریکو اند .

در ایتالیا زبان لاتین و زبان ادبسی این کشور را تا قرن سیزدهم تشکیل میداد و آن درست زمانی بود که شاعران در ورسار فیردی یک اولیه تقلید از ایتالیایی اصلی آغاز کردند . عشق شاعران فلورنتین را در قرن چهاردهم ، دانسته تمقیب کرد و رشد تدریجی زبان ایتالی را - لیستو و ماشینی و تاسو در رنسانس به او جش رسانید .

ایتالیا کشور است که در جنوب اروپا موقعیت دارد . سرزمین ایتالیا با استثنای بعضی نقاط آن در شمال کوهستان نیست .

در این کشور هنوز هم زراعت از اهمیت خود برخوردار بوده ، نباتات زراعتی عمده آن را گندم ، جواری ، انکوروز ، تنون تشکیل میدهد . صنعت نیز به سهم خود پیشرفت کرده و مخصوصاً بعد از جنگ دوم جهانی به این طرف به سکتور صنایع توجه بیشتر شده است . صنایع عمده این کشور را نساجی ، ماشین ، موتور ، مواد کیمیاوی تشکیل میدهد که همراه با آنها میوه و سبزیجات از صادرات آن است . منابع منرالها در این کشور آنقدر زیاد نیست و از همین سبب ایتالیا وابسته به کشورهای دیگر است . در کشور پلانهای به خاطر رشد و انکشاف انرژی هسته ای وجود دارد و هم توربینهای عمده عایدات این کشور را تشکیل میدهد .

شیوه هنر در ایتالیا بعد از سقوط امپراطوری روم اساس گذاشته شد . با پی

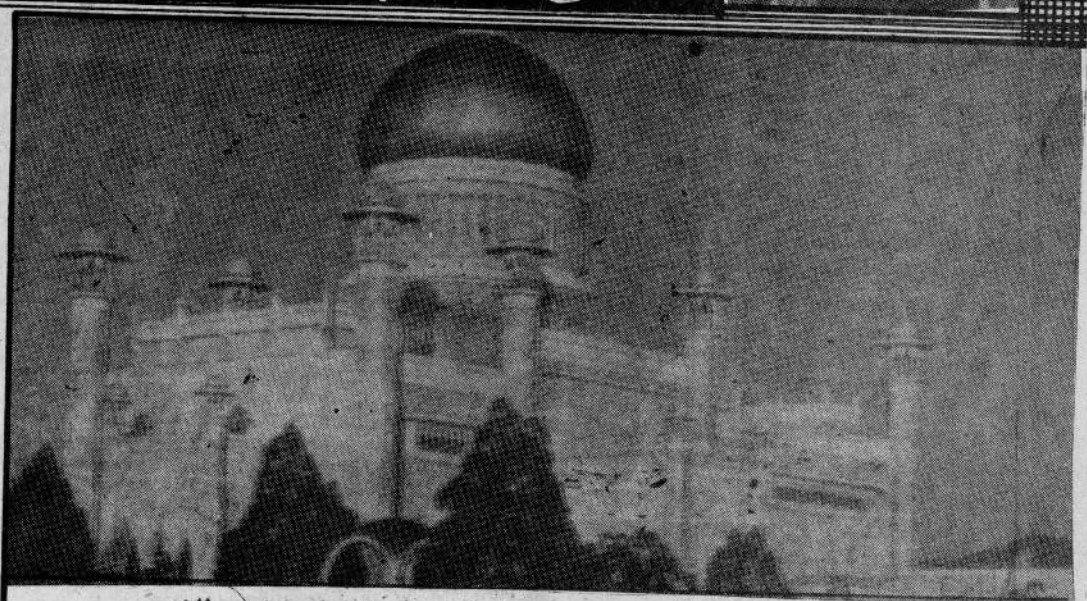
ایتالیا سرزمین هنر

ترجمه: فادریمان

پروژه و تمندترین کشور



مجموع ثروت پادشاه برونی ۳۰ میلیارد دلار تخمین شد



مسجد اعمار شده از جانب برونی در پایتخت کشور با محراب طلائی

جنوری سال ۱۹۸۴ آزاد ی -
 خود را اعلان نمود ، سلطان -
 برونی بالای تمام مناطق کشور
 حاکمیت داشته که همزمان پست
 های صدارت و وزارت دفاع را
 نیز بدست داده ، اکثریت آنها -
 لی کشور را مسلمانان تشکیل
 میدهد . اقارب نزدیک خود را
 نیز از یاد نبرده یک برادرش -
 محمد بالکلیخ وزیر خارجه و دیگرش
 وزیر مالیه کشور تخمین کرده -
 اند . این کشور عمدتاً توسط
 فرمانبهای شاه اداره می گردد .
 در رابطه با قاطع بودن شاهناید
 تردد داشته . در سال ۱۹۸۸
 رهبری کشور حزب بزرگ کشور
 را بنام " حزب دموکراتیک ملی "
 بر دلیل اینکه میخواهد تسویه
 حاکمیت ملی لطمه وارد نماید
 غیر قانونی اعلان نمود . قوای -
 مسلح کشور با بهترین و مدرن
 ترین اسلحه جهان مجهز می
 باشد .

مستمر خدمات اجتماعی -
 برونی از جمله بهترین ها در -
 جهان بشمار میرود . مالیات -
 فواید در کشور وجود ندارد -
 خدمات صحت و تعلیم و تفریح
 با سطح عالی آن رایگان است .
 پول تقاعدی از خزانه پادشاه
 پرداخت میشود . از هر -
 چهار نفر اهالی برونی سه نفر
 آن موز شخصی دارد . برای
 جوانانیکه علائقند تحصیل در
 خارج از کشور هستند هرگونه
 زمینه مهیا می باشد در کشور
 یک تشنجات سیاسی وجود
 یافته در صفحه (۸۵)

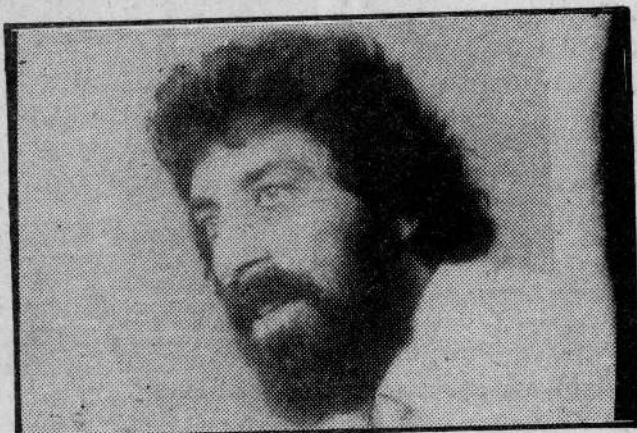
انجلس برسد . برای یک فرد
 امریکایی عادی بخاطر بدست
 آوردن همین پول ضرور است
 تا یک میلیون سال کار نماید .
 شاه حسن در حال حاضر بزرگ
 گترین کلکسیون موز را در جهان
 دارا می باشد هر علاوه موز
 شخصی موز هوی در کاراج خود
 در حدود ۳۵۰ موز مختلف
 النوع دارد . بدین ترتیب
 میتواند همروزها موز جدید
 رخت و آید نماید . اما بد بختی
 در این جاست که در کف
 کوه کمی صرف صد کیلو موز
 سرک موز رو نورمال دارد .
 از سال ۱۸۸۸ الی ۱۹۸۴ -
 برونی تحت سلطه پرتغالی کبیر
 قرار داشت هبه تاریخ اول -

فته در هر ساعت ۲۲۹ دالسر
 به خزانه این کشور کوچک افزین
 می گردد . مجموعه ثروت پاد -
 شاه برونی را ۳۰ میلیارد دالسر
 محاسبه کرده اند . در حالیکه
 داری پادشاه می توان -
 سمودی به ۲۰ میلیارد دالسر
 می رسد .
 نظر به ارقام ارائه شده جمله
 تجارتی " فسور بس " چاپ
 امریکا داری پادشاه برونی
 بیشتر از ثروت کهنی مفسور
 جهان " جنرال موز " می باشد
 این جمله نوشته است که باو -
 لهای پادشاه برونی " حسن -
 بالکلیخ " میتوان کاروان موز
 این کهنی را خریداری کرد که
 طول آن از نیویارک تا تونس -

برونی کشور کوچک است که
 در سواحل شمالی جزایر
 کالیمانتان و سواحل بحیره چین
 جنوبی موقعیت داشته که همز -
 مان با کشور مالیزیا نیز هم سر -
 حد می باشد ، بعد از آنکه
 در آغاز قرن حاضر منابع بزرگ
 نفتی این کشور کشف و استخراج
 آن آغاز یافت همه یکی از ثرو -
 تندترین کشورهای جهان
 تبدیل گشت درآمد سرانساله
 ۲۴۰ هزار نفر اتباع آن در حد -
 ود ۲۰ هزار دالرسی رسد . این
 رقم دو هزار دالسر بیشتر از ای -
 لات متحده امریکا می باشد
 ۹۹ فیصد درآمد ملی آن را -
 صادرات نفت و گاز تشکیل میدهد
 هد . قرار محاسبات انجام

سلام سنگی دهند

ترجمه از: ...



شیره (پاناروما) (ژورنال
مطبوعات آزاد روزگوشه)
چاپ هفت در شماره ماه می
۱۹۹۰ خود تصویرنگه می
از سلام سنگی هنرینسه
ساخته شده. افغانی رابه
چاپ رسیده است که همراه
بان گفت و شنودی دوشهمزه
سمورا با سلام سنگی به انگلیسی
نظر به نشر رسیده است.

پس از شناسایی مختصر زنده می
افغانی و برخی جوانب هنری،
معمیرا چنین می نویسد:

وقتی سنگی راهنگام راه
رفتن بان قد و قامت، موهای
بچه بچی و پریشان، ریش
انبوه و چشمها، نافذ دیدم
تمام تصوراتی که در سینه
بیتان خون گرم داشتم
در نظرم زنده شد.

یک ستاره فلم ؟
از افغانستان ؟ جاهلست ؟
گفت و شنود ادامه دارد. سنگی
از تاریخ ۲۰ ساله هنرینسه
از صنعت فلم اردستان
کاران این عرصه حرف میزند
و میگوید هر جایی که تصدای
از مردم است و برق باشد در آن
جای تئاتر و سینما هست
و پس از فراز سرفراز دلچسپی
و گزاشیدن از دیدن نخستین
فلم شروع شد. ۰۰۰ طی ۱۸
سال سابق در حدود ۱۸ تا
۲۰ فلم داشته ام، در افغان
نخستین همه ساله ۶-۷ وگاهی
تا یک فلم که محتوای آنها غالباً
مانند فلمهای سایر کشورهاست
(رقص، موسیقی، زد و خورد
و درامه) ساخته میشود. سنگی
در برابر یکی از پرسشها با-
وانمود ساختن اینکه (من
صرف یک هنرینسه هستم)
از ابراز نظر در برامین اید-
بولوئی هادر هنر، حوادث
سیاسی ده سال و تصریح موضع
گویی های هنرینسان
خود داری کرد.

و پس از صحبت های
درباره فلم های خودش گفت:
در افغانستان مانند هنر
هنر ها و کترک های منی تعیین
شده نیستند و به گونه مثال
از نقش های متفاوت خود از بر
سریاز، بیگانه، و از نوعی
تاریخی اثر در برخی از برنامه
های تلویزیون حرف زد. در
فلم ...
هنگامی که میگویم که سندر...

بوسندم و ترجیح میدهم در نقش
هنر باشم. وی افزود در افغان-
نستان مکتب آموزشی هنر
و تخیل فلم وجود ندارد کار
گردانان بنام رسیده. ما
انستیتوت (پونه) را خوانده
اند. در جایی هم تذکر میدهند
که تکنیک طی ۱۲ سال گذشته
به خاطر جنگه حال، استثنای
داشته است. در کابل صرف
یک لابراتوار تهیه فلم های
سیاه و سفید وجود دارد. فلم
های رنگه به منظور تهیه
و تکمیل به خارج فرستاده
میشوند.

سنگی از شرکت فلم
هادرستیوال های جهانی
و از سفرهایش به مسکو، چکو-
سلواکیا و کوبا، از محبوبیت
فلم های هندی، ایرانی، امر-
یکایی و روس در سینما و تلویزیون
ن کشور با تکیه بر این تکیه که
بهند، افغانی به یک داستان
خوب ارزش بیشتر میدهند
و تفاوتی میان معیار ات
هنری نقش هادر کترکسر
مثبت منفی دهر در کشور حر-
نهای داشت.
ارد رساحه زنده می
شخصی اش گفته است که
همواره متکی به اصل میباشد

دروغ نگفتن، ضربه از پشت
نزدن و هیچ کارید نکردن.
سنگی میگوید فلم های
چون نشانیات، انجور و بندگتی
در افغانستان محبوبیت زیاد
کسب نموده بخاطر این که
در آنجا زنده گی حقیقی تصویر
شده بود. فلمهای تجارتی
نیز به ندرت کان خود را دارد.
این اشاره به فلم (راو صاحب)
از ساخته های او بود. هتلا
آفاده نمود که تراشیدن سویی
سریه زن در یکی از صحنه
ها تا شناسایی افغانی را به
تفکر واداشت. و متوجه تفاوت
بزرگ فرهنگ در رابطه با
شیوه برخورد با این مساله
در هر دو کشور ساخت باری سنگی
با خود داری از ابراهیم قدیم شخص
و سکوت اش در برابر ذکر نام
هنرینسه و فلم مشخص از دوستی
و احساس صمیمانه خود نسبت
به همه آنها یاد کرد و گفت:
اگرچه حال همه آنها را میسندم
آنها سرسرا حرارت ندارند
استفحال کردند و از تصویر
های مشترکشان با استابه به بچن
و نسیوالدین شاه، دیوانه
راج بهر دهل کباب به وان برخورد
های صمیمانه آنها به قدر
دانی یاد کرد!

تغز سنگی

بانی له (۸۷) خ کی
شوی دی اوخیره ارزینسه
لسری ...

نن بوه شوچی توله لری
دده له پاره نه دسه له دی امله
دغیره له شوکی کونفوی اوایی
هیچ نه ... بوه کونفوی
ذره ... لیری نه بلکه
حتی ده چی لکه مافزود ی
به په دی نری کی ...
کی ولوبه وی، د نوری طرف
تجزی ثابت کریده چه
موجود مواد به تولوستوروی
شان دی، لوهین دلایل
نه لری چی دملبارد و
ستوریه منع کی به ملیون
هاور دوزند خاوند نه وید
هرکی بشرد غول لختورکی کبته
شوایسی کبته و آچاره اووه
شوچی هیچ شی نه دی. اما
ناخایه خیلو مافزود ته متوجه شو
هنه مافزه چی دی پایسه
نری به راز بوه شولوبه
انسان د قدرت به شوکی کینا-
ست، بلکه همان بی دکاپاتسو
کاشف وگانه ... همان
د قدرت به لیر تیاکی ولید
لوری لیدل چی نری به خیل
تول عقلت ددی خاویسی
رنگی اوگولعی مادی به وسیده
ببوندل شوئی انبوندل کبته ی
ایادانه نیسی چی دانسان
عظمت او ارزینت تر تولوبه او
ارزینتاک دی ؟

قصه خانه خودما

کنند فقط پول همه چستز شان است.

سخن را بعد از آن کشیدم من خواهم بنویسم که همسری را که در یک شب پر از ستاره گرفته بودم در روز روشن دورا طلاق کردم و برای او بی وفا من نویسم که خوب بنویسم با آن که من بدون تو هم میتوانم خوب تر و بهتر زنده کسی کم من میتوانم درین تلسب سخت کسی دیگر را که به صد هار مرتبه بهتر و خوشتر از تو باشد پرورش دهم زنده کی هیچگاه ختم نمی شود تا وقتی که انسان خوب



بچه از صفحه ۲۵

سری دیوی

شما که علاقمند فلم هندی هستید چه فکر میکنید فلم هندی چه تاثيري بالاي بيننده افغانی دارد ؟ فلم هندی برای جوانان میتواند هم گمراه کننده باشد و هم تربیت دهنده ، اگر بیننده آگاه باشد خوب

دش ختم نمود .
توساری و فابودی شو .
آنقدر بی وفا بودی که من در هیچ کتابی نخوانده و نشنیده بودم تو که نتوانستی خانه مرا آباد سازی خانه هیچ کس دیگر را نمی توانی آباد سازی تو در هر یا زود در لجن زار کفالت غرق و نابودی می شوی تسو تسو تسو تسو تسو تسو تسو تسو تسو تسو تسو تمام جوانان که میخواهند همسر گزینند نصیحت بسزای تو می کنم که اگر شمام مثل من بدون شناخت قبلی زن بگیرد بعد از زود به زود ترین فرصت به سر نوشت بنده گرفتار می شوی اگر مثل من اشتباه کنی عوض همسر کنی می گیری و آنوقت پشیمانی هیچ سودی ندارد آنوقت مثل من شیشه های شقایب قلبتان از هم می پاشد و ما بوس می شویم .

ورزشی فلم را در نکتد مسلمانا تاثیر جنبه های مثبت بالای او بیشتر است و در عکس قضیه بیننده چیزی را می آموزد که نباید از فلم هندی بیاموزد .
فلم های افغانی از نظر شما چطور است ؟
سزده های خوبی برای فلم های افغانی در نظر گرفتند میشوید ولی سینمای ما هنوز به پخته گی نه رسیده فلم های خوب افغانی در حال تکمیل شدن هستند مانند گماشته و الماس سیاه که میتواند برای جامعه مفید واقع شوند .
در مورد زنده گی شخصی تان چه گفته میتوانید .
من میخواهم زیاد بگویم .
صرف همینکه عروسی کرده ام و در دختر دارم .

ارتیک حقیقه ...

دیهلم ورزشی و سبیل های ورزشی و تعداد زیادی از نشان های ورزشی را در مسابقات مختلف به دست آورده ام .
نمیباشد که در این زمینه از همکاری استاد خوم محترم عبدالکریم عزیز کپتان تیم اتلتیک حقیقه سپاسگزاریم .

بچه

بچه از صفحه (۶۵)
این بار آقای شکفته در کپهای من مداخله کرد و گفت :
" من میبذیرم که این شما مردم هستید که همه بی کار هارا برایم انجام میدهند مگر به خاطر دارید که همه بی این کار هارا شما به خاطر بر آورده شدن آرزو های خود انجام میدهند ؟
شما برایم یک جوزه بوت میخرید در حالیکه من به پلانون نیاز دارم شما این کار را به خاطر طری انجام میدهند که بسا خداوند عهد میکند که اگر از تقای نصیبتان شود به کدام آدم بچاره بوت خواهید خرید . باز شما مرا به نان چاشت دعوت میکنید که اقلا در آن وقت من میخواهم سینما بروم .
چنین هم اتفاق افتاده از خاطر شما سه بار نان چاشت خورده ام و یا همین فلم را چهار یا پنج مرتبه به خاطر خوشی شما تماشا کرده ام ."
" سکسنا " پرسید :
مگر همه بی این کپها به اعتصاب نه خوردن غذا چی رابطه دارد ؟
" البته که رابطه دارد من خود که ام آدم بی زبان نیستم . من هم میدانم که هیچ صدر اعظم در هندوستان نتوانسته که به همه بی مردم کار را در یافت کند ؟ مگر آنچه را من میدانم شما مردم نمیدانید . من میدانم که هیچ صدراعظم آدم احمق مثل من را نمیکند ارد که با مرگش نام شهید را کسای کند . از همین سبب است که او خدمتگاران

را خواهد فرستاد تا به اعتصاب خاتمه دهم و از بر آورده شدن خواسته های مرا متفق خواهد ساخت . رفقا ! به من باور داد . شته باشید . هر لحظه بی که نفر او با پیشنهادش نزد ام آمد به زودی آن راهروا هم پذیرفت در همین لحظه من بالا پیش صداکردم که :
" باز چی ؟ "
" دوست عزیز بعد نغسر مذکور یک گلاس کلان آب ناره .
نچ را به من تعارف خواهد کرد . البته میدانم که این شیوه قبول شده پایان دادن به اعتصاب نه خوردن غذاست ."
" مگر آقای شکفته من هنوز هم نفهمیده ام که چرا دست به اعتصاب نه خوردن غذا زده بی ؟ "
" این خوبسار کپ ما ده است . امروز خواستم یک گلاس آب نارنج بنوشم از این سبب دست به اعتصاب نه خوردن غذا زدم . فهمیدم که هیچ کدام از رفقایم مطابق میل من رفتار نمیکنند و آن را برایم نمی خرد ، بنا به خود فکر کردم باید آرزویم را به این طریق آورده سازم .
اشنودن این حقایست .
دی به لپها هم نقش بست .
ش گفتم که :
کر همین اکنون از طرف ما به نرسیدن یک گلاس آب موه دعوت شوی ، چطور ؟ "
شکفته به یکنباره گی برجایش ایستاده شد چهلکپایش را درست کرد و روی جای را از خود دور داد و گفت :
" مهر بانی کنده ، در صورتیکه هدفم قبلا بر آورده شود پس چرا اینجا بیبوده وقت ضایع کردی . "
و تیکه با آقای شکفته به طرف دو کان آب موه میرفت یک فکر بر سر آمد که چرا از این مردم که در مقابل خانه صدراعظم بوت کلب و مسا محل رام لولا تجمع میکنند کسی نمی پرسد که چرا جمع شده اند و خواسته های تان چیست .

برونزی ترومند ترین کشور

حمام سونا

بقیه از صفحه (۷۷)

تشدید می‌کند. پاکیزه کردن پوست از فواید دیگر برای سلامتی است که به سونا و حمام بخارنسبت داده می‌شود. این نظر منطقی است که ترمیم می‌تواند مواد زائد را از فرد عرق‌دور کند ولی در تون سونا و حمام بخارنسبت که پوست را بطور قوی پاک کنند.

فکالتی در آب

بقیه از صفحه (۷۷)

برنامه ورزشهای آبی را پیاده کرده یک ساعت فعالیت در آب را معادل دو ساعت فعالیت در خشکی می‌داند و معتقد است که در این یک ساعت معادل دو ساعت فعالیت در خشکی به اصطلاح از بدن کاری کشد. دلیل این ادعا هم مقایسه است که در آب ۱۲ برابر خشکی در برابر بدن قرار دارد. بنابراین عقیده عامه ترمیم و فعالیت ورزشی نه‌باز به آماده‌گی قبلی دارد.

بقیه از صفحه (۸۲)

تخصص داد. در سال گذشته سلطان برونی خواست تا در جشن تولد لیدی دختر پازده ساله خودش بوی تحفه بدهد. وی مدانست که دخترکش تا چه اندازه علاقه‌مند افسانه‌های قدیمی بخصوص افسانه "السادر سرزمین جادو" شدیده. علاقه دارد سلطان خواست تا در این سالگرد دخترش تحفه افسانوی بدهد. بر اساس امر شاه انجینیران و دیپلماتان ورزیده انگلستان بخاطر اعمار قصر افسانوی دست بکار شدند در مدت خیلی کم تمام "پرسونل" شامل افسانه تهیه گردیده و محلها را شده اصلا نقاشی با همان محل افسانوی گذاشت. تمام مصارف جشن تولد دختر سلطان بر روی به میلیون دلار می‌رسد روزنامه انگلیسی در مورد نوشت که در جهان میلیونر ها زیاد اند اما هیچ یک از آنها دست به هیچو اعمالی نمی‌زند. جرات اینکار را صرف سلطان برونی دارد و پس.

قصر جدیدی با شکل بهتر آن اعمار کرد. بر علاوه سلطان برونی بهترین ویلاهای را در آمریکا، انگلستان، سوئیس و غیره کشورها دارد. وی از همه کشورهای دنیا علاقه‌مند استراحت در انگلستان می‌باشد. در حال کشور برونی نیز خالی از پر ایلماهای اقتصادی نیست. به دلیل پایین آمدن نفت در بازارهای جهانی برونی ضربه شدیدی را از این ناحیه متقبل گردید. در سال ۱۹۹۰ - از فروش نفت صرف ۶۴ فیصد بودجه اسما را کشور تا به این گردید. در حالیکه در سال ۱۹۷۶ این رقم را ۸۸ فیصد تشکیل می‌دهد. سلطان برونی نیز این مطلب را مدتی است که درک نموده است. به همین دلیل در سال ۱۹۸۷ پلان جدید اقتصادی را روی دست گرفت. برای حل این پلان شاه کشور امر نمود تا در ظرف چند سال محدود بخش دیگر صنعت کشور را به سوی عالی ارتقا دهند. برای اینکار دولت برونی ۲ میلیارد دلار

نداشته باشد. اختلافات مذهبی و نژادی دیده نمود بنا به شکایت در هیچو مسایل نیز وجود نخواهد داشت. جوانان کشور بعضا شایسته می‌کنند که گویا در پایتخت کشور زنده گی خیلی خسته کن است. اما برای اکثریت اهالی کشور این پر ایلما خیلی به سه روزهای رخصتی آنها در همه طیاره و یاکشتی جهت تفریح بکشورهای همسایه سنگاپور و یا با تیکت می‌روند. اما پادشاه کشور ضرورت ندارد تا جهت تفریح قصر مجلل خود را ترک گوید. این قصر با عظمت که در کتاب "پرنکار" های گنسن ثبت گردیده است دارای ۱۷۸۸ اتاق بوده که مساحت عمومی آنرا ۲۰۵ هزار متر مربع تشکیل می‌دهد. بر علاوه در قصر کور گاراج برای صدها عراد موتور وجود دارد. سلطان بعد از آنکه با خانم دوس خود از دوایج کرد لازم دید تا مساحت قصر را زیاد کند. به همین دلیل

عملیات سرطان جگر

مجروحین جنگ در کشور ما است؟ جواب: متأسفانه در افغانستان جنگ جریان دارد تا زمانیکه قوای خارجی در کشور وجود داشته جنگ موجه بود محالاً هیچ مجروحی ندارد و من منحصراً این افغان شخصیت متأسفانه که جنگ در ما دارد و برادران ما یکدیگر را به قتل می‌رسانند. این یگانه آرزوی من است که صلح در افغانستان بویا باشد.

بوده اند. جواب: تاکنون چندین عملیات توپورهای سایر نقاط وجود انسان را موفقانه انجام داده و چون درین نوع تدایر که ها و رشته‌های عصبی قطع نمی‌شود بصورت مطمئن امکانات فلج و یا خونریزی مغزی وجود ندارد در حالیکه در تدایرهای قبلی چنین امراض (۹۵) فیصد امکانات فلج قسمی وجود انسان - عملیات های مغزی متصور بود. سوال: قسمی که اطلاع دارید در افغانستان جنگ جریان دارد و مجروحین زیاد اند نظر شما در مورد جنگ در افغانستان چیست و آیا امکان کم‌شما به

شیر و نان

از صفحه (۸۸) زن و بچه اش را می‌باید. اما هر وقت نمی‌تواند شت آنها را هم تنها باشد روشی فریب‌دهنده به اندازه روزنامه می‌رست. اما تادم در خانه او را همراهی می‌کردند و او را سخت تمام از آنها جدا می‌شد. شاید بیست سال طول می‌کشید تا کشف می‌توانید همه قرضه‌هایش را تمام و کمال بپردازد و بعد چه؟ اما از آن به بعد دیگر می‌توانست خرج زن و بچه اش را بدهد. نه احتمالاً نه و اگر در این بین پدرش می‌مرد آنها بی‌خانه می‌شدند. به همین دلیل او را دیدار روزن سنگدلش متوسل هم باشد که آنها را با هم رخصی از هم جدا کرد. او - پلین زندگی ادیس و اقصا - سخت و بی‌رحم است. چاربا با زمین به راحتی قوت خود را به دست می‌آورد. اما فقط ادیس است که با درج ببرد شیر آرزوست آری، تیره آرزوست که در این زنگه‌گی همه می‌تواند مجانی کیک و سوسن زمینی تهیه کند.

درف و دست (از صفحه ۲۳)

۱ زراعت و امور روزمره روزهای - هفت تن نیز از خود خاصیت به خصوصی دارند .

از جمله سالهای جا لب یکی هم سال کبسه ه میباشد در - سالهای کبسه واقعاتی رخ میدهد که اکثره در ذهن انسان هم خطور نمیکند مانند زلزله ها ، بادها ه طوفانها ظهور آتش فشانها ه قتل ووفات رجال برجسته تولدات انسانی و حیوانی عجیب و غریب و امثال آن . به طور مثال سال جاری " ۱۳۲۰ " از جمله سالهای کبسه میباشد در سال جاری روزهای نیک زیادتر بوده و امیدواری درخشانیه به سردم پشیمنی می گردد . البته امیدواری آرامش ادامه خواهد داد .

تمهذات : پس از دانستن - احوال شخص و مشخص شدن ستاره و طالع او تمهذ داده میشود که نوشتن آن نیز از - خود وقت و زمان مناسب دارد و نوشتن تمهذ اکثره از مشك و زعفران ه سیاهی ه رنگ سرخ و آبی کار گرفته میشود .

شرط اساسی در تمهذات - تشخیص درست شخص است در هر مورد کسانی که حسن مراجعه نموده اند تشخیص از طرف من تثبیت شده و بعد از نوشتن تمهذات نتیجه مثبت داده و مورد تأیید قرار گرفته است چگونگی همه اینها از قران مجید گرفته شده حتی در قران مجید از تسخیر مهارت توسط انسانها تذکر داده شده است پس علاج بشر هم ممکن است .

و قران مجید هتاهن ورهنما جامع برای همه بشر است .

- محترم هوتکی صاحب در - اخیر اگر گفتنی برای خواننده - کان مجله داشته باشد - میخواهم بگویم که کک های من اختتامی نبوده بلکه برای همگان است آنچه خداوند بزرگ برام اعطا فرموده است من حتی الوسع می گویم در خدیت مردم باشم .

هارا میتوانند نام ببرید ؟

- فلم های مستند نهاد ساخته ام و فلم مستندی ساختم از - پرواز مشترک کهنانی افغان شوروی که ارزش تاریخی و فخر - هنکی دارد ، این فلم را خودم دایرکت و فلمبرداری کردم چون این فلم رنگ بود لند ا امکان شستن آن در کابل مو - جود نه بود ولی وقتی برای شستن به اتحاد شوروی رفت دیگر سراغی از آن ندا م .

فلمی همین اکنون رویدت است از فعالیت های صدیق افغان ه این فلم را در حدود سی دقیقه دایرکت و فلمبرداری کرده ام و به شکل سیاه و سفید تهیه میشود .

- کدام جهات کار صدیق افغان را در فلم انعکاس داد - ده اید ؟

- کشف معادلات و فورمولها و پیشگویی های او به اساس ریاضی فلسفی به سطح کشور و جهان .

- خوب در مورد زنده کسی شخصی تان هم چیزی بگویند .

- عروسی کرده ام پنج طفل دارم پسر بزرگ پانزده سال دارد و تا حال هیچکونه علاقه بی به پیشه پدر ندارد .

- خوب از شما يك جهشنان صفاست موفقیت و کامگاری برای تان آرزو میکنم .

مسافره پرنده های مهاجر سفره آرمان و فلم های هم تا تمام است مانند الماس سیاه خاکستر که کار فلمبرداری آن تمام شده است .

- کدام فلم تانرا از نگاه فلم - برداری برتری میدهید ؟

تمام کارهایم را دوست دارم اولین کار که فلم " فرار " بود هیچ فلم دیگر برام جایش را گرفته نمیتواند ، در آن با اعلامندی زیاده و انرژی - بیشتر کار کرده ام .

فلمبرداری پرنده های مهاجر که در فستیوال سال ۱۳۱۶ - مسکو شرکت کرده بود مورد توجه قرار گرفت و نقدی نیز بالای آن صورت گرفت .

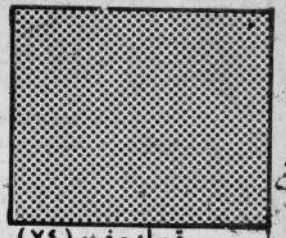
- تفاوت فلمبرداری فلم های مستند و هنری در چیست ؟

- فلم هنری به طور دقیق قیلا صحنه آرایی میشود و فلمبردار حتی ده بار يك صحنه را تيك میکند اما در فلم مستند زمان ارزش خاص دارد فلمبردار باید صحنه را طوری فلمبرداری کند که لحظه فوت نشود .

- چه وقت در يك فلم هنری تصویر زیبا بدست میاید ؟

- تصویر سینما هر قدر بهال باشد به همان اندازه زیباتر است .

- از فلم های مستند تان کدام



قرار بر لیس (بهم از صفحه ۷۴)

در افغان فلم ادامه دادیم . شما که تحصیلات مسلکی ندارید چگونه کار را آموختید ؟

- مکتب تخنیک عالی را در سال ۱۳۵۱ به پایان رسانیده ام من گفتم که قیلا عکاسی میکردم تجداب فلمبرداری هم عکاسی است در مدت یکم سال که در قیلا شوروی بودم به استنادان مجرب کار کردم و قیلا در افغان فلم مشاوره میدادی - شتم از او نیز تجارسی اندوخته ام .

- پس اولین کار سینمایی تان کدام است ؟

- اولین کار سینمایی فلم رنگ افغانی بنام فرار است که انجینئر لطیف مرزا یاد دیکه کرد .

- کدام فلم های دیگر سینمایی را کار کرده اید ؟

- اکثر فلم های رنگ سینمایی را فلمبرداری کرده ام مانند مرد هاره قول اس ه صبور سباز

گشنیز را اگر روی زخم های جلدی بگذارید از شدت حرا - رت آن میکاهد . و باعث التهام آن میشود . کوبیده تخم گشنیز با نمک و مبع حافظ گوشت و - سالن و سایر قدا هادر برابر هفونت است . با تاحف باسند گفته شود که گشنیز با همه این خصوصیات اگر زیاد خورده شود باعث سمومیت و گنگسی میگردد . هرگز در خوردن آن زیاده روی نکنید ، اگر در اثر خوردن آن مسموم شده بده هر نوعی که شده استفسار کرده و بعد مقداری تخم مرغ رادر شهر حل نماید و صرف کند برگ گشنیز مسومیت کتر دارد .

شمره گشنیز هم میگویند شمره گشنیز که از خوردن ساقه و برگ آن به دست میاید دارای انواع ویتامین ها بوده و سود آن از تخم و خود گشنیز زیادتر است . دود کردن تخم گشنیز مجرای تنفسی را ضد عفونی میسازد و سردردی را تسکین میدهد و زخم های جلدی و بواسیر را درمان میکند . برای کسانی که نسبت به آن حساسیت دارند خوب نیست برگ گشنیز ممکن التهاب صفرا و معده بوده و تشنگی را بر طرف میکند . کسی که عطشی کاذب دارد میتواند از حسن خاصیت استفاده نماید . برگ

گشنیز (بهم از صفحه ۷۲)

گشنیز تفوی به کننده قلب و مغز میباشد ه غرقان را از بسن میبرد و تشهش را کم میسازد - بهست در صد تخم گشنیز - بهترین دوا برای امراض معده و قولنج است ه جوهر گشنیز از راه ادرار دفع میشود و مجرای آن را ضد عفونی میکند و زخم سوزاک و سایر زخم های مجاری ادرار را درمان مینماید برای معالجه اسهال خونی که با دوا های دیگر معالجه نشود بهترین دوا آب گشنیز است که به آن

عمری لرورسی زیات شویدي
د اد خلقت د جیو رازولـ
خځه یواز دې
د فضا بوله (سرحد) چیري
دې ؟

زمونیز سسټره نړۍ

پاتې له (۱۰) مخ کې

که یوه سفینه د نورو په
سرعت حرکت وکړي (باید پوه
شوچې هېڅ یو جسم له اجرامو
خځه د دې وسټلري چې د نورو
په سرعت حرکت وکړي لږکـه
په هغه صورت کې تجربـه
کوي اوسای په لور بدل شي)
یوازې دوه سوه کاله لانج دې
چې وکولای شي له عمک خځه
نمان د شمسی نظام سرحد ته
ورسي او دغه شمسی نظام له
لر او ستورو قرونو او میلیاردي
اجرامو سره د هغه کهکشان
یوه برخه ده چې منځی یوه
برخه هرښه د انسان په
پراخه غټې کې د شید په رڼک
وینو

د یوه لږ نورې نورې دورې ن
په واسطه لیدلی زموږ خځه
پولسیون نورې کاله واټن لري.
په بل عبارت دغه کهکشان
زموږ د لیدنی ده نظره د فضا
په سرحد کې واقع دې پرداسی
حال کې چې پوهنیز وفضاحـ
او موز ته لري او د هغه کهکشان
ترشا نور کهکشانونه هم وجو د
لري.
باید پوهنیز چې زموږ
کهکشان د خلونو میلیارده
حد وده وکړی ستوري لري چې
زموږ د لرغون پراخوې او دا
سی محاسبه شوي چې د دغو
خلونو میلیارده و ستورونو ۱۶۰
میلیارده خلې له لر خځه زیات
دې اوسیا هم باید پوهنیز چې
زموږ کهکشان د ژوندې د تنځي
په شان په خپل شاوخوا اخرن
او د هري خرځیدنې وخت
دوه سوه ملیونه نورې کاله دې
اما د تود و ستورو وځه چې
د دغو کهکشانونو کوسې دې
داسی وه

او دغه کهکشان له خپلو
میلیارده ونو ستورو سره د هغو
زرگونو کهکشانونو له دې خځه
دې چې په بی پایه نړي کې
په سرعت سره په حرکت کې دې
شمسی نظام ته تر یو لویډي
کهکشان ۸۰۰ زره نورې کاله
زموږ سره واټن لري او تر یو لوی
لیري کهکشان چې پشـ

پاتې پورتنی لنډې پاشا
ري بریږي چې پوهنیز و پلټو
نکې او مغزور انسان د دغه
پراخې نړي په لوري والي کې
خپره قدر لري.
زموږ د ملګرې کړه د نړي
د عظمت په وړاندې حتی د لږ
د ونو د هغو زړونه هم کوچنی
ده چې منځی د لمر په رڼا
کې په کوزه کې وینو. اما دغه
کوچنی او ګرډه لږک د انسان
لرونکی ده او انسان د ملغزو لور
نکې ۰۰ مافزه د ژوند تر یو لوی
حیاتی بد پدې ده او دغه
بد پدې کولای شي ستونزې
او مجهول شیان کشف کړي
هغسې چې کشف کړي هغسې
هم دې
ایا زموږ نړي په لویو کوسو په
کهکشان کې انسان وجود لري.

هر ستوري په پیل کې د یو
لوي دې په مخصوص لښو وزن
سره ، بعدغه وخت کې یو
رنگ سور دې ، ستوري وروږ و
تغیبات کوي او ستوري مخصوص
رنگونه لري او د ستوري مخصوص
فتنې لري چې د یو رنگی هغسې
تغیبات کوي ، یعنی لمره نه
وړسته ، روښانه سور وروسته
سپین ته ژړي زموږ اوسیا
شې ۰ اوس دې وخت کې هې
حرارت خپل وروستی حد ته
رسیږي او پورته د ستوري رنگ
زموږ روښانه سور ۰۰ کوي
ترڅو سره رنگ ته ورسې او پاشا
سور شي .
زموږ لر او سر د توریجن
سرورنگ په حال کې دې او
د سر پد و خواته شي چې البته
دغه دوران ملیونه کلونه
په پورې نیسي .
پلټونکی او مغزور انسان

ولی وجود لري ؟
ځانګه امکان لري داسی پوهنیز
چې لږ تر لږه ۲۵ فیصد ته عمک غو
نډې شرا پلورې متفکر موجودات
وجود ولري چې
ولی پشور د نورو همان غوښتونکی
وو چې تصور یې ګاوه هرڅه
دده له پاره دې اوهغه
څه چې پاتې دې دده د هغو
په اختیلاو په خاطر اینډول
شویدي امان یوه شوې څه
پاتې په (۸۲) مخ کې

بقیه از صفحه (۲۰)
تندرستی
بگدا رد یا نهضت خانم و
د دخترش هغسې پاینده را اگر
په پند هفتاد سلطه بعد
باز هم دروازه ان خاندان آلیا ب
میفود و همان راننده ماهی و
میگفت که او و سایل را که گویا
کس توسط مو ترا و روده است
گهر او زده و باید کسی از خانه
انها به دفتر پولیس مراجعه
کند به این ترتیب خانم و
د دختر جوان ان مرد نظیر و د
س مرده ، ما این قضیه را هفتاد
م اما نفس این حادثه متواتر
که از هر نوع نشانی گسری و
احقاد به در زمان اجتناب روزه

صفا، صفا...
بقیه از صفحه (۵۱)
از نیا بی پاس میشود ، که به
نظر من در این مورد مثال ها
زیاد است و من نمیخواهم پاس
کسی طرف قرار بگیرم مگر تقاضا
از کمیسیون اینست که کسی
پاسوریت قضاوت نمایند
و بگذارند که انگهائی بی سر
و پای اجازه نشر یابند (۱)
آزودارم . فرد صمها
صمیمیتی کبیه موسیقی دارند
عشق بیشتر بپوزند و انگهائی
خوبتری به هنر و ستان
مرضه بدارند



ملیونا

بقیه از صفحه (۵۵)
متن ان خیلی آرام انجام میگردد
برده باری و تحمل اعظمی در
سین ۲۰ سالگی د پده میشود
کبعد از تکمیل ۲۰ سالگی
این خصوصیت انسان کاهش
می یابد ولی خیلی کم ا نمیکند
در سالی

پاتې له (۲۴) مخ کې
په افغانستان ...
د داکتر راپرت هاجمین
په فطیده ، چې په دغو نوم
نې یو کار پوه دې له شپږ
وشت کلوراپه د خوا د لور
په پیل دې چې یو تیک له
اسانه را لویږي . دغه اسان
نویسکې یې له شکه له مېخ
عمه راغلي او علوه نه لور
پاتې سوه کاله عمر لري .

پدین ترتیب د پده میشود
کپړای ووزشکاران سابقه
نځنی برای کسانی که ورزش میکنند
هنوز هم فرصت باقیست آنها
میتوانند که میلیونها د الی
پدست آرند کاین د الیطیما
جای برده باری از دست رفته
را برسی کند

عشق و عشاق

بیت از سنه (۲۱)

به طرز عجیب بد شد . آیا سرما خورد و بود ؟
 یا شاید به خاطر استفاد ما از ظروف فلزی آینه
 خانه ، مسخ شد بود . با کتری که با -
 لاسرین آمده بود ، فقط خند بد وقت : که
 مسلمان تشنجی عجیب بود . چون حال
 زن جوان وخیم بود ، شاید هم کافند
 دیواری ها آرسنیک داشت . گوشتاف
 تکه ای از کافند دیواری را پیش پیک
 که با آن بود و از او خواست که آن را در قفسه
 آزمایش کند . گزارش و کفهاد آن حاکی از آن
 بود که کافند دیواری ها حاوی هیچ ماد
 مضر نیست .

درد همسر گوشتاف کاهش نیافت . به
 همین دلیل هم خود گوشتاف شروع به
 تحقیق کرد . که مطالعاتش در کتاب
 طبی منجم با طینتانش نسبت به
 نوع بیماری همسرش شد . بعد همسرش
 را با پاپ گن باشویی می کرد و یک ماه بعد
 اعلان کردند که حالش کاملاً رضایتبخش
 است .

و این خیلی ناگهانی بود ، یعنی
 انتظار نداشتند به این زودی باشکند .
 با این حال چقدر ریو ریو در شدن شوهر
 بود مسلماً چه پس بود . شکی در این نحوه
 فقط باید فکری راجع به امضی کردند .
 در این میان لوئیزا شوهرش را کنار کشید
 و به او یاد آوری کرد که از بوقی که با هم
 ازدواج کرده اند ، درآمدی غیر از حقوق
 قشند داشته است و چنان که پیدا است
 اصلاً کفاف زندگیشان را نمی دهد خوب
 درست است . آنها تا آن موقع تا اندازی
 در رفاه زندگی کرده بودند و حالا باید
 روشنشان را تضریر می دادند و بعد دیگر
 همه چیز مطابق میلشان می شد .

روز بعد گوشتاف به دیدن دوستی
 که وکیل بود رفت و از او خواهرش کرد که
 سندی را برایش نوشته کند ، و برایش
 توضیح داد که می خواهد با آن ، پولی را
 که احتیاج دارد قرض کند و برخی از مخارج
 اجتناب ناپذیرش را بپردازد . این نزدیک
 تأمین کند .

و دوست وکیل او هم تصدیق کنان
 گفت : (پولی از دل و جابجی آید اختن اصغر
 خانواده ، مشغله پرخرجی است . خود
 من که تا حالا نتوانسته ام از همه اش سر
 بیاورم)

گوشتاف از درخواستی که کرده بود -
 بحالت کشید و وقتی دست خالی به
 خانه برتست ، به او خبر دادند که در دلت
 بیگانه به در خانه اش آمده بودند و سراغ او را
 می گرفتند .

گوشتاف هم فکر کرد محتاجند تا
 از دوستانش افسران نظامی بپوشد
 ای آدم بود نه پولی گفتند (نه آنها می توانستند
 افسر باشند) و او گفت : (او پس حتماً
 از دوستان سابق در پسا آمده اند) -
 (شاید شنیده اند که از دل و جابجی کرده ام و
 آمده اند مرا ببینند) و فقط مستخدم
 بود که اینها را گفت : (نه آنها پسا لا پس
 نبودند ، استکلمی بودند و به -
 دستهایشان بود . گوشتاف گفت : (-

گوشتاف دیگر برای به دست آوردن -
 پول راحتی نداشت . اکنون خوار بار فروش
 مردی که اسب کرایه میداد نسیه میدادند
 چون آنها هم می خواستند به زن و بچه ها
 پشان نان بدهند .

و بالاخره روزی که فرامی رسد . گوشتاف -
 ف مجبور است اجرت پرستار همسرش را تأمین
 کند و وقتی دختر نوزادش در مجلسی
 است ، صدایش می زند تا طلبکارها پیش
 را آرام کند . صدایشهای جدید خبلی
 برایش سنگین است و تقریباً زرفسار
 از یاد آورده است . درست است که او موفق
 شده سفارش ترجمه بگیرد . اما چگونه می -
 تواند وقتی هر لحظه باید دنبال کاری برود
 ترجمه کند . به این حال وضع است که
 او به بد رزیش متصل میشود . پیوسته
 با سردی او باید برآیند برآیند می گوید : (این
 بار به تو کمک می کنم ، اما فقط به بار چون
 درآمد خود من به زور کفاف زندگی ام را می
 دهد . و تو هم بچه من نیستی) گوشتاف
 ف باید برای ماد رجه غداهای لذت
 کتاب مواد گرانقیمت تهیه کند باید اجرت
 پرستار را نیز بدهد .

خوشبختانه همسرش بزودی روی دیو -
 پیش ایستاده مثل دختر بی بار یک و قلمسی
 میشود و رنگ پریشی چهره اش جایی
 خود را به سرخی می دهد . اما پدر لوئیزا
 به طور جدی با داداشش صحبت میکند .

(لطف کنید پدر بچه دار نشود
 مگر اینکه بخواهد بد بخت بشود) -
 نواد که کوچک گوشتاف همچنان برای مدت
 کوتاه د بگری به زندگی خوش برآید عشق
 قرضهای روز افزونی ، ادامه داد . اما
 بالاخره به روز ورشکستگی در خانه شان را
 به صد آورید . خبر دادند که اسباب
 و اثاثیه منزلشان توقیف شده است و بعد
 پیوسته آمد و لوئیزا و بچه اش را برد . وقتی
 آنها با گادی می رفتند پیوسته با اسرگی
 فکر کرد دخترش را به جوانی داده که حالا
 بی از یک سال با بی ابروی بی فرستاده -
 است . البته لوئیزا حاضر بود با کمال میل
 پیش گوشتاف بیاند ، اما چیزی برایشان
 باقی نمانده بود تا با آن زندگی کند و -
 آنها گوشتاف را در حالی که مامورین ضبط
 اموال خوب بدست کد داشتند ابارتاشرا

از قبل و بختخواب و ظروف سفالی و قاشق و سنج
 و ظروف آشپزخانه خالی می کردند ، نگاه
 می کرد ، پشت سرگردانند و رفتند تا اینکه
 ابارتاش خالی خالی شد .

اینک زندگی واقعی گوشتاف شروع شده
 بود گوشتاف موفق شد شغلی به عنوان
 مصحح در روزنامه صبح برای خودش بدست
 بیاورد . به همین دلیل هم مجبور بود
 هر شب چند ساعتی ریاضت میزبان کار کند .
 و چون در واقع ورشکستگی او را اعلام نکرده
 بودند ، اجازه داشت مقامش را هم در اد -
 ره دولتی حفظ کند . اگرچه دیگر نمی توان
 نشت امیدی به ترفیع داشته باشد ، بعد
 زنی موافقت کرده بود که او روزهای یکشنبه
 بقیه در صفحه (۸۵)

عجیب است . خیلی عجیب است) اما
 بی شک آنها برمی گشتند .
 دیواره شوهر جوان برای خرید بیرون
 رفت و توت زمینی به قیمت ارزان خریده
 و سپس بیرون زد آن به همسرش گفت :
 (فکرش را بکن ، توت زمینی خریدیم یک
 کرون و نیم ، آن هم این موقع سال)
 همسرش گفت : (آه ، اما گوشتاف
 عزیز ، مای تو اسم از من مخارج چیزها
 بر آیم)
 (هم نیست ، قبلاً برنامه اش را
 ریخته ام ، کمی اضافه کاری می کنم)
 (اما قرضهایمان چه ؟)
 (قرضها ؟ چطور مگر ؟ یک وام کلان
 می گیرم و همه را یک جایی می دم)
 لوئیزا اعتراضات کنان گفت : (آه ، اما
 مگر خود این هم یک قرض دیگر نیست) -
 (خوب باشد ، مهم نیست ، می دانسی
 که خودش یک مهلت دیواره است -
 اصلاً چرا ما راجع به این چیزها بحث
 می کنیم ؟ چه توت زمینی است ؟)
 آن روز لوئیزا وقتی بی از خواب بعد از
 ظهر بیدار می شد ، بعد از آنکه از اینک
 دیواره می خواست راجع به موضوع قس -
 ضها پیشان صحبت کند ، از شوهرش میخورد
 ت خواست گفت : که باید از راست شوهرش
 از چیزهای کارسجور است بگوید ، صعبانی
 نشود . صعبانی ؟ نه ، البته که نمیشود .
 اما موضوع چیست ؟ آیا پولی برای خرج -
 خانه می خواهد ؟
 لوئیزا گفت : (هنوز پول خوارسار
 را نداده ام ، قصاب ما را تهدید میکند
 و آن مرد هم که اسب کرایه می دهد اضرار
 دارد که حسابان را تصفیه کنم)
 و گوشتاف گفت : (همین ؟ همه را فردا
 یک جا تا تران آخرش می دم ، اصلاً بیجا
 به یک چیز دیگر فکر کنم ، دوست داری
 با گادی بیوم بارک ؟ چه ؟ بهتر
 است با گادی بیوم . خیلی خوب تر است
 اما هم هست ، بی با ترا میوم)
 و به بارک رفتند و در اتاق خصوصی رستوران
 شام خوردند . ضمن اینکه سرگرمی خوشی
 هم بود . چون آنها می در سالن عمومی
 رستوران غذا می خوردند ، فکر کردند که
 آن دو عاشق و معشوق شاد و پر نشاط هستند
 و این فکر باعث تفریح گوشتاف شد ؛ اما
 لوئیزا اصرار بود . به خصوصی و قسیمی
 صورت حساب فزاد بد . چون پسا آن
 پول می توانستند در خانه فدای بیشتر
 بخورند .
 چند ماه گذشت و حالا بانه تدارک
 واقعی ، تهیه گواره ، لباس بچه و غیره

از کجا فرا گرفته ای و آستادان تو کسی بودند که تو را این چنین پروراندند؟ گفتم من چند استاد در ماوراء النهر داشتم ولی بزرگترین استاد من قرآن بود من قرآن را خواندم و حفظ کردم ولی نه آن طور که دیگران میخوانند و حفظ میکنند. من هنگام خواندن و حفظ کردن قرآن کوشیدم که از هیچ آیه نفهمیده نگذرم و معنای تمام آیات قرآن را دریافتم. امام اعظم گفت: ای امیر بزرگوار! آیا ممکن است مرا بشاگردی خود بپذیری و من را معلم بدی؟ گفتم من فرصت تعلیم ندارم و زندگی من تا پایان عمر زندگی یک مرد جنگی است و من وقت ندارم در جنگها بخواهد گذشت اما اعظم گفت افسوس که تو فرصت نداری مرا تعلیم بدی و گرنه من با کمال خشنودی شاگردی تو را می پذیرفتم.



همه دستار بر سر داشتند که سر پویش عمومی سکنه شهرهای خراسان است. آن عده ه مقابل اسب من توقف کردند و یکی از آنها که ریش سفید بود با صدای بلند شروع به خواندن شعر کرد و اشعاری بدین مضمون خواند: ای امیری که خورشید و ماه و فلک در اختیار تو است و جز با اراده تو گردش نمیکنند قدم تیره بشوید مبارک باد و ما سکنه مکه این شهر تا آنجا که توانائی داشته باشیم ازین برای تو گواهی می دهیم.

وقتی که اشعارش تمام شد از وی پرسیدم امیر این شهر رکوست آن مرد گفت این شهر را امیر ندارد گفتم چگونه ممکن است شهری امیر نداشته باشد و بدون امیر چگونه امنیت و این شهر حفظ می شود و احکام شرع و عرف را کجا اجرا می کند؟ امیر گفت ای امیر بزرگوار! مادر ما این شهر امیر ندارد و احکام شرع و عرف را خود ما اجرا می کنیم گفتم من وضعت چیز شما را شنیده بودم ولی تصور نمی کردم که بشوید امیر و حاکم نداشته باشید با وجود آن مرد گفت ای امیر بزرگوار! برای اینکه بدانی شهر ما امیر و حاکم ندارد خوب است قدم رتبه نمانی و وارد شهر شوی و وضع شهر ما را ببینی.

در آن موقع به یک کارگاه نساجی رسیدم و دیدم که درون کارگاه چهار نفر مشغول پارچه بافتن هستند. حسین بن اسحاق گفت ای امیر! هرگز هاشی که مردم این شهر جمع آورده اند نمایند صرف بافتن این پارچه کرکی که مو سوم به برك است می شود. آنگاه دستور داد که طاقه از آن پارچه را برای من آورند تا ببینم و پارچه مزبور که با کرک بافته می شد از پارچه های ابریشمین چین که بخصوص در سرسره قد فراوان است نرم تر و لطیف تر بود و من تا آن روز پارچه ای بان لطافت و نرمی ندیده بودم از حسین بن اسحاق پرسیدم که بهای یک طاقه از این پارچه چقدر است جواب داد نیم دینار. بهای پارچه بسیار ارزان بود و هنگامیکه خواستم از کارگاه هاج شوم دست در جیب کردم که بهر يك از نساجان که در آنجا

غزیت به جنوب خراسان

من می دانستم که زورمندترین حریف من در خراسان علی - سوف الدین بود. امیر سبزواری بود که به قتل رسید. بعد از وی در خاک خراسان کسی وجود نداشت که آن اندازه قدرت داشته باشد که در جنوب خراسان چند امیر بودند که هر کدام یک متشون داشتند و من می خواستم آن ها را نیز مطیع خود کنم من میدانستم که خبر قتل عام سکنه سبزواری و بران شدن آن شهر با اطلاع تمام شهرهای خراسان رسیده و امرای آن سرزمین حساب کار خود را کرده اند معینا بهترین بود که از جنوب خراسان اطلاع حاصل نمایم. چند روز بعد نزدیک شهر پشور - ریه رسیدم که می گفتم تمام سکنه آن دان نشنیده هستند همینکه سواد شهر نمایان شد دیدم که عده ای پناه به سوی من می آیند و معلوم شد که از سکنه شهر هستند من حدس زدم که آنان از بزرگان شهر می باشند و آمدند تا ما را مورد استقبال قرار دهند.

ولی وقتی بنزدیک من رسیدند مشاهده نمودم که همه از نوع روستائیان می باشند و جامه همه آنها کرباسی است و چون هوا خنک سرد شده بود قباها از پشم روی آن پوشیده اند تمام جامه ها آبسی و تمام قباها خاکستری بود و گویی که در شهر آنها غیر از کرباسی رنگ و پارچه پشمین خاکستری پارچه دیگر وجود ندارد.

کار میکردند چند - که زود بهم ولسی همد یک از آنها عطیه مرا نذر رفتند و گفتند ای امیر بزرگوار دیدار جمال تو ما را کافی است و ما پانجه از راه کار بدست می آوریم قانع هستیم بهش از آن احتیاج نداریم.

از کارگاه خارج شدم و بعد از طی ده قدم به یک دکان بقالی رسیدم و مشاهده کردم که زنی مشغول خریدن چیزی است و مرد بقال قبل از این که دست چتراز - ببرد گفت: "هل للمطفین المرفوع اذا کتبت لوجه الناس یستوفون" من از شنیدن کلام مزبور که آیات سوره "المطفین" در قرآن بود متعجب شدم چون انتظار نداشتم که آن مرد بقال قرآن بداند و آیات گفتم ای نیک مرد ه آنها که در کودکی آموزگار من بودند نمیتوانستند مثل تو و با من خوی قرآن را مخفی کنند ولی تسو برای چه در این موقع این آیات را بخوانی و بقال گفت ای امیر! امراء هر وقت که من بخوام دست بچتراز بهم این آیات را میخوانم تا این که خدا را ناظر بدانم و کم نفروشم.

من با اتفاق شیخ از خانه خارج شدم و مشاهده نمودم که دکاندارها جامه خود را عوض می کنند و هر کسی که جامه را عوض می کرد و لباس بهتری پوشیده را مسجد را پیش می گرفت بدین این که در دکان خود را ببندد زیرا در شهر پشور - ریه سارق وجود نداشت تا این که کسی از سرقت اجناس دکان خود بهم داشته باشد.

از یک دکاندار که جامه پوشیده و از تن کان خود خارج می شد تا مسجد بروم پرسیدم برای چه جامه خود را عوض کردی و او بعد رنگ این آیه از قرآن را که یکی از آیات سوره اعراب است برای من خواند: "یا نبی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلووا و شرابوا و لا تبسوا و انه لا یحب العسر العین" به شیخ حسین بن اسحاق گفتم من تا امروز هرگز ندیده ام که کسی حافظ قرآن هستم و اینک می بینم که تمام سکنه این شهر حافظ القرآن هستند بعد از آن مرد پرسیدم آیا معنای این آیه را میدانی؟ او گفت خداوند میگوید ای فرزندان آدم هنگامی که من خواهم عهد عبادت کنید زینت خود را بپوشید و بخورید و شراب بنوشید اما اسراف نکنید زیرا خداوند کسانی را که اسراف می کنند دوست ندارد.

یوگا

۲- بلند شوید و به حالت اولی برگردید • دستها را
تکان دهید و استراحت کنید •
هدف عمده :

سینه • بازوها و شانه را تقویت مینماید •

- ۲ -

فوتوی شماره (۳۷)



فصل هفدهم تمرینات زیبایی اندام برای تمام بدن

در سلسله تمرینات فیزیکی یوگا تمرینات بسیار موثر و مفیدی برای زیبایی اندام وجود دارد که زیبایی اندام را به سطح خیلی عالی تاء مینماید • برای هر قسمت بدن یک یا چند تمرین وجود دارد و آن چه که در زمینه مورد توجه بیشتر قرار میگیرد این است که هر پوز به صورت کل بالای تمام قسمت های بدن اثر میگذارد درست مانند فیته را بری که با وارد ساختن قوه در یک طرف آن تمام قسمت های آن به اهتزاز در میاید • بنابراین یک پوز شاید بالای یک قسمت مشخص بدن متمرکز باشد ولی تاء ثیر آن را بالای تمام قسمت های بدن نمیتوان نسا دیده گرفت • درین فصل تمریناتی پیشکش میگردد که در تقویت و زیبایی اندام شما از سرتابه پا کنگ شایانی خواهد کرد •

تمرین قسمت علیای بدن

هدایات :

- ۱- بالای دستها وزانویهای تان انکاء کنید طوری که دستهای تان در حدود دو انچ بیشتر از عرض شانه ها از هم فاصله داشته باشد •
- ۲- ساقهای پاها صوری قرار داشته باشد که در قسمت بجلک ها یکدیگر را قطع نمایند • طوری به پیشرو خم شوید که وزن بدن تان بالای زانویهای تان قرار داشته باشد • تنفس کنید •
- ۳- نفس بیرون بکشید • کمر و سر را راست نگه دارید و آهسته آهسته بدن تان را به طرف پایین بیاورید • و این حالت آرنجهای تان باید به طرف بیرون قرار داشته باشد •

- ۴- هنگامیکه بدن تان نمیی از ارتفاع قبلی بدن وسط فرس رسیده • این حالت را برای (۱۰) ثانیه حفظ کنید • نگذارید که قسمت بالای تنه تان بر سطح فرس تماس کند •
- ۵- بصورت کل یکبار بر سطح فرس بچسبید • حالات شمارش چهار استراحت کنید •
- ۶- نفس بکشید • بدن را با فشار بر فرس بچسبانید و بعد تا نیم ارتفاع قبلی بر خیزید • این حالت را باز هم تا (۱۰) ثانیه نگه دارید •

تبصره :

صعی کنید در جریان اجرای این تمرین کمر را راست نگه دارید •

تمرین خرد ساختن بطن

هدایات :

- ۱- پشت بر زمین هموار دراز بکشید و هوله را زیر قسمت سفلی کمر تان قرار دهید • دستهای تان را در حالی که انگشتان تان با هم بسته باشند زیر سیر قرار دهید •
- ۲- ساقهای تان در قسمت بجلک ها یکدیگر را قطع کنید • زانو ها را فات و پاها را بلند کنید • قسمت سفلی کمر را خوب بر فرس بچسبانید • تنفس کنید •
- ۳- نفس بکشید و درین زمان قسمت علیای تنه و لگن خاصره را از فرس بلند کنید طوری که آرنجهای تان به زانو های تان بچسبید •
- ۴- تنفس عمیق اجرا کنید و این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید •
- ۵- آهسته آهسته به حالت اول برگردید و استراحت کنید •

فروشگاه ولی حاجی

ناب ترین فلمهای ویدیویی گلچین
لپتو، دري، هندی، عربی و غربی آماده
فروش دارد، همچنین فلمبرداری متعلقه
خوشی شمارا با شرایط سهل میبذرد.
آدرس، چارراهی انصاری، شهرنو



گفردنی بسن
آدرس، چارراهی انصاری، شهرنو
فلمبرداری متعلقه
خوشی شمارا با شرایط سهل میبذرد.

آریانا مارکیت

تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکیت که تازه به فعالیت تجارتي آغاز نموده، اجناس از قبیل لوازم منزل و

لوازم آرایش، لباس، مردانه، زنانه، طفلانه، ظروف بچگی

تلویزیون و غیره اجناس را طور عمده و پرچون برای مشتریان

محترم عرضه میدارد.

آدرس: ایستگاه و افغانان تعمیر سابقه افغان اعلا



هفت سال...

سالم شاه به خاطر فکستوری چندمهره متون فقرات و فلج قسم هر دو را که از کم برای یکسال در هفاخانه داخل بستری ماند.

یکسال هفاخانه هم صبری شد اما سالم شاه چیزی را که از دست داده بود به دست آورد نتوانست.

سالم شاه مدتهای را در چکوسلواکیا و هندوستان نیز به خاطر تداوی خود (به پول شخصی) سرگردان هفاخانه ها بود اما او که هم اکنون نیز در هفاخانه ویزراکیرخان تحت تداوی منظم قرار دارد در صورت موفق ارام و ماهمات در وجود او از دل شکسته گی و ناامیدی چیزی وجود ندارد.

در سال ۱۳۶۰ از دواج نموده و هفت سر دارد. روزها روی منزلش می براید و آنجا که درستان نهر رودش منان و آب خانوادگی مختصرش را تهیه میکند از زنده گی شکایت ندارد و به روی همه تأملیات امیدوارانه لبخند میزند.

در اوقات فراغت به افکار راحت و همت بلند به کسورس لمان انگلیسی میبرد و میباید هنوز جوانه این آرزو را و صفت که باردیگر جهت تداوی بد خاطر از کشور برود.

که بزودی زینت بخش سینه این ورزشکار افغانی خواهد شد.

دیگر به شروع مسابقه صرف پوست و چهار ساعت با قسی مانده است.

روز و شنبه دو بار در هم دو ۶۶ بود. عقربه های ساعت دو باره ظاهر نشان میدادند و ناگهانی در مورد سلم شاه مسافرت و اشتراک در مسابقه همه چیز در گریه شد.

در محل ترمین (کمیته ملی - المپیک) ناگهان سرور صدای عجیبی به راه افتاد. همه از یکدیگر میپرسیدند: سلم شاه؟ آیا باز اتفاقا شده است؟

تعدادی از حاضرین به سوی سلم شاه که در وسط میدان بهوش افتاده بود و تعدادی دیگر نیز دستهاچه اینصورت نمودند و دیدند...

باید اکثر اخبار کرم... باید او را به هفاخانه برسانند. سلم شاه سلم شاه.

جرات برانگیزه بی به هم می میختند هر کس چیزی میگفت و کسی که از گفتن مانده بود سلم شاه بود...

داکترهای معالج در اتاقی کفرانس در حالیکه به عکسهای بیمارشان اشاره میکردند نظرتهای شان را رایج کردند: در اثر ضعیف و آرد در درجه ان ترمینات صوری و ورزشکار ر...

ایطمان تان چیست؟

اموزان مقایسه کردند ۱۰ آنها در هزار بار بیشتر نمره کثرتی آورده بودند (۱۰ یا کمتر) ولی در امتحانات مکتب نمرات خوبی داشتند. اعضای یکی از این دو گروه را به طور تصادفی انتخاب کرده بودند و گروه دیگر از لحاظ نسبت مطابق با گروه مورد بررسی بود.

در مورد اینکه چرا تعداد پسرهای که استعداد فوق العاده از خود نشان میدهند پیش از ختران است و پایی و گلشنین معتقدند که پسرهای ریاض به شتهای کفران محدود دارند نتیجه بهتری نشان میدهند. آنها به تحقیقی دیگر از بعضی محققان اشاره می کنند که دختران در شتهای که زمان در آنها دخالت نداشته باشد نتایج مشابهی بزران به دست آورده اند. این دو محقق در پایان اظهار می دارند:

(وابستگی دختران بزمان، بسا که نتیجه تأثیرات ناشناخته خانوادگی و مدرسه ای باشند.)

به گفته وایی و گلشنین امید از دانش آموزان هر گروه چند ست بودند و در صد چند ستی در بین پسران هر گروه ۱۶ نمره بود. تحقیقات نشان می دهند که به طور کلی ۱۵ نمره از چه ها و نوجوانان چند ست هستند. ولی چند ستی ثابت که تا بزرگسالی ادامه پیدا کند حدود هفت نمره است.

یک سوم دانش آموزان گروه مورد بررسی در گروه های مقایسه آزری یا کم داشتند. معنی این آمار چندان روشن نیست. چون آماری از نیمی کسانی که در کل جامعه آزری دارند در دست نیست.

پاراست دست و مثلاً اسباب بازی را با دست راست میگیرند. یا چپ؟ بد نیست به میتوان از میزان صحت یا نادرستی نتیجه گیریهای مزبور آگاهی به دست آورد و بالاخر احتمالاً تا پیدی قطعی بر نظر به وراثتی بودن چپ دستی یا راست دستی در اختیار داشته است.

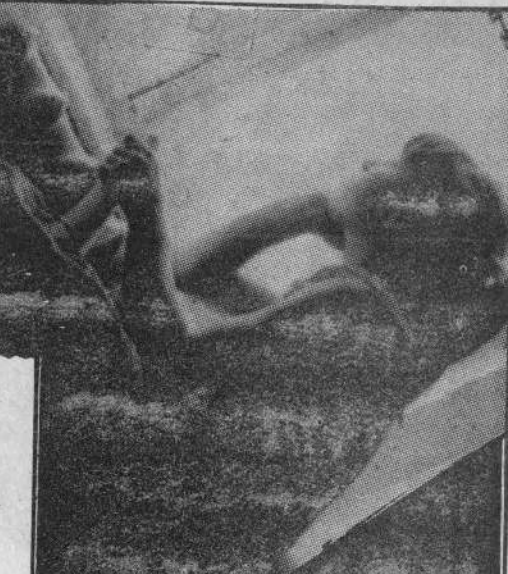
چند سال پیش تحقیقی در مورد موفقیتهای تحصیلی عالی به عمل آمد و چنین موفقیتهایی در نوجوانان ۱۲ و ۱۳ ساله یاد نشان ببولیونیک مرتبط شناخته شد: یکی چپ دستی بودن و دیگری الیونها. محققین این فرضیه را مطرح کردند که اگر چنین پیش از آنکه در مدرسه هر دو مردانه تستوسترون Testosterone قرار گیرد یا نسبت به آن حساس باشد، این نشانه های ببولیونیک در او تشدید و تثبیت میشود و در پسر ها به استعداد ریاضی و زبانی زود رس می انجامد ولی تحقیق دیگری که به تازگی انجام شد معلوم شد که در نوجوانان ۱۲ ساله با موفقیتهای فوق العاده، چند ستی یا الیونها پیش از نوجوانان همان آنها که موفقیتهای تحصیلی نیز دارند نیست.

جنیفر وایی (Jennifer Wiley) و دیوید گلشنین (D. Gold) از دانشگاه استاتین (Stein) در کلدرد در هام ۱۶ مه ۱۹۷۰ (۲۷ پسر و دختر) را که استعداد فوق العاده از خود نشان داده بودند (در آزمایش ریاضی نمره ۷۰۰ آورده و در آزمایش استعداد زبانی لااقل ۶۳۰ آورده بودند)، با دیگر گروه به همین تعداد و همین سن از این...

(ماوراء صوم) ایجابات یا تکرارهای بسیار ری اندران واداران بر طرف شده است. باشیوه (سونوگرافی) می توان فهمید که جنین پسر است یا دختر اما جالب توجه اینکه با همین شیوه ممکن است چپ دستی بودن یا راست دستی بودن بچه را نیز حدی زد.

پهتر هپر (P.G. Hepper) روانشناسی میزاد دانشگاه کویینز (در نیل فاست) و همکارانش ۲۶۶ جنین را سونوگرافی کردند و متوجه شدند که ۱۴۸ نمره از آنها انگشت شصت دست راستشان را می کشند و فقط ۱۲ جنین با ۱/۱۱ نمره از آنها انگشت دست چپ خود را می کشند. به گفته هپر (ما شواهد روشنی در مورد چپ دستی یا راست دستی جنین به دست آورده ایم) وی می افزاید که این نتایج بر نظریه وراثتی بودن چپ دستی نسبت به نظریه اکسای بودن آن تأکید بیشتری میکند زیرا نظریه دیگری هم وجود دارد و آن این است که طفل به دست پدر یا مادر نگاه میکند و کار کردن با دست چپ یا راست را فرا می گیرد. اگر تجربیات منور را قاعد لالت بر چپ دستی یا راست دستی بچه ها در برسم داشته باشند، این نظریه (آموزش اکسای چپ دستی) قطعاً رد میشود.

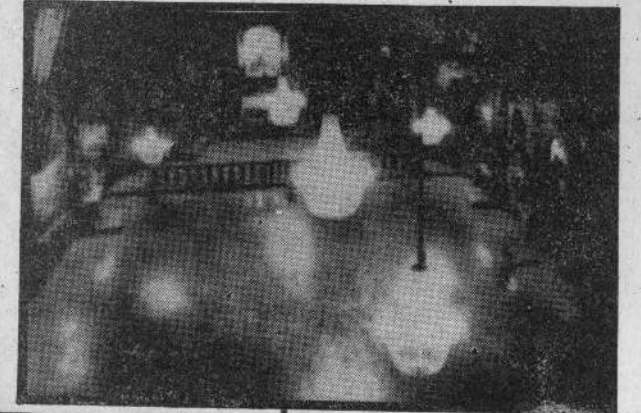
جنه های چپ دستی بعد از تولد و در دوران نوزادی بیشتر سرشان را به سمت چپ بر می گردانند و گفته هپر این یکی از علائم اولیه چپ دستی است. محققان مزبور در صدند تا وضعیت بچه های آزمایش شده را تعقیب کنند تا ببینند که آنها در آینده چپ دستی میشوند یا راست.



شماره های از کویکان در هفتکام نوزادی سر همایشان را به سوی چپ می گردانند که این یکی از نشانه های چپ دستی است.

تحقیقات نشان میدهند که به طور کلی امید از کودکان و نوجوانان چپ دست هستند. ولی (چپ دستی ثابت) که تا بزرگسالی هم ادامه پیدا کند تنها حدود هفت نمره است. چپ دستیهای چپ دست تولد و در دوران نوزادی، بیشتر سرشان را به سمت چپ بر می گردانند که به گفته دانشمندان این یکی از علائم اولیه چپ دستی است. برای بچه ای که فرار است به دنیا بیاید چه لباس تهیه کنیم؟ دختران به پسران؟ امروز با امواج صوتی غیر مسموم

چپ دستی
و استعداد
فوق العاده
با هم رابطه دارند.



راه خود جلب میکند، بهیچ موزم همگرت تداوی و امید روزی استفاده به عمل می آید. ما بیشتر آنها از بد به این طرف پسرهای در این منطقه به راه انداخته اند که در نتیجه امراضی چون روسا، تنب، حاسنهان معیسی از امراض جلدي و ضربه سر در تداوی قرار میگیرد. هملاوه بر آن در این انواع اقسام بکهای کمپاری و صنعتی و لابراتواری تولید میشود.

از یاد به عمل آمد چنانچه در سال ۱۹۷۰ هشت صد هزارتن از آن دیدن کردند. از قرن سیزدهم تا قرن بیستم هنگامیکه استفاده از مملتن مذکور صورت گرفته، همه اش بر مبنای میتود های استفاده از ارمادان استوار بوده است. به این ترتیب مقدار نمک حاصله از آن در جریان هفتصد سال به بیست و پنج میلیون تن میرسد. به هر حال از بخش معدن کهن که توجه تورستها

زیرزمینی آن بیابانزنده گی سمنوی عقاید رسوم و عفته های مردم آن میباشند از همین سبب متخصصان یونکو در سال ۱۹۷۰ معدن کهن کویرا در دست انتخارات کلتوری جهان شامل ساختند. باید گفت که تا چند سال اول جهانی بیشتر دانشمندان و هنرمندان از آن دیدن میکردند. بعد از جنگ دوم جهانی در تعداد تورستها که به خاطر دیدن معدن مذکور می آمدند

در اینجا وجود دارد البته در اروپا دیگر ساحه بی وجود ندارد که از نظر موجودیت سامان آلات چنین غنی باشد. یکی از گرانیهاترین آنها وسیله بی است که به قرن هفدهم مربوط میشود و وسایل گدن کاری، چراغها، وسایل ترانسپورتی و قهره خیلی دلچسپهاست. معدن وینسکا از نظر هنری نیز غنای لازم را دارد. این معنی که عباد نگاه

دلچسپ می باشد. این معدن توجه تورستها را به خود جلب کرده و حتی در اروپا از جمله کهنترین معادن به شمار می آید. از قرن سیزدهم میلادی به این سوا معدن مذکور استفاده به عمل آمده است. معدن مذکور حاوی یک کیلوگرم تاریخچه نماد نپولند است. وسایل و سامان آلات ابتدایی تمدن که برای استفاده از معادن به کاربرد میشوند.

معدن نمک

در نولند ناحیه بی کهننا به نامک با د مهوره در ارایه معدن نمک است که از نظر تاریخی خیل

آریا پامیر لمتد

یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

در فاقر و منازل شما همیشه ترمی افزاید.

اگر میخواهید اتاق های نماز از زیبایی خاص بخشیده آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ بابرتیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنک وات منزل اول آریانا مارکت تیفون ۲۳۷۴۷



فروشگاه جواد

این فروشگاه نمکترین پتلوهای کادوبای مردان ، درشی های طفلان ، جپر کادوبای مردان ، جکت دامن ، اقسام بوت زنانه ، سبیر مردانه و نسب ، قلم لباس های مورد روز را تازه دارد و قیمت نازل برای مشتریان عرض میدارد .

آدرس : فاریاب مارکت زرغون میدان تیفون ۲۳۹۱۲



سوپرا تلویزیونی که از روی داشتن انرا بدل دامتند ه
 سوپرا تلویزیون مقبول مطابق خواست شما با با چه تعداد اجناس از این
 ۱- دارای دوش پشه بوده کشفیه اولی بویلاوه محافظت شیشه اصلی تصویر رابطه مجسم
 و تصویر را بهتر نکمیدارد
 ۲- بطور اتوماتیک در ولتاژ های ۱۶۰ تا ۲۶۰ ولت عیار گردیده و فعال میشود
 ۳- به سیستم Pal B/G Secam BGDK بوده و ازین نظر دارای امتیاز
 خوب است
 ۴- در ۳۰ کانال کار میکند
 ۵- قیمت آن نسبت به همه تلویزیون های جاپانی نازل بوده و خیلی اقتصادی است
 شما میتوانید از دوستان تان اگر ازین تلویزیون داشته باشند اطمینان خاطر حاصل کنید
 تلویزیون سوپرا را از فروشگاه مسکن باقیل شاروالی بل پهلوی فروشگاه دیپلایت بدست
 آورید . تعداد آن کم است . فراموش نکنید سوپرا بادوش پشه و محافظت شیشه دارای قیمت
 کنترل

تایر تیوپ لیس

شما که بخاطر تایر های جدید انتظار می کشید به مطمئن ترین تایر را جستجو می نمودید حال می توانید
 مطمئن شوید این تایر ها که از شهر ترین کمپنی تازه وارد گردیده در خدمت شما قرار دارد .
 این تایر های تیوپ لیس ضد پنچری و دفع کننده فشار ضربه میباشد . تایر های تازه وارد از سایر تایر ها ارزانتر
 بوده و به اقتصاد شما کمک میکند . این تایر ها چندین برابر تایر های بادی عمر دارد مطابق استاندارد بین المللی
 ساخته شده . ازین تایر ها برای کراچی های خاک ریز و کراچی های حمل و نقل اموال و ماشین های سیار استفاده میشود .
 این تایر ها برای شهر ها و قصبات کشور یک محصول مطمئن است
 ازین تایر استفاده نمائید و برابر همیشه از پنچر شدن و سوراخ گیری راحت باشید .
 آدرس فروش :- کابل حصه اول جاده نادرینتون محمدی مارکیت دوکان غلام رضا
 سالنگ واپ چهارراهی قوای مرکز سرای حاجی محمد عطا دوکان محمد رضا ، ریا

تلفون ۳۴۹۸۱

عمال بیخوابی و رفع آن

(۵) سردرد شدید (۶) بیماری های عفونی و غیره.

رفع بیخوابی: (۱) یک ساعت قبل از صرف طعام در هوای آزاد گردش کردن. (۲) برطرف کردن هوای نامساعد و مرصدا. (۳) زیاد از اتاق خواب. (۴) مطالعه کتاب فحش بخش قبل از خواب (۴) بیرون کردن تمام افکار ناراحت کننده با زسر. ارسالی: عبدالمجید مشفق

از میان د معامل بیخوابی میتوان ازین عوامل نام برد: (۱) ناراحتی فکری (۲) سرو مدای زیاد در اطراف محل خواب (۳) هیجانات روحی (۴) ترس (۵) هوای نامساعد اتاق خواب (۶) خوردن غذای نامناسب قبل از خفتن و بالاخره مبتلا به یکی از بیماری های زیر: (۱) بیماری های معدده ووده (۲) سل ریه (سرفه-تپ) (۳) پرخونی یا کم خونی مغز (۴) درد های همی

محترم محمد قبی (اسمه پوشا) مطلب راجع به روز مادر، روز پدر برای ما رسید، یعنی پنج - شش ماه بعد از روزها در آینده اگر این گونه مطالب میداشته باشید، لطفاً آنرا - شش ماه قبل بفرستید.

از شما تشکر! رنگه پوشا باشید. - همکار خوشذوق مرحوم کیوم اصغری از خصه دوم خیرخانه از دستگارت زیبایی تان تشکر ولی ندانستم، که نوروزک ام سال را تبریک گفته اید؟ به هر صورت از شما یک عالم ممنون! ماهم عید سال آینده را از صم (دل) برای تان تعین عرض میدارم.

- همکار خوب میثاقیه دوستدارا بهتر است خود شما تشرف آورده، سرگذشت تان را برای ما قصه کنید؟ زیرا خواندن کی بود مانند نشنیدن.

- محترم با صبره حامد زاده از نامه طولیل تان یک نکته ریگ حکایت کوتاه را انتخاب کرده ام:

- تحمل بهترین صفت است اما زنده گی آن قدر کوتاه است که مجال تحمل را نمیدهد. - همکار عزیز کاره سلجوقی از لیمه استقلال.

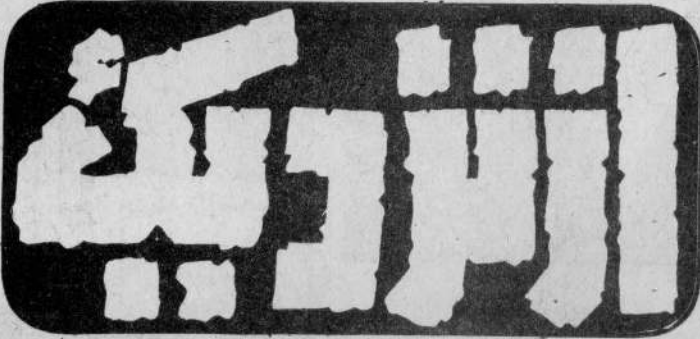
ما منتظر مطالب جالبی و بلاستیک بیچ تان هستیم - محترم بهران ابدالی.

از شما نامرزیبایی را مطلع کرده ام، شما هم بکشید همیشه اشعار زیباراهه مطا - لعه گوید (منتظر اشعار د پگرتان هستیم. - همکار خوب شازیه نوا.

سروده (رخت سفر) تان بالاخره برای ما رسید از این که امکان نشرش جوانان را ندارم، خدا کند که رخت همگاری تان را از مجله برنجینید.

محترم احمد جانید شعری از خیرخانه.

به پاسخ سوال تان نزد یک بین عرض میدارم. ازین که تیل نیست گزارشگران ما نمیتوانند توسط پایسکل، به خارج رفته هنرمندان و روزشکاران مشهور دنیا را ملاقات و همرایشان مباحثه نمایند از شما تشکر.



پروانه عاشق چرا شمع السلت

پیش اید با حفظ زاویه ثابت زومرود لخواه پرواز نند. اما در شب وقتی که پروانه میکوشد از یک منبع نور محلی - مانند شمع یا چراغ برق استفاده کند دچار اشکال میشود. زیرا فقط در یک صورت میتواند طبق فریزه زاویه زاویه پرواز خود را نسبت به اشعه نور ثابت نگهدارد و آن انتخاب موه را موهی است که به تدریج کاهش یافته و شعله شمع یا چراغ برق ختم میگردد. ارسالی: عبد القاسم سنکمن

عشق پروانه به شمع که الهام بسیاری از شعرا مشرق زمین است، یک توضیح علمی بسوار ساده دارد. قاعدتاً پروانه ها هنگام پرواز در روز از نور خورشید به عنوان رهنما استفاده میکنند، پس پرواز آنها طوری است که به سمت اشعه خورشید یا زاویه ثابت وکتواخت به چشمشان برخورد مینماید. البته چون فاصله خورشید با پرواز بسوار زیاد و تقریباً در حکم بی نهایت است. حشره وون آن که مشکلی برایش

- همکاران خوب مجله نجایی و صوفیا نجایی از نور محمد ناصینجا. از سخنان طلایی، دوی ان ر نشر میکنم. منتظر سخنجان العالی تان هستیم. - در تن نحیف میتوانید اندیشه های هنرزی مسکن بگرد. - یک ساعت زنده گی با افتخار و شکره به یک قرن گمنام زیستن می ارزد. - دوستدار مجله مرسم غیبی کارمند وزارت آب و برق! میکوشم تمام نظریات شمارا یک صد و یک فیصد عملی سازم. - محترم سلطانه از زنگر زبانی! این هم از نامه شما: - اگر میخواهی به دروغ بگردی بدی، همیشه راست بگو. هر وقت تصمیم گرفتید، درهای تردید را ببندید. - همکار دایی عشیق الله سخن زاده.

شما حال این نهاد کردید ما قبل از پیشنهاد تان آنرا - ز نظر گرفتیم و اینک صفحه سلام بچه ها و سلام دخترها همانست که میخواهید از شما تشکر. منتظر نظریات سازنده تان هستیم. - محترم علی محمد احمد یار محصل بولیتخنیک کابل! ای کاش لطف و مهر بانی کرده تدریس کنید که این فنون زبانی نژاد ما، نه نهن کینت!

- دوستدار مجله فوزه سا - دات از لیمه محمود هوتکی: اگر از نزدیک بین پاسخهای جالب را انتظار دارند در نامه های آینده، تان لطفاً سوالات جالب بطرحید. - محترم مریم عبیدی کارمند وزارت آب و برق.

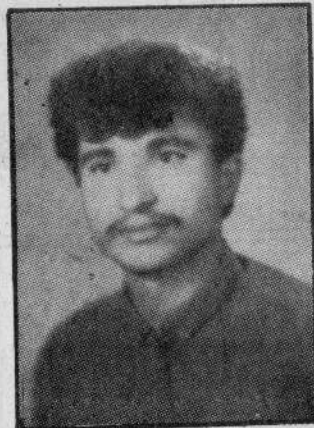
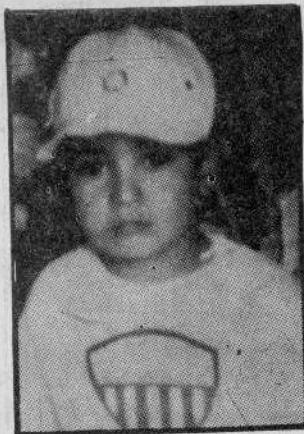
شعر بهاریه تان در تانستان برای ما رسید. نزدیک بین به شما مشوره میدهد که بعد از خواندن این سطور لطفاً آستین هارا بالا بزنید. مطالب زیستانی نوشته بفرستید، آن گاه بدین بها - نه بی نشر خواهد شد. - همکار عزیز هنر فرم حاصل انستیتوت طب کابل. فال تان را به فالبین مجله سپردیم، فال ببینید که نشر میشود یا خیر.

♦ ۸ ♦

چرا هنگام صحبت تلفونی هار میگزیند؟

چرا هنگام صحبت تلفونی
(هلو) میگویند ؟

نخستین کسی که به
فرستادن یک پیام تلفونی
توفیق حاصل کرد ، یک مرد
مجارستانی به نام شیواد اینوش
کاش (در زبان مجاری (هالو)
یعنی آیا میشنوی ؟ گفت . و
همین کلمه بود که به تدریج
به (هالو) و بالاخره به
(الو) تبدیل گردید . برای
همیشه در صحبت تلفونی به
کار رفت
ارسالی : حیات الله زر -
ش دولت زنی



فرهاد جان علاقمند
مجله سپا و ون

قیام الدین غوثی از جنگلک
کابل از همکاران خوب و
دایمی سپا و ون

— همکاران دایمی ظاهره
قلندری و ناهید قلندری از شهر
بلخمری !

دوستان عزیز ! قابل
تشکر نیست . این وظیفه
دورهین است . به همه حال
از این نامه تان این نکته ها
را برمیگزینم .

— نفرت و کینه هرگز به
وسیله خود شرف نمی شود بلکه
باعشق زوده میشود .
(پورا)

— از دشمنی که با توجه و
ستیز میکند ، هرگز هراس
مکن از دوستانی که به تو
تعلق میکنند سخت رحمت
کن
(ژانبل اوپرگون)

و در همین صفحه قلماطلس
در مورد خواب داریم . از
شما به اندازه گله های تان
تفکر و خواب شما خوش
هنگام همیشه کی محبوب الله
کوهستانی از ولایت پروان ازین
که از راه دوری ، نامه ارسال
کرده اید ، اینک از آن یک
بیت را انتخاب کرده ، نشر
میکم .

از وطن گنتم مسافر
بی دایره راه بین
سکم روانه اند این
بی وقاری راه بین
همکاران ایی مجله عادل
نروپ از شهر مزار شریف
افسوس افسوس ، شما که استعداد
خوبی در صورت شعر دارید
سازمانکات خوبی در شعرید
شعر ندارم . به هر حال
استعداد تان قابل آفرین
پاد است ، آفتاب زنده کسی
تان همیشه در وطن بهاد
همکار حتی ضروری مجله
لیلا سمات از بوختن بلخ
از نامه ها پتان دورهین به
اندازه سلیقه تان تشکر
میکند مگر شرط آن که نامه
های آینده ، تان خالص
از وطن و وطنز باشد .

از دور

— محترم عبدالله باختروال
محصل تخنیک نفت و گاز
مزار شریف
گله های تان سر چقم دور
بین . اما به سر گله های سرخ
وسپز تان قسم که ما همیشه در
این صفحه از شما یاد کرده
ام . ولی این که شما متواتر
شماره هارا تعقیب نکرده اید
گاه نزدیک بین و دورهین
نست همین لحظه بالای میز
دورهین سه نامه شما چار
زبانو نوشته است که در یکی
آن گله در یکی آن عکس و
در سوس هم مطلبی در مورد
" خواب " نوشته اید . و پس
تا ه سف باید عرض به دارم که
این مطلب تان در همین شماره
قابل چاپ نیست . زیرا در
صورت نشر صفحه خواب السود
مشود یعنی در همین شماره

همکار خوب ما ناخوشه
چین از سوالی اند خوبی
امید داریم در نامه های آینده
تان چیزی برای جیدن وجود
داشته باشد .
— محترم روحگل افشار
از بلخمری !
دورهین به سرزند یک
بین قسم خورد که نامه تان
نرسیده و اگر رسیده ، مطلب
تان تکراری بوده ، در غیر آن
ما به اساس نیت از تمام عزیزان
و دوستان مجله را که لطف
کرده مطلب میفرستند ، به نشر
میوسانیم ، اگر باورند ارسال
امتحان شرط است .
محترم محمد حسین هنر
بازار حصه دم خیر خانه ولایت
چوزجان نامه تان جالب بود
آدرمر تان جالب بود ، سو
الات تان هم جالب بود .
ولی افسوس افسوس که دورهین
خط خوانای تان را خوانده
نتوانست .

بازگشت به سر

وقاحت گفت مرا با شاه
و اشتیاقات بیارید
ردالت گفت مرا با خلمست
فضیلت افشار هد
خیالت گفت نتاج امانت بر
سرس نهید
ظلمت گفت از جور عدالت بر در
سرام باورند
تکر گفت : برآیه زهر تراصع
سها کسی کیند
حق درین میان گفت : مرا برهنه
گدا رید و سوزای بی برین
مینه بد من از ره کسی
شرمسار نیست
ارسالی :
رحمت الله رضایان بلخمری

حل کنید و جایزه بگیرید

گردآوری و تنظیم از لطیفه (سیدی)

سبک‌دلان

شا



پندرسین

ها

میروی :

- ۱- کاشف گردش زمین - ترک کردن است و در جنگ آتش بس را گویند .
- ۲- همان عشق است - ایضا پاهوروت - پایتخت اروپا می عمله ایست دز حساب .
- ۳- ضعیف و ناتوان - برای مهت می خوانند - آرزوست و کمال مطلوب .
- ۴- مردی سوار بر اسب مجله ایست در شهر کهنه چهار و اشیا .
- ۵- خوکان را عرب گویند قرض نک در ازترین شب سال .
- ۶- از بازمانده گان هتلمی که زندانی شد - السنه جمع آنست - حرف دهم الفبای آلمانی .
- ۷- بنای عشق درهندستان پایه حیات مقدار عمر .
- ۸- امر خارق العاده ایکه از کسی دیده شود - مقنا طیس .
- ۹- حمام آن معروف است نصیب و بهره و هم قسمت کننده را گویند - می آموزاند
- ۱۰- حرص و طبع - در را

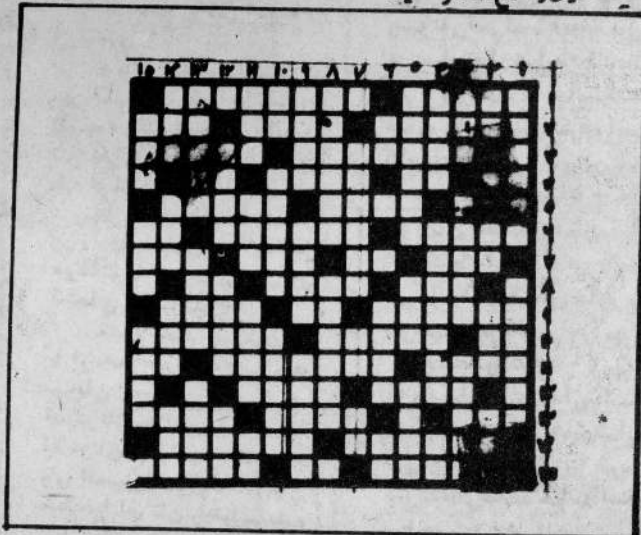
به ان اشترین می گویند - منزل برای آنست .

- ۱۱- مادر اصطلاهی - اگر "ها" میداشت نام یکس از اشد ما رفروغ فرخزاد میشد .
 - ساده است و خلاف مرکب حرارت غیر عادی بدن .
 - ۱۲- مقصود و خواسته شده از قهرمانان شاهنامه - و سهله کار همزم شکن .
 - ۱۳- مداین جمع آنست پایتخت چکوسلواکیا - علف و نبات .
 - ۱۴- اولین پادشاه افغان - نستان - از مالک عربی دارایی و کالا - از انطرف خورشید است .
 - ۱۵- خو گرفتن - از فلزات پشت آب آن بیل بگیر .
- افقی :

- ۱- میله آن معروف است علم طبقه بندی اجسام حیه .
- ۲- داستان وقسه را گویند که رچه - خونها .
- ۳- اولی تنهات و دومی درگاه را گویند "دوکلمه" خر بظه که دران پولس میزند

- ۴- شما به لسان بیگانه فیلسوف حیوانات - ورم و پندیده گی - نصف رندی .
- ۵- همنش صابون - جدا جدا نیست - قساد است و فنا .
- ۶- بلبل داستان آنست بسا تکرار حرف آخر - قناعت کرد است .
- از خسرات ناقل مکتوب در - پختو .
- ۷- رسوا کردن و دریدن پرده رحمت الله علیه - گرم نیست بصحت و اندرز .
- ۸- تیز ورنده - همنشمن آستری - تکرار یک حرف .
- ۹- از پیشاوند ها است خندان و خنده روز را گویند .
- ۱۰- شخص سوم بفرد - شوخ در روز با چراغ بدنالش بود نجات یافته است و تخلص یکی از هنرمندان گروه گل سخ .
- ۱۱- داستان و افسانه پها میریکه پسرش چاه زمزم را پدید آورد - عشق به لسان بیگانه .
- ۱۲- مرهون و گروگنداشته شده - هرچیز گمتر ندسی را گویند .
- ۱۳- وظیفه معده - رفیق و دوست در اردو - مکرر .
- ۱۴- خلفای آن معروف است تکرار آن را گناه پنداشته اند .
- ۱۵- جمع شهره تخم - مسکه و امثال آنرا گویند - ازجا - لات دریا - هم صحبت رای در کلیله و دمنه .

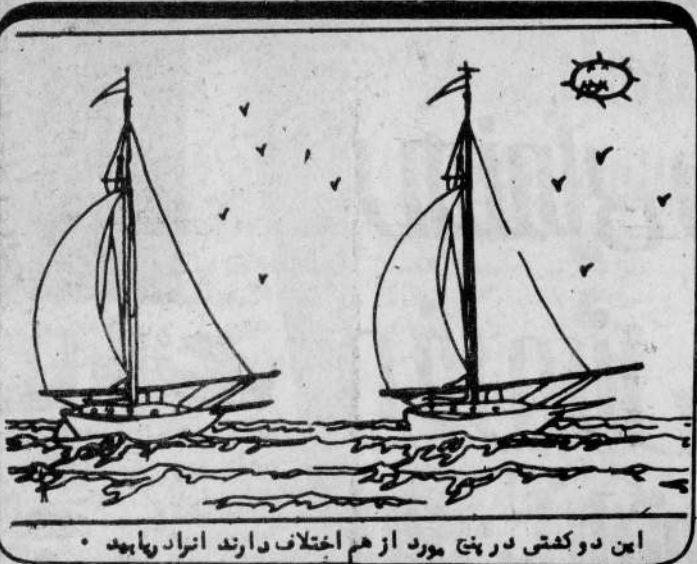
طرح جدول از : بیگانه



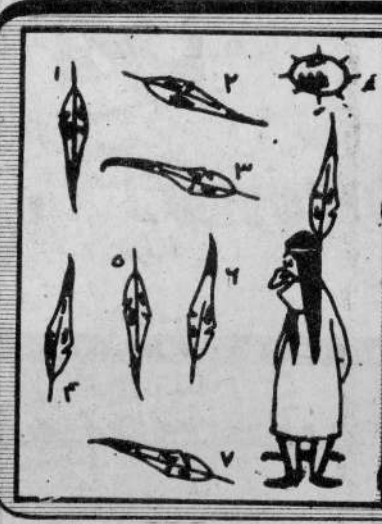
پایان بدهید و جایزه بگیرید

شماره مطالعه فراوانی

- خربکس اثر کدام نویسنده است و محتوای آن از کدام موضوع بحث می کند ؟
- شب چراغ اثر کدام نویسنده است ؟
- نویسنده کتاب و موش ها کوش دارند کشت و مطالب آن روی کدام موضوع مچرخد ؟
- جلوه های زیبایی در هنر مربوط به کدام نویسنده کشور است و پیرامون کدام موضوعات معلومات آرایه میدارد ؟
- مر بای مچ مجموعه طنزی کدام طنز نویس کشور است ؟
- داستان درز دیوار روی کدام موضوع نگاشته شده است و در ضمن نویسنده آن کیست ؟
- و افتاب نمیرود مجموعه شعری کدام شاعر معاصر کشور است ؟
- گزارنده مجموعه قصه های اسطوره شهادت به دری مر- بوط به کدام چهره کشور است ؟



این دو کشتی در پنج مورد از هم اختلاف دارند انفرادی بایند .



در میان این برگها
کدام پرمانند است
که بر سر این شخص
دیدار شود ؟

مصراع اشعار شاعر تو انا مولانا بلخ را تکمیل نمایند

- تو هنوز ناپیدی توجمال -
خوندیدی
سحری چو برای
- حق ترا از جهت
اوردت
فتنه و ثور قیامت نکسی به -
چس کسسی
- بالله که شهر به تو مراحس می -
شود
..... و بهایانم ارزوست
- چو غلام به طریقه
ترجمانی
به نهان از او بهرم به شما -
جواب گویم
- فلك زهر بهاوردت
و روز
من شکراندر شکراندر
شکرم

اداره مجله سبادون برای برنده گان این صفحه
جایزه های عالی در نظر دارد .
در هر شماره برای سه برنده تحلیف متمناز داده میشود جایزه
های این شماره کتابچه های پس انداز بانک ملی فغان
در نظر گرفته شده که ریاست بانک ملی با صمیمیت
ببسترش مقرر داده است .



برنده این شماره



محترم ژلا نوری محصل سال اول پوهنشی حقوق و علوم سیاسی
پوهنتون نابل ، که همیشه با مجله دوست داشتی خوشش -
سباوین همکاری دارد ، با حل جدول سرگرمیهای مجله تو -
نست جایزه بی این صفحه را که یک جلد کتابچه پس انداز
بانک ملی است نصیب کرد . که ما با صمیمیت این تحفه را
به وی تقدیم نمود و اظهار سپاس مینماییم .



رهنمایی در خرید و فروش خانه زمین آپارتمان و موتور

رهنمای مساعلات

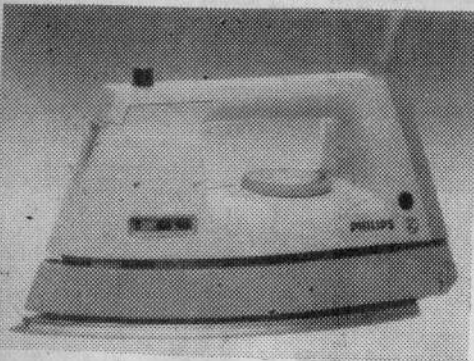
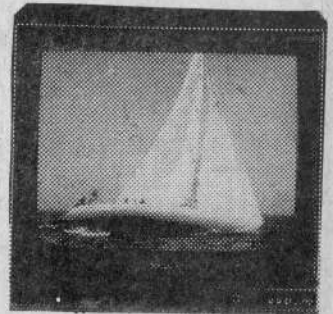
روح الله تقیری

آدرس:

شهر نو چارراهی حاجی یعقوب
متصل مسجد جامع شیرپور
تلفون ۳۲۵۲۹

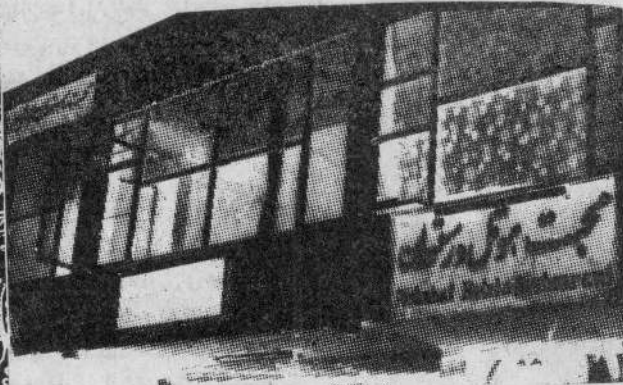
فروشگاه فلیس دلیات

فروشگاه دلیات شیک ترین اجناس
را از مشهورترین کمپنی های جهان با تنوع و دورد
نوده و بهار شتر باغ عرضه میگردند.



توزیع کننده فلیس اتوماتیک ریپورت کنترل دلد - سایز های مختلف با یکسال
گارانتی، دیر دوکت شارپ چاپر مدل VC-M730E اتوماتیک دلد از قیمت عالی سیستم
ریپورت کنترل دلد، اقام رادیو کت، اتوموبیل اتوماتیک فلیس، بادبک سرسبز، توزیع کننده اسفنج و
۱۱۵۲۰ رنج سیاه سفید بنت اتحاد شمدر. آدرس: مقابل نبادالی کابل محمد جان خان ۱۱

دستورات محبت



ما نبردیم و شیری خوریم غیره می فرمایند تا دل در دستورات محبت بگذارد.
 تا نید... دستورات محبت با محبت خایم در شرط... نخبه میور غدا خوب
 رعیت... در بهما... خلیف... در اول...
 پنجشنبه دستورات محبت هر روزه از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۲ ظهر
 بجا می آید... در خدمت... شهر...
 آدرس: حادول جاده میوند تقاطع... قصد... پرچم... ۲۵۷۶۶

اگر قصد سفر دارید
 در بسته های خمیله آرام
 دست تریج ۳۰۳ سفر
 کنید.



بازار کبچ بخیر بس شمارا
 از کابل به پمخری بستمنگان
 و مراد شریف مع الخیر میرساند
 آدرس:
 کابل - ساحه واقفانان و پل خشتی

سفر
 بازار کبچ
 بخیر

تلفون ۲۱۷۸۴

ضرورت نیست هر کار را بجز در
خوش انجام دهید . در زندگی
کی باید این حقیقت را در نظر
بگیرید که خوبی و بدی ، زشتی
و زیبایی مانند روشنی و تاریکی
وجود پیدا می کند و لذا شما درین
میان به ارزش نیکی ها پی برید
درین روزها ملاقات مهمی در
پیش دارید که در سرنوشت
عشقیشان تاثیر دارد . از
خود مواظبت داشته باشید .

میگویند برد باری در آسمان
پش را باز میکند . توجه داشته
باشید ، مقاومت شما موجب میشود
که شما در برابر دشوار تر شدن
مشکلات زندگی پیروز شوید .
به عشق باورتان را نگهدارید
به زودی یکی از بزرگترین آرزو
هایتان برآورده میگردد .



میگویند مصیبت دم دارد و
یک بدبختی به بدبختی دیگر
دست میدهد اما با این همه
سلسله بدبختی ها بس یار دارد از
نیست شجاعت شما میتوانستند آنرا
کوتاه سازد اعتماد کنید و نسبت
به آنکه باور دارید مظنون نباشید
شاید . او نیز علاقمند و عاشق
شماست فقط باید او را درک
کنید .

بسیاری هادر جستجوی عشق
بودند اما خود را کم کردند
و آنچه را که میخواستند نیافتند
زیرا اراده شان قوی نبود ، شما
میتوانید عاقلانه تر بیاندیشید
ممکن است درک شما احساساتی
باشد . در استان خوب راد رو
روزهای بد آزمایش کنید .
کینه نسبت به عزیزان تا ندر
دا نگیرید .

عاقل آنچه را میدانند میگویند
و نادان آنچه را نمیدانند میگویند
ید ، ازین سبب از اطرافیانسی
که شما را با حرف های جور و
ناجور ناراحت می سازند آزرده
نباشید بلکه فکر کنید هر کس
نظر خود را در آرد .
نامه یی به شما میرسد که
میتواند در سرنوشت عشق شما
اثر بگذارد . به دیدار عزیزان
تان بروید چون آنها به شما
نیاز دارند .

میگویند قول مردان چنان
دارد . سعی کنید به قول
خود ایستاده باشید همچنانکه
شما از آدم های دور و فریبگر
خوشتان نمی آید دیگران نیز
این صفت را در شما دوستی
ندارند . به ملاقات دوستی
مروید که برایتان خیلی خوب
شایند است . توجه کنید که
درین روز مواظب صحت تان
باشید .

توانایی در دانایی است
ازین سبب سعی کنید در باره
آنچه که با آن سروکار دارید
گاهی داشته باشید . قضا
وت عجلانه برایتان درد سر
های زیاد خلق میکند مخصوص
صا از نظر وجدانی ناراحتی
هایی شما را سرگچه خواهد
ساخت . بگذارید شما را دوست
داشته باشند این احساس
خوبی است .

میگویند نگذار زیانت گسوی
ترا قطع کنده انمان میتوانست
خیلی تند و خیلی زشت حرف
بزند اما زشت صحبت کردن
مفید نیست ، با صمیمیت به
دیدار کسی بروید که همیشه
منتظر شماست . مواظب باشید
که در دام فریب و اغوی ذهن
خود نیفتید .

اگر دوستی عمل است او را
نخور ، ضرورت نیست که محبت
و صمیمیت دوستان تا نرا مورد
استفاده سوء قرار دهید یا
تا مل در مورد سرنوشت خود بسا
اعضای خانواده تان تصمیم
بگیرید مخصوصا در تصمیم برای
ازدواج خود را با مشغولیت
های ناراحت کننده بیشتر ازین
ناراحت نسازید . موسیقی
میتواند شما را راحت نگهدارد

هر وقت نسبت به کسی بی
حرمتی روا میدارید در حقیقت
تخم کینه و نفرت را در دل او
زور می کنید . انسانیت مفهوم
بزرگیست که در آن احترام متقابل
بل جای ولایی دارد از عجله
در تصمیم خود داری کنید
اگر تصمیم ازدواج دارید خیلی
مناسب است که پیش از زمستان
عمل کنید .

دست سرنوشت همیشه میتواند
ند یا انسان بازی کند اما آرا
ده قوی میتواند انسان را از
موده ساخته و از مصایب هراس
نکند به زودی شما احوال
خوشی مبرسد و شما یکی از
دوستان دیرین تا نرا ملاقات
خواهد کرد . در تصمیم
گیری تان عجله نکنید همیشه
احتیاط را در زندگی جاری
راحت کنید .

موتورهای انصاری دوات



آه شما هم حفظ کنید، هر وقت تکیه در موتور هستی.
 آیا تا فضا در شهر، الگا، ماسکیوچ مدل ۱۹۹۰ را حاضر کرده اید؟
 موتورهای الگا، ماسکیوچ ۹۰ و موتورهای انصاری دوات تازه وارد نموده است.

شما از نمایندگانی این موتورها در چهارراهی انصاری شهر خود یاد کنید
 و موتور را بخواه تا آنجا بزنید مورد پسند انتخاب کنید. همچنین موتورهای
 انصاری موتورهای مدل جدید ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ بنز تویوتا و یک هیای
 مختلف النوع را بدستور دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط
 سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیاب شوند.

که سر لا بار دیگر بخاطر داشته باشید

تلفون ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهر نو

ADKU
سلسل
DS
350
220
v4 1 n4



یک شتر بزرگ
در فروشگاه بزرگ

فروشگاه بزرگ

افغان

معافلی خوشی تا انداز دستورا
فروشگاه بزرگ افغان بزرگ
نمایید تا خاطره آن همیشه باشد
بماند
وقت را بزرگ کنید

شما می توانید در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان را بپوشید
توید که کوشش خود را در شیل کردن فرودست خود بپوشید مناسب خریدار نماید

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**